



www.iranpl.ir



telegram.me/iranplir



instagram.com/iranpl.ir



p.r@iranpl.ir



aparat.com/iranpl.ir

## کتابخانه‌شناسی

### استان تهران - کتابخانه عمومی کوهسار

کتابخانه عمومی کوهسار تهران در سال ۱۳۸۴ و در فضای عمومی بوستان کوهسار واقع در شهرک رضویه (کاروان) تأسیس شد. این کتابخانه در سال ۱۳۹۴ بازسازی شد و هم‌اکنون با داشتن ۱۷ هزار منبع به بیش از ۱۱۰۰ عضو فعال ارائه خدمت می‌کند. این کتابخانه به بخش‌های مخزن، کودک و نوجوان، نشریات، تازه‌های کتاب و دو سالن مطالعه مجزا مجهز است و همه‌روزه از ساعت ۷:۳۰ صبح لغایت ۲۰:۳۰ به ارائه خدمات کتابخانه‌ای می‌پردازد. کتابخانه عمومی کوهسار در بوستان کوهسار شهرک رضویه (کاروان) تهران واقع شده است.



طرح: احسان گنجی، ایران  
سومین دوره دو سالانه کارتون کتاب

## کارتون کتاب

## پیشنهاد کتاب

این مفهوم مهم در منظومه بیانات رهبر معظم انقلاب پیرامون فتنه ۸۸ تبیین و تحلیل شده است. الزامات کسب بصیرت، نتایج فقدان بصیرت و وظیفه‌خواص در ایجاد بصیرت در خود و دیگران، از دیگر موضوعات مورد بررسی در این فصل هستند. همچنین موضوعات دیگری چون اهمیت جنگ نرم، معنا و منشأ جنگ نرم، هدف دشمن از جنگ نرم، خطوط اصلی در جنگ نرم، راه‌های مقابله با جنگ نرم دشمن، نقش افسران جوان جنگ نرم (دانشجویان)، نقش اساتید در فرماندهی جبهه‌ی جنگ نرم و... بررسی شده است.

مواضع رهبر انقلاب از پس از انتخابات تانماز جمعه ۹۲ خرداد اختصاص دارد. مفصل‌ترین فصل این کتاب، فصل سوم آن است که در عنوانی متعددی به بررسی حوادث پس از انتخابات پرداخته است. یازده راهکار برای مقابله و دفع فتنه، برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، نظیر پایبندی به قانون و کسب بصیرت، ابراز اعتماد نخبگان به نظام، پرهیز از شایعه‌پراکنی علیه مسئولان و... از دیگر مطالب مهم این بخش است. در فصل چهارم این اثر با عنوان «کسب بصیرت»، علاوه بر تشریح معنا، ابعاد و سطوح بصیرت و نیز ضرورت و اهمیت آن، مصادیق

این کتاب، مشتمل بر فرازهای مهمی از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، در طول سال‌های ۸۸ و ۹۸، پیرامون فتنه سال ۸۸ است. فصل نخست کتاب به بررسی و تحلیل اهمیت انتخابات در نظام اسلامی، تلاش دشمنان برای سرد و تعطیل یا بدنام و مخدوش کردن انتخابات، وظایف جداگانه مردم و نامزدها در انتخابات، نکاتی در آسیب‌شناسی انتخابات و برخی پیش‌بینی‌های رهبر معظم در خصوص حضور پرشور مردم در انتخابات پرداخته است. فصل دوم به ذکر برخی از مهمترین



نام کتاب ..... نقشه نقش بر آب  
انتشارات ..... انتشارات انقلاب اسلامی  
تعداد صفحات ..... ۲۴۸

## خبر ویژه

### طرح پژوهشی «خدمات کتابخانه‌های عمومی ایران» افتتاح شد

جهان، انتخاب خدمات جدید کتابخانه‌ای که در ایران قابلیت استفاده و پیاده‌سازی دارد و همچنین طراحی خدمات انتخاب شده با استفاده از روش‌های علمی و به روز در بسته‌های خدمتی طی ۲۰ ماه اجرا می‌شود تا از این طریق موجب رونق فعالیت‌ها، استفاده از امکانات بالقوه و ایجاد انگیزه در کتابداران کتابخانه‌های عمومی کشور شود.

نشست افتتاح طرح «خدمات کتابخانه‌های عمومی ایران» طرح مشترکی از نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و دانشکده مدیریت دانشگاه تهران با حضور مدیران و مسئولین دو نهاد برگزار شد. طرح پژوهشی «خدمات کتابخانه‌های عمومی ایران» با هدف شناسایی خدمات جاری کتابخانه‌ای در سطح ایران و



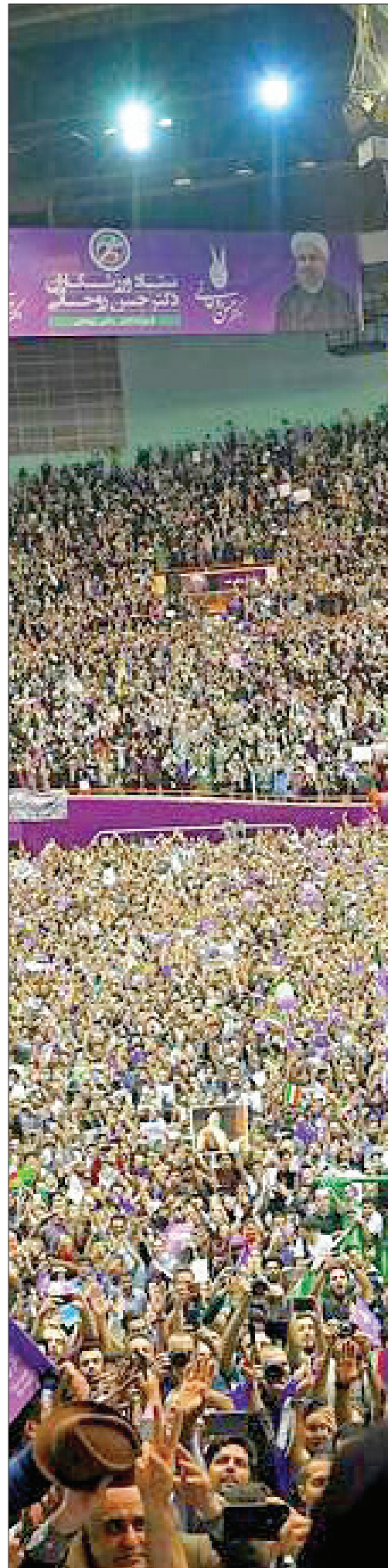
برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از رمز یکنه‌های روبه‌رو عکس بگیرید

سرمقاله

پاسخی به ادعای سعید حجاریان

## اصلاح طلبان آخرین امید نظام نیستند





## سعيد آجورلو

سردبير



همان چیزی که فکرش را می‌کردم، شد. چند هفته‌ای پس از آشوب‌های دی‌ماه ۹۶، اصلی‌ترین جامعه‌شناس-تئوریسین اصلاح‌طلبان حرفی را که حدس می‌زدم، گفت. چیزی قریب به این مضمون: دولت روحانی تنها چاره حاکمیت برای بقا است و گزینه بعد از دولت مورد حمایت اصلاح‌طلبان، یک دولت اصولگر نخواهد بود.

سوال این است که حجاب‌پوشان چنین فرضیه‌ای را به عنوان یک جامعه‌شناس سیاسی بیان کرده یا به عنوان تئوریسین اصلاح‌طلبان؟ من فکر می‌کنم مورد دوم درست باشد. او چنان پدری که فرزندانش را ناامید از آینده و غافلگیر از حال دیده، به یاری آنها شتافته تا شوک ناشی از زمستان ۹۶ را درمان کند. برای رد این تئوری از چند نگاه مختلف استفاده می‌کنیم.

**۱- نگاه تاریخی:** اصلاح‌طلبان پس از دوم خرداد به صراحت می‌گفتند که ما آخرین چاره‌هستیم و اگر مردم از ما ناامید شوند به اپوزیسیون روی می‌آورند. این تئوری به کلی غلط بود. مردم اتفاقاً پای صندوق آمدند و به دشمن آن روز اصلاح‌طلبان رای دادند. اصلاح‌طلبان اشتباه می‌کردند. این تجربه تاریخی را می‌توان ملاکی بر «فارغ از ارزش» نبودن تحلیل حجاب‌پوشان تلقی کرد.

این نکته را هم می‌توان اضافه کرد که در سال ۹۲ خود اصلاح‌طلبان برای بقا، از گزینه غیراصلاح‌طلب‌ها حمایت کردند.

**۲- نگاه مشروعبیت محور:** مشروعبیت اصلاح‌طلبان پس از آشوب‌های زمستان ۹۶، با بحران مواجه شده. اصلاح‌طلبان که در ۷۸ و ۸۸ «سر» اعتراض‌ها بودند و به طور همزمان نقش اپوزیسیون-اپوزیسیون را بازی می‌کردند، در ۹۶ از تحولات جا ماندند. اکنون بدنه معترض، خود را از اصلاح‌طلبان جدا می‌داند و به تعبیری رادیکال‌تر از آنها به میانه میدان آمده. در چنین شرایطی مشروعبیت تفکر اصلاح‌طلبی به خطر می‌افتد. حال چگونه تئوریسین چنین جریانی خود را آخرین امید نظام می‌داند؟ گویی اصلاح‌طلبان در بحران اپوزیسیون نمایی گرفتار شده‌اند. آنان برای زمانه جدید مبانی مشروعبیت جدید تعریف نکرده‌اند حال آنکه در روایت معترضان، آنها بخشی از نظام هستند. گرچه آنان سعی می‌کنند تصویر «بر نظام» را برای خود محفوظ بدارند اما تصویری که معترضان از آنان در ذهن دارند، «با نظام» است.

از همین روست که مهدی کروبی با الحنی بیرون از ادبیات اصلاح‌طلبی نامه می‌نویسد تا شاید عقب‌افتادن دوستانش را از اپوزیسیون جبران کند. غافل از اینکه راهی که کروبی می‌رود، اصلاح‌طلبان را به خروج از نظام وادار می‌کند. واکنش خاتمی به این گونه‌نامه‌ها شاید سرنوشت اصلاح‌طلبان را در این سطح مشخص کند.

**۳- نگاه معامله‌گراییانه سیاسی:** پس از اینکه اصلاح‌طلبان از بدنه اعتراض جا ماندند، در اندیشه‌گران فروختن عقب‌ماندگی خود به نظام برآمدند. محکوم کردن آشوب و همراه نشدن با آن گرچه قابل تقدیر و عاقلانه بود اما پس از آشوب این جناح سعی کرد از چنین شکستی برای خود برد بسازد. ۹۶ به تعبیری قرار بود ویرانه ۸۸ را برای آنها آباد کند. در این میان بازی دوگانه‌ای شروع شد. صداهای رسمی اصلاح‌طلبان از در همراهی با نظام درآمد ولی صداهای غیررسمی، جانب احتیاط را نگاه داشت و با حدی از اعتراض‌ها هم‌مدلی کرد. آیا باید نظام چنین معامله‌ای را بپذیرد؟

**۴- نگاه معطوف به فلسفه سیاسی:** در فلسفه سیاسی اصلاح‌طلبان، اصالت با دموکراسی خواهی و مشروطه خواهی است. دوصدایی که در آشوب به ندرت شنیده یا اصلاح‌طلبان

نشد. آنها که فرآیند سیاسی سکولاریزاسیون را با دو مولفه دموکراسی خواهی و مشروطه خواهی تعریف می‌کردند، در مقابل شعار علیه خود کاملاً شوکه شدند. شعارها هم از میزان اپوزیسیون بودن شان جلوتر و تندتر بود و هم از آرمان شان، جدا. با این توضیح، با چه منطقی باید آنها را آخرین امید نظام دانست؟

**۵- نگاه معطوف به تاکتیک سیاسی:** از نظر گفتمانی، اصلاح‌طلبان آشوب‌های اخیر را به احمدی نژاد باخندتد چرا که طبقه معترض بیشتر نزدیک به شعارهای احمدی نژاد بود تا اصلاح‌طلبان. اکنون انگار زمانه توازن قوا میان این دو گروه فرارسیده و اصلاح‌طلبان باید در یک شبهه ۸۸ بدون انتخابات با احمدی نژاد چالش کنند. این یک تنزل برای آنان محسوب می‌شود.

**۶- نگاه معطوف به نظام بین الملل:** عبور معترضان از اصلاحات سازی بازی را به انقلاب/ضدانقلاب می‌کشاند. در این بازی نظام بین الملل مستقیماً سیاست براندازی را پیش خواهد برد و اساساً فرم مورد نظر اصلاح‌طلبان با غلظت گذشته مورد حمایت غرب قرار نمی‌گیرد. از نتایج ورود ترامپ به کاخ سفید قدرت گرفتن براندازان بیرون ایران به جای رفرمیست‌های درون ایران است. با این تحلیل در سطح نظام بین الملل، غرب مستقیماً طرفیت انحلال طلبان را بر عهده می‌گیرد و چنین تحویلی یقیناً این گزاره را که اصلاح‌طلبان آخرین امید نظام هستند، باطل می‌کند.

**۷- نگاه معطوف به دولت روحانی:** دولت روحانی به دنبال تبدیل چالش نا کارآمدی به چالش مانع تراشی حاکمیت است. چنین تلاشی با یک سوال مهم مواجه می‌شود: دلیل وعده‌های فراوان روحانی به مردم در دو انتخابات با وجود چنین چالشی چه بود؟ دولتی که در مرحله پیش از تلاش برای کارآمدی قرار دارد، چرا باید مورد اعتماد مردم قرار گیرد و اینکه چنین دولتی چرا باید آخرین راه حل نظام باشد؟

روحانی در حال ساختن تصویری است که در آن نا کارآمدی دولت در ساختارهای نظام حل شود و روحانی همچنان صورت یک اپوزیسیون بر خود بگیرد. این یک نمونه استثنایی است که رئیس جمهور برای حاکمیت تعیین تکلیف می‌کند حال آنکه او خودش «مخاطب بایدها» است. بازی سوخته‌ای است به نظر.

**۸- نگاه معطوف به انقطاع نسلی:** بزرگ‌ترین چالش حاکمیت، اکنون قطع شدن تاریخ نسل هاست. نسل چهارم نه درکی از تاریخ معاصر ایران دارد، نه رضا پهلوی را می‌شناسد نه محمدرضا را. نه از میزان فساد پهلوی خبر دارد و نه از آرمان انقلاب می‌داند. این انقطاع نسلی کار دست حاکمیت داده. محل صدور روایت‌های غالب این جوانان اکنون «من و تو» و امثال اینهاست. فرج پهلوی با آن حجم فساد مالی در روایت آنان چیزی متفاوت از واقعیت است.

گرچه برخی اتفاق‌ها حکایت از پروژه بودن تحركات برخی افراد این نسل دارد اما به واقع با جامعه‌شناسی پست مدرن می‌توان آنها را تحلیل کرد و توضیح داد.

در این انقطاع نسلی، اصلاح‌طلبی کجا قرار دارد؟ اصلاح‌طلبان بگیریم که اصولگرایان تقصیر زیاد دارند اما اصلاح‌طلبان مدعی که می‌گویند آخرین امید نظام هستیم در این شکاف نسلی کجا قرار دارند و چند تقصیر دارند؟ آیا آنها روایت‌های واقعی انقلاب را به نسل بعد منتقل کردند؟ یا اینکه با تقدیر دوران در این شکاف نسلی تاثیر گذاشتند؟

و البته بخشی از وقایعی که نسل چهارم به آن انتقاد دارد به رفتار و عملکرد خود این دوستان بازمی‌گردد. این نوشته تلاش داشت با استفاده از تئوری ابطال پذیری فرضیه آقای حجاب‌پوشان را نقد کند. و این گزاره را مطرح کند که اصلاح‌طلبان به دنبال تبدیل کردن شکست خود به شکست کل نظام هستند. غافل از اینکه این شکست یک جناح است. چه کسی گفته که طرفداران انقلاب نمی‌توانند در چارچوب نظام

طرح رفرم و ایده اصلاح بیان کنند؟ ▶

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَكَلَّمَكَ جَعَلْنَاكَ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ  
وَيُكُونَ الرَّسُولَ عَلَيْنَا شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی آجورلو

سردبیر: سعید آجورلو

## دوره فجر مبارک باد

هستند، همه اینها از آن قشر مرفه نیستند؛ از آن قشری که همه توجهشان به این است که برای خودشان مقام درست کنند و برای خودشان کارهایی انجام بدهند، ولو بر ضد خلق باشد. شما اگر توجه کنید به حکومتی که در تاریخ بوده است و خصوصاً در این پنجاه سال، ملاحظه می‌کنید که آنهایی که در رأس امور بودند، آنها از این «ملک» ها و «سلطنه» ها و -عرض می‌کنم که- از این سنخ مردم و -به اصطلاح- از اشراف بودند. وقتی که اشراف -به قول خودشان- و اعیان و متمکین و یال و کوبالدارها متصدی امور یک کشور شدند، قهراً اینها مردم را به حساب نمی‌آورند. این یک امر قهری است و در مقابل یک قدرتمند بزرگتر، از خودشان خاضع‌اند و در مقابل ضعیفا و ملت خودشان، جابر و ستمگر. شما اگر ملاحظه فرموده

### مرفه نبودن متصدیان امور

#### در نظام اسلامی

من یک نکته‌ای عرض می‌کنم و این برای این نیست که از دولت یا از ارگانهای دیگر تعریف کنم، این یک واقعیتی است که من عرض می‌کنم و شاید شماها هم مطلع هستید و توجه دارید.

یکی از عنایات بزرگی که خدای تبارک و تعالی به جمهوری اسلامی و این نهضت اسلامی عنایت فرموده این است که متصدیان امور، چه آنهایی که در مجلس خدمت می‌کنند و چه آنهایی که در دولت خدمت می‌کنند، چه آنهایی که در ارتش

## خبرنامه

تناثر موشکی

پشت پرده یک شوک

فتنه جدید

بحران بارش برف؛ انتقاد شدید از نجفی و آخوندی

۸-۱۳

## گفتارها

کاخ «سفید» در وضعیت «قرمز»

اقتدار از دست رفته آلمان

ریسک «رجب»

ماجرای جویی به سبک آل سعود

۱۴-۱۹

## سیاست

رئیس جمهور اپوزیسیون

دولت اصول‌گرا را بر نمی‌تابد

بحران مشروعیت

پروژه ۱+۷

۲۴-۵۳



تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - علی حاجی ناصری - امید کرمانی‌ها

حنیف غفاری

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

اقتصاد: محمدمهدی صدرزاده (دبیر)

دبیر: افشین خمندان (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

فکر نو: علی حاجی ناصری (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلث: هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشاره‌ای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام‌خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



مصیبت‌های بزرگی است که در یک ملت هست. سر چشمه همه مصیبت‌هایی که ملتها می‌کشند این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان - به اصطلاح خودشان - از آنها باشد. و آنها این طور هستند، اشراف و اعیان این طور هستند که تمام ارزش‌ها را به این می‌دانند که آنجایی که زندگی می‌کنند بهتر از دیگران باشد، آن رفتاری که مردم با آنها می‌کنند، رفتار عبید با موالی باشد؛ تمام افکارشان متوجه به این مسائل است. باید حتما چند تا پارک داشته باشد، چند تا باغ داشته باشد در شمیران، در تهران، در کجا، تا اینکه بشود یک نفر آدم - عرض می‌کنم که - نخست وزیر یا یک نفر آدم وزیر کذا.

باشید، معامله این دولتهایی [را] که ما داشتیم سابق، با مردم مقایسه کنید و معامله‌شان را با سفارتخانه‌های خارجی، اینها شخصیت خودشان را - شخصیت هم نداشتند - بکلی از دست می‌دادند. و به آن چیزی که در ذهن من است، یکی از سفرا - حالا یا سفیر انگلیس بود، یا یک جای دیگر - آن صدر اعظم وقت را پاشد گلویش را گرفت توی اتاق و زد او را به دیوار. در مقابل او، آنها سپری می‌انداختند، لکن در مقابل مردم، آن قدر به مردم ظلم می‌کردند و آن قدر به خیال خودشان به بزرگی و امثال ذلک رفتار می‌کردند که همه می‌دانید. وقتی بنا شد که متصدی یک امور کشوری، قشر اشراف - به اصطلاح خودشان - اعیان، مرفه‌ها و صاحب اموال و - نمی‌دانم - پارک و اتومبیل‌ها و کذا و کذا، یا آن وقت کالسکه‌ها و آن حرف‌ها باشد، این یکی از

۵۴-۵۹

## سیاست خارجی

دفرمه کردن برجام  
تقابل علنی پاریس با توافق هسته‌ای  
تشکیل جبهه ضد برجام در غرب و اسرائیل  
اعتماد به اروپا قطعا اشتباه است



۶۰-۶۹

## بین‌الملل

غروب برجام  
پیچیدگی‌های تعامل با اتحادیه اروپا  
شیخ پایان توافق  
گزینه جایگزین



۷۰-۷۵

## ورزش

سفر به قطر  
لایه‌ای از ناراستی  
اتفاق تلخ برای آبی‌ها  
اراده‌های پیدا و پنهان



طراح جلد: مصطفی مرادی



شماره پیامک: ۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آبتال ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی  
مهندس صدوقی حسین محمد پورزندی - محمدابراهیم محمد پورزندی  
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن‌زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی‌ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸  
چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان  
توزیع: نشر گستر امروز  
نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توانیر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه،  
پلاک ۱۹  
تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

گرافیک و صفحه‌آرایی: فاطمه قناتی - علی آجورلو  
افشین جم و محمد محمودی  
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان  
عکس: امیر طلایی کیوان - عدنان جعفری و محمد برنو  
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر  
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار  
سازمان آگهی‌ها: محمد شکراللهی  
بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو  
امور اداری: علیرضا اسداللهی - علی اکبر پیمانی  
انفورماتیک: شهرام زحمتی  
ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

علاوه بر سفر اروپایی تیلرسون و دیدار خاورمیانه‌ای «مایک پنس»، معاون رئیس جمهوری آمریکا، جبهه دیگر حملات دیپلماتیک آمریکا علیه ایران را واشنگتن رقم زد. کاخ سفید در راستای بزرگ‌نمایی برنامه موشکی ایران و دامن زدن به موج ایران هراسی، نمایشی را با قطعات یک موشک ترتیب داد. هیلری از سفیران ۱۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست روز دوشنبه به واشنگتن بروند تا از باقی مانده موشک شلیک شده به ریاض دیدن کنند.

## تئاتر موشکی

ترامپ و هیلری بازی جدیدی علیه ایران آغاز کردند

تیتریک



هیلری مدعی شد جهان باید ایران را بابت برنامه موشک بالستیک و نقض قطعنامه شورای امنیت مجازات کند. در این صورت دونالد ترامپ برای باقی ماندن در برجام متقاعد می‌شود. روزنامه «نیویورک تایمز» سیاست‌های اخیر دولت ترامپ را در کل یک اقدام برنامه‌ریزی شده علیه ایران دانست و نوشت: «با سفر و اقدامات کاخ سفید، ترامپ بر اعضای شورای امنیت فشار می‌آورد تا در مورد ایران به ویژه در حوزه موشکی اقدامی را انجام دهند.»

### روسیه و چین، مانع بلندپروازی ترامپ

به نظر می‌آید برنامه‌ریزی کاملی برای تئاتر هیلری و ترامپ در واشنگتن انجام شد اما به اعتقاد تحلیلگران، کاخ سفید نمی‌تواند نسبت به همراهی همه اعضای شورای امنیت خوش بین باشد. گویا پس از نمایش تکه‌های موشک، سفیران کشورها به دیدن موزه یادبود هولوکاست در واشنگتن برده شدند تا در نمایشگاهی، آثار جنگ در سوریه را مشاهده کنند. به نوشته رسانه‌های غربی هیچ خبرنگاری به جلسه بازدید از تکه‌های موشک دعوت نشده است و رسانه‌ها تنها تصاویر مربوط به این تسلیحات را نمایش دادند. کارشناسان اعتقاد دارند هیلری و ترامپ با این اقدامات امیدوارند بتوانند محدودیت‌های بیشتری را بر ایران تحمیل کنند اما روسیه و چین که دارای قدرت و تو هستند، از تحریم‌های بیشتر علیه تهران حمایت نخواهند کرد. روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز نوشت: «هیلری بخش‌های موشک را مصداق تأمین تسلیحات برای حوثی‌ها در یمن دانست و مدعی شد آنها اسنادی در زمینه نقض تحریم‌های سازمان ملل از سوی ایران هستند.»

با این حال کارشناسان نظامی اعتقاد دارند تکه‌های موشکی که مقامات می‌گویند مربوط به موشک قیام ایران است، نمی‌تواند اثبات کند که ایران تحریم‌ها را نقض کرد. آسوشیتدپرس هم نظر مشابهی را بیان کرد و نوشت: «هیلری به خبرنگاران گفت سفیر چین یادداشت برداری می‌کرد و روس‌ها نیز در مورد نحوه انتقال موشک‌ها به یمن پرسش می‌کردند. با این حال دو کشور چین و روسیه که از امضاکنندگان برجام هستند تمایلی برای افزودن محدودیت‌های ایران نداشته و نسبت به اتهام‌های آمریکا - در مورد انتقال سلاح به یمن که دشمن متحد آمریکا است - تردید دارند.»

این کارگروه‌ها بررسی می‌کنند تا چه میزانی به مشارکت ایران در این زمینه نیاز است. تارنمای شبکه تلویزیونی «فاکس نیوز» در گزارشی حمایت اروپا برای تشکیل کارگروه و راه‌اندازی گفت‌وگوها بر سر توافق هسته‌ای ایران را موفقیت وزیر خارجه آمریکا دانست. وی گفت: «علاوه بر دامنه موضوعاتی که باید مورد بررسی قرار گیرد بر سر مکاتیبسم پرداختن به این موضوع‌ها نیز کار می‌شود.» تیلرسون در ابتدای سفر اروپایی خود ابراز امیدواری کرده بود تا در مورد ایجاد تغییرات در برجام بتواند به موفقیت‌هایی دست پیدا کند و نظر موافق کشورهای اروپایی را جلب نماید. اکنون وی در مراحل پایانی سفر دوره‌ای خود به اروپا از به وجود آمدن اجماع نظر در بین مقام‌های ارشد سه کشور اروپایی عضو گروه ۵+۱ خبر داد. البته مقامات کشورهای اروپایی پس از دیدار با تیلرسون هیچ سخنی را در زمینه همراهی با کاخ سفید یا دستیابی به توافقی برای تغییر در برجام بیان نکردند.

### موشک بازی کودکانه

علاوه بر سفر اروپایی تیلرسون و دیدار خاورمیانه‌ای «مایک پنس»، معاون رئیس جمهوری آمریکا، جبهه دیگر حملات دیپلماتیک آمریکا علیه ایران را واشنگتن رقم زد. کاخ سفید در راستای بزرگ‌نمایی برنامه موشکی ایران و دامن زدن به موج ایران هراسی، نمایشی را با قطعات یک موشک ترتیب داد. هیلری از سفیران ۱۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست روز دوشنبه به واشنگتن بروند تا از باقی مانده موشک شلیک شده به ریاض دیدن کنند. وی مدعی شد که این موشک‌ها از سوی ایران به یمنی‌ها داده شد. گفته شد برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفت تا دعوت شدگان با رئیس جمهوری آمریکا هم دیدار داشته باشند و در ضیافت نهار وی شرکت کنند. هیلری پس از دیدار سفر از قطعات آهنی، در جمع خبرنگاران سخنان ضد ایرانی ترامپ را با لحنی دیگر تکرار کرد. خبرنگاری آسوشیتدپرس آورد: «هیلری اعتقاد دارد اقدام علیه برنامه موشکی ایرانی می‌تواند توافق هسته‌ای را نجات دهد.» بر اساس تحلیل رسانه‌ها، سخنرانی هیلری به گونه‌ای طراحی شده بود تا کشورهای اروپایی حامی توافق اتمی با ایران را تشویق کند برای حفظ «برجام» بر برنامه‌های موشکی و دیگر فعالیت‌های ایران متمرکز شوند. بنابر گزارش فاکس نیوز،

رئیس جمهوری آمریکا و نماینده این کشور در سازمان ملل با دعوت از سفیران کشورها تلاش گسترده‌ای را جهت تشدید ایران هراسی به نمایش گذاشتند اما تحلیلگران نسبت به تاثیرگذاری این اقدامات و میزان همراهی چین و روسیه با کاخ سفید تردید دارند. ترامپ برای باقی ماندن ایالات متحده در برجام چهار شرط را تعیین کرد که شامل تصویب بازسی از پایگاه‌های نظامی ایران، دادن تضمین مبنی بر نزدیک نشدن ایران به توانایی ساخت سلاح هسته‌ای، دائمی شدن برجام و اتخاذ رفتاری مشابه با برنامه‌های موشکی تهران است. از آن زمان تا کنون دولت آمریکا تلاش‌های دیپلماتیک خود را در چند جهت دنبال کرده است. از یک سو کاخ سفید برای جلب نظر اروپایی‌ها با فرستادن «رکس تیلرسون»، وزیر امور خارجه خود به یک سفر طولانی به آن سوی آتلانتیک از متحدان خود در قاره سبز یاری طلبید. از طرف دیگر «نیکی هیلری» با ترتیب دادن یک صحنه نمایشی تلاش کرد ضمن بیان برخی اتهامات و صحنه‌سازی‌ها، با کوبیدن بر طبل ایران هراسی، نظر سفرای ۱۵ عضو شورای امنیت را به دیدگاه ترامپ علیه ایران نزدیک کند.

### تور اروپایی تیلرسون

وزیر امور خارجه آمریکا نزدیک به یک هفته در کشورهای اروپایی به دیدار مقامات به ویژه امضاکنندگان توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ (بریتانیا، فرانسه و آلمان) رفت تا بتواند حمایت آنها برای ایجاد تغییرات مورد نظر دونالد ترامپ را قطعی کند. تارنمای روزنامه «ژاپن تایمز» در گزارشی نوشت: «وزیر امور خارجه آمریکا چند روز پیش اعلام کرد کارگروه‌هایی با مشارکت کارشناسان دو طرف تشکیل شده است تا در زمانی تغییرات مورد نیاز و نحوه تعامل با ایران در زمینه برجام را تعیین کند.» تیلرسون در این زمینه در ورو شو هم به خبرنگاران گفت: «همیشه پیش از طلوع آفتاب، آسمان تاریک تر است. کارگروه‌ها جلسات خود را آغاز کردند تا بر سر اصول و دامنه گفت‌وگوها با ایران توافق کنند.» وی عنوان کرد: «توافق هسته‌ای تنها بخش کوچکی از سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه را تشکیل می‌دهد و دیگر اولویت‌های واشنگتن به اقدامات و نفوذ ایران در منطقه مطوف است.» آن گونه که تارنمای نزدیک به کنگره آمریکا (The Hill) آورده است حتی تیلرسون پا را از این مقدار هم فراتر نهاد و عنوان داشت

غرب برای افغانستان  
چه خوابی دیده است؟



مواضع ضد ایرانی  
رئیس سازمان سیا

بحران بارش برف  
انتقاد شدید از نجفی و آخوندی

گزارش اول



## پشت پرده یک شوک چرا کلیات بودجه در صحن علنی رد شد؟

کلیات بودجه ۹۷ که برای اولین بار در صحن علنی مجلس رد شد، پیام‌های ناگفته‌ای از پشت پرده رایزنی‌های فراکسیونی مجلس دارد. از همان دقایق آغاز بررسی کلیات بودجه در مجلس و زمانی که چهره‌هایی در قامت مخالف و موافق پشت تریبون قرار می‌گرفتند، این واقعیت روشن بود که اعضای فراکسیون ولایی و مستقلین در نطق‌های خود کمر همت در مخالفت با کلیات لایحه بسته‌اند و در عوض چهره‌های اصلاح طلب سخن از موافقت با لایحه می‌گویند. هرچند بودند برخی اسامی در بین مخالفان کلیات لایحه بودجه که رنگ فراکسیون امید را داشتند. اما وقتی زمان به رای گیری رسید، با اینکه تصور می‌شد با همراهی تمام و کمال فراکسیون امید، مجلس با کلیات موافق و در جزئیات «ان قلت»‌های خود را مطرح کنند، ناگهان ورق برگشت. کلیات بودجه تنها ۸۳ رای موافق به دست آورد و به دلیل ۱۲۰ رای مخالف و ۹ رای ممتنع از مجموع ۲۱۶ نماینده، از نظر نمایندگان لایحه بودجه ۹۷ مردود شد و برای بررسی به کمیسیون تلفیق برگشت خورد. اما «چرا» با وجود حمایت فراکسیون امید، کلیات بودجه رد شد؟

۱۰ دقیقه‌ای که فراکسیون امید  
ورق بودجه را برگرداند

«۱۰ دقیقه قبل از زمان رای گیری تلاش آشکار نمایندگان که عضو هیات رئیسه مجلس و نزدیک به دکتر لاریجانی بودند برای جلوگیری از تصویب کلیات تعجب برانگیز بود. با تک تک نمایندگان صحبت و درخواست رای منفی داشتند.» «گوشه‌ای از مجلس چند تن از نمایندگان امیدی پس از همفکری فیما بین نیز برای رای منفی به کلیات (به رغم مصوبه جلسه صبح فراکسیون) تلاش آشکار آغاز کردند.» این بخش از یادداشت علیرضا رحیمی عضو

فراکسیون امید - که فردای «رد کلیات بودجه ۹۷» در کانالش درج شد - نکات مهمی از شرایط متلاطم فراکسیون متبوع رحیمی را گوشزد می‌کند. در واقع حتی اگر تمام رای مثبت به کلیات بودجه ۹۷ را هم در سبد فراکسیون امید قرار دهیم باز هم تا رسیدن به عدد ۱۰۰ یا ۱۲۰ - که به عنوان اعضای رسمی فراکسیون معرفی می‌شوند - فاصله بسیاری است؛ فاصله‌ای که به دلیل گردش لحظه آخری اعضای فراکسیون امید، بار دیگر ظرفیت این فراکسیون اصلاح طلبی را زیر سوال برد. فراکسیون امید از اولین روز شروع به کارش در مجلس با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شد؛ از انتخاب رئیس مجلس گرفته تا انتخاب هیات رئیسه و روسای کمیسیون‌ها، همه مشکلات هم ریشه در یک اتفاق داشت؛ چرخش آرای لحظه آخری اعضای فراکسیون.

انتخاب رئیس موقت مجلس اولین و مهمترین سنگ محکی بود که نشان داد کدام یک از فراکسیون‌های مجلس دست بالاتر را در معادلات درون پارلمانی دارند. نتیجه انتخاب رئیس موقت مجلس همچون آب سردی بر سر اصلاح طلبان مجلس فروریخت، لاریجانی ۱۷۳ رای و عارف ۱۰۳ رای.

شکست اصلاح طلبان از اصولگراها در انتخابات هیات رئیسه دائم و روسای کمیسیون‌ها در سال اول و دوم نیز تکرار شد و حتی با شکل گرفتن فراکسیون مستقلین این واقعیت نمایان شد که مسیر یاران لیست امید بعد از حضور در مجلس از یکدیگر جدا شده است.

حتی به نظر نمی‌رسد بودجه ۹۷ نیز نقطه پایانی بر مشکلات ناشی عهدشکنی‌ها و چرخش رای‌ها در فراکسیون امید باشد، چه آنکه بودجه‌ای که قرار بود بنابر گفته عارف، اعضای فراکسیون با کلیاتش موافقت و اصلاحات را به بررسی جزئیات موکول کنند، بنابر روایت

حیدری با تغییر نظر یکباره «امیدی»‌ها رو به روشد و برخی از اعضا نه تنها رای منفی دادند بلکه برای «منفی شدن» رای نمایندگان نیز رایزنی کردند.

البته این اولین نمره منفی ناشی از آتش به اختیار شدن و نبود لیدر قدرتمند در فراکسیون امید نیست، چه آنکه در زمان رای گیری برای غلامی وزیر علوم مورد انتقاد اصلاح طلبان این اتفاق در پرونده اهالی امید ثبت شده بود. بهرام پارسی، سخنگوی فراکسیون آن روزها در مورد این انتخاب پرحاشیه گفته بود: «در مورد آقای غلامی، اکثریت اعضا نسبت به معرفی این گزینه نگرانی‌هایی داشتند. اما بعد از جلساتی که انجام شد و گفت‌وگو‌هایی که به صورت فرادا یا جمعی با وزیر داشتند برخی، تغییر نظر دادند. نهایتاً روز قبل از رای گیری نتوانستیم به یک انسجام برسیم.»

اتفاقات مجلس و رفتارهای غیرتشکیلاتی فراکسیون امید، همچون تکه‌های پازلی کار را برای اصلاح طلبان در انتخابات مجلس آینده سخت‌تر خواهند کرد. چهره‌هایی که زیر پرچم اصلاح طلبی جمع شدند و مجوز حضور در مجلس دهم را به دست آوردند، هر اقدامشان به نام جریان اصلاحات و اصلاح طلبان نوشته می‌شود و اتفاقاتی همچون گردش لحظه آخری رای اعضا یا آتش به اختیار شدن در انتخاب یک وزیر، به عنوان بخش پرابهام پرونده سیاسی اصلاح طلبان در حافظه جمعی آنها جای خواهد گرفت.

این عملکرد در مجلس قطعاً نتیجه‌ای جز ناامیدی بدنه از اصلاح طلبان به همراه ندارد و حتی این احتمال می‌رود تا رای‌های خاموشی که برای حمایت از اصلاح طلبان وارد کارزار انتخابات شده بودند برای انتخابات بعدی یا پس کشیده یا حتی برخی از همراهان اصلاح طلبان مقداری فرمان را چرخانده و مسیر خود را به سمت دیگری تغییر دهند. ▶

## فتنه جدید

### افغانستان محل جولان داعش و طالبان

۱۲۰۰ نفر از منابع محلی در هر کدام از ۳۹۹ ولسوالی این کشور حرف زدند تا تصویری همه جانبه از حملات شورشیان در همین دوره زمانی به دست آورند. این گفت و گوها یا به صورت تلفنی یا حضوری انجام شده است و همه اطلاعات به دست آمده دست کم با دو، و در بیشتر موارد حتی تا ۶۰٪ منع دیگر هم بازیابی شده است. در برخی موارد گزارشگران بی بی سی به ایستگاه های محلی که از آنجا افراد به مناطق دور افتاده سفر می کنند، رفتند تا اطلاعات درباره وضعیت را دوباره با آنها چک کنند.

نتیجه حاصل از این گزارش بر اساس آنچه بی بی سی مدعی شده نشان می دهد که حدود ۱۵ میلیون نفر یعنی نصف نفوس افغانستان، در مناطقی زندگی می کنند که یا در کنترل طالبان قرار دارد و یا به صورت علنی در آنها حضور دارند و به طور مرتب مورد حمله آنها قرار می گیرد. این رقم ۷۰ درصد کل افغانستان را شامل می شود. ▶

مسئولیت حملات اخیر را هر دو گروه طالبان و داعش برعهده گرفته اند. در همین حال ترامپ در سخنرانی سالانه خود در واشنگتن به موضوع افغانستان اشاره کرد و با انتقاد به سیاست های او باما گفت: «سربازان آمریکایی بر اساس قواعد جنگی تازه ای در افغانستان می جنگند. ارتش ما در کنار شرکای افغان قهرمان ما، دیگر با جدول های زمانی مصنوعی تضعیف نمی شود و دیگر نقشه هایمان را به دشمنان نمی گوئیم.» همچنین گزارش مهمی در شبکه بی بی سی جهانی منتشر شد که براساس آن شبکه ای از گزارشگران بی بی سی در سراسر افغانستان با بیش از

هفته گذشته افغانستان شاهد حملات مرگبار تروریستی در قلب پایتخت بود. روز سه شنبه گذشته رهبر انقلاب در ابتدای درس خارج از فقه خود به این موضوع اشاره کرده و گفتند: «همان دست هایی که با ایجاد داعش، آن را ابزاری برای ظلم و جنایت علیه مردم در سوریه و عراق قرار داد، امروز بس از شکست در آن مناطق به دنبال انتقال داعش به افغانستان هستند و کشتارهای اخیر در واقع آغاز همین نقشه است.» به گفته ایشان هدف اولیه آمریکا از این اقدامات ناامنی در منطقه و هدف بعدی آنها «موجه جلوه دادن حضور آمریکایی ها در این منطقه است.»



از تحلیلگران بین المللی براین باورند که میان آنها تفاوت نیست. از جمله هارون امیرزاده به یورونیوز گفته بود که بخشی از نیروهای داعش در سوریه از طریق سفارت ترکیه در افغانستان جذب و به مناطق سوریه اعزام شده اند. حالا همین افراد بازگشته و قصد دارند هویت داعشی خود را ادامه دهند. به جای آنکه بار دیگر زیر چتر طالبان فعالیت کنند. مهمترین نکته برای ایران در اینجا نهفته است که به بهانه حضور دوباره طالبان و داعش در شرق ایران، آمریکا قصد حضور دارد، راز موضع گیری سریع و قاطع رهبری را در همین جا باید جست و جو کرد. ▶

داعش را از غرب ایران به سمت شرق آن منتقل کرده و حتی یک قدم نیز به آن نزدیک شود. این کار با تقویت طالبان نیز صورت خواهد گرفت.

از طرف دیگر گزارش بی بی سی که مدعی است ۷۰ درصد افغانستان امروز در دست طالبان است و یا تحت نفوذ آنها اداره می شود، به نوعی زمینه سازی حضور نظامی دوباره آمریکا و متحدانش از جمله بریتانیا در این کشور است. از سوی دیگر یک رقابت میان داعش و طالبان در افغانستان نیز مشاهده می شود. هر دوی این گروه ها مدعی هستند حملات اخیر را سازماندهی و به انجام رسانده اند. برخی

## غرب برای افغانستان چه خوابی دیده است؟

صابر کرامت

خبرنگار

۲ در میان مسائل ریز و درشت داخلی و خارجی، رهبر انقلاب مستقیماً سراغ حملات افغانستان رفتند و حتی پیش از آنکه سایر نهادهای رسمی و غیررسمی درباره آن تحلیل ارائه کنند، نظر خودشان را بیان کردند.

یکی از نکات مهم این حملات تمایز آن با اقدامات گذشته این بود که به جای حملات کور در مناطق دور افتاده، این بار با کارهای عملیاتی و تیم های آموزش دیده تر، مناطق مهم و حفاظت شده مورد حمله قرار گرفتند. از همین رو نیز تلفات آن بسیار بیشتر بود.

از نظر برخی تحلیلگران این حملات حامل پیام روشنی از پاکستان برای آمریکا و افغانستان است. مقامات افغان نیز بر این اعتقاد هستند که این حملات از سوی سرویس جاسوسی پاکستان در حال اجراست. با این حال نکته مهمتری که در این زمینه وجود دارد این است که به نظر می رسد غرب تصمیم گرفته برای حضور در منطقه

### نظر مولفه اسلامی درباره گفت و گوی ملی

دیپلرک حزب مولفه اسلامی نیاز به گفت و گوی ملی را یک نیاز دائمی که هیچ مغایرتی با رقابت های سیاسی ندارد، دانست و گفت: «هیچ گاه به بهانه مشترکات انقلابی و ملی از رقابت سلیقه های نیاز نیستیم.» حبیبی در همین رابطه توضیح داد: «در عین حال که مشترکاتی در مورد منافع انقلاب، کشور و ملت داریم اما می توانیم با احزاب مختلفی که سلیقه های گوناگونی دارند اما اشتراک کلی را قبول دارند دائمی در حال تعامل باشیم، البته برخی اشخاص یا احزاب در مرحله حرف و شعارها سخنانی مطرح می کنند اما در مرحله عمل می بینیم که بین عملکرد و حرف آنها تفاوت های قابل توجهی وجود دارد.»



### بعضی از روحانیون، نفوذی دشمن هستند



علی اصغر جزایی، دادستان ویژه روحانیت قم در نشستی با عنوان «تهدید و آسیب ها در حوزه و روحانیت» گفت: «بعضی از روحانیون، نفوذی دشمن هستند که قصد دارند با درست کردن القاب مرجعیتی، جایگاه روحانیت را تخریب کنند. فردی در حوزه به عنوان مرجع مطرح می شود و مراد و شاگرد تربیت می کند، فتوا می دهد و فعالیت و فتوای او تنها [برای] نفوذ و تخریب جایگاه روحانیت است... ولایت فقیه را نامشروع می داند و این طراحی از طریق داخلی ها و هم لباسی ها صورت می گیرد؛ چون دشمن به این نتیجه رسیده که روحانیت باید به دست خود روحانیت شکست بخورد. می گویند نایب خاص داریم، نیاز به نایب عام نیست؛ این همان طراحی جدید دشمن است.»

### ضرغامی سرش برای ریاست جمهوری درد نمی کند

محمد جواد ابطی، عضو فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس درباره دیدارهای این روزهای عزت الله ضرغامی می گوید: «سر ضرغامی برای رئیس جمهور شدن درد نمی کند و او صرفاً می خواهد بگوید که واقعا روی اصول هستم و اشخاص هم برای من فرقی نمی کنند. اگر آقای ضرغامی به دنبال فضا سازی برای انتخابات رئیس جمهوری بعدی باشد، رای ایشان بیش از آقای لاریجانی خواهد بود. او می خواهد خود را از آن برجسب های دکماتیسیم که می زنند نجات دهد یعنی بگوید که ما و اقاروی اصول هستیم و اشخاص هم برای ما فرقی نمی کنند، ما تابع حق هستیم و هر جایی باشد همان جایی روئیم. بعد هم با این افراد صحبت می شود شاید از مواضعی دست بردارند، مانند آقای ابطی (خنده) البته من نه، ابطی اصلاح طلب.»



## می‌خواهند با فراندوم، ولایت فقیه را عوض کنند



محمدتقی مصباح‌یزدی در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران گفت: «برخی ولایت فقیه را دیکتاتوری می‌دانند؛ حتی برخی مسئولان در داخل هم هرچند صریحا نمی‌گویند اما ته‌دلشان همین است و با کنایه منظورشان را می‌رسانند. طبیعتا این افراد باور ندارند که امر ولی فقیه، لازم الاجراست. یکی از مسئولان سطوح عالی نظام، دموکراسی را اوج تفکر بشری می‌دانست؛ بدین معنا که هر نظریه سیاسی غیر از آن، کمتر و کهنه‌تر از این نظریه پیشرفته است! این شخص در جلسه‌ای در همین موسسه [موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی] اظهار داشت که ولایت فقیه، از آن جهت که در قانون آمده، مورد قبول است! این یعنی چه؟ وقتی در قانون است، می‌توان با یک فراندوم، قانون را عوض کرد.»

## توصیه آیت‌الله علم‌الهدی درباره ایجاد اشتغال

امام جمعه مشهد گفت: «مشکل کشور در ایجاد اشتغال و نبود برنامه بوده و دولت با مدیریت وضع موجود می‌تواند تعداد بالایی شغل ایجاد کند.» آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی اظهار کرد:



«جمهوری اسلامی ایران نظامی مردم‌سالار بوده و دلیلش برگزاری انتخابات‌های مکرر است.» عضو مجلس خبرگان رهبری تصریح کرد: «جوانان بیکار هستند و خانواده‌هایی که جوان بیکار دارند نگران آینده فرزندان خود هستند و باید برای این مهم چاره‌ای اندیشیده شود.» علم‌الهدی گفت: «ایجاد شغل، بحث کار در ادارات نیست و مردم باید خودشان به دنبال تولید شغل باشند و به هر شکل ممکن برای اشتغال تلاش کنند و دنبال حقوق ثابت سرما نباشند. مساله اشتغال موضوع غیرقابل حلی نیست.»

## واکنش دادستان کل کشور به «برداشتن روسری در خیابان انقلاب»



محمد جعفر منتظری در پاسخ به این سوال که یکی از وکلا مدعی شده برای یکی از دخترانی که در خیابان حجاب خود را برداشته، وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی صادر شده است، گفت: «این مساله را بسیار امر جزئی و غیرقابل توجه می‌دانم، چرا که اکثر به اتفاق بانوان ما یا محبچه چادری هستند یا حجاب اسلامی درستی دارند یا برخی‌ها اگر حجاب درست و کاملی ندارند، قطعاً پاکدامنی و عفاف لازم را دارند.» او ادامه داد: «برداشتن روسری در خیابان حرکتی بسیار بچه‌گانه است که دختر جوانی روسری خود را بردارد و خود را نشان دهد و برخی ماموریت داشته باشند از او قیلم بگیرند و بلافاصله در فضای مجازی منتشر کنند.»

# مواضع ضدایرانی رئیس سازمان سیا

به گفته وی، ایران و عربستان از دو طرف جنگ داخلی یمن شورشیان حوثی و نیروهای دولت عبدربه منصور هادی حمایت می‌کنند. اما ایران ارسال سلاح برای شورشیان را رد می‌کند.

پمپئو در مورد احتمال در گرفتن جنگ میان ایران و عربستان گفت: «خیلی نگرانیم، باید مطمئن شویم که چنین اتفاقی نخواهد افتاد و راهش اطمینان از این است که مردم ایران بفهمند این اتفاق خوبی برای آنها نخواهد بود. در هفته‌های گذشته شاهد اعتراضات بودیم. مردم ایران می‌فهمند که این ماجراجویی‌ها برای آنها ده‌ها میلیون دلار هزینه دارد و زندگی‌شان را به خطر می‌اندازد.»

او در اظهار نظر عجیب ایران را متهم می‌کند که به اروپا خرابکار گسیل کرده است: «تاریخ ایران نشان داده که مردم این کشور درک عمیقی دارند از اینکه چگونه در جهان موفق باشند. امیدوارم که قیام کنند و بفهمند که فرستادن نیروهای نیابتی به مناطقی مثل اروپا، تلاش برای خرابکاری در اروپا به نفع کشورشان نیست. آن هم وقتی که می‌شود برای بهتر کردن ایران کارهای زیادی کرد. ما مطمئنیم که مردم ایران این نکته را می‌فهمند و امیدواریم که رهبران‌شان هم این موضوع را بپذیرند.»

پمپئو همچنین در مورد حمله به داعش آمریکا را موفق می‌داند در حالی که این ایران و روسیه بودند که داعش را شکست دادند: «ما در شرق خوب عمل کردیم و داعش را از میان بردیم. حالا توجه و قصدمان را بر بهبود زندگی مردم سوریه متمرکز می‌کنیم. در ابتدا باید بفهمیم چطور می‌توانیم تهدید تروریسم را از میان ببریم. القاعده هنوز در سوریه فعال است و ما هوشمندانه داریم با آن مقابله می‌کنیم.»

هرچند آمریکا با روسیه همکاری اطلاعاتی داشته (سیا سال پیش به جلوگیری از حمله‌ای در سن پترزبورگ روسیه کمک کرد) اما پمپئو می‌گوید روسیه را در درجه اول یک کشور متخاصم می‌بیند. او در پاسخ به این سوال که آیا نگران تلاش روسیه برای نفوذ در انتخابات میان دوره‌ای است، گفت: «البته. کاملا انتظار دارم که همچنان برای این کار تلاش کنند، اما مطمئنم که آمریکا می‌تواند انتخاباتی آزاد و منصفانه داشته باشد و اینکه تدابیر واکنشی ما آن قدر قرص و محکم خواهد بود که تاثیر آن (نفوذ روسیه) بر انتخابات زیاد نباشد.»

آمریکا اخیرا در ارتباط با ایران تحولات تازه‌ای را دنبال می‌کند. از یک سو سفیر این کشور در سازمان ملل سفرای شورای امنیت از کشورهای مختلف را دعوت می‌کند تا بار دیگر شوی تبلیغاتی علیه ایران را به راه بیندازند و در کنار آن با ترامپ نیز دیدار کنند. از سوی دیگر مدیر سازمان اطلاعات جاسوسی آمریکا در موضع گیری‌های خصمانه را انجام می‌دهد.

مایک پمپئو، مدیر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا که او را در امور ایران متخصص می‌دانند در مصاحبه‌ای با بی بی سی ادعا کرده که بعضی اقدامات ایران در منطقه به مثابه اعلان جنگ علیه سایر کشورهاست و آمریکا تهدید منافع خود در خاورمیانه را تحمل نخواهد کرد.

او در بخش دیگری از این مصاحبه به مساله سوریه اشاره و تأیید کرد که نگران میزان نفوذ ایران در سوریه و منطقه است و به این سوال که آیا آمریکا شیوه‌ها و ابزارهایی برای مقابله با این نفوذ دارد پاسخ مثبت داد اما جزئیاتی ارائه نکرد.

پمپئو که یک سال پیش در این پست منصوب شد درباره یادداشتی که برای سردار سلیمانی، فرمانده نیروی قدس نوشته با تأیید خبر توضیح داد: «من می‌خواستم پیام روشنی به قاسم سلیمانی بفرستم که آمریکا، غرب، بریتانیا و دیگران در این منطقه دارای منافع هستند و باید متوجه باشند که حمله به این منافع با مقابله به مثل روبه‌رو خواهد شد. اینکه ایرانی‌ها خواهند به منافع آمریکا ضربه بزنند برای ما تحمل کردنی نیست.» او خودش ارسال چنین نامه‌ای به آقای سلیمانی را در ماه دسامبر فاش کرده بود. جالب اینکه سردار سلیمانی اساسا نامه دریافت و آن را نخوانده و به آن واکنش نشان نداده است.

رئیس سازمان سیا در ادامه همان خط تبلیغی که نیکی هیلی در بعد سیاسی دنبال کرده ادامه می‌دهد و می‌گوید: «ما شاهد بودیم که ایرانی‌ها به واسطه نیروهای نیابتی خود در یمن به عربستان موشک شلیک می‌کنند. تلاش کردند در بخش‌های دیگری از خاورمیانه کار مشابهی انجام بدهند. این غیرقابل تحمل است. اینها به مثابه اعلام جنگ علیه کشورهای دیگر است و امیدوارم که جهان درک کند که تهدید غیرهسته‌ای ایران یک چالش بسیار جدی برای ثبات خاورمیانه است.»

## توکلی: نسبت به مخالفان خود بی‌رحم هستیم

احمد توکلی با بیان اینکه ما اعتدال را در موافقت و مخالفت رعایت نمی‌کنیم، تأکید کرد: «به‌طور کلی مناسب است که مخالفان خود بی‌رحم هستیم. وقتی بر سر کار می‌آییم، می‌خواهیم مخالفان خود را حذف کنیم.» احمد توکلی در پاسخ به این سوالی درباره ریشه ناآرامی‌های اخیر، گفت: «نمی‌توان ریشه‌های این اعتراضات را از یکدیگر تفکیک کرد زیرا مسائل انسانی علت واحدی ندارند.» وی ادامه داد: «به نظر من اعتراض‌ها مباحثات موسسات متخلف آن قدر که تحت تاثیر مسئولاتی بود که به حرف‌هایشان گوش نمی‌کردند، تحت تاثیر از دست دادن پول‌شان نبود. متأسفانه موافقت و مخالفت کردن ما در کشور مقداری شور است، یعنی اعتدال را رعایت نمی‌کنیم.»



## لاریجانی: «کلید» در دست رئیس جمهور است، نه من!

رئیس مجلس با سرعت نسبتا بالایی جلسه مجلس برای رای گیری در مورد بودجه را مدیریت کرد و این لایحه از سوی نمایندگان تصویب شد، در حالی که نمایندگان خواستار تذکر بودند. جهانپخش محبی‌نیا نماینده میان‌دوباب یکی از نمایندگان بود که چندین بار در جلسه تذکر داد و معترض به مدیریت لاریجانی بود. او در اعتراض به اینکه تذکره‌اش پذیرفته نمی‌شود وارد دانسته نمی‌شد، خطاب به رئیس مجلس گفت: «من از شما عاجزان و مولتمسائه استدعا دارم که کلید «وارد است» را در هیات رئیسه و مغز مبارک روشن کنید. علی لاریجانی هم در حالی که می‌خندید، گفت: «ما از خدایمان است که شما آرام باشید! اما «کلید» دست من نیست، دست رئیس جمهور است!»

## به اینستاگرام مثلث بیونید

اینستاگرام هفته‌نامه مثلث فعال است. کاربران این شبکه اجتماعی می‌توانند با پیوستن به اینستاگرام مثلث تصاویر مربوط به هفته‌نامه را مشاهده کنند.

mosalas\_magazine



## بحران بارش برف

### انتقاد شدید از نجفی و آخوندی

کنند. « پس از انتشار آن ابتدا انتقادات شدیدی از درخواست نجفی به او صورت گرفت. برخی کاربران معتقد بودند که نجفی خیابان‌ها را رها کرده و نگران درختان است!

اما امیر سیدین در انتقاد از این توییت نجفی نوشت: « نمود و جلوه جوانگرایی برای مدیران ما ظاهراً در همین حد «تکاندن برف از روی درخت‌ها» است. توقع بیشتر نباید داشت!» اما کاربر دیگری به نام حسین به دفاع از توییت شهردار پرداخت و نوشت: «پیام درست، لحن خوب، رسانه مناسب. با این توییت دلیلی برای حمله و توهین به نجفی شهردار تهران نمی‌بینم. اگر شهرداری در ماجرای برف کم کاری یا خطاهای دیگه‌ای داره، جداگانه می‌شه بهش انتقاد کرد. این یکی، اما شایسته تحسینه.» بیشتر انتقادات در فضای مجازی به نحوه عملکرد شهرداری تهران از شب بارش برف بازمی‌گردد و از طرف دیگر عده‌ای نیز وضعیت نامناسب جاده‌ها را ناشی از تعلل مدیریت بحران در وزارت راه می‌دانند. اما کاربران اصولگرا هم با هشتگ «مدیریت اصلاحاتی» به شدت به عملکرد نجفی در کنترل بحران انتقاد کردند. آنها در مواردی «مدیریت جهادی» و عملکرد «قالیباف» را با نجفی مقایسه کردند. احسان رستگار در این باره توییت کرده است: «از شب تا قبل اذان صبح، از جماران تا انقلاب را گشتم حین برف. اگر قالیباف شهردار بود، عده‌ای همین امروز کف توییت‌ر در حال انتشار هشتگ قالیباف استعفا بودند و احتمالاً مجله چلچراغ و خط‌خطی، قالیباف را در حال جت‌اسکی کردن روی برف شهر تهران، به تصویر می‌کشیدند؛ حیف که نجفی شهردار است.» همچنین کاربران اصولگرا از کلبه‌واژه «کیش» نیز برای انتقاد از مسئولان بارها استفاده کردند. کاربری به نام فامیل دور هم با انتشار تصویری از قالیباف و نجفی نوشته است: «اولی وسط میدون با لباس گلی، دومی وسط دریای کیش با لباس گل گلی.» ▶

با بارش برف سنگین در کشور شهروندان در تهران و جاده‌های منتهی به تهران بیش از دیگر نقاط کشور با سختی و مشکلات روبه‌رو شدند. مردم هم در اتوبان‌های پایتخت، هم جاده قم-تهران و هم مسیر تهران-کرج با وضعیت بغرنج و پیچیده‌ای روبه‌رو شدند. به گونه‌ای که حتی محمدرضا عارف، رئیس فراکسیون امید مجلس امروز در گفت‌وگویی به شدت از شهرداری و استانداری تهران انتقاد کرد. اما روایت‌های مردم و افرادی که از شب گذشته درگیر شرایط سخت بودند جالب توجه و خواندنی بود. یکی از اولین روایت‌ها از سوی محمدعلی ابطحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و رئیس دفتر رئیس‌جمهور در دوران اصلاحات منتشر شد. او که در جاده تهران-قم گرفتار برف شده بود با انتشار تصویری نوشت: «نهمین ساعتی که در یک نقطه در جاده قم با صدها ماشین ایستاده‌ایم. یک متر تکان نخورده‌ایم. صبح شد. نه خبری از باز شدن راه هست و نه کمکی.» تصویر و روایت ابطحی بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی داشته است. اما وضعیت در اتوبان تهران-کرج نیز به چیزی شبیه جاده تهران-قم بوده است و عده زیادی از مردم در جاده‌ها ماندند. بیشتر انتقادات به عدم نمک‌پاشی جاده‌ها و ضعف در پاکسازی و برف‌روبی است. اقداماتی که در شهر تهران بر عهده شهرداری و در جاده‌ها بر عهده وزارت راه است.

اما از صبح روز برفی یک توییت از سوی محمدعلی نجفی، شهردار تهران موجب واکنش‌های فراوانی شده است. این توییت بارها باز نشر داده شد. برخی شهروندان با استناد به آن به شهردار حمله کردند و برخی دیگر سعی کردند از درخواست شهردار حمایت کنند. توییت جنجالی نجفی این بود «از شهروندان خوب تهرانی به خصوص جوانان و دانش‌آموزان دبیرستانی دعوت می‌کنم از چند ساعت دیگر و با گرم‌تر شدن هوا، در کنار ماهوران شهرداری به سبک‌تر شدن بارش‌های درختان از برف به آرامی و دقت کمک

به ما پیامک بزنید:

۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

لطفاً پیگیری کنید چه نهادی به این سایت‌های شرط‌بندی که درباره مسابقات ورزشی انجام می‌شود نظارت دارد؟ پسر بی فکر من کار و زندگی‌اش شده نشستن مقابل تلویزیون و شرط‌بندی برای فوتبال! درمانده شدم.

برای بارش نزولات آسمانی در کشور شکر و دعا کنیم تا بیشتر نازل شود و از آلودگی هوای خوزستان عزیزمان نیز کاسته شود.

سخنگوی دولت یک نجومی‌بگیر را ذخیره نظام معرفی می‌کند یا دزدی از صندوق ذخیره فرهنگیان را توجیه می‌کند و در همه این موارد در حال تیرنه کردن مجرمان است اما در تخلف ۸۰ درصدی بودجه ۹۵ توسط دولت، انگشت را به سمت دیوان محاسبات می‌گیرد و گلابی می‌کند که چرا افشاگری کرده است.

با این همه تعطیلی در سال و شروع ماه رمضان در اردیبهشت ماه، باید آغاز سال تحصیلی از شهریورماه باشد.

دولت فقط شفافیت را در جیب و دخل و خرج مردم می‌داند و نه در مواردی که به جیب دولت مرتبط می‌شود. بنابراین حتی به گزارش تفریح بودجه ۹۵ هم معترض می‌شود!

لطفاً به آقای وزیر راه بفرمایید آیا ارائه خدمات در همه جای دنیا مثل کشور ماست؟ پیرانه‌ای که قانون بوده حالا نیست.

مدت‌ها است که دشمنان به منظور زمینه‌سازی برای توافق پارامو، سپاه پاسداران، بسیج، حزب‌الله و... را مورد حمله رسانه‌ای و تحریم و تهدید و... قرار می‌دهند. سینه‌چاکان غرب دنبال چه هستند؟

برف تهران هرچند باعث خوشحالی مردم شده بود اما باعث نارضایتی مردم از نبود مدیریتی هوشمند و کارآمد در مواقع حساس و ضروری هم بود. امیدوارم مسئولان در شهرداری به خصوص آقای نجفی پاسخگوی کوتاهی شهرداری در خدمات رسانی به مردم باشند.

اِبلَاغ شد که آيونمان گاز غيرقانونی است ولی کسی نمی‌خواهد برای خدمات مستمر در قبوض گاز که به جای آيونمان آمده پیگیری کند. چه خدماتی برای مردم انجام می‌دهند که دیده نمی‌شود؟

اگر در تمام ادارات و بانک‌ها و ساختمان‌های مرکزی دانشگاه‌ها، سرویس رفت و برگشت بگذارند و هیچ کارمندی با خودرو شخصی تردد نکند آلودگی هوا کم می‌شود.

واکنش سردار سلیمانی به مالک اشتر خواندن: اگر گفتند مالک اشتر من باورم شد سقوط می‌کنم



ظریف در پاسخ به جعل موشکی هیللی: ما نشان استاندارد را برای پفک نمکی استفاده می‌کنیم نه موشک

## آقای روحانی به فکر تحویل قوطی های مردم باشید

بعد از آنکه حسن روحانی در اظهاراتی کنایه آمیز در مصاحبه تلویزیونی اش خانه های مسکن مهر را قوطی خواند، فضای مجازی به آن واکنش نشان داد و از روحانی خواست تا نسبت به اهانتی که به خانه و کاشانه مردم کرده است عذرخواهی کند.

در همین رابطه علی نیکزاد، وزیر دولت دهم که مسئول ساخت مسکن مهر بود در پاسخ به روحانی نوشت: «روی سخن من با رئیس جمهور محترم دولت دوازدهم است که ظاهراً نه کلاه شان پیش مسئولان دولت پشیمی دارد و نه نزد پیمانکاران #مسکن\_مهر. و نه اینکه باورشان شده که دولت در خشان یازدهم تمام شده است! ظاهراً آقای رئیس جمهور محترم، اطلاعاتشان را از افراد لایق نما می گیرند و نه از افراد دلسوز و شجاع و خودشان هم حال و هوای دیدن زمستان از بیرون پنجره هارا ندارند.

بنابراین بر خود واجب می دانم به ایشان یادآوری کنم آقای رئیس! به فکر میلیون ها مردم مظلومی که منتظر تحویل مسکن مهر یا همان قوطی هایی که اگر برای مردم آب نکرده، برای دولت شما نان کرده نیستید، لااقل به فکر پشم کلاهتان در پیشگاه مردم باشید و دستور خود در خصوص اتمام و بسته شدن پرونده مسکن مهر تا پایان دولت یازدهم را پیگیری کنید. لااقل وقت یک روز هلی کوپتر اختصاصی خود را صرف کنید تا میزان عمل مسئولان دولتتان به دستوراتتان را از نزدیک شاهد باشید.»

## اعتراض سازمانی

بعد از آنکه دختری چند هفته پیش روی پست برقی در خیابان انقلاب روسری خود را روی چوبی به نشانه اعتراض به حجاب بلند کرد، مدتی از او خبری نبود تا آنکه برخی از منابع خبری که در خارج از ایران او را پوشش داده و حمایت می کردند خبر آزادی او را منتشر و از او با عنوان دختر خیابان انقلاب یاد کردند.

با انتشار خبر آزادی وی چند مرد و زن دیگر نیز کار او را تکرار کردند. در واکنش به این اعتراضات هشتگی در فضای مجازی به راه افتاد به عنوان #اعتراض سازمانی که برخی از واکنشن ها در این مورد را می خوانید:

**اف کیانی:** با بررسی های بیشتر نهاد های مسئول به نظر می رسد که مسجل شده بی حجابی های اطراف خ انقلاب #اعتراض سازمانی بوده است.

**فرید:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: حیا زیاست اما در زنان زیباتر است. (نهج الفصاحه، ح ۲۰۰۶) در پرده آزر جهان زیباتر / دور از چشمان این و آن زیباتر / مانند گهر که در صدف می پیچد / زیباست حیا و در زنان زیباتر / #اعتراض سازمانی

**فرشاد مهدی پور:** در روزی که سرگرم پرداختن به شعبده بازی دخترکانی روی «پست» های مخابراتی بودیم، ترامپ، هیلری و پمپئو (یعنی همه آدم خوارهای آمریکایی) هجمه سیاسی-حقوقی گسترده ای علیه #ایران به راه انداختند. #اعتراض سازمانی

**مجتبی محدثی:** #اعتراض سازمانی یعنی هر بار دولت یک گندی میزنه، بهر هو پست های برق شهر یک عده چوب به دست میبینی که تنها مشککشون تو این کشور #حجاب هست! اینجوری #اقتصاد تو ۴ سال به ته چاه میره.

## بررسی رسانه ای هفته

### آیا هزینه جنگ در سوریه قابل دفاع نیست؟



نویسنده روزنامه جوان در بخشی از یادداشتی در شماره امروز خود با تیتیر «هزینه های تأمین امنیت» نوشت: «سوریه را رها کن - فکری به حال ما کن. این عبارت از جمله شعارهای برخی از معترضین با اغتشاشگران در حوادث دی ماه بود؛ شعاری که در فضای مجازی همراه با تحلیل ها و تفسیرها در بعضی از شبکه های اجتماعی به صورت پررنگ مطرح می شود. این شعار در برخی از شبکه های ماهواره ای فارسی زبان نیز به شکل های گوناگون محل بحث قرار می گیرد.» نویسنده روزنامه جوان در ادامه به مقوله امنیت پرداخته و می نویسد:

«امنیت ملی و امنیت داخلی برای یک ملت، شرط لازم برای تأمین نیازهای معقول دیگر است.» وی ادامه می دهد: «امنیت یک وضعیت است که باید با هزینه کردن ها و خرج کردن ها به صورت عقلایی و مدبرانه، ایجاد گردد. بر همین مبنا و اساس، در بودجه سالانه هر حکومت و دولتی، ردیفی تحت عنوان بودجه دفاعی قرار دارد. آیا ایران را می توان از این امر مهم و ضروری، با توجه به موقعیت راهبردی و حجم بالای تهدیدات استتاد کرد؟ ایران کشوری است که به دلیل موقعیت راهبردی اش همواره مورد طمع قدرت ها بوده است. «یدالله جوانی در نهایت معتقد است: «حضور در سوریه و عراق به صورت مستشاری، هزینه های تأمین امنیت است. هزینه هایی مانند خرید هواپیماهای جنگی، سخت موشک، تجهیز لشکرها و تیپ های نظامی، ایجاد پاسگاه های مرزی و... برای تأمین امنیت، چگونه قابل دفاع و توجیه است؟ با همان منطقی که از این هزینه ها دفاع می شود، هزینه های حضور در سوریه هم قابل دفاع است. وقتی مثل روز روشن است که اگر در سوریه با گروهک های تروریستی ساخته و پرداخته آمریکا و متحدانش نجاتی، باید با آنان در داخل ایران و حتی شهرهای مرکزی، چون تهران، اصفهان، همدان و... جنگ کنی، آیا هزینه جنگ در سوریه و حضور در آنجا قابل دفاع نیست؟ مردم ایران و خصوصاً جوانان، باید بدانند که شعار «سوریه را رها کن - فکری به حال ما کن» ساخته و پرداخته اتاق های عملیات روانی همان کسانی است که با بحران آفرینی در سوریه و عراق، امنیت ایران را نشانه روی کرده بودند.»

### بهبانه «غافلگیری» از سکه افتاده است

جلال خوش چهره در سرمقاله امروز روزنامه ابتکار با عنوان بهبانه «غافلگیری» از سکه افتاده است، نوشت: «غافلگیری» معنا ندارد. سال هاست بابت ناتوانی در برابر رخ دادهای طبیعی و غیر آن؛ مثل باران و برف، سیل، زلزله، آتش سوزی و... آنچه از مسئولان می شنویم توجیه ناتوانی در مدیریت بحران با عنوان کسالت بار «غافلگیری» است. کدام



غافلگیری؟ آن هم وقتی که از روزهای پیش، مردم در فضای مجازی یکدیگر را برای بارش های اخیر خبر کردند و خشنودان از اینکه سرانجام زمستان و نعمتش به آنان روی خوش نشان خواهد داد. مگر می شود همه از زمان بارش ها خبر داشته باشند، جز مسئولان و نهادهایی که کارکردشان در همه سال به همین مواقع ربط دارد. عادت کرده ایم به دلیل خوش خیالی سازمان ها و نهادها، تلخی ها را چاشنی خبرهای خوب کنیم. بارش سنگین برف و لذت کاستن از دلهره خشکسالی و کم آبی چه زود با غافلگیری در جاده ها، شهرها و روستاها کم رنگ می شود. خاصه آنکه این بهبانه وقتی نجسب و کسالت بار می نماید که فهم عمومی از غافلگیری نادیده گرفته شود. در واقع ممکن است به راستی چنین اتفاقی رخ دهد، به شرط آنکه نشانه ای از تلاش برای کنترل اوضاع در بزنگاه حادثه هم باشد؛ نه اینکه اتفاق رخ دهد، آنگاه برای کاستی ها توجیه تراشید. راقم این سطور شبیه گذشته به همراه صد هانفر دیگر در جاده لغزان پوشیده از برف و در میان توفان سفید، از اتوبان قم به سمت تهران در حرکت بود. در نخستین دقایق ورود به اتوبان، بارش سنگین باران و سردتر شدن هوا، خبر از حادثه می داد. اما در طول مسیر و تا چهل کیلومتری تهران، هیچ هشدارنی نه از سوی پلیس راهور، نه ماموران راهداری و نه حتی از صدای رسانه ملی دیده و شنیده نشد. آنچه مردم را به دستگاه های حاکمیتی خود امیدوار می کند، در بدیهی ترین شکل، تأمین امنیت و رفاه آنان به ویژه در چنین مواقعی است. به عبارت دیگر، اعتماد مردم به تدبیر و مدیریت دستگاهها، به آنها اعتبار می بخشد. بدترین حالت نیز هنگامی است که این اعتماد سلب شود. بهبانه «غافلگیری» مدت هاست که از سکه افتاده است. چاره بازنگری اساسی به توانایی ها و کارکردهایی است که به وقت لزوم قادر به مدیریت اوضاع باشد. بارش کم سابقه برف در دلهره گی های خشکسالی، ذاتقه هارا به تمامی شیرین نکرد. چاره لازم باید اندیشید.»

### نظارتی نامنتظره



روزنامه صبح نو در سرمقاله خود نوشت: «اتفاقی که در رابطه با گزارش دیوان محاسبات کشور از تفریق بودجه ۹۵ دولت افتاده است، در نوع خود کم نظیر و یادآور هموارطلبی های برخی دولت های قبلی برای سرپیچی از قواعد سیاست ورزی است. دیوان محاسبات طبق اصول ۵۴ و ۵۵ قانون اساسی وضع منحصر به فرد در حکمرانی ملی دارد و آنکه خارج از قوه قضاییه است، می تواند از وضع حساب های دولتی به طور عام گزارشی تهیه کرده، آن را در دسترس عموم قرار دهد و در این زمینه اعمال قانون کند. این دیوان چهارم بهمن ماه گزارشی انتشار داد که از انحرافات بودجه حیرت آور و ناکارآمدی وسیع آنها در تحقق اهداف قانون خبر می داد؛ در نتیجه همه عوامل درگیر می بایست در دادرسی دیوان محاسبات، پاسخگوی اقدامات خویش باشند؛ اما آن واکنش حیرت آور چیست؟ رئیس سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده که حاضر است با همراهی وزیر نفت در مناظره با مسئولان دیوان حاضر شود؛ در واقع حکمی صادر شده و متهمان به جای حضور در دادگاه، قاضی را به مناظره تلویزیونی فراخوان کرده اند و حتی در بخشی از واکنش خویش به قوانین منسوخ شده ۴۰ سال قبل اشاره کرده اند که دیگر هیچ حجیت و مشروعیتی ندارد. ناظر بر دستگاهها در تمامی دنیا دارای موقعیتی فصل الخطابی است و عجب اینکه چرا دولتی ها به همین سادگی قوانین را نادیده می گیرند و به جای حل مشکل (که همانا وفادار نمادن به قانون بودجه ای که خودشان نوشته اند) در حال جریان سازی رسانه ای و طفره رفتن از اجرای قانون اند.»

شهرداری غافلگیر شد  
گفت‌وگو با مرتضی طلائی



اصلاحات نیاز به اصلاحات دارد  
جلال جلالی‌زاده

اعتماد به اروپا اشتباه است  
گفت‌وگو با جواد منصور



غروب برجام  
ابراهیم متقی

## رئیس‌جمهور اپوزیسیون

- حسن روحانی طوری سخن می‌گوید که انگار بخشی از حاکمیت جمهوری اسلامی نیست
- روحانی پس از آشوب‌های دی‌ماه استراتژی طلبکاری را برگزیده است

گفت‌وگو با عباس سلیمی نمین

### کمک کنیم

### روحانی تا ۱۴۰۰ بماند

برخی از مدافعان روحانی به‌طور بیچیدمانی به‌دنبال عبور از او هستند / بخشی از همراهان روحانی به‌دنبال شکست خوردن او هستند / اکثر اصول‌گرایان به این نتیجه رسیدند که باید از دولت حدایت کرد

گفت‌وگو با ابراهیم فیاض

### روحانی استعفادهد

دولت از عهده مدیریت کشور برنمی‌آید / روحانی باید امثال وزیر راه را عوض و کابینه را جوان کند / اگر یک انقلابی در کشور مدیر نشود، اوضاع بحرانی می‌شود / دولت روحانی به ۱۴۰۰ نمی‌رسد

### بحران مشروعیت

اصلاح‌طلبان پس از آشوب‌های زمستان ۹۶ در کجای سیاست ایران قرار دارند؟

### پروژه ۷+۱

هدف احمدی‌نژاد از تجمع اعتراضی چیست؟

### اصلاح‌طلبان آخرین امید نظام نیستند

سرمقاله مثلث  
در پاسخ به ادعای  
سعید حجاریان

### شبح پایان توافق

خروج اروپا و آمریکا از برجام  
به چه معناست؟





هوادولك

[www.mci.ir](http://www.mci.ir)

# بسته به مصرف

پیشنهاد بسته اینترنتی متناسب با مصرف شما

فعال سازی با شماره گیری #۲۱\*۱۰۰۰\*





aparat.com/iranpl.ir



p.r.@iranpl.ir



instagram.com/iranpl.ir



telegram.me/iranplir

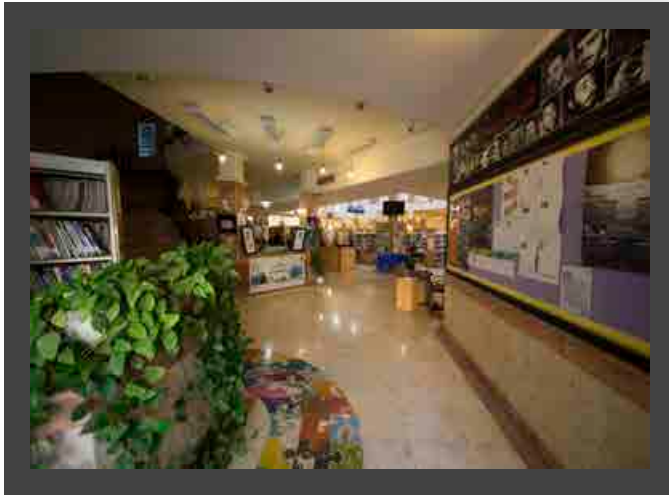


www.iranpl.ir

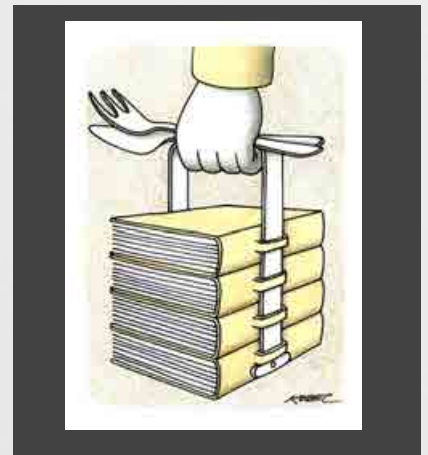


## استان یزد - کتابخانه امام علی (ع)

این کتابخانه در سال ۱۳۷۶ با زیربنای ۴۲۰۰ مترمربع تأسیس و پس از فراهم آوری مقدمات لازم در سال ۱۳۷۸ به بهره‌برداری رسید. کتابخانه امام علی (ع) به بخش‌های مخزن، مرجع، کودک، استان شناسی، نایبنا، نوجوان، کمک‌درسی، اطلاع‌رسانی، نوسودان، نشریات، اسناد و آرشیو مطبوعات و سالن‌های مطالعه مجزا مجهز است. این کتابخانه با ۱۵۰ هزار و ۱۳۳ نسخه کتاب به بیش از ۶۲۰۰ عضو خدمات ارائه می‌دهد و هم‌روزه از ساعت ۷:۳۰ صبح لغایت ۱۹ (در ایام امتحانات دانش‌آموزان و دانشجویان تا ساعت ۲۱) در خدمت عموم قرار دارد. شهروندان یزدی برای استفاده از این مرکز فرهنگی می‌توانند به مجتمع فرهنگی هنری امام علی (ع) واقع در بلوار دانشجو، نرسیده به سه‌راه تعاون مراجعه کنند.



## کتابخانه‌شناسی



طرح: رمان کوبی، جمهوری چک

## کارتون کتاب

## کتابخانه ما پیشنهاد کتاب

همچنین مطالعه این کتاب ما را با قدم‌های استوار طیب، عتبار با ایمان دهه ۰۳ و ۰۴ خیابان‌های تهران، دست‌فروشی مسئولانه نوجوانی بی‌ادعا و بزرگ (که بعدها رئیس‌جمهور ایران اسلامی شد) و لحظه‌های پرتشویش تعقیب و گریز چریک قهرمان انقلابی، مأنوس و همراه می‌کند. برای مطالعه این کتاب ارزشمند و آگاهی از ابعاد گوناگون زندگی سه شهیدی که هر یک در برهه‌های مختلف، نقشی بسیار مهم و اثرگذار در به ثمر رسیدن نهال انقلاب اسلامی ایفا کرده‌اند به کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور مراجعه کنید.

«سه شهید» خاطراتی بکر و کمتر شنیده‌شده از سه فرزند برومند ایران سربلند را به زیبایی و با قلمی شیوا و متنی منسجم روایت می‌کند. این کتاب مستندی تاریخی است که به بیان حقایق ناب و کمتر در دسترس تاریخی و معرفی جامع شخصیت‌های ناشناخته و اثرگذار می‌پردازد و این وجه تمایز «سه شهید» از کتاب‌های مشابه به شمار می‌رود. مصاحبه با افراد حقیقی (نزدیکان و خانواده سه شهید بزرگوار) شاخص اطمینان‌بخشی است که علاوه بر ارزش‌بخشی به صحت گفتار نویسنده، ما را با سبک زندگی آن بزرگواران آشنا می‌کند؛



نام کتاب ..... سه شهید  
نویسنده ..... حمید داوود آبادی  
انتشارات ..... مؤسسه شهید حاج احمد کاظمی  
تعداد صفحات ..... ۲۴۰ صفحه

## خبر ویژه

## کتاب‌های طرح کتاب‌خوان بهمن ماه معرفی شد

یگانه از نشر حدیث راه عشق، «لحظه‌های انقلاب» نوشته محمود گلابدره‌یی از نشر معارف و «سه شهید» نوشته حمید داوود آبادی از مؤسسه شهید حاج احمد کاظمی، به علاقه‌مندان مطالعه و کتابخوانی معرفی شد.

هم‌زمان با فرارسیدن دومین ماه از فصل زمستان، طرح کتاب‌خوان بهمن ماه با معرفی ۱۴ اثر در حوزه‌های کودک، خانواده و انقلاب اسلامی ارائه شد. بر این اساس «من نبودم دستم بود» نوشته لعیا اعتمادی از نشر جمال، «خانواده موفق» نوشته زهرا رحیمی



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از زمینه‌های روبه‌رو عکس بگیرید



شرکت نفت ایرانول



کیفیت را با روغن موتورهای ایرانول تجربه کنید

تلفن واحد فروش: ۸۸۲۱۲۹۹۹

[www.iranol.ir](http://www.iranol.ir)

## رقابت سرنوشت‌ساز

هر اندازه زمان می‌گذرد، منازعه جمهوریخواهان و ترامپ وارد فاز تازه‌تری می‌شود؛ منازعه‌ای که در صورت شکست جمهوریخواهان و پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره به نقطه اوج خود خواهد رسید و تا سال ۲۰۲۰ ادامه پیدا خواهد کرد. بنابراین در آینده‌ای نزدیک شاهد بروز دو نوع منازعه میان سیاستمداران آمریکایی خواهیم بود.

# گفتارها

## کاخ «سفید» در وضعیت «قرمز»

تقابل همزمان ترامپ با دموکرات‌ها و جمهوریخواهان

همین مساله منجر به خوشحالی دموکرات‌ها و خصوصاً افرادی مانند جو بایدن و برنی سندرز شده است. از بایدن و سندرز به عنوان نامزدهای احتمالی حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ یاد می‌شود. در این انتخابات ممکن است بار دیگر شاهد حضور دموکرات‌ها در کاخ سفید باشیم.

بسیاری از تحلیلگران مسائل آمریکا معتقدند اگر اوضاع به همین شکل ادامه پیدا کند، ترامپ دیگر نمی‌تواند در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ بر رقیب خود از حزب دموکرات پیروز شود. نباید این حقیقت را فراموش کرد که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ نیز ترامپ در مجموع آرا نتوانست بر هیلاری کلینتون نامزد حزب دموکرات پیروز شود اما با استناد به ساختار رای گیری الکترال نتوانست وارد کاخ سفید شود. هم‌اکنون آرای ترامپ در ایالاتی مانند فلوریدا (که نقش موثری در پیروزی وی در سال ۲۰۱۶ ایفا کردند) نیز کاهش پیدا کرده است. بسیاری از جمهوریخواهان معتقدند که رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا برای تغییر شرایط موجود و فرار از شکست در انتخابات، باید رویکرد سیاسی و اجتماعی خود را تغییر دهد. با این حال به نظر می‌رسد دونالد ترامپ همچنان سعی دارد به رویکرد سرسختانه خود ادامه دهد.

هر اندازه زمان می‌گذرد، منازعه جمهوریخواهان و ترامپ وارد فاز تازه‌تری می‌شود؛ منازعه‌ای که در صورت شکست جمهوریخواهان و پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره به نقطه اوج خود خواهد رسید و تا سال ۲۰۲۰ ادامه پیدا خواهد کرد. بنابراین در آینده‌ای نزدیک شاهد بروز نوع منازعه میان سیاستمداران آمریکایی خواهیم بود.

نخست منازعه‌ای که میان دموکرات‌های سنا و دونالد ترامپ رخ خواهد داد و متعاقب آن، کنگره در مقابل بسیاری از لویح دولت ایستادگی خواهد کرد. همچنین امکان دارد کنگره و خصوصاً سنای آمریکا طرح‌هایی را ارائه نماید که با اصول و اهداف سیاست داخلی و خارجی ترامپ در تعارض باشد. همان‌گونه که اشاره شد، محصول این منازعه تضعیف موقعیت رئیس‌جمهور فعلی آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ و عدم حضور دوباره وی در قدرت خواهد بود. منازعه دوم که به مراتب جدی‌تر است، منازعه‌ای است که میان جمهوریخواهان ناراضی و رئیس‌جمهور فعلی آمریکا رخ خواهد داد. پس از شکست احتمالی جمهوریخواهان در مقابل دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای این منازعه تشدید خواهد شد. لازم به ذکر است که چندی پیش چند تن از سناتورهای حزب جمهوریخواه اذعان کردند که اگر روند فعلی در حزب جمهوریخواه (در تقابل با ترامپ) ادامه پیدا کند احتمال دارد که این حزب نامزد دیگری را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ معرفی کند و به عبارت بهتر، انتخابات درون‌حزبی برگزار نماید. از این رو تضمینی وجود ندارد که ترامپ از اکنون خود را نامزد نهایی جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ بداند.

لازم به ذکر است که در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا، ترامپ بارها حزب جمهوریخواه را تهدید کرد که اگر تن به پذیرش وی به عنوان نامزد نهایی این حزب ندهد، به صورت مستقل در کارزار انتخابات حضور خواهد یافت. همین تهدید در نهایت موجب آن شد تا ترامپ پس از برتری در مقابل رقبایی مانند تد کروزر در انتخابات درون‌حزبی، به عنوان نامزد نهایی جمهوریخواهان معرفی شود. ▶



آخرین نظرسنجی‌ها در ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که ترامپ از محبوبیتی ۳۶ درصدی بین شهروندان این کشور برخوردار است. به عبارت بهتر، حداقل ۱۴ درصد از طرفداران ترامپ نسبت به سال گذشته ریزش داشته‌اند. این بدترین نتیجه ممکن برای رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. بی‌توجهی ترامپ نسبت به مسائل اجتماعی از جمله مسائل بهداشتی و درمانی در آمریکا از یک سو و سیاست خارجی تنش‌آمیز وی با کشورهای دیگر دنیا سبب شده است تا روز به روز عدم محبوبیت وی نزد رای‌دهندگان آمریکایی بیشتر شود.

با این حال سوال اصلی اینجاست که آیا ترامپ قادر خواهد بود وضعیت نابسامان سیاسی و اجتماعی خود را در سال ۲۰۱۸ میلادی مدیریت کرده و از بحران «عدم محبوبیت مردمی» عبور کند؟ واقعیت امر این است که رئیس‌جمهور ایالات متحده روزهای سختی را سپری می‌کند. تعطیلی دولت فدرال آمریکا نشان داد که علاوه بر سناتورهای حزب دموکرات، برخی سناتورهای حزب جمهوریخواه نیز با وی مخالف هستند. به عبارت بهتر، کاهش محبوبیت ترامپ، صرفاً اختصاص به افکار عمومی ندارد و سیاستمداران جمهوریخواه را نیز شامل می‌شود.

سناتورهایی مانند جف فلیک و جان مک‌کین و حتی لیندسی گراهام نسبت به سیاست‌ها و رفتارهای رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا ناراضی به نظر می‌رسند. آنها به خوبی می‌دانند که استمرار حضور ترامپ در راس معادلات سیاسی و اجرایی ایالات متحده می‌تواند منجر به شکست جمهوریخواهان در انتخابات کنگره (سال ۲۰۱۸) و از دست رفتن قدرت جمهوریخواهان در سنا شود. در این صورت، سناتورهای دموکرات بر سنا تسلط پیدا خواهند کرد. تسلط سناتورهای حزب دموکرات به معنای ایستادگی تمام‌عیار سنا (و متعاقباً مجلس نمایندگان) در مقابل کاخ سفید خواهد بود. در این صورت، تصویب بسیاری از لویح دولت با مشکلات عدیده‌ای همراه خواهد شد. همان‌گونه که اشاره شد، در حال حاضر و در شرایطی که سنای آمریکا دارای اکثریتی جمهوریخواه است، شاهد تعطیلی دولت فدرال هستیم. بدون شک این روند در صورت تسلط دموکرات‌ها بر سنا تسریع خواهد شد.

بسیاری از تحلیلگران معتقدند که رئیس‌جمهور آمریکا قادر به عبور از بحران «عدم محبوبیت مردمی» نیست و در سال ۲۰۱۸ میلادی این روند (کاهش محبوبیت ترامپ) تقویت خواهد شد. از آنجا که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که دموکرات‌ها پیروزی بی‌دردسری را در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره خواهند داشت، ترامپ در موضع ضعف بیشتری در مقابل سنا قرار خواهد گرفت. اما مساله به این نقطه ختم نخواهد شد. نکته مهم دیگر اینکه پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات کنگره امسال مقدمه‌ای برای پیروزی آنها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ محسوب می‌شود. از این رو جمهوریخواهان تصمیم گرفته‌اند در مقابل رویکرد منفی ترامپ، واکنشی جدی‌تر نشان دهند. در نظرسنجی‌هایی که در اواخر سال ۲۰۱۷ میلادی صورت گرفت، مشخص شد که ۳۱ درصد از طرفداران حزب جمهوریخواه دیگر حاضر نیستند در انتخابات ریاست جمهوری بعدی به ترامپ رای دهند.

آخرین نظرسنجی‌های انجام شده در آلمان، اکثر شهروندان آلمانی معتقدند مرکل باید از سمت خود کناره‌گیری کند و راه را برای سیاستمداران دیگر برای احراز پست صدراعظمی باز کند. در چنین شرایطی کمتر کسی دیگر از مرکل به‌عنوان یک «رهبر مقتدر اروپایی» یاد می‌کند. وی حتی در صورت تشکیل دولت ائتلافی با سوسیال‌دموکرات‌ها نیز دیگر قدرت سابق خود را در کشورش و اروپای واحد نخواهد داشت. در چنین شرایطی شاید بهترین تصمیم ممکن برای مرکل، استعفا از قدرت باشد. با این حال شواهد موجود نشان می‌دهد که صدراعظم سوزمین ژرمن‌ها قصد ندارد به‌سادگی قدرت را به دیگران واگذار کند.

در اینجا نکته‌ای دیگر وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. اگرچه مذاکرات ائتلاف احزاب مسیحی و حزب سوسیال‌دموکرات بر سر شکل‌گیری دولت ائتلافی (موسوم به ائتلاف بزرگ) برای مرکل اهمیتی اساسی دارد و می‌تواند حکم بقای سیاسی وی در مسند صدراعظمی آلمان را امضا کند اما چنین حساسیتی در مورد حزب سوسیال‌دموکرات صادق نیست. حزب سوسیال‌دموکرات در جریان انتخابات سراسری اخیر با کسب حدود ۲۰ درصد آرا یکی از ضعیف‌ترین و غیرقابل‌انتظارترین نتایج انتخاباتی طی دهه‌های اخیر را به دست آورد. پس از آن حزب سوسیال‌دموکرات اعلام کرد که قصد دارد به‌عنوان حزب اپوزیسیون مرکل و دولت ائتلافی به کار خود ادامه دهد اما شکست مذاکرات بر سر تشکیل ائتلاف جامائیکا، بار دیگر دو حزب سنتی دموکرات مسیحی و سوسیال‌دموکرات را پای میز مذاکره نشانده است. هم‌اکنون بار دیگر مذاکرات مرکل و سران حزب سوسیال‌دموکرات بر سر تشکیل ائتلاف بزرگ آغاز شده است. این در حالی است که در داخل حزب سوسیال‌دموکرات مخالفت‌های زیادی در این خصوص وجود دارد. موافقت اکثریت ضعیف نمایندگان حزب سوسیال‌دموکرات در کنگره اخیر این حزب با مذاکرات رسمی جهت تشکیل ائتلاف بزرگ، نشان می‌دهد که نگاه مثبتی در بدنه حزب سوسیال‌دموکرات در قبال تشکیل دوباره دولت ائتلافی با مرکل وجود ندارد. در هر حال، هم‌اکنون مرکل احساس نیاز شدیدی به سوسیال‌دموکرات‌ها می‌کند و ائتلاف با این حزب را راهی برای بقای خود در برلین می‌داند. همین مسأله، دستان سوسیال‌دموکرات‌ها را در مذاکره با ائتلاف احزاب مسیحی پرتز کرده است.

اما سوال اصلی و نهایی اینجاست که آیا «بقای حداقلی» مرکل در قدرت می‌تواند وی را به لحاظ سیاسی و اقتصادی کماکان به فردی مقتدر در اروپا و منطقه یورو تبدیل کند؟ پاسخ این سوال مسلماً منفی است. بدیهی است که «بقای حداقلی» با «بقای موثر» در قدرت تفاوت دارد. این قاعده در خصوص صدراعظم آلمان نیز صدق می‌کند. هم‌اکنون مرکل در صدد است ضمن ائتلاف با حزب سوسیال‌دموکرات، تا حد ممکن هزینه شکست‌های اخیر خود و حزب متبوعش (حزب دموکرات مسیحی) در انتخابات سراسری آلمان را کاهش دهد. با این حال کاهش این هزینه، به معنای بازگشت مقتدرانه مرکل به قدرت نیست. در اینجا تأکید می‌شود که حتی اگر آنگلا مرکل بار دیگر تحت تأثیر ائتلاف با حزب سوسیال‌دموکرات در راس معادلات اجرایی آلمان قرار گیرد، دیگر نمی‌توان از وی به‌عنوان سیاستمداری مقتدر در برلین و اروپای واحد یاد کرد. موضوعی که برخی شرکای اروپایی آلمان را نیز نگران کرده است. ▶



## اقتدار از دست‌رفته آلمان

### بلا تکلیفی قدرت اول اروپا

سعید سبحانی

روزنامه‌نگار

است که عبور از آن چندان آسان به نظر نمی‌رسد. از سوی دیگر، در جریان مذاکرات ائتلاف احزاب مسیحی با دو حزب سبز و لیبرال‌دموکرات نیز شاهد شکست مرکل و همراهانش بودیم. در حالی که منابع تحلیلی و خبری در آلمان پیش‌بینی می‌کردند ائتلاف موسوم به «جامائیکا» میان ۴ حزب مذاکره‌کننده تشکیل شود، اما در نهایت «کریستین لیندتر»، رهبر حزب لیبرال‌دموکرات میز مذاکرات را ترک کرد.

هم‌اکنون مرکل در وضعیت سخت و دشواری قرار دارد. او به‌خوبی می‌داند که تشکیل دولت ائتلافی با سوسیال‌دموکرات‌ها بهترین گزینه ممکن برای وی در برهه زمانی موجود محسوب می‌شود. اگرچه این گزینه هیچ‌گاه برای مرکل مطلوب نبوده، اما در صورتی که مذاکرات با سوسیال‌دموکرات‌ها و افرادی مانند مارتین شولتز و زیگمار گابریل بر سر تشکیل دولت ائتلافی با شکست مواجه شود، مرکل ناچار به تشکیل دولت حداقلی با حزب سبز یا برگزاری انتخابات زودهنگام خواهد شد. انتخاب هر یک از این دو گزینه هزینه‌های سختی برای صدراعظم آلمان خواهد داشت.

در صورت برگزاری انتخابات زودهنگام نیز بحران سیاسی در آلمان ادامه پیدا خواهد کرد. ضمن آنکه در صورت شکست مذاکرات ائتلاف احزاب مسیحی و سوسیال‌دموکرات‌ها، فشار افکار عمومی بر مرکل جهت استعفا از سمت صدراعظمی و واگذاری قدرت به فردی دیگر افزایش پیدا خواهد کرد. در چنین شرایطی سوسیال‌دموکرات‌ها شانس بیشتری برای حضور در راس قدرت خواهند داشت. نکته مهم‌تر اینکه مطابق

آلمان به‌عنوان کشوری که هدایتگر معادلات اقتصادی و سیاسی اروپای واحد و منطقه یورو است، همچنان از فقدان وجود یک «دولت مستقر» رنج می‌برد. آنگلا مرکل به‌عنوان صدراعظم آلمان طی ماه‌های اخیر صرفاً بر معادلات داخلی کشورش تمرکز کرده و عملاً قدرت مانور قبلی خود را در اتحادیه اروپا از دست داده است. بر این اساس، دیگر کمتر کسی از آنگلا مرکل به‌عنوان صدراعظمی قدرتمند در آلمان یاد می‌کند. مطابق آخرین نظرسنجی‌های صورت گرفته، نیمی از شهروندان آلمانی خواستار استعفای مرکل از قدرت هستند. این بدترین وضعیتی است که مرکل از ابتدای حضور خود در قدرت در آن به سر می‌برد. حدود ۴ ماه از برگزاری انتخابات سراسری در آلمان می‌گذرد. طی این مدت، کماکان دولت ائتلافی در این کشور تشکیل نشده و از سوی دیگر، آرای ائتلاف احزاب مسیحی (احزاب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی) به‌گونه‌ای نبوده است که قدرت تشکیل دولت یکپارچه را داشته باشند. خبر بدتر برای دو حزب سنتی آلمان اینکه متعاقب مذاکرات دو حزب دموکرات مسیحی و سوسیال‌دموکرات بر سر تشکیل دولت ائتلافی، شاهد افول محبوبیت هر دوی آنها هستیم.

بر این اساس میزان محبوبیت دو حزب سنتی در آلمان به‌سختی از مرز ۵۰ درصد می‌گذرد. در حال حاضر، مرکل با یک بن‌بست سیاسی در آلمان مواجه

صحه گذاشت و هم اینکه تشکیل منطقه امن را در شمال سوریه به ترکیه پیشنهاد کرد.

به نظر می‌رسد هدف نهایی هر دو بازیگر روسیه و آمریکا این است که چگونه می‌توانند ترکیه را در کنار خود نگه دارند و از آن به عنوان ابزاری علیه دیگری استفاده کنند. اما ترکیه با تشخیص نیازهای این دو بازیگر، با هیچ کدام از آنها علیه دیگری وارد عمل نشده و تلاش می‌کند تا جای ممکن از هر دو طرف امتیاز بگیرد.

در چنین وضعیتی احتمال اینکه ترکیه و شخص اردوغان بخواهد تهدیدهای خود را دال بر گسترش دامنه عملیات به مناطق تحت نفوذ و کنترل ارتش آمریکا گسترش دهد بعید به نظر می‌رسد اما به هر حال با توجه به ویژگی‌های شخصیتی اردوغان که انحصار قدرت و فرماندهی عملیات را برعهده دارد، احتمال آن کاملاً منتفی نیست و در وضعیتی که بازیگران دخیل در تحولات شمال سوریه بازی شطرنجی عقلایی را به پیش می‌برند هرگونه خطای محاسبه از سوی هر یک از طرف‌های درگیر می‌تواند نتیجه بازی را به کلی عوض کند و به نظر می‌رسد آمریکا و روسیه در این فکر هستند که چگونه ترکیه و شخص اردوغان را می‌توانند به خطای محاسبه وادار کنند. ▶

## ریسک «رجب»

روسیه و آمریکا در انتظار خطای محاسبه اردوغان در شمال سوریه

احمد کاظم‌زاده

کارشناس مسائل بین‌الملل

فرماندهی، خیال دولت و شخص اردوغان تقریباً از جانب ارتش راحت شده و با اطمینان بیشتر کار را در عرصه سیاست خارجی و به خصوص در منطقه دنبال می‌کند. این بدین مفهوم است که بین تمرکز قدرت در داخل و افزایش قدرت تهاجمی دولت در خارج ارتباط معناداری وجود دارد.

دوم اینکه ترکیه به نیازهای هر دو بازیگر بین‌المللی دخیل و رقیب در سوریه یعنی آمریکا و روسیه واقف است و بنابراین از راهبرد موازنه‌سازی در چارچوب رئالیسم تهاجمی به گونه‌ای استفاده و مدیریت می‌کند که هر دو طرف را به اعطای امتیازات بیشتر وادار کند. در این راستا بود که روسیه به خارج کردن نیروهای خود از عفرین متقاعد شد تا زمینه برای عملیات ترکیه فراهم شود و آمریکا نیز برای اینکه ترکیه بیشتر به دامن روسیه نیفتد هم بر عملیات ترکیه علیه متحدان کرد خود در شمال سوریه

عملیات موسوم به شاخه زیتون که ترکیه از ۳۰ دی‌ماه در شمال سوریه آغاز کرد، کماکان ادامه دارد و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه که شخصاً رهبری عملیات را برعهده دارد تهدید کرده است دامنه این عملیات به منبج و دیگر مناطق شرق فرات در امتداد مرزهای ترکیه ادامه خواهد یافت. هنوز دلیل مشخص و قانع‌کننده‌ای دال بر عملی کردن تهدیدهای ترکیه در گسترش قلمرو نفوذ خود در مناطق تحت تسلط و اشغال آمریکا وجود ندارد اما به نظر می‌رسد چند عامل موجب شده است که ترکیه در کنار احساس تهدید از تحولات شمال سوریه از اعتماد به نفس بیشتری برای مقابله با این تهدید برخوردار شود. نخست اینکه بعد از پالایش گسترده در درون ارتش ترکیه به خصوص در سطح

## ضد و نقیض‌های ترامپ

حاشیه‌های نخستین سخنرانی سالانه در کنگره

مصطفی عبدلی

کارشناس مسائل بین‌الملل

می‌شود که ترامپ تنها چند روز با اتمام بودجه موقت و احتمال تعطیلی مجدد دولت فاصله دارد و ممکن است کاخ سفید با بحرانی دیگر روبه‌رو شود. اقتصاد آمریکا که رشد آن از زمان ریاست جمهوری باراک اوباما شروع شده بود اگرچه هم‌اکنون دوره پررونقی را می‌گذراند به طوری که از جمله گفته می‌شود نرخ بیکاری در آمریکا پایین آمده و به حدود چهار درصد رسیده، اما با این حال میزان رضایت از عملکرد ترامپ در نظرسنجی‌ها همچنان بسیار پایین است. از این رو کاهش محبوبیت و در واقع نارضایتی از چهل و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا به شکل بی‌سابقه‌ای روند صعودی به خود گرفته است به نحوی که در حال حاضر ترامپ به تنهایی و با اختلاف در صدر نامحسوس‌ترین

ترامپ ژانویه نخستین سخنرانی خود را در قالب گزارش سالانه در تشریح وضعیت عمومی آمریکا در کنگره ایراد کرد.

مطابق انتظار، بخش اعظم این سخنرانی به مسائل اقتصادی اختصاص یافت و ترامپ با آب‌وتاب به بیان «دستاوردهای اقتصادی» دوره یک‌ساله ریاست جمهوری‌اش پرداخت. او به دفعات از اوضاع امیدبخش اقتصادی آمریکا سخن به میان آورد و مدعی شد که هیچ زمانی بهتر از مقطع کنونی برای تحقق رویای آمریکا نبوده و دولت او «در حال ساختن یک آمریکای امن، قوی و سربلند» است. این ادعا در حالی مطرح

روسای جمهور آمریکا قرار دارد. در این شرایط که سازمان ملل متحد اخیراً در گزارشی از وضعیت و خیم بی‌خانمان‌ها در آمریکا ابرار نگرانی کرده است، دونالد ترامپ ادعاهای خود را درباره بهبود وضعیت اقتصادی آمریکا در اجلاس داووس بار دیگر در کنگره تکرار کرد و مدعی شد که اکنون بهترین زمان برای اقتصاد آمریکاست؟! ترامپ همین جمعه گذشته (۲۶ ژانویه - ۶ بهمن) در اجلاس داووس سوئیس با تفاخر از بهبود شرایط اقتصادی آمریکا سخن به میان آورد و ادعا کرد که اقتصاد آمریکا با اختلاف زیاد بزرگ‌ترین در جهان است.

یکی از حوزه‌های مورد بحث ترامپ در سخنرانی‌اش تلاش برای اصلاح قانون مهاجرت بود. او در این باره کوشید کنگره را بر سر طرح مهاجرتی خود که با مخالفت‌هایی مواجه شده است، به عنوان حرکتی دو حزبی تحت فشار گذارد. ترامپ که بارها از رشد شاخص‌های اقتصادی، اصلاح نظام مالیاتی و قانون‌زدایی از ساختارهای اقتصادی به عنوان دستاوردهایش یاد کرده، در سخنرانی هفته گذشته ابراز آمادگی کرد تا با اعضای هر دو حزب از جمله حزب دموکرات کار کند. این در حالی است که اولاً بسیاری از کارشناسان اقتصادی، اصلاحات مالیاتی دولت ترامپ را بیش از همه به نفع شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌داران آمریکایی دانسته‌اند و دیگر اینکه اختلافات دموکرات‌ها با ترامپ آن قدر بالا و جدی هست که نمی‌توان به این راحتی این اختلافات را کنار گذاشت. بنابراین سخنرانی سالانه ترامپ حول محور وحدت بیشتر به یک طنز و شوخی شبهات دارد چرا که کم نبودند نمایندگان دموکراتی که پیش‌تر و با اطلاع قبلی، این سخنرانی را به علت انزجار از رفتارها و مواضع ترامپ تحریم کرده بودند. در این باره از جمله می‌توان به ارل بلومور، نماینده ایالت اوریگان، جان لوئیس، نماینده ایالت جورجیا و ماکسین واترز، نماینده ایالت کالیفرنیا و اشاره کرد.

همچنین دونالد ترامپ در جریان نطق سالانه خود گفت دستور ادامه کار گوانتانامو را داده است. این تصمیم مغایر با سیاست رسمی دولت اوباما است که خواهان بستن این بازداشتگاه در کوبا بود. ▶





## ماجرای جویبی به سبک آل سعود

نقشه تازه عربستان چیست؟

امین نجار

کارشناس مسائل بین‌الملل

بازی آمریکایی-سعودی برای تغییر موازنه قدرت در منطقه در طول شش سال گذشته از سوریه شروع شد و در سال‌های بعد در عراق، یمن و بحرین ادامه یافت و در آخرین بار با استعفای تحمیلی نخست‌وزیر لبنان در خاک عربستان وارد مرحله تازه‌ای شد.

این سناریوی مشترک نه تنها کمکی به تثبیت موقعیت آل سعود در منطقه و پیشرفت طرح آمریکایی برای خاورمیانه جدید نکرد که با شکست‌های پیاپی آنها همراه شد. بحران ساختگی تروریسم تکفیری داعش در منطقه که زمینه‌ساز اجرای طرح‌های آمریکایی-سعودی در منطقه بود در آستانه شکست نهایی قرار گرفته و جریان داعش، قدرت اثرگذاری خود را در روند تحولات منطقه به‌ویژه در سوریه به کلی از دست داده و در عراق نیز علاوه بر شکست این توطئه، طرح تجزیه این کشور نیز با محوریت استقلال اقلیم کردستان خنثی شد و نتیجه‌ای جز تحکیم مجدد قدرت مرکزی در عراق نداشت.

در یمن، جنگ ۲۲ ماهه ائتلاف سعودی با حمایت آمریکا به جایی رسید که حمله موشکی اخیر یمن به ریاض، تمام هیمنه نظامی و توان تسلیحاتی پیشرفته عربستان سعودی را در برابر توان تضعیف‌شده ارتش یمن به چالش کشید. در بحران خلیج فارس نیز اتحاد ۴ کشور مدعی تازه‌ای را برای ائتلاف سعودی رقم زد.

در چنین شرایطی عربستان تلاش می‌کند بار دیگر به اقدامات مداخله جویانه خود در لبنان- اما این بار از طریق

دغدغه‌اش برآوردن خواسته‌های خطرناک آل سعود در لبنان است. عربستان خواهان برهم خوردن ثبات و امنیت لبنان است و برای ایجاد هرج و مرج و آشوب در این کشور تلاش می‌کند. مهم‌ترین علت این تلاش‌ها، به بن بست رسیدن این کشور در سوریه و شکست پروژه‌های ویرانگرش در سوریه و عراق و منطقه خلیج فارس است و به همین سبب می‌خواهد از طریق لبنان از محور مقاومت انتقام بگیرد.

به نظر می‌رسد که ماجرای جویبی‌های اخیر عربستان سعودی در لبنان از مجرای انتخابات پارلمانی این کشور بخشی از برنامه تنش‌سازی مستمر در خاورمیانه است چرا که طی روزهای اخیر حرف و حدیث‌ها درباره تلاش «ولید الیعقوب»، سفیر تازه عربستان سعودی در بیروت افزایش یافته است. بعید نیست این اقدامات با هدف توجیه حضور بلندمدت آمریکا در منطقه و ایجاد حاشیه امن استراتژیک برای رژیم صهیونیستی و همچنین تاثیرگذاری بر انتخابات لبنان با هدف یکپارچه کردن جریان ۱۴ مارس صورت می‌گیرد. در این چارچوب ریاض با تعریف منافع منطقه‌ای مشترک با واشنگتن و تل‌آویو تلاش می‌کند آتش فتنه‌های قومی، سیاسی و امنیتی را در منطقه همچنان برافروخته نگاه دارد و مانع از تثبیت قدرت و موقعیت کشورهای مستقل در منطقه شود و بنابراین پیوسته در راستای سیاست‌های رژیم صهیونیستی برای بی‌ثبات و ناامن کردن لبنان و از بین بردن قدرت بازدارندگی این کشور از طریق شعله‌ور کردن تحریک افکار عمومی علیه حزب الله عمل می‌کند. در این زمینه این دفعه مداخله در انتخابات پارلمانی لبنان را که قرار است در ششم ماه مه (۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۷) برگزار شود هدف قرار داده است. به این وسیله و با اتکا به جریان مخالف حزب الله (جریان ۱۴ مارس) سعی می‌کند انگشت اتهام را به سمت حزب الله نشانه رود و با تشکیک پارلمانی متشکل از طرفدارانش در انتخابات آینده خواسته‌های خود را بر لبنانی‌ها تحمیل کند. ▶

حمایت و جایگزینی مهره‌های ذی نفوذ خود در جریان انتخابات پارلمانی این کشور- ادامه دهد؛ هر چند که زمان زیادی از دستگیری تروریست خطرناک سعودی به نام ماجد الماجد سرکرده گردان تروریستی عبدالله عزام مسئول حمله انتحاری اخیر به سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت و همچنان عامل حملات تروریستی متعدد در منطقه ضاحیه لبنان نگذشته است.

برخی رسانه‌های لبنانی در گذشته به صراحت انفجار منطقه ضاحیه را در راستای طرح‌های عربستان برای شعله‌ور کردن آتش فتنه در لبنان دانستند. این رویداد تروریستی از طریق مزدوران سعودی در لبنان اجرا شد و شهروندان بی‌گناه قربانی این جنایات تروریستی شدند.

در ادامه این اقدامات خراب کارانه عربستان بود که اخیراً برخی منابع لبنانی فاش کرده‌اند که پروژه جدید «عربستان-فرانسه و آمریکا» کلید خورده است. در پی ترور محمد شطح، وزیر سابق و مشاور ارشد سعد الحریری، رئیس جریان المستقبل لبنان، سران جریان ۱۴ مارس اجرای این پروژه را اعلام کردند که چند بند اساسی این پروژه به‌طور مشخص شامل حمله علیه حزب الله و زمینه‌سازی برای ایجاد فضاهای روبرویی میان ارتش لبنان و حزب الله است.

جریان ۱۴ مارس همچون عروسک خیمه‌شب بازی در دست تیم سعودی-آمریکایی است که برای انتقال شراره‌های آتش موجود در منطقه به لبنان برنامه‌ریزی و تلاش می‌کند و بدون توجه به عواقب وخیم تشکیک دولتی خارج از توافق کشوری،

ملی سوریه در سوچی با هیات ایران، ترکیه و استفان دی میستورا، نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه دیدار خواهد کرد.

بنا بر اعلام وزارت امور خارجه روسیه حسین انصاری، معاون وزیر امور خارجه ایران ریاست هیات ایرانی را در نشست سوچی بر عهده خواهد داشت و سادات اونال، معاون وزیر امور خارجه ترکیه نیز رئیس هیات این کشور در نشست سوچی خواهد بود.

آنچه جالب توجه است تحرکات رسانه‌ای و سیاسی محافل صهیونیستی در آستانه نشست سوچی است. از سویی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نتایج نشست سوچی را چنان مهم دانسته که روز دوشنبه برای دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و از جمله گفت‌وگو درباره نگرانی‌های تل‌آویو درباره تحولات سوریه عازم مسکو شده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، نتانیاهو پیش از سوار شدن به هواپیما برای عزیمت به مسکو به خبرنگاران گفت: «من در دیدار با پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در خصوص تلاش‌های بی‌وقفه ایران به منظور حضور نظامی در سوریه که ما به شدت با آن مخالف هستیم و اتخاذ اقدام لازم در برابر آن، بحث و تبادل نظر خواهیم کرد.» نتانیاهو همچنین گفت که: «در نظر دارد با پوتین درباره جلوگیری از تلاش‌های ایران به منظور آنچه آن را «تبدیل لبنان به یک سایت موشکی عظیم» خواند - سایتی با موشک‌های دقیق و نقطه‌زن برای حمله به اسرائیل - به مذاکره بپردازد.

همزمان برخی محافل رسانه‌ای صهیونیستی نیز از تفرقه افکنی بین جبهه دمشق و متحدانش در آستان نشست سوچی غفلت نکردند. به عنوان مثال، پایگاه صهیونیستی دیکافایل ادعا کرد که روسیه تصمیم دارد به حاکمیت گروه اقلیت علوی و بشار اسد بر سوریه پایان دهد و گروه‌های شبه‌نظامی شیعه حامی ایران از جمله حزب الله را از سوریه بیرون کند که به‌طور کامل منافع ایران را در سوریه به خطر می‌اندازد.

برگزارکنندگان نشست سوچی اعلام کردند نزدیک به هزار و ۶۰۰ نفر به نمایندگی از همه گروه‌های سوریه برای شرکت در این نشست دعوت شده‌اند. ▶

## عقب‌نشینی بزرگ

غرب از ایده برکناری اسد منصرف شده است

عبدالرضا خلیلی

کارشناس مسائل بین‌الملل

بشار اسد با حمایت متحدان بین‌المللی و منطقه‌ای‌اش در جنگ داخلی سوریه همچنان در قدرت مانده است و همین موضوع سبب شده موقعیتش مستحکم‌تر شود.

نخستین نشست گفت‌وگوهای سوچی، فردا با حضور استفان دی میستورا، نماینده سازمان ملل در امور سوریه و نمایندگان ایران و ترکیه، آغاز می‌شود، این در حالی است که دیدارهای مقدماتی گفت‌وگوی ملی سوریه امروز در این شهر آغاز می‌شود.

دو هیات مخالفان سوری این گفت‌وگوها را تحریم کرده‌اند. در همین حال کشورهای غربی از جمله آمریکا و فرانسه در این گفت‌وگوها غایبند. تا کنون ۱۷۵ شرکت‌کننده از دمشق وارد سوچی شده‌اند. انتظار می‌رود حدود ۱۷۰ شرکت‌کننده در ساعات آینده به جمع شرکت‌کنندگان افزوده شوند. بین شرکت‌کنندگان، برخی از مخالفان داخلی هم دیده می‌شوند.

در این میان آنچه حائز اهمیت است اینکه در آستانه نشست سوچی برخی دولت‌های مخالف که از تروریست‌ها در برابر دولت قانونی سوریه و برکناری بشار اسد حمایت کرده‌اند درباره آینده وی سکوت اختیار کرده‌اند.

پنج دولت غربی و عربی - آمریکا، اردن، انگلیس، فرانسه و عربستان سعودی - که از شورش‌ها علیه بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، حمایت کرده‌اند، در سندی که در آن پیشنهاد شده است تغییری در گفت‌وگوهای تحت هدایت سازمان ملل در خصوص سوریه صورت گیرد هیچ اشاره‌ای به آینده وی نکرده‌اند. به گزارش جمعه گذشته رویترز به نظر می‌رسد که این امر به معنای تایید موقعیت مستحکم بشار اسد در سوریه است. سه

منبع دیپلماتیک صحت این اخبار درز پیدا کرده را به اطلاع رویترز رسانده‌اند. بشار اسد با حمایت متحدان بین‌المللی و منطقه‌ای‌اش در جنگ داخلی سوریه همچنان در قدرت مانده است و همین موضوع سبب شده موقعیتش مستحکم‌تر شود. بنابراین کشورهای غربی و عربی مخالف وی جز پذیرفتن موقعیت کنونی وی چاره‌ای ندارند.

رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا نیز در سخنانی که در روز ۱۷ ژانویه ۲۰۱۸ ایراد کرد خواستار آن شد که همگان در قبال بشار اسد صبر و حوصله پیشه کنند. این سخنان وزیر امور خارجه آمریکا نیز دلیل دیگری است که بشار اسد، با حمایت‌هایی که ایران و روسیه از وی به عمل می‌آورند، خیال کناره‌گیری از قدرت را ندارد.

با وجود تلاش‌ها برای جلب مشارکت شمار بیشتری از مخالفان در این مذاکرات، برخی از این گروه‌ها به این درخواست‌ها پاسخ منفی داده‌اند. در رأس این گروه‌ها، هیات عالی مذاکرات سوریه است. در واکنش به این پاسخ منفی مسکو تهدید کرده است که خودداری مخالفان سوری از شرکت در کنفرانس سوچی تبعات بسیاری روی زمین خواهد داشت. در همین حال برخی مسئولان روسی نیز تلاش کردند از اهمیت اقدام هیات عالی مذاکرات مخالفان سوری به تحریم نشست سوچی بکاهند. در آستانه این مذاکرات همچنین، برخی گروه‌ها هنوز در مورد شرکت در آن تصمیم نگرفته‌اند. علاوه بر این کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آنها به همراه برخی گروه‌های سوری نیز برگزاری کنفرانس سوچی را در تناقض با نشست ژنو می‌دانند اما سازمان ملل متحد تصمیم گرفته است استفان دی میستورا، نماینده خود را به سوچی بفرستد.

یک منبع وزارت امور خارجه روسیه اعلام کرد هیات نمایندگان این کشور پیش از آغاز کنگره گفت‌وگوی



## از دریچه‌ای دیگر

ما در این صفحات سعی خواهیم کرد موضوعات مختلف را از دریچه علوم انسانی بنگریم و در عین حال به برخی از حوزه‌ها مانند محیط زیست، دانشگاه، حوزه‌های علمی، فرهنگ و هنر نگاهی داشته باشیم. در واقع این صفحات، صفحات فکر و ایده و اندیشه مجله است. نوعی عقلانیت ارزش مدار برعکس علوم انسانی غربی که ابزار مدار هستند.

## طنز عینی

## ژیتک از نظر هگل درباره ترامپ می‌گوید

در خود آن هست فعلیت یابد؛ می‌توانیم این را آبرونی یا طنز کلی و جامع جهان بنامیم». هدف رویکرد دیالکتیکی که تخصص را ذاتی واقعیت می‌داند نفی کارکرد واقعیت نیست؛ بلکه می‌گذارد واقعیت همانی باشد که هست (یا همانی که مدعی آن است)، و از این رو می‌گذارد خودش خود را نابود کند. این طنز به نوعی عینی است، پس جای تعجب ندارد که در گفتاری کوتاه (و متأسفانه بسط نیافته)، پیشنهاد هگل در مقابل «طنز فردی یا سوپزکتیو» چیزی است که آن را «طنز عینی» می‌نامد. در اینجا با طنزی مواجهیم که با تاکید بر جزئیات مهمی که نشان از علائم بیماری دارد، ناسازگاری‌ها و تخصص‌های درونی نظم موجود را بیرون می‌کشد. شاید بتوان گفت در مقابل جوکی که سیاست واقعی ترامپ است حتی بهترین جوک‌های ضد ترامپ هم ارزشی ندارد. ترامپ پیش از هر چیز مضحکه خودش است، چون واقعی بودن بسیاری از کارهایش به مراتب خنده‌دارتر از هرگونه مضحکه کارهایش توسط دیگران است. نقد هگل از طنز فردی امروزه بیش از پیش عینیت دارد. به خاطر بیابورید چند بار تابه حال رسانه‌های لیبرال اعلام کرده‌اند که میج ترامپ را گرفته‌اند و آبروی او را برده‌اند (مثل وقتی که والدین سرباز قهرمانی را که در جنگ کشته شده بود مسخره کرد، یا درباره رفتار نامناسبش با زنان لاف زد). صاحب‌نظران متبحر لیبرال در حیرتند از اینکه حملات ممتد نیشدارشان به سخنان بی‌ملاحظه و نژادپرستانه و ضدزن ترامپ، حرف‌های خلاف واقعش، چرندیات اقتصادی‌اش و غیره، نه تنها هیچ لطمه‌ای به او نرسانده، بلکه شاید کمی هم به محبوبیتش افزوده.

درباره دونالد ترامپ و منتقدان لیبرال چه می‌توان از هگل آموخت؟ شاید عجیب به نظر برسد اما خیلی چیزها. هگل در بررسی انتقادی اش درباره طنز (ایرونی) رمانتیک، بالحن تند آن را به عنوان نفی توخالی رد می‌کند، به عنوان سوژگی بیهوده‌ای که خود را برتر از هرگونه محتوای عینی می‌داند و همه چیز را به مسخره می‌گیرد، یک نوع «طنز باری به هر جهت که همه چیز را دستاویز خود قرار می‌دهد تا بر طنزهای شخصی گوینده صحنه گذارد». «خود هنرمند می‌شود موضوع اصلی اثر هنری و در نتیجه فعالیت اصلی او این می‌شود که، به باری نیروی انگاره‌های ذهنی و بارقه‌های فکری و شیوه‌های چشمگیر تفسیر، هر چیزی را که می‌خواهد عینی شود و می‌کوشد شکلی استوار در واقعیت به دست آورد». امروزه به سادگی می‌توان همین خط را در روشنفکران پست‌مدرنی مشاهده کرد که با وسواس در حال «واسازی» هرگونه نهاد یا ارزش اجتماعی‌اند. هگل در مقابل چنین طنزهای پوچی چه می‌گذارد؟ معمولاً نظر هگل را محافظه کارانه تلقی کرده‌اند: به جای هر چه مرج خانمان برانداز طنز رمانتیک، باید بر امر «نیک» و «حقیقت» مستتر در عادات اجتماعی، یعنی همان هسته عقلانی‌اش، تاکید کرد. پیشنهاد هگل در مقابل طنز رمانتیک فردی، طنز هستی‌شناختی به مراتب رادیکال‌تری است، طنزی که نمایانگر عمق دیالکتیک است. او درباره آبرونی سقراطی می‌گوید: «طنز و تجاهل سقراطی، مثل تمام فعالیت‌های دیالکتیکی، به آنچه هست - در وجه بی‌واسطه‌اش - نیرو می‌بخشد، منتها فقط به این قصد که امکان انحلالی که



## زیست سیاست

ایده «زیست سیاست» از آغاز قرن جدید در توصیف مسائل گوناگونی استفاده شد: از جنگ علیه تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر، شدت گرفتن نولیبرالیسم تا نوآوری‌های زیست پزشکی و زیست فناوری مثل تحقیقات سلول‌های بنیادین و پروژه ژنوم انسانی. مفهوم زیست سیاست در این مباحث عموماً نوعی کلید تفسیری است برای تحلیل چگونگی ارتباط میان گسترش مرگ و ایجاد و حفظ حیات. همچنین از آن برای فهم این امر استفاده شده که تقلیل انسان‌ها به «زیست محض» (مثلاً در ابوغریب و گوانتانامو) چگونه با راهبردهای مربوط به بهینه‌سازی و افزایش قابلیت‌های انسانی و امید به زندگی پیوند می‌خورد. نگارش تاریخی از زیست سیاست را نخستین بار میشل فوکو بسط داد. زیست سیاست را باید ترکیبی دانست از دو واژه متضاد که معیاری دقیق برای محروم‌سازی بخشی از جمعیت است: یعنی سیاست فراتر از زندگی بیولوژیکی عمل می‌کند. به تازگی کتابی به فارسی منتشر شده که در آمدی است پیشرفته بر زیست سیاست. از کتاب حاضر دو ترجمه منتشر شده است: نخست به همت نشر ثالث و سپس از سوی نشر مرکز. در کتاب حاضر ویژگی‌های زیستی انسان‌ها به شیوه‌هایی که پیش تر حتی تصور آن نیز وجود نداشت اندازه گیری، مشاهده و فهم می‌شود. به کمک این شیوه‌های نوین، هنجارهای زندگی تعریف، معیارهایی برای سنجش آن برقرار و ارزش‌های متعارف آن تعیین می‌شود. توماس لِمکه در این کتاب نخستین بررسی جامع و نظام‌مند از تاریخ مفهوم زیست سیاست را فراهم می‌آورد، جایگاه آن را در بحث‌های نظری معاصر می‌کاود. و اثری مقدماتی درباره این موضوع پدید می‌آورد. لِمکه، یکی از بهترین فوکو پژوهان، نه تنها در این کتاب تحلیلی جامع از مفهوم زیست سیاست فراهم کرده بلکه به کار بردها و نقدهای معاصر آن نیز می‌پردازد و افق‌های پژوهشی جدیدی را پیش روی خواننده می‌گذارد. لِمکه استاد جامعه‌شناسی دانشگاه هاینبرگ است و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه گوتته در فرانکفورت آلمان بر زیست فناوری، طبیعت و جامعه کار می‌کند. زمینه‌های پژوهشی او عبارت‌اند از نظریه اجتماعی و سیاسی، زیست‌سیاست و مطالعات اجتماعی ژنتیک و فناوری‌های تولیدمثلی.

## قلمرو فقه سیاسی

## سیدسجاد ایزدهی



محسوب می‌شود. «سیدسجاد ایزدهی گفت: «از سوی دیگر، از آنجایی که فقه در تعریف ایشان، قلمروی فراتر از فهم احکام، یافته و شامل فهم دین مشتمل بر عقاید، احکام و اخلاق می‌شود، بنابراین فقه سیاسی (به مثابه بخشی از فقه) در نگرش ایشان، به احکام و رفتارهای سیاسی اختصاص نداشته بلکه مشتمل بر احکام، باورهای سیاسی و اخلاق سیاسی خواهد بود.» عضو هیات علمی گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی همچنین گفت: «بر اساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، برخلاف زمان گذشته که فقه سیاسی به خاطر اقتضات شرایط جامعه، قلمرویی در محدوده افراد مومن داشت، با پیروزی انقلاب اسلامی، قلمرویی به گستره جامعه سیاسی و حکومت دینی یافته است. بلکه بر همین اساس، اقتضات تحقق نظام اسلامی موجب می‌شود قلمرو فقه سیاسی از فهم احکام شرع، فراتر رفته و به استنباط نظریه‌های سیاسی و نظام‌سازی، توسعه یابد.»

کرسی علمی ترویجی قلمرو و گستره فقه سیاسی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دوشنبه گذشته توسط گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد. حجت‌الاسلام سیدسجاد ایزدهی در این کرسی علمی گفت: «فقه سیاسی به مثابه گرایشی بین‌رشته‌ای بین دانش فقه و سیاست، از سالیان دور مسائل سپهر سیاست را مورد توجه قرار می‌داد، لکن با پیروزی انقلاب اسلامی گستره فقه سیاسی، توسعه یافته و عرصه‌های جدیدی را در بر گرفته است.» او ادامه داد: «آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان فقیهی اندیشمند، متناسب با مبانی، غایات و انتظارات روزآمد از فقه و فقه سیاسی، گستره‌ای وسیع از موضوعات، مسائل و کارکردها را برای فقه سیاسی، ارائه کرده است که بر اساس آن، از یک سو مفهوم فقه سیاسی، به بخشی از فقه که به امور سیاسی می‌پردازد محدود نمی‌شود، بلکه به بای از باب‌های عملی فقه، اطلاق می‌شود که اداره زندگی مردم را مدنظر قرار داده و فقه اداره جامعه سیاسی



## خانه گمشده بازاندیشی دانشگاه ایرانی

سیمینار «بازاندیشی دانشگاه ایرانی» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. بیژن عبدالکریمی در این نشست با موضوع تفکر و روح مرده دانشگاه ایرانی به سخنرانی پرداخت. او گفت: «این پرسش که تفکر چیست و این پرسش که کنشگری چیست به هیچ عنوان پرسش های ساده ای نیستند. این دو پرسش به پرسش های عمیق تری بازمی گردند که انسان چیست و جهان چیست؟ اگر یک امری همه جایی شود و همه راجع به آن صحبت کردند ناگهان سستی و بی تفاوتی نسبت به آنها به وجود خواهد آمد و به مسائل روزمره و بی اهمیت می پردازیم. دانشگاه های ما با میراث تاریخی مانسبتی ندارند در نتیجه درختی بی ریشه اند. ارزش های انسانی و اخلاق جایی در دانشگاه های ما به تبعیت از دانشگاه های جهان ندارد. دانشگاه های ما بازگشت به خویش یک انسان مسلمان را نتوانستند ایجاد کنند. مشکل ما بی تاریخی و فقدان نگرش تاریخی است.» او ادامه داد: «حال باید پرسید چه باید کرد؟ ما برای حل نظام آموزشی کشور هیچ راه حلی ارائه ندادیم. نوعی پوپولیسم کل نظام مدیریتی ما را در همه عرصه ها فرا گرفته است. بحران آموزشی ما جدای از بحران فرهنگی ما نیست و بحران فرهنگی ما جدا از بحران فرهنگی جهان نیست. ما نظریه آموزشی نداریم چون نظریه اجتماعی نداریم. هیچ استراتژی مشخصی نداریم چون هستی شناسی و درک از جهان کنونی نداریم. فهم جهان امری پیش بافتاده

نیست.» عبدالکریمی گفت: «به هیچ وجه معتقد نیستیم که راه حل را دارم. هر کس این را ادعا کند هم به خود دروغ گفته و هم به جامعه. راه حل امر انسانی است اما مهم این است که انسان چیست؟ من راه حل را در تفکر و خود آگاهی می دانم. همه ما می کوشیم فکر کنیم اما این اصلا به این معنا نیست که ما تفکر می کنیم.» او سپس گفت: «ما امروز خانه را گم کرده ایم. در نتیجه امنیت و آرامش نداریم. پس وقت نداریم و در نتیجه تفکر و دریافتی از هستی نداریم. دانشگاه های ما روح ندارد. دانشگاه به امر معنوی زنده است که اگر آن را داشت می توانست به رهبری جامعه بپردازد. دانشگاه می تواند ایده های وحدت بخش بیافریند اما دانشگاه های ما نمی توانند این کار را انجام دهند. انحطاط به امری روزمره در زمان ما تبدیل شده و به آن اهمیت نمی دهیم. باید افق مان را تغییر دهیم. تفکر با امر احاطه کننده ارتباط دارد. آزادی شرط تفکر است اما کافی نیست. امر احاطه کننده ضامن امکانات ناشناخته جهان و ضامن آزادی ماست. تفکر امری خود بنیاد است.» عبدالکریمی عنوان کرد: «ما دانشگاه بوعلی ساز و ملاصدرا پرور نداریم. هیچ دانشگاه ادیبانی نداریم که حافظ پرور و مولوی آفرین باشد. نیچه می گوید در روزگار ما هیچ کس تیر شوق را به دور دست ها نمی اندازد. وجود متفکر متضمن عطشی سیراب ناپذیر است. ما اکثرا با تفکر توریستی و لذت جویانه و استاتیک برخورد می کنیم و درد تفکر در ما جایی ندارد.»



## دردسره های حضور تأمین اجتماعی در بورس

حال صندوق های بازنشتی در کشور خوب نیست. این نکته ای نیست که کسی بتواند آن را انکار کند و البته نمی توانیم بدتر از آن را متصور باشیم. احمد میدری، معاون رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتقد است اگر فکری به حال صندوق های بازنشتی نشود، در آینده نزدیک با وضعیتی بحرانی روبه روی می شویم. از دیگر سو، کارشناسان متعددی معتقدند همین امروز نیز وضع صندوق های بازنشتی بحرانی است و اگر فکری به حال آنها نشود، مسائلی که در آینده ایجاد خواهد شد، فراتر از آن است که با کلمه بحرانی بتوان آن را توصیف کرد. به گفته کارشناسان، در حال حاضر از ۱۶ صندوق بیمه ای کشور، فقط یک صندوق ورشکسته نیست و باقی آنها با از طریق وام های سنگین یا کمک های مستقیم دولت، موفق به پرداخت حقوق و مستمری افراد تحت پوشش خود می شوند. در این بین، سیدتقی نوربخش، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، تأکید می کند وضعیت تأمین اجتماعی مناسب است و اصولاً نگرانی ای برای ورشکستگی صندوقی که یک پای آن دولت است، وجود ندارد؛ زیرا دولت در نهایت مسئولیت اجرای تعهدات این صندوق ها را بر عهده دارد. اما پاسخ نوربخش برای برخی کارشناسان قانع کننده نیست. این دسته از کارشناسان می پرسند در شرایطی که دولت به سختی توان عمل به تعهدات صندوق هایی به مراتب کوچک تر مانند صندوق بازنشتی فولاد را دارد، چطور می خواهد بار سنگین عمل به تعهدات صندوقی را که میلیون ها مستمری بگیر و هزاران میلیارد هزینه در ماه دارد، بر عهده بگیرد؟ با این حال، تأمین اجتماعی در سال های اخیر دنبال راه حلی برای نجات از وضعیت فعلی است. یکی از این راه حل ها، خروج از بنگاه داری و حرکت به سوی بازار سرمایه است. چندی است که پروژه کوچک شدن شستا عملاً کلید خورده است. در اولین گام، اقداماتی برای کاهش تعداد هلدینگ های شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی انجام شده و تا تابستان ۹۷، با ادغام هلدینگ انرژی در نفت و گاز، هلدینگ رایتل در صنایع نوین (که با خروج کامل شستا از رایتل همراه خواهد بود) و هلدینگ کاشی، سیمان و سرامیک در عمران، تعداد هلدینگ های شستا به پنج هلدینگ خواهد رسید. این گوشه ای از تغییراتی است که قرار است در صندوق تأمین اجتماعی اتفاق بیفتد تا از سقوط آن جلوگیری کند. بحث بدهی سنگین دولت به سازمان تأمین اجتماعی (که طبق آخرین خبرها از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان گذشته است) نیز در این بین مطرح است و به نظر می رسد در شرایطی که دولت حتی توان به انجام رساندن طرح های عمرانی نیمه تمام کشور را هم ندارد، بعید است بتواند این بدهی سنگین را در آینده نزدیک تسویه کند.

## پایان نمایش

### پرونده جشنواره تئاتر سی و ششم بسته شد



آرامش می داد. ما باید درون خانواده تئاتر با هم گفت و گو کنیم.» سیدعباس صالحی از دیگر سخنرانان مراسم بود. او در سخنان خود به شأن و منزلت تئاتر در جوامع مدرن اشاره کرد: «آن گاه که انسان به مدنیت رسید با هنر نمایش آشنا شد. تئاتر با مدنیت پیوند کهن و تاریخی دارد؛ آنجایی که مدنیت آغاز می شود تئاتر هم آغاز می شود. تئاتر هنری مردمی بود و مردمی ماند. نه کاخ ها آن را مصادره کردند و نه سرمایه داری مدرن؛ هنر تئاتر با مردم آغاز شد و به راهش ادامه داد.» وزیر فرهنگ و ارشاد ادامه داد: «تئاتر، هنر دیالوگ است نه هنر تک گویی و چون هنر دیالوگ است به یک هنر موثر اجتماعی بدل می شود. هنری که با زبان رنج های مردم است. هنری که در جمع شکل می گیرد و با جامعه پیوند می خورد.» صالحی ریشه هنر نمایش ایران را در نمایش های تخت حوضی، نقالی، تزیه و دیگر گونه ها خواند: «این هنر در دوران معاصر از مشروطه تا انقلاب اسلامی گام به گام پیش آمده است. اصحاب نمایش در موقعیت کنونی به داشته های سنتی و گذشته کهن نمایش ایرانی بیشتر و قوی یافته اند. هنرمندان نمایش ایرانی می دانند هر چه گنجینه تاریخی ایستاده اند و به آن افتخار می کنند.»

دوشنبه گذشته پرونده سی و ششمین جشنواره تئاتر فجر بسته شد. در آیین پایانی جشنواره تئاتر فجر مثل همه دوره های قبل شامل سخنرانی، کلیپ و اعلام برندگان بود. احمد دامود، جمشید خانیان و هوشنگ آزادی ور به عنوان سه پیشکسوت عرصه هنرهای نمایشی با حضور سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد دولت دوازدهم، مدیرکل هنرهای نمایشی، معاون هنری و فرهاد مهندس پور، دبیر جشنواره روی صحنه تالار وحدت تقدیر شدند. یکی از این سخنرانان مراسم فرهاد مهندس پور در مقام دبیر جشنواره بود که در سخنان خود به خاطراتی از سال های قبل اشاره کرد: «در دوره بیست و سوم که دبیر جشنواره تئاتر فجر بودم، می گفتند فرهاد مهندس پور دیکتاتور است. این بار متوجه شدم راست می گفتند و این اشاره درستی بود چون در امر فرهنگ به نتیجه نباید فکر کرد. من در این دوره جشنواره آموختم که نباید به نتیجه فکر کرد زیرا بزرگ ترین خطای ما این است که به نتیجه فکر می کنیم. نتیجه از آن مانسبت و برای آینده است.» مهندس پور سخنان خود را با شعر جشنواره یعنی «چشم گفتگوی تئاتر ایران» به پایان برد: «در تمامی انتقادات حتی انتقادات تند، یک خیرخواهی دیدم که به من

## زور کسی به خودروسازها نمی‌رسد

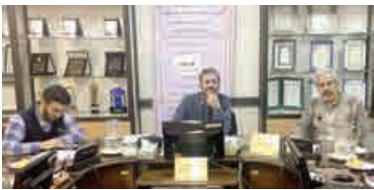
«زور کسی در کشور به مافیای خودروسازی نمی‌رسد». این شاه‌بیت سخنان عیسی کلانتری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست در همایش مبارزه با سرطان است. او در این همایش چنین گفته است: «خودروهایی تولید می‌شود که مصرف سوخت بالاتر از استاندارد و سوختی پایین تر از استاندارد دارند. شاید حتی زور رئیس‌جمهور نیز برای جلوگیری از تولید این خودروها نرسد. در دولت قبل تصویب شد که خودروهای فرسوده باید به ازای خودروهای جدید از رده خارج شوند اما به دلیل قدرت صنعت خودروسازی در کمتر از یک ماه این مصوبه لغو شد. در این شرایط نباید انتظار هوایی پاک داشته باشیم.» رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ادامه داد: «بهداشت و محیط زیست قربانی کمپانی‌های بزرگ می‌شوند و هنوز هم زور کسی به آنها نمی‌رسد. اگر پشتوانه وزارت بهداشت را داشته باشیم، می‌توانیم تا حدی مبارزه کنیم اما نمی‌دانیم تا چه اندازه موفق خواهیم بود. مبارزه با صنعتی که ۷۰ هزار میلیارد تومان در سال گردش مالی دارد، یعنی ۱۵۰ برابر بودجه محیط زیست و سه برابر بودجه وزارت بهداشت، کار سختی است. آنها می‌توانند هر بافته‌ای را پنبه کنند.» کلانتری با بیان اینکه اگر مردم اطلاعات کافی داشته باشند و وارد این موضوع شوند، این صنعت عقب‌نشینی می‌کند، گفت: «بخشی از آلودگی هوا به دلیل وجود ریزگردها است. دلیل اینکه مردم بیشتر روی ریزگردها حساس هستند این است که آنها را می‌بینند، اما ریزگردهای شیمیایی و تولیدات غیر استاندارد که با زور بر مردم تحمیل می‌شود، بیشتر به آنها آسیب می‌رساند. محیط زیست نمی‌تواند در مقابل فشارهایی که از بیرون وارد می‌شود مقاومت زیادی داشته باشد. با اینکه اعلام کردیم جلوی تولیدات غیر استاندارد را خواهیم گرفت اما باز به لابی‌های صنعتی برخورد می‌کنیم و با پنهان‌هایی مانند حمایت از تولید داخل که به قیمت جان مردم انجام می‌شوند روبه‌رو می‌شویم.» رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در بخشی دیگر از این همایش با اشاره به تأثیر آلودگی‌های زیست‌محیطی بر ابتلا به انواع سرطان گفت: «محیط زیست کشور مانند بیماری سرطانی است؛ هم آلودگی انسانی و هم تقدیری که طبیعت برای ما قائل شده در این زمینه موثر است. متوسط بارندگی در ۱۲۷ روزی که از فصل آبی گذشته ۶۰ درصد کمتر از متوسط ۵۰ سال گذشته است. اثرات کم بارش بر بهداشت محیط کم نیست.» او یادآور شد: «طبق گزارش‌های دانشگاه‌های صنعتی شریف و علوم پزشکی ارومیه غبارهای نمکی دریاچه ارومیه اثرات مخربی بر زندگی انسان‌ها، گیاهان و حیوانات گذاشته است. کشاورزی در این منطقه طی ۱۸ سال حتما تعطیل می‌شود. دانشگاه‌های علوم پزشکی در حال بررسی تأثیر تابش نور خورشید روی غبارهای نمکی هستند علاوه بر آن ورود فلزات سنگین به غبارهای نمکی و خیزش آنها از سمت دریاچه‌های خشک شده اثرات مخربی دارد.»



## عدالت صدری برابری یا استحقاق؟

به میان آمده است. یک چهره عدالت برابری و چهره دیگر آن استحقاق است و حاصل این دو همان توازن یا وسطیت و تسویه می‌باشد که آیه ۱۴۳ سوره بقره این را بیان می‌کند. او یادآور شد: «از نظر شهید صدر ملاک‌های تحقق عدالت سیاسی را در سه سطح کلان متوسط و خرد داریم. در سطح کلان معیار اول عقل و معیار دوم شرع است. بر این اساس حکومت مبتنی بر بعد خلافت انسان و نظارت انبیا است. خلافت انسانی متکفل قوه اجرائی و قانون گذاری است. حق فتوا یا قضاوت دو قوه دیگری است که در حق انبیا، اولیا و مراجع تقلید هستند.» جمشیدی با بیان اینکه ما در سطح متوسط ۴ معیار داریم، گفت: «در سطح متوسط معیارهای مبنایی و عقلی مانند برابری ذاتی نوع انسان، معیارهای فرهنگی و اجتماعی، معیارهای اعتقادی یا مکتبی و معیارهای اخلاقی مطرح است.» او ادامه داد: «شهید صدر معتقد است که در سطح خرد معیارهای انضمامی‌تر، کاربردی‌تر، قابلیت تبدیل به سوال، مطرح است. این سوال که آیا قوانین در جامعه بدون تبعیض هستند از معیارهای جزئی است.» جمشیدی گفت: «با توجه به این

کرسی ترویجی بررسی معیارهای تحقق عدالت سیاسی در اندیشه شهید صدر دو جنبه گذشته با ارائه محمدحسین جمشیدی، استادیار دانشگاه تربیت مدرس در ساختمان مرکزی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد. جمشیدی گفت: «عدالت در همه عرصه‌های زندگی به خصوص در مهم‌ترین سطح یعنی سطح سیاسی منشا اثر است. قبل از ورود به بحث به سه مفروض اشاره می‌کنم؛ اول اینکه عدالت در دل یک منظومه یعنی جهان بینی اسلامی مطرح می‌شود که غیربرساختی است. سوال ما این است که بر مبنای اندیشه صدر چه معیارهایی می‌تواند بیانگر تحقق عدالت سیاسی در جامعه به روش استنباطی-اجتهادی باشد؟» او ادامه داد: «عدالت سیاسی در قالب عدل عام که در کل جهان ساری است مطرح است. مفروض دوم این است که ما به معیارهای عدالت سیاسی نمی‌پردازیم بلکه به معیارهای تحقق عدالت سیاسی توجه داریم. عدالت خود معیار است و ما در روایات متعدد داریم که عدالت میزان خداوند است از این رو عدالت نیاز به معیار ندارد و ما صلاح را بر این دیدیم که معیار بودن را در جهت تحقق در نظر بگیریم. مفروض سوم ما این است که ما عدالت را به مثابه امری عینی و نفس‌الامری می‌بینیم. معمولاً نوع نگاه به عدالت وجود دارد. برخی عدالت را در قالب امری برساخته و قراردادی توسط کانت، رالز و... می‌دانند و برخی از جمله فلاسفه اسلامی عدالت به عنوان امری فطری و ماقبل تجربه مطرح است.» جمشیدی یادآور شد: «مراد از معیار مکانیزم و ابزار شناخت و تشخیص درجه نزدیکی به اهداف یا میزان است. درباره عدالت میان تعریف و جوهره عدالت تفکیک



## هزار داستان هفت رشیدپور به جای مدیری آمد



میهمانان این برنامه را مهرا مدیری اعلام کرد: «در این چند هفته ما چراغ‌های جالبی بر سر اجرای هفت پیش آمد که چون انتشار آن از اختیار من خارج است، پس صرفاً به همین اشاره بسنده می‌کنم، حتماً افتخار من خواهد بود که میزبان اهالی ارجمند سینما و همچنین منت‌دار نگاه تیزبین مردم هنرشناس باشیم. اما... لازم است بگویم که می‌دانم فریدون جیرانی گرامی به پشتوانه تجربه شایسته در کارگردانی و نیز کسوت ارزشمند روزنامه‌نگاری، این برنامه را با اقتدار پایه‌ریزی کرد. جناب گیرلوی عزیز با متانت و آرامش و البته تسلط بر فضای نقد مطبوعاتی توانست جریان پر قدرت سینما در قاب تلویزیون را از حاشیه‌های ناخوشایند مضمون نگاه دارد و البته بهروز افخمی محترم به همراه جناب فراستی ارجمند توانستند تأثیر جریان سازی در افکار عمومی را به رخ بکشند و بحث سینمایی را به مفهومی قابل لمس برای جامعه تبدیل کنند. مهرا مدیری نازنین که رفیق سال‌های دیرین است و شیرینی همکاری و دوستی با او را با هیچ عوض نمی‌کنم و از اعماق وجودم می‌گویم که دوست‌تر داشتم مهرا را عزیزم اجرای هفت را برعهده بگیرد. البته خوشحالم که در همان شب‌های نخست میهمان ویژه برنامه خواهد بود و حتماً به جذابیت میز هفت اضافه خواهد کرد.»

با وجود اینکه پیش‌تر اعلام شده بود قرار است مهرا مدیری اجرای ویژه برنامه «هفت» را در ایام سی‌وششمین جشنواره فجر برعهده بگیرد، در آخرین روزها رضا رشیدپور جایگزین او شد. بر این اساس، ویژه برنامه «هفت» با محوریت اخبار جشنواره فجر سی‌وششم از پنجشنبه ۱۲ بهمن ماه، به تهیه‌کنندگی سعید پروینی و با اجرای رضا رشیدپور از شبکه سه سیما راهی آنتن شد. ۲۷ دی ماه مدیران شبکه سه سیما رسمی از مهرا مدیری به عنوان مجری برنامه «هفت» نام بردند که در فاصله دو روز مانده به آغاز جشنواره فیلم فجر این انتخاب تغییر کرد. رشیدپور که این روزها اجرای برنامه صبحگاهی «حالا خورشید» را در شبکه سه عهده‌دار است، چندی پیش برای اولین بار به عنوان مجری گفت‌وگوی ویژه با حسن روحانی، رئیس‌جمهور هم انتخاب شده بود. تاکنون افرادی همچون فریدون جیرانی، محمود گبرلو و بهروز افخمی اجرای برنامه سینمایی «هفت» را عهده‌دار بوده‌اند. محمود گبرلو در واکنش به انتخاب رشیدپور برای اجرای برنامه هفت چنین گفته است: «این مجری‌ها باید تخصص سینمایی داشته باشند. با انتخاب این مجری‌ها سطح برنامه را پایین می‌آورد.» رشیدپور هم طی یادداشتی در صفحه مجازی خود با عنوان «هزار داستان هفت»، یکی از نخستین

## نشانه زاهد

آیت‌الله مجتبی‌ی تهرانی  
بحار الانوار



رُوی عَنْ عَلِي عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: الرَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يَغْلِبِ الْحَرَامَ صَبْرَهُ وَ لَمْ يَشْغَلِ الْحَلَالَ شُكْرَهُ. زاهد در دنیا کسی است که کار حرام بر صبرش غلبه نکند، و مشغول شدن او به حلال بر شکرش غلبه نکند. در این روایت کوتاه امیرالمومنین (ع) زاهد را از نظر امور دنیایی اش تعریف می‌فرمایند، نه زهد را. ایشان در تعریف زاهد دو جمله بیشتر نمی‌فرمایند که برگشت این دو جمله، به یک هسته مرکزی است. شخصی زاهد (پارسا) در دنیا چه کسی است؟

۱. «مَنْ لَمْ يَغْلِبِ الْحَرَامَ صَبْرَهُ»: زاهد کسی است که کار حرام بر بردباری و صبر او غلبه نکند. یعنی وقتی به عمل حرامی رسید، طاقتش را از دست ندهد و خدا یادش نرود. کارهایی که ما در دنیا می‌کنیم یا نعوذ بالله- حرام است یا حلال. ما بزخی بین حرام و حلال نداریم. مباح هم که گفته می‌شود در واقع همان حلال است. به این نکته دقت کنید که امیرالمومنین (ع) در ترتیب نظر داشته است. اول می‌فرماید زاهد کسی است که وقتی با عمل حرام یا مال حرام برخورد کند، آن عمل حرام یا آن مال حرام طوری او را جذب نکند که بر صبر و پایداری اش نسبت به احکام الهی چیره شود. معمولاً این گونه است که وقتی انسان نعوذ بالله مرتکب کار حرام می‌شود، یا روی مال حرام دست می‌گذارد، این بدان خاطر است که جاذبه عمل حرام یا مال حرام انسان را به سوی خود می‌کشد. در اینجا انسان باید چه کند؟ باید استقامت کند و به سمت حرام نرود. این را می‌گویند پایداری، این را می‌گویند صبر. مادر روایات مان صبر نسبت به معصیت هم داریم. بنابراین در ترتیب، اول این را حضرت می‌فرماید که طوری حرام تو را جلب نکند که صبر را از تو برباید. حرام بر صبر و پایداری تو چیره نشود. ایستادگی کن و به سمت حرام نرو. دست به سمت مال حرام هم دراز نکن.

۲. «وَلَمْ يَشْغَلِ الْحَلَالَ شُكْرَهُ». همچنین شخص زاهد کسی است که سرگرم شدن او به کار حلال، او را از سپاسگزاری باز ندارد. یعنی چنان سرگرم حلال هم نمی‌شود که خدا یادش برود و تشکر و سپاسگزاری از او یادش برود. مثلاً مالی که به دستش آمده، گرچه حلال است و حرام نیست، اما باز جاذبه آن، طوری جذبش نکند که خدا را فراموش کند. یادش نرود که این را چه کسی به او داده است. شکر مُنعم را فراموش نکند. وقتی انسان به حلال وابستگی پیدا کند، شکر خدا فراموش می‌شود و یادش می‌رود که این نعمت حلال را خدا به او داده است. پس نسبت به حلال شاکر باش. این دو خصوصیت برگشت به یک چیز می‌کند. هسته مرکزی هر دو این است که در دنیا، هر کس در ارتباط با هر عملی، چه حلال و چه حرام، اگر از خدا غفلت داشته باشد به نحوی که خدا را به دست فراموشی بسپرد، این چنین کسی اهل زهد و پارسایی نیست. زاهد کسی است که در ارتباط با حرام وقتی که به یک عمل حرامی رسید، طاقتش را از دست ندهد و خدا را فراموش نکند. از آن طرف در جایی که حلال هم هست، اما آن حلال او را چنان سرگرم نکند که خدا یادش برود و سپاسگزاری از مُنعم را فراموش کند.



## برخورد تند

فرماندار گلپایگان عزل شد

اصحاب رسانه استان اصفهان نیز در نامه‌ای اعتراض خودشان را نسبت به توهین و تهدید فرماندار گلپایگان به خبرنگار حاضر در مراسم بیان کردند و خواستار رسیدگی به این موضوع شدند. تمام این واکنش‌ها، در نهایت فرد خاطی را به عذرخواهی واداشت و او را وادار به توضیحاتی کرد که چندان از رفتاری که در شبکه‌های اجتماعی بازتاب داشته، فراتر نیست. فرماندار گلپایگان گفته است: «خبرنگار داشته عکس می‌گرفته و وقتی هم من گفتم نباید عکس دیگری نباید می‌گرفت. مگر واجب است عکس بگیرد؟» او در عین حال گفته است: «اگر رفتار بنده بی‌ادبی به شأن خبرنگاران بوده، عذرخواهی می‌کنم.» البته این عذرخواهی هم افاقه نکرد و سرانجام اعلام شد که فرماندار گلپایگان روز چهارشنبه برکنار شده است.



سه‌شنبه گذشته فیلم کوتاهی از برخورد نامناسب فرماندار گلپایگان با یک خبرنگار در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد که واکنش‌های متفاوتی را به دنبال داشت. برخی اصلاً باور نمی‌کردند آن کسی که در فیلم فریاد می‌زند، خط و نشان می‌کشد و دستش را به نشانه زدن بالا می‌برد، مسئول و یک مقام منطقه‌ای باشد و عده‌ای هم ضمن بیان انتقادات و نقطه نظرشان، خطاب به سایر مسئولان مربوط، خواهان رسیدگی هر چه سریع‌تر به این موضوع شدند. البته این انتقادات و واکنش‌ها تنها شامل حال اهالی رسانه و قلم‌نشد و برخی از مسئولان نیز نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند. در پی برخورد عجیب فرماندار گلپایگان با یک خبرنگار که در جلسه روسای شورای اسلامی چهار شهر شهرستان گلپایگان صورت گرفته بود، بهرام سرمست، مدیرکل سیاسی وزارت کشور نیز خواستار رسیدگی به موضوع توسط استاندار اصفهان شد. او در این زمینه اعلام کرد: «بنده این موضوع را با استاندار اصفهان مطرح کردم تا جزئیات این اتفاق را مورد بررسی قرار دهد و متناسب با آنچه رخ داده، تصمیم‌گیری شود. این برخورد فرماندار با یک خبرنگار به هیچ وجه قابل قبول نیست.» محسن مهرعلیزاده، استاندار اصفهان نیز در واکنش به برخورد فرماندار گلپایگان با یک خبرنگار، یک انتشار پیمای در صفحه شخصی توئیتر خود چنین نوشت: «وظیفه خود می‌دانم به خاطر برخورد صورت گرفته از سوی فرماندار گلپایگان با یک خبرنگار پوزش بطلبم. فرماندار را احضار کردم تا موضوع بررسی شود و اقدام لازم صورت گیرد.» همچنین جمعی از



## حمایت از هیچ

چگونه یک بیماری، زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

آنجا عبور می‌کردند و روزهای بارانی چرخ‌هایشان غباری خیس به هوا پراکنده و رنگ نیمه پایین پلاکارد را تغییر داده بود. هیننگر ابتدا نگاهی سراسری به پلاکارد و اسم‌ها انداخت، بعد فکر کرد چرا چنین چیزهایی را بدون هیچ توضیحی اعلام می‌کنند. خود نویسنش را در آورد و نگاهی به دوروبر انداخت و اسمش را به فهرست اضافه کرد. داستان در سفرهای هیننگر ادامه پیدا می‌کند، وین و ونیز و بعد در موزه چی‌وی‌داله، غریبه‌ای را می‌بیند که پیش‌تر هم در ونیز با او حرف زده بود. «حمایت از هیچ»، عنوان داستان دوم این مجموعه است که زندگی آنتونیو پسر جوان را روایت می‌کند، با نوعی بیماری که تمام زندگی اش را تحت تأثیر قرار داده است. یک روز صبح، سر میز صبحانه وقتی آنتونیو می‌خواست فنجان را بلند کند قهوه لب پر زد، نگاه‌های مادرش و خنده خواهرش و شماتت مادر بیانگر وضعیت غیرعادی بود و گرنه فنجان برپر بود و هر آن ممکن بود برای هرکس چنین حرکت ناشایسته‌ای اتفاق بیفتد. از این دست اتفاقات کوچک برای آنتونیو مدام تکرار می‌شود و در واکنش پدرش تنها این عبارت را به کار می‌برد: «چیز مهمی نیست.» اما وضع آنتونیو هفته به هفته وخیم‌تر می‌شود و لرزش دست‌وپا، اوضاع ناپسمان و پرتلهایی را می‌سازد. خانه به متروکه بدل شده و فضای داستان به سمتی تلخ و تاریک پیش می‌رود.

«حمایت از هیچ» اثر هارتموت لانگه، اخیراً با ترجمه محمود حسینی‌زاد منتشر شده است. در این کتاب سه داستان از لانگه آمده است؛ پلاکارد، حمایت از هیچ و مستأجر جدید. در داستان اول کتاب با عنوان «پلاکارد»، از خیابان بوگرینگ شهر وین آغاز می‌شود، از پارک ملی. کنار ورودی پارک سستونی برپاست برای نصب آگهی و اعلان. سه‌متری ارتفاع دارد و با وجود چیز زمخت سقف ماندنی که با لایش نصب کرده‌اند، بلند است و کشیده. لانگه این ستون را با جزئیاتی دقیق شرح می‌دهد: «نگاهش که می‌کنی انگار دارد از تعادل خارج می‌شود و یک‌وَر، نزدیکش که می‌شوی، این احساس بیشتری می‌شود. پلاکاردهای رنگارنگ روی ستون خبر از برگزاری مراسم گوناگون می‌دهند؛ اطلاع‌رسانی فوری و کامل از همه چیز. گاه پلاکاردی را می‌بینی اما نمی‌فهمی چرا آنجاست. مثل آن پلاکارد چهارگوشی که به سفیدی می‌زد و در قسمت پایین ستون نصب شده بود، ارتفاعش تا زانو هم نمی‌رسید و چندان به چشم نمی‌آمد. با لایش با حروف درشت نوشته شده بود اینها مفقود هستند و زیرش با خطی ظریف و نامرتب اسم‌هایی. فقط اسم.» اسم‌ها دست‌کم پانصدتا بودند، پلاکارد در نظر هیننگر، شخصیت اصلی داستان، جدید نیست و گویا سه هفته‌ای می‌شود روی ستون نصب شده است. در معرض اتومبیل‌هایی که از

## تاکتیک روحانی

روحانی بعد از اینکه حساب خود را از حکومت جدا می کند، یکبارہ خود را در مقام ناصح وضع موجود قرار داده و به یکبارہ منتقد اوضاع می شود. او در چند ماه اخیر حتی گاهی موضعی تند از همین زاویه داشته که از آن به عنوان مواضع اپوزیسیونی یاد می شود.

# سیاست

## رئیس جمهورِ اپوزیسیون

در حالی که نا کارآمدی دولت پس از یک برف به چشم آمد، حسن روحانی طوری سخن می گوید که انگار بخشی از حاکمیت جمهوری اسلامی نیست



است که حکومت باید صدای معترضان را بشنود که در موارد متعدد خودش یا دولتش فتنه‌ها را نادیده گرفته‌اند. در آخرین رخداد در این مورد وضعیت نایب‌امان جاده‌ها و فرودگاه امام خمینی (ره) بوده که موجبات گلایه‌ها و اعتراضات گسترده را پدید آورد اما گویا صدای کسی شنیده نشد و در نهایت دستگاه قضایی در این مورد ورود کرد.

#### روحانی و اصلاح‌طلبان

یک واقعیت مسلم این است که اصلاح‌طلبان نقش اساسی در رئیس‌جمهور کردن حسن روحانی در سال ۹۲ و رئیس‌جمهور نگه داشتن او در سال ۹۶ داشته‌اند. آنها که پایگاه رای‌ی متعلق به خود داشتند و البته رای بخش رادیکال را نیز نمایندگی می‌کردند. حالا اما شرایط تغییر کرده است. اصلاح‌طلبان در دو گانه حاکمیت و بدنه رادیکال، ماندن در قدرت را ترجیح داده و از بخش مهمی از بدنه اجتماعی خود بازمانده‌اند.

در چنین شرایطی دو مساله مهم مطرح است:

۱- حسن روحانی برای اصلاح‌طلبانی که دیگر بدنه اجتماعی سابق را ندارند از این پس چه جایگاهی قائل است؟ آیا او همچنان حاضر است با آنها معاملات سیاسی داشته باشد؟

۲- نکته مهمتر این است که از دست رفتن آن بدنه اجتماعی قطعاً جمعیت بدنه اجتماعی حسن روحانی را نیز کاسته است.

این دو مساله شرایط را بسیار تغییر داده است. اصلاح‌طلبان دیگر نمی‌توانند چندان در وضعیت منتقد دولت باشند. این انتقاد قطعاً باید مستطهر به یک بدنه رای قدرتمند باشد. حالا حسن روحانی به نظر دو اقدام را در دستورکار خود قرار داده است.

۱- تلاش کند بدنه از دست رفته اصلاح‌طلبان را از آن خود کند. این مهم تنها با مواضع اپوزیسیونی او به دست خواهد آمد.

۲- تلاش کند در فراغ اصلاح‌طلبان با مواضع دوپهلوی در مواقعی خود را به اصولگرایان هم نزدیک کند. اظهارات او در سطح سیاسی خارجی از این حیث تحلیل می‌شود.

#### روحانی و بدنه اجتماعی

«او» یک محافظه‌کار تمام‌عیار است؛ حتی اگر در مواقع استثنایی خروش کرده و حرف‌های آنچنانی بزند باز هم «او» یک محافظه‌کار تمام‌عیار است. اصلاً کسانی که وضعیت این روزهای «او» را در بعد جامعه‌شناسی سیاسی تحلیل می‌کنند همین محافظه‌کاری‌اش را از دلایل اصلی ریزش بدنه اجتماعی‌اش می‌دانند. واضح است که درباره حسن روحانی سخن می‌گوییم؛ رئیس‌جمهور دولت دوازدهم.

## آیا روحانی می‌تواند دولتش را به ۱۴۰۰ برساند؟



مصطفی صادقی

دبیر تحریریه

آیا حسن روحانی می‌تواند دولتش را به ۱۴۰۰ برساند؟ این حالا سوال مهمی است که در پس تحولات متعدد ماه‌های اخیر پدیده آمده؛ می‌گویند سرمایه اجتماعی او دیگر شبیه گذشته نیست و حامیان او نیز دیگر مانند گذشته نیستند. او البته در نسبت جدیدی از موقعیت خود با حاکمیت نیز قرار گرفته است. همه اینها در حالی است که نشانه‌هایی از تلاش‌های او برای تعریف یک کاراکتر سیاسی جدید از خودش به چشم می‌خورد؛ حسن روحانی این روزها در سخنانش تصویری نشان می‌دهد از خود با این مختصات: «اپوزیسیون».

#### روحانی و حاکمیت

حسن روحانی در سال ۹۲ در حالی که رای چندان در نظرسنجی‌ها نداشت تا یک تاکتیک ویژه خود را تبدیل به رئیس‌جمهور ایران کرد. او صحنه رقابت را عوض کرد. در حالی که محمدباقر قالیباف بیشترین رای را در نظرسنجی‌ها داشت و سیاست خارجی را به موضوع مهم روز تبدیل کرد. او سعید جلیلی را که در آن زمان دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول پرونده هسته‌ای بود، از میان نامزدهای حاضر در رقابت به عنوان قیاب اصلی خود انتخاب کرد. روحانی منتقد وضع موجود شد و جلیلی مدافع وضع موجود. حالا دیگر جایی برای دیده شدن محمدباقر قالیباف وجود نداشت؛

**روحانی می‌گوید حکومت‌ها باید صدای اعتراض را بشنوند. او خود نفر دوم این حکومت است و رئیس دولت. او رئیس دولت است و دولت عالی‌ترین مظهر رابطه قدرت و حاکمیت. به بیان روان‌تر او خود را یک طرف‌قرار داده و حکومت را طرف دیگر. او در مقام رئیس‌جمهور این کار را انجام داده است. او می‌گوید حکومت باید چنین کند و چنان، آن هم درست در شرایطی که خود رئیس‌قوه مجریه است**

و اعتراض مردم را به خوبی بشنوند. امام خمینی (ره) به ما جرات ایستادگی، نقد و اعتراض را یاد داد. او به ما یاد داد در برابر استکبار با قدرت بایستیم. او یاد داد که صندوق آرا را نباید رها کنیم. او یاد داد که به فکر محرومان و مستضعفان جامعه باشیم. او یاد داد که معنویت و اخلاق را از یاد نبریم. او یاد داد که در برابر متجاوزان بایستیم و اجازه ندهیم استبداد و استعمار به این سرزمین برگردد.»

آنانیز این سخنان نشان می‌دهد که:

۱- روحانی می‌گوید حکومت‌ها باید صدای اعتراض را بشنوند. او خود نفر دوم این حکومت است و رئیس دولت. او رئیس دولت است و دولت عالی‌ترین مظهر رابطه قدرت و حاکمیت. به بیان روان‌تر او خود را یک طرف‌قرار داده و حکومت را طرف دیگر. او در مقام رئیس‌جمهور این کار را انجام داده است. او می‌گوید حکومت باید چنین کند و چنان، آن هم درست در شرایطی که خود رئیس‌قوه مجریه است.

۲- او البته بعد از اینکه حساب خود را در اینگونه موارد از حکومت جدا می‌کند، یکبار خود را در مقام ناصح وضع موجود قرار داده و به یکبار منتقد اوضاع می‌شود. او در چند ماه اخیر حتی گاهی مواضعی تند از همین زاویه داشته که از آن به عنوان مواضع اپوزیسیونی یاد می‌شود.

۳- او یکبار فراموش می‌کند که در این نازامی‌ها نونک بیگان اعتراضات به سمت او بوده است. اعتراضاتی که بیشتر نسبت به اوضاع نایب‌امان اقتصادی و سیاست‌های دولت او در این حوزه بوده است. روحانی در حالی معتقد

او انتخابات را به همین شکل برد. از آن روز تا امروز حسن روحانی اگر رئیس‌جمهور بوده اما همیشه تلاش کرده این کاراکتر منتقد وضع موجود بودن خود را حفظ کند. او حتی گاهی آن چنان در حفظ این کاراکتر مصر و کوشا بوده که به قامت اپوزیسیون وضع موجود نیز در آمده است.

بهتر است برای به دست آمدن تصویری روشن‌تر از آنچه روحانی در ذهن دارد آخرین سخنان او را که چهارشنبه در مرقده مطهر امام «ره» بیان شده مرور کنیم: «نقد و اعتراض حق مردم است و هیچ‌کس نمی‌تواند ملت بزرگ ایران را از اظهار نظر نقد و انتقاد حتی اعتراض بازدارد. گوش همه مسئولان کشور باید در برابر همه خواسته‌ها و مطالبات مردم گوش شنوایی باشد. رژیم گذشته فکر می‌کرد سلطنت او و حکومت سلطنتی مادام‌العمر و سلطنتی است. به این دلیل همه چیز را از دست داد که صدای نقد و نصیحت مردم و صدای مصلحان، ناصحان، علما، بزرگان و فرهیختگان را نشنید. صدای اعتراض مردم را هم نشنید و فقط صدای انقلاب مردم را شنید. برای حکومتی که فقط می‌خواهد صدای انقلاب را بشنود، این بسیار دیر است، زیرا حکومت‌ها باید صدای نصیحت، خواست، مطالبه، انتقاد



اما آیا واقعا این گزاره درستی است که «حامیان» او» دیگر نامید شده‌اند؟  
برای راستی آزمایی این گزاره بسیار با اهمیت باید سوال‌های مهمی را پاسخ داد:  
اساسا کدام طبقات اجتماعی سازمان رای حسن روحانی را تشکیل داده بودند؟  
این طیف‌های مختلف چه خواسته‌هایی داشته‌اند و چه انتظاراتی که اکنون به آن نرسیده و در وضعیت مهمی فرو رفته‌اند؟  
آیا «ناگهان» این بدنه اجتماعی از حسن روحانی موجب «امیدواری» آنها به رقیب و مخالفان حسن روحانی می‌شود؟

#### سازمان رای آقای رئیس‌جمهور

از این بگذریم که چه شد در دهه نود حسن روحانی «ناگهان» رئیس‌جمهور ایران شد؛ او تنها «ناگهانی» دوران مانده است. در دهه هفتاد چه کسی فکر می‌کرد در شرایطی که حتی اطرافیان ناطق‌نوری نام فرمانداران سراسر کشور را هم لیست کرده بودند «ناگهان» سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران شود یا اصلا چه کسی فکر می‌کرد در دهه هشتاد از میان آن همه نام، «ناگهان» یک «بی‌نام» به جای خاتمی به پاستور برود؛ پوپولیستی که بعد از همه آنچه در آن هشت سال انجام داد اکنون شمایل یک اپوزیسیون را به خود گرفته است.

آری! بهتر است دوباره از اینجا شروع کنیم که چه شد حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران باقی ماند. همین چند ماه پیش کار او سخت شده بود؛ خیلی سخت. حتی آوردن «اسحاق» نیز تکانی به نظرسنجی‌ها نمی‌داد. «حاج آقا» هم دیگر در این دنیا نبود که «امیدش» باشد؛ برخی ژنرال‌ها و وزیران هم از همیشه ساکت تر شده بودند؛ آنقدر که «او» وقتی پیروز شد با دل‌بری همه آنها را جمع کرد و گفت: «کسی نیست که زحمت نکشیده باشد و از دولت دفاع نکرده باشد. اما همه هم یک جور نبودند، مختلف بودند. بعضی‌ها با همه توان آمدند. ما روستایی هستیم، به قولی بعضی‌ها گیوه را بر کشیدند و به میدان آمدند، آستین‌ها را بالا زدند و به میدان آمدند. اما بعضی‌ها پاشنه گیوه‌شان خوابیده بود و برنکشیدند. لخب‌لخ کردند. یک مقدار راه آمدند و مسیر را آمدند و زحمت کشیدند. بعضی‌ها سخت‌شان بود دفاع کنند، خیلی نرم حرف می‌زدند و آرام. اگر در تنگنای ۳۰ خبرنگار قرار



**«او» یک محافظه‌کار تمام‌عیار است؛ حتی اگر در مواقع استثنایی خروش کرده و حرف‌های آنچنانی بزند باز هم «او» یک محافظه‌کار تمام‌عیار است. اصلا کسانی که وضعیت این روزهای «او» را در بعد جامعه‌شناسی سیاسی تحلیل می‌کنند همین محافظه‌کاری‌اش را از دلایل اصلی ریزش بدنه اجتماعی‌اش می‌دانند**

می‌گرفتند، در آن تنگنا یک کلمه‌ای می‌فرمودند. حرف نمی‌زدند و سینه سپر نمی‌کردند. اگر از بعد علوم سیاسی به ماجرا نگاه کنیم یا از بالا به پایین، حتما رئیس‌جمهور ماندن حسن روحانی سخت بوده و معلول پدیده‌های دقیقه نودی، اما اگر نگاه‌مان را بدوزیم به فرمول‌ها و مدل‌های جامعه‌شناسی سیاسی آنگاه می‌توان تصویر روشن‌تری از دلایل رئیس‌جمهور ماندن حسن روحانی را به دست آورد. قبل از آن باید گفت رئیس‌جمهور ماندن حسن روحانی چه از منظر علوم سیاسی و چه از منظر جامعه‌شناسی سیاسی صاف معطوف به اکت‌های حسن روحانی و تیم انتخاباتی‌اش نبوده و حتما باید سهمی را متوجه اشتباهات ساختاری و تعیین‌کننده رقیب دانست. به هر حال حسن روحانی رای خود را صرفا از یک طبقه نگرفته است. او رئیس‌جمهور یک طبقه خاص نیست. فی‌الواقع این دولت در وجهه خصوصی‌اش اگر چه گرایش‌هایی دارد، گاه نزدیک به اصلاح‌طلبان و گاه نزدیک به اصولگرایان اما در نهایت، پدیدار شده‌ای است شبیه خودش؛ شاید هم «منحصر به فرد». از همین زاویه دید می‌توان گفت که او رای بخش مهمی از طبقه متوسط را گرفته است؛ هم طبقه متوسط سنتی و هم صد البته طبقه متوسط جدید و شهری. طبقه‌ای که جناح اصولگرا هم از آن غافل ماند و هم البته آن را ترساند. اصولگرایان از این طبقه برداشت بسیار کمی در انتخابات داشتند. به بیان ساده‌تر هر چه حسن روحانی روی این طبقه حساب کرده بود در مقابل اصولگرایان این طبقه را فدای به دست آوردن طبقه محروم کردند. این هم در مورد سیدابراهیم رئیسی صدق می‌کرد و هم حتی در مورد محمدباقر قالیباف که طبقه متوسط‌نگاهی چندان منفی به او نداشت. آنالیز نظرسنجی‌ها بعد از کناره‌گیری قالیباف نشان می‌دهد آن بخش از رای قالیباف که به سید حسن روحانی شیفقت کرد از همین طبقه متوسط بوده است. این طبقه چه سنتی و چه جدیدش فعلا در وضعیتی تردیدگونه نسبت به حسن روحانی به سر می‌برد. آنها نه گشایش سیاسی به آن معنا که در انتظارش بوده‌اند را از حسن روحانی دیده‌اند و نه طعم توسعه اقتصادی را چشیده‌اند. طبقه متوسط فعلا در رکود است؛ تکانی نمی‌خورد و حتی در «شلوغ» ترین روزهای شهرها ترجیح داد سکوت پیشه کند. این طبقه فعلا به اتاق فکر رفته است. آنها یک قدم از طبقه محروم عقب‌ترند و فعلا دنبال آلترناتیو نیستند. در طبقه محروم ما با دو طیف کاملا متفاوت مواجه هستیم. بخشی از این طیف را حزب‌اللهی‌ها و ارزشی‌تها تشکیل می‌دهند. کسانی که به صورت طبیعی نامزدشان سیدابراهیم رئیسی بوده است. اصولگرایان پایگاه خوبی در این بخش دارند. اما در بخش دیگر این طبقه که کمتر و جوده مذهبی‌شان بر وجه دیگرشان برتری دارد مبارزه انتخاباتی جانانه‌ای در گرفت؛ حسن روحانی، محمدباقر قالیباف و سیدابراهیم رئیسی روزهای سختی برای راضی کردن این طیف داشتند. اینکه کدام یک از نامزدها بیشتر از این بخش رای گرفته‌اند حتما نیازمند جداول آنالیز شده‌ای است که به صورت منطبقه‌ای وضعیت آرا را نشان می‌دهد اما آن بخش که به حسن روحانی رای داده حتما این روزها دل خوشی از شرایط موجود ندارد. آنها پیشقدمند برای پیدا کردن آلترناتیو اگر که اوضاع به همین منوال ادامه پیدا کند. در طبقه بورژوا البته اندکی شرایط متفاوت است. آنها حتما از جمله رای‌دهندگان به حسن روحانی بوده‌اند اما قطعاً از وضع اقتصادی موجود گلایه‌های اساسی دارند. نکته اما این است آنها محافظه‌کارترین مردمان دوران شده‌اند. سنتی‌تر از آنچه تصور می‌شد. با همه سختی‌ها حاضرند که اوضاع در نهایت اینچنینی که فعلا هست فریز شود اما هزینه ریسک تازه را نپردازند. این‌ها دو قدم از طبقه محروم عقب‌ترند و یک قدم از طبقه متوسط. حاضران در این طبقه نیازی به فکر کردن برای آلترناتیو نمی‌بینند.

#### آنچه خواستند، آنچه شد

حتما این حرف درستی است که خواست همه کسانی که به حسن روحانی رای داده‌اند یکی نبوده است. یکی به توسعه اقتصادی فکر کرده، یکی حتی به امید بدتر نشدن اوضاع اقتصادی. یکی به توسعه سیاسی فکر کرده، یکی هم به امید عدم تحدید فضای سیاسی. یکی آرزوی رسیدن کسرت به دیارش را داشته و آن یکی هم امیدش این بوده که گشت ارشاد باز نگردد. یکی امیدوار بوده بالاخره دیوار بلند میان تهران و واشنگتن کوتاه‌تر از همیشه شود و آن یکی از خوف جنگ حتی رای داده است. نگاهی کنیم به گزاره‌هایی که حسن روحانی پررنگ کرد و سازمان رای خود را سامان داد. پادمان هست که او هشدار داد از کشیده شدن دیوار در پیاده‌رو، به رقیب طعنه زد که مگر شما بلید اصلا مذاکره کنید؟ تاکید کرد کاری می‌کنیم که مردم اصلا به این باره‌ها نیازی نداشته باشند، این را هم گفت که دانشجوقلان می‌شود و جوان بهمان. انتظار جامعه بالا بوده می‌توان روحانی محدود، مهم نیست مساله بر سر این است که حاصل جمع آنچه پدیدار شده، با آنچه خواسته شده فاصله دارد. یک «غم غربتی» به سراغ آن سازمان رای آمده است؛ یک «دل‌آشوبگی» خاصی نمایان گشته؛ چیزی شبیه «تردید». این مساله بسیار مهمی است حتی اگر حسن روحانی همچنان بخواد مقابل دوربین نشسته، لبخند بزند و با آرامش مثال زدن پاسخ سوال‌های شبیه طنز رشیدی‌پور را بدهد اما واقعیت غیر قابل انکار این است که سرمایه اجتماعی در مرحله تعیین‌کننده‌ای قرار گرفته است. مرحله‌ای که تصمیم‌گیری در آن انجام خواهد شد. باید منتظر ماند و دید حسن روحانی چه تصویری از این سرمایه اجتماعی در ذهنش دارد. آیا حالا که دیگر رای نمی‌خواهد دلیلی هم به اندیشیدن در این مورد نمی‌بیند یا اینکه او خلاف آنچه در ظاهر نشان می‌داد یک دل‌آشوبگی در باطنش دارد که برای تسکینش در اندیشه و فکر است.

#### تصمیم نهایی

نگاهی عمیق‌تر به آنچه در نآرمی‌های اخیر رخ داد و البته نوع مواجهه معترضان به گروه‌های سیاسی این گزاره را پررنگ می‌کند که: «خستگی مانده بر تن مردم از نبرد باز یگران سیاست». آنها که تا کامان اصلی «جدل‌های سیاسی» هستند حالا بیشتر از هر چیزی به «اقتصاد» فکر می‌کنند. اگر بخواهیم نگاه سیاسی داشته باشیم ممکن است بگوییم امکان ندارد که مردم از حسن روحانی به بقای او همچون سیدابراهیم رئیسی برسند. برخی اصلاح‌طلبان که در چند روز اخیر در این مورد قلم زده‌اند گفته‌اند که عبور مردم از حسن روحانی به پیوستن عبور از جمهوری اسلامی را دارد. اما واقعیت این است که مردم ایران چندان هم طبق این فرمول‌های اشاره شده اکت بیرونی ندارند. به یک معنا طبع سیاسی مردم در این ۴ دهه نشان داده که آنها بعد از انقلاب اسلامی همیشه دنبال وفادارند حتی در سخت‌ترین شرایط. رفتارشناسی آنها نشان می‌دهد که مردم همیشه دنبال «آلترناتیو اصلاح‌گر» بوده‌اند. پس گزاره درست این است: «اولویت اول این نیست که فرد مورد نظر اصلاح طلب باشد یا اصولگرا، مهم این است که چه کسی می‌تواند به دال مرکزی خواسته‌های مردم ایران در این دوره از روزگار توجه کرده و حرف آنها را بزند. صد البته اما اولویت دوم این خواهد بود که هر کدام از جناح‌ها چه سابقه‌ای در ذهن مردم در این مورد داشته‌اند.»

هر چه هست فعلا حسن روحانی باید دست بچنانند؛ عقریه‌های ساعت چندان به سود او نمی‌چرخند. او به مردم نیاز دارد حتی با اینکه دیگر انتخاباتی برای او در کار نباشد. سرمایه اجتماعی او ریزش کرده، باید حرف بزند؛ باید گذشته را رها کند و از آینده بگوید. ▶



## روحانی استعفادهد

گفت‌وگوی صریح ابراهیم فیاض با مثلث

امید کرمانی

روزنامه نگار

آقای روحانی واقعا می‌تواند مطالبات اینها را برآورده کند؟

▲ این دولت محافظه کار است، چون درست تبیین نشد. صدا و سیما بزرگ‌ترین ضربه را به این کشور زد؛ من این را جدی می‌گویم چون نمی‌گذارد بحث‌ها دقیق روشن شود، همین اخیرا در برنامه افق آقای عراقچی آمد صحبت کرد، صحبت‌های او به تفکر ملت توهین بود. گفت من یک سرباز دستور بگیر هستم. این چه صحبتی بود که او انجام داد این حرف در واقع انحطاط نظام است وقتی او گفت من هیچ اختیاری از خودم ندارم، هرچه از بالاتری‌ها بگویند، انجام می‌دهم. این حرف خیلی فاجعه‌آمیز بود. مردم می‌گویند این چه سیاستی است؟ الان جامعه شما پر از تحصیلکرده است، دیگر عوام نداریم، یعنی همه متفکر هستند؛ همه با یک کرانه اجتماعی در سطح جامعه فکر می‌کنند و مطالبات و آمار را می‌فهمند. یعنی مردم می‌دانند وقتی در روسیه برف بیاید، روس‌ها چه کار می‌کنند؟ می‌دانند روسیه در سوریه چه کار می‌کند؟ در عراق چه کار می‌کند؟ الان ۲۰۰ میلیارد دلار طلب خودش را از عراق برای گرفتن امتیازات در آینده بخشید. اینها را مردم می‌دانند. الان قدرت دولت به شدت کوتاه شده، بنای این دولت هم اشرافیت، بازار و تجارت برآمده از راست مدرن است. می‌خواهد با جهان تجارت کند اما نه از باب مثبتش که ایران رشد تجاری پیدا کند، تولید کند، صادر کند و این مسائل به نفع مملکت باشد. الان دیگر کالای وارداتی ما چینی شده، مردم این را متوجه می‌شوند. تکنولوژی چینی دارد در ایران بیداد می‌کند، مردم دارند با آن زجر می‌کشند. خب مردم ناراحت هستند. الان این دولت تجاری و ورشکسته است چون مبنایش اقتصاد عرفانی است، نه اقتصاد

۲ ابراهیم فیاض می‌گوید: «دولت روحانی خودش را باخته و ورشکسته و افسرده است. هرچه زودتر استعفا بدهد، به نفع امنیت کشور و به نفع مردم است.» این استاد دانشگاه می‌گوید: «روحانی به ۱۴۰۰ نمی‌رسد مگر آنکه دولت خود را منحل اعلام کند و دوباره تیم و اعضای جدید برای مناصب مختلف انتخاب کند.»

انحطاط است. چه کسانی این حرف را می‌زنند؟ همان‌ها که خودشان مسئولیت داشتند. بعد هم بحث‌ها به جدل و فحاشی کشید و دیدیم که شد.

آقای دکتر! اگر بخواهیم در حوزه اجتماعی صحبت کنیم، دولت آقای روحانی الان چگونه وضعیتی دارد؟

▲ وارد این موضوع می‌شوم. پس جمع بندی صحبت قبلی ام این می‌شود که سیاست و نگاه مدیریتی ما اثباتی نیست و همیشه سیاست ما، سیاست نفی است. یعنی خلاقیت وجود ندارد و به شدت محافظه کار است. حال آنکه صنعت، دانشگاه و تفکر کشور به شدت در حال رشد هستند. مسئولان خیال می‌کنند، کسانی که از ایران به خارج از کشور رفتند با داخل کشور در تماس نیستند؟ الان خانواده خود من در یک روستایی در کوه کازرون با اقوامی که به خارج رفتند دائم از طریق شبکه‌های اجتماعی تماس دارند، بنابراین اصلا نمی‌توان شاخص‌های جهانی را رها کرد، به شدت رشد ایرانی‌ها بالاست، تفکر و مطالعات ایرانی‌ها به لحاظ جهانی بالا رفته است، حالا من سوال دارم، آیا دولت محافظه کار می‌تواند کاری انجام دهد؟

۲۳/۵ میلیون نفر به این دولت رای دادند. آیا

باتوجه به اینکه شش ماه از دولت دوم آقای روحانی می‌گذرد، این دولت دو چالش در حوزه اجتماعی داشت. یکی کمپین پشیمانم بود که یک سری سلبریتی‌ها راه انداختند، بعد از مدتی موج اجتماعی و نارضایتی پیش آمد که در ابتدا انتقادات به سمت دولت بود و بعد یک عده فرصت طلب آمدند و اعتراض‌ها را به انحراف کشیدند. به نظر شما اگر امروز روز انتخابات سال ۹۶ ریاست جمهوری بود، آقای روحانی از لحاظ بدنه اجتماعی چه وضعیتی پیدا می‌کرد؟ آیا دوباره همان ۲۳/۵ میلیون رای را می‌آورد؟

▲ این را من اینطوری نمی‌توانم جواب دهم، همیشه باید رقیب را دید. آقای روحانی در سال ۹۶ از باب رقابت با رئیسی بود، بخشی از جامعه تصور می‌کرد رئیسی می‌خواست تحمیل شود. در انتخابات آینده هم همین است، باید ببینم رقیب کیست. مردم همیشه با در نظر گرفتن رقیب به یک نامزد رای می‌دهند یا رای نمی‌دهند، این را قبلا هم گفتم که ما رای سفید و خاکستری نداریم، اتفاقا بیشتر رای، رای سیاه است و به ضد کسی داده می‌شود. علت هم این است که متاسفانه ما ایدئولوژی اثباتی یا گفتمان مثبت نداریم. وقتی هم به انتخابات نگاه کنیم، می‌بینیم هیچ گفتمان مثبتی وجود نداشت، همه علیه هم صحبت می‌کردند، بنابراین مباحث به جدل کشیده شد و همه آبروی خودشان را بردند و نظام و مملکت مان را مورد هجوم قرار دادند برای اینکه رای بیاورند. همه گفتند کل ایران فاسد یا کل ایران چطور

عقلانی. معتقد دولت به لحاظ معرفت‌شناسی و سپس کنش‌شناسی از نظر ساختارشناسی ورشکسته است.

**نکته این است وقتی اعلام شد آقای روحانی می‌خواهد از طریق رسانه ملی با مردم صحبت کند، همه فکر کردند صحبت‌های او متفاوت از گذشته خواهد بود اما این طور نشد. در این میان برخی‌ها همه تقصیرها را به گردن رشیدپور انداختند در صورتی که آقای روحانی حرفی برای گفتن نداشت. شما این تحلیل را قبول دارید؟**

▲ بله، اتفاقا همین است. رشیدپور بعدا برای پاسخ به انتقادات گفت من داشتم مصاحبه می‌کردم، نه مناظره. روحانی تمام شده و الان عملا پایان روحانی در عرصه دولتی اعلام شده است چون امید روحانی رفته، وقتی دولتی بنای خود را در الگوگیری از مدل نوسازی غربی محور، می‌گذارد حتما ورشکسته می‌شود. این را ما نمی‌خواستیم تا الان بفهمیم. ملت ما اگر انقلاب کرد، برای بازگشت به هویت و ساختار ایرانی بود. اقتصاد غربی را قبول نداشت. مبنای اقتصاد کشور زمان شاه همین بود، در بسیاری از مسائل، بالاترش را تجربه کردیم، کاش اقتصاد صنعتی بود اما اقتصاد ما به شدت تجاری شده، یعنی به شدت واردات دارد انجام می‌شود که حتی دوره شاه ما این قدر واردات نداشتیم. یعنی چه موقع مثلا بندرعباس، کیش، قشم و بندر چابهار این قدر واردات در دوره شاه داشت؟ الان سیستم کاملا وارداتی است و مواد خام صادر می‌شود. وقتی می‌گویند صادرات مواد غیرنفتی، یعنی مواد خام است، یعنی شمش و آهن است، یعنی خاک است، یعنی آب است، یعنی میوه است، یعنی نفت خام است. مردم از نفوذ چین در اقتصاد کشور به شدت ناراحت هستند.

**می‌گویید مردم خیلی ناراحت هستند. آقای حجازیان اخیرا یک مصاحبه‌ای داشت و می‌گفت این آشوبی که آمد و رفت، سه سال آینده سنگین‌تر برمی‌گردد.**

▲ شک نکنید. رهبری یک بحثی را تحت عنوان انقلابی مطرح کردند یعنی مملکت انقلاب کرد و دولت‌هایش باید انقلابی باشند، نه دولت‌های محافظه‌کار و الگوگیرنده از لیبرالیسم غربی، چون در تقسیم جهانی کشوری مثل ما باید نفت خام صادر و کالا وارد کند. مردم الان به شدت عصبانی هستند. یعنی احساس بی‌شخصیتی و بی‌هویتی می‌کنند. عدم

اعتماد به نفس از اینکه ما نمی‌توانیم ماشین بسازیم، راه‌آهن بسازیم و نیازهای روزمره‌مان را برطرف کنیم. بر همین اساس آنهایی که دارند تولید می‌کنند، احساس ورشکستگی دارند. من دقیقا یادم هست، خدا رحمت کند پدرم مزرعه داشت. ما دوره قبل از انقلاب آنقدر گندم تولید می‌کردیم که می‌رفتیم از بالای پشت بام می‌پریدیم وسط گندم‌ها، پدرم گندم را کیلویی ۱۲ تومان می‌توانست بفروشد اما شاه کیلویی ۹ تومان وارد می‌کرد. یعنی ما ورشکسته شدیم. پدرم همه زمین‌ها را رها کرد، رفت ماشین باری خرید. الان دوباره عدم اعتماد به نفس، عدم عقلانیت و عدم احساس مثبت نسبت به آینده در جامعه وجود دارد. متفکران به شدت دارند از ایران خارج می‌شوند. من الان استاد دانشگاه می‌بینم که بچه‌ها و زنش را برده خارج از کشور، یعنی خودش اینجا دارد تنها زندگی می‌کند.

**یک نکته‌ای را دولتی‌ها مطرح می‌کنند، آن اینکه مخالفان با ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه، ما را متهم به نا کارآمدی می‌کنند. خودتان به عنوان یک استاد که مردم‌شناس هستید، واقعا مردم چنین تصویری دارند؟ یعنی تحت تاثیر رقبا و مخالفان دولت هستند؟**

▲ نه، مردم مقایسه می‌کنند. البته من رقبای روحانی را هم قبول ندارم. چون آنها هیچ گفتمان مثبتی ندارند، ویرانگری می‌کنند و از آن ذهنیتی که در مردم است، سوء استفاده می‌کنند. الان اتفاقا باندهای مقابل روحانی هیچ گفتمانی ندارند؛ فقط به روحانی توهین می‌کنند، شعاری می‌دهند «آخر هفته، روحانی رفته». این نکته مهم و بسیار خطرناک است.

**اگر تمام تریبون‌هایی که الان منتقد دولت هستند در اختیار آقای روحانی قرار بگیرند، فرقی به حال دولت می‌کند؟**

▲ نه، دولت خودش را باخته و ورشکسته و افسرده است. هرچه زودتر استعفا بدهد، به نفع امنیت کشور و به نفع مردم است و آبروی خودش هم حفظ می‌شود. از یکسببه تا الان من باید قم می‌رفتم، هر بار که خواستم بروم، راه بسته بود، نتوانستم بروم. نکته جالب و خنده‌دار اینکه لاین تهران-قم پر از برف بود ولی لاین قم به تهران باز بود. به نظرتان چرا اینطوری است؟ یعنی فلش به طرف تهران است. دیگر اهمیت ندارد کسانی هم هستند که می‌خواهند به قم و شهرستان‌های دیگر بروند. این‌ها

به شدت پایتخت‌نشین و مسخ پایتخت هستند. وزیر راه و شهرسازی از پایتخت تکان نمی‌خورد و ۱۰ صبح تازه جلسه می‌گذارد، در حالی که مردم از هشت شب در بوران و برف گیر کردند. ماشین‌ها هنوز به‌طور وحشتناک وسط برف‌ها گیر کردند. امروز من تا یافت آباد رفتم که ماشین خودم را درست کنم، دیدم پسری با یک لندروزر بزرگ آمده بود، می‌گفت: «از صبح تا الان شش تا ماشین در جاده ساوه نجات دادم. وقتی برگشتم که دوباره مردم گیر کرده در برف را نجات دهم، خوردم به بلوک‌های سیمانی و مشکل پیدا کردم، الان منتظر ماشینم درست شود.» یعنی مردم عادی به کسانی که در برف گیر کرده بودند کمک کردند و دولت نبود. آن شب که در تهران زلزله شد، یک مقدار ساختمان تکان خورد، از خواب پریدم و بعد دوباره خوابم برد. ساعت دو، سه بامداد بود که از خواب بیدار شدم. تلویزیون را نگاه کردم، دیدم مملکت ریخته به هم، انگار چه شده است. استاندار می‌گفت: «مردم از زیر سقف فرار کنید و به خیابان بروید.» اما چرا مسئولان دچار بحران هستند؟ چون دولت ما چند اداره است که فقط کارهای روزمره می‌تواند انجام دهد. یعنی کوچکترین تحرک نه در بُعد خلاقیت و نه در رویارویی با بحران‌ها دارد و ناخودآگاه خودباخته است. در زلزله تهران مشاهده کردیم که چقدر رسانه ملی دستپاچه بود. فکری می‌کردند فوتبال گزارش می‌کنند چون به مردم پیشنهاد می‌داد بیشتر هیجانی شوند و به خیابان بروند. مردم هم به خیابان رفتند و با ماشین جلوی پمپ بنزین صف کشیدند. همین خروج یک‌مرتبه مردم از منازل ایجاد ناامنی و وحشتناکی می‌کند. اگر مردم به خیابان‌ها بیایند و ساختمان‌ها ریزش کند که بیشتر کشته می‌شوند. مگر پارک‌ها چه مقدار گنجایش دارند؟ هنگام زلزله نیاز به آرامش بخشی است نه هیجان بخشی. خدا خواست که زلزله دوم نیامد. دولت امروز در حوزه مدیریت بحران هیچ قدرت مانور رسانه‌ای ندارد و اقدامات در این حوزه صفر است. آمریکایی‌ها پشت سر هم فیلم‌هایی درباره مدیریت بحران هنگام وقوع زلزله، آتشفشان، بهمین، سیل، کولاک و قطع سیستم‌های ارتباطی می‌سازند و نقش موثر و مفید آدم‌ها اعم از کودک، مرد، زن، پیرزن و پیرمرد را در زمان وقوع بحران به جامعه آموزش می‌دهند و آنها این ذهنیت را دارند که وقتی با چنین وضعیتی مواجه شدند چه کار کنند. یعنی ما در حوزه رسانه‌ای فیلم‌هایی که مربوط به مدیریت بحران باشد نساختیم، بنابراین زمانی که بحران پیش می‌آید تماما شاهد انفعال و بلا تکلیفی مسئولان هستیم.

مشکل ما در ایران نبود دانش است، هیچ برنامه‌ای برای مدیریت بحران ناشی از زلزله و نزولات جوی نداریم. به طوری که بارش برف هم خود بحران شد. جالب است می‌گویند «به شایعات گوش نکنید» اما وقتی بحران به وجود می‌آید در صورتی که چیزی نگویند، طبیعتا جای این سکوت را شایعه پُر می‌کند. در همین زلزله تهران شاهد بودیم صداوسیما دائم داشت طبل می‌زد «تا صبح در پارک‌ها بمانید و بعد به خانه‌هایتان بروید.» این کار خنده‌دار نیست؟ کسانی که چنین توصیه‌ای می‌کردند برایشان سوال نبود «بر چه اساسی می‌گویند بیرون خانه‌ها از داخل خانه‌ها امن‌تر است؟» با وجود این همه هشدار به مسئولان درباره اشتباه رفتند. یعنی الان خبری نیست و مسئولان دوباره به اشتباه رفتند. یعنی الان درک نمی‌کنند که تکرار روش برخورد اخیرشان درباره زلزله تهران و برف مردم را ناامن می‌کند. آیا می‌شود برای ساماندهی جمعیت در تهران زلزله‌زده کانکس آورد؟ یا برای سرویس‌های بهداشتی بعد از وقوع زلزله می‌خواهند چه کار کنند؟ همان شب زلزله تهران در تلویزیون دیدم کسی که رئیس ستاد مدیریت بحران



**او گفت که ما سر سفره مردم می‌خواهیم برجام بیاوریم، برعکس شد و زمان‌های تاریخی و زمان‌های سیاسی را از دست داد. روحانی الان کلا سیاستمدار نیست**



**روحانی وزرا را آزاد بگذارد، یعنی خودش واقعا استراحت و به طور سمبولیک در هیات دولت شرکت کند. الان شما نگاه کنید؛ یعنی بحرانی که معاون اول رئیس جمهور دارد در قصه زلزله کرمانشاه چه کار کرد؟**

▲ بله، خیلی از وزرایی که الان دیگر وامانده اند مثل وزیر راه را عوض کند تا کابینه جوان شود. ثانيا روحانی وزرا را آزاد بگذارد، یعنی خودش واقعا استراحت و به طور سمبولیک در هیات دولت شرکت کند. الان شما نگاه کنید؛ یعنی بحرانی که معاون اول رئیس جمهور دارد در قصه زلزله کرمانشاه چه کار کرد؟ آنجا خانه های مسکن مهر خراب نشده اند، فقط دیوارها پایشان ریختند، حتی بعضی ها دیوارهایشان هم تر ریخته اند، مثل مسکن مهر آموزش و پرورش و فقط بعضی دیوارها ترک خورده بودند. او به جای اینکه آرام سازی کند، اغتشاش درست کند. معاون اول این طوری به کار دولت نمی خورد. معاون اول روحانی باید یک آدم اجرایی، عملیاتی و جوان باشد؛ آقای جهانگیری هلش نیست، وقتی مردم در برف مانده اند، پروازها مختل شد، خودش هم نتوانست از شیراز به تهران بیاید. چه کار کرد؟ کجا رفت؟ در حالی که باید این آقا در استانداری شیراز می نشست یا با ماشین به اصفهان می رفت و از آنجا راهی قم می شد. حتما باید با هوایما به تهران بر می گشت؟ چون هوایما نیست، رفت بی کار خودش. یعنی کار این آدم تمام است چون مدیر انقلابی در چنین موقعیتی دنبال کار خودش نمی رود نمی کند. الان مردم اعتراض دارند، می گویند: «ما انقلاب کردیم، آن همه شهید دادیم، ۸ سال جنگ را اداره کردیم چرا چنین وضعیتی در کشور وجود دارد؟ در واقع به شدت دولتمردان از مردم عقب افتاده اند، یعنی دولت در مقابل اکثریت مردم اقلیت شده است و دارد علیه اکثریت می جنگند، یعنی همه اش رادیکال می شوند. من واقعا معتقدم روحانی یا باید سریع خودش استعفا دهد یا وزیران را تغییر دهد و هیات دولتش را عوض کند و از جوانان خلاق، تکنوکرات، متفکر و ارزشی استفاده کند. نمی دانم چه کسی در این مملکت جنگ تکنوکرات و ارزشی راه انداخت. به خدا قسم در اسلام عقلانیت تکنوکراتیک داریم، عقلانیت ابزاری داریم. حالا الان نمی خواهم وارد بحث تئوریک شوم. در مجموع ما یک آدم هایی به شدت عملیاتی، تکنوکراتیک ارزش محور و وزارت محور می خواهیم. در کشور ما باید یک انقلابی مدیر شود، وگرنه این کشور ممکن است به شدت بحرانی شود. یعنی ما الان این را می خواهیم، ما الان گفتمان های جایگزین می خواهیم که صدواوسیمما برای درمان هیچ کاری نمی کند و من واقعا برای این قصه نگران هستم یعنی صدواوسیمما نمی گذارد متفکران بیایند و گفتمان جایگزین درست کنند.

کردند. به نظر من جمعی از اصلاح طلبی و اصولگرایی دارند با هم یکی می شوند؛ نکته اساسی اش این است. به نظر من یک سری نیروی جوان متخصص ارزشی دارند بالا می آیند، در میان اینها اصلاح طلبان هستند، اصولگرایان هم هستند، ولی هنوز کسی که بیاید این جمع را جمع کند، وجود ندارد. روی همین حساب خطر آینده، خطر فقدان گفتمان جایگزین است. اگر ما گفتمان جایگزین نداشته باشیم که اقتدار و قدرت پذیرفته شده ایجاد کند، شورش های بسیار کور اجتماعی و برانگیز اوج می گیرد.

**برخی می گویند در ایران بعد از انقلاب سرنوشتی دولت رخ ن داده است؛ سال گذشته در انگلیس شاهدش بودیم بودید کامرون رفت و ترمز می آمد. در ایران چنین چیزی پذیرفته نیست. بر همین اساس نگاه غالب آن است که آقای روحانی تا ۱۴۰۰ میهمان پاستور خواهد بود...**

▲ به آنجا نمی کشد.

**توجیه کسانی که چنین اعتقادی دارند آن است که نهایتا تا ۱۴۰۰ شاید ناآرامی هایی دوباره در کشور اتفاق بیفتد اما مدیریت و رفع خواهند شد و روحانی هم تا ۱۴۰۰ در ریاست جمهوری می ماند. به نظر شما آیا این اتفاق می افتد یا اینکه نه، دولت آقای روحانی سرنوشتی می شود؟**

▲ من اتفاقا گفتم که اگر دولت بخوهد محافظه کاری کند، کلاه سر مردم ایران نمی رود. مردم ایران متفکر و تحصیل کرده هستند و اصالت دارند.

**با چه سازوکاری آقای روحانی می خواهد کنار برود، خودش استعفا می دهد یا از طریق کانال دستگاه قضایی یا مجلس این اتفاق می افتد؟ چون مکانیزم کنار رفتن رئیس جمهور طبق قانون اساسی یکی از این سه کانال است.**

▲ اگر مثل قضیه بنی صدر کشور مشکل امنیتی پیدا کند مجلس یا قوه قضائیه وارد می شود. برای آنکه کار به آنجا نکشد معتقدم روحانی باید وزرایی اصلی اش را عوض کند. زمانی مایلی کهن سرمربی تیم ملی بود، تیم را عقلانی بار آورده بود اما دوره ای دچار مشکل شد و برامری برزیلی را آوردند تیم رفت جام جهانی. بعد از این اتفاق دیگر او را نگه نداشتند. الان هم باید سیستم را عوض کنند.

**یعنی با آقای روحانی باید ترکیب دولتش را تغییر معنی دار دهد یا اینکه استعفا کند؟**

بود، خودش وحشت زده تر از همه بود، می گفت از تهران فرار کنید. او از خودش نمی پرسید مردم باید به کجا فرار کنند؟ به شمال بروند؟ در جاده های شمال هم که کوه ریزش کرده بود. به شدت نااعقلانه و دستپاچه بودند. در ترکیه شب کودتا شد تا صبح کودتا را جمع کردند. اما در ایران دولت پیر، وامانده و محافظه کار روحانی خودش مساله است. این دولت نمی تواند سالم با جهان امروز برخورد کند. نسل جوان بر اثر مطالعات به شدت جهانی، متفکر، زباندار و درس خوانده شده است. الان دانشجویان دکنترای ما همه جوان هستند، موهایشان همه مشکی است، به عبارت دیگر گذشت آن موقعی که دکترهای ما ۵۰-۴۰ سال شان بود. جوان ها متفکران جدی هستند. دولت نمی تواند از عهده اینها بر بیاید. الان بزرگ ترین مشکل کشور ما این است که این کشور به شدت رشد کرده و دولت از عهده مدیریتش بر نمی آید. دولت، اقلیت و مردم، اکثریت شده و اقلیت با اکثریت ضد هم شده اند. بودجه امسال که مجلس آن را رد کرد، واقعا بودجه وحشتناک رانتی بود. چون ردیف نداشت. یکی از دوستان تاجر می گفت، وزارتخانه های روالی درست کرده اند که پیمانکار باید مقداری پول به حساب آنها واریز کند، بعد هر پیمانکاری بیشتر واریز کند طرح برای او می شود. آقای محمدحسین فرهنگی، عضو هیات رئیسه مجلس را در لیبیاتی دیدم. با ایشان صحبت کردم، گفتم «این بودجه رانتی اگر تصویب شود، آسیب بزرگی به جمهوری اسلامی می زند.» گفت «مجلس کلیات را رد کرد.» گفتم «الان یک استاد دانشگاه که کار علمی می کند حقوقش از یک راننده تاکسی پایین تر است. من برای یک پروژه ۱۰ میلیون تومان کتاب عربی، انگلیسی، آلمانی و فرانسه خریدم. با این وضع حقوق برای تولیدات فکری چه کار کنیم؟» الان بدبختی این است که سفارت آلمان وقتی متوجه شد من یک کتاب هایی می خواهم، همان کتاب را به من هدیه کرد. در حالی که من این کتاب را برای انجام پروژه ای در داخل ایران می خواستم نه آلمان. یک سخنرانی در آلمان کردم و برگشتم، پنج تا پروژه برای من بدون اطلاع تعریف کردند. ویزا برایم فرستادند یعنی به سفارت رفته و گفتند ویزا آماده است. این حرفی است که به من زدند. حالا این وضعیت حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه ها به معنای آشوب آفرینی در دانشگاه ها نیست؟ یعنی یک استاد در فشار واقع شود، چه می شود؟ آیا یک استاد دانشگاه باید حقوقش از یک فرد معمولی کمتر باشد؟ یعنی یک استاد دانشگاه باید حقوقش یک ششم، یک هفتم و یک دهم سوپر مارکت کوچک باشد؟ من یقین دارم که سال بعد قصه های دانشگاه ها جدی است، استاد های بازنشسته می خواهند از ایران بروند. من در دانشگاه تهران دارم می بینم که این اتفاق دارد رخ می دهد. امروز کارمند دانشگاه، استاد را تحریک می کند می گوید: «سر کار هستی، دل تان خوش است علم تولید می کنی.» در دانشگاه تهران کارمند دارد استاد را تحریک می کند.

**به نظر شما آقای روحانی به سال ۱۴۰۰ می رسد؟**

▲ نه، نمی رسد. رهبری در قصه همین برف سکوت کردند، یعنی سخنرانی بعد از بارش برف داشتند اما راجع به خارجی ها، عدالت طلبی و کشت و کشتار مردم مسلمان سخن گفتند. یعنی رهبری الان دیگر از این دولت کاملا ناامید شده اند. الان مهمترین کار تعریف گفتمان جایگزین است. آیا مساله اقتصاد مقاومتی گفتمان جایگزین می شود؟ این یک بحث جدی است. چون دولت همین دولت روحانی است که باید قسمت اعظم کار را انجام دهد. الان بازیابی اصلاح طلبان شروع شده است. همین چند شب پیش در حزب ندای ایرانیان دعوت بودم. سه ساعت جلسه طول کشید، دقیق حرف ها را گوش

در واقع شما معتقدید مخالفان دولت نیز صرفاً نقد منفی می‌کنند؟

▲ نه، انحطاط است، گفتمان مثبت وجود ندارد، همه‌اش آنارشیسم و ویرانگری است و نتیجه‌اش هم یک رادیکالیسم وحشتناک است. اینها برای ما خطرناک محسوب می‌شود.

به نظر شما آقای روحانی بعد از ریاست‌جمهوری چه اتفاقی برایش می‌افتد؟ می‌رود خانه و استراحت می‌کند؟

▲ اگر این باشد که خیلی عاقل است یعنی یک سیاستمدار ورشکسته، عادی هم است. دیگر هفتاد و خرده‌ای سالش است، بعد از ریاست‌جمهوری می‌خواهد چه کار کند؟ یعنی واقعا چه حالی دارد؟ پس بهتر است تازه مسالمت‌آمیز کنار برود، اما اگر بخواهد شلوغ‌بازی کند تکلیفش روشن است. اما اگر بخواهد دموکراسی را بپذیرد، باید به حرف مردم توجه کند. آن شب مصاحبه تلویزیونی ۸۰ درصد مردم ناراضی بودند. یعنی الان روحانی باید استعفا دهد و بگوید ما شکست خوردیم. در برجام شکست خوردیم. در واقع نجات برجام همین است. از آثار برجام که دارد کمر روحانی را می‌شکند این است که هر کس دارد توجیه می‌کند. این فایده‌ای ندارد. یعنی او گفت که ما سر سفره مردم می‌خواهیم برجام بیاوریم، برعکس شد و زمان‌های تاریخی و زمان‌های سیاسی را از دست داد. روحانی الان کلا سیاستمدار نیست. سیاستمدار واقعیت‌ها و تئوری‌ها را در نظر می‌گیرد. معتقدم دولت روحانی یک تئوریسین بود، نه یک سیاستمدار واقعی؛ سیاستمدار واقعی مفهوم قدرت، اقتدار، سیاست و روابط بین‌الملل را می‌فهمد و بعد تصمیم‌گیری می‌کند. یعنی تئوری است که تابع سیاست است، نه سیاست تابع تئوری. اصلا گزینه سیاستمداری در غرب این است که سیاست‌ها تئوری می‌سازند. من در آلمان بودم. با دو تا متفکر آلمانی صحبت می‌کردم. گفتند اینجا خیلی سیاستمداران مهم هستند. گفتیم برای چه؟ گفت «اینها هستند که تصمیم می‌گیرند چه کار کنیم.» در انگلیس هم همین است. بنابراین سیاستمدار حالت قدیس در غرب دارد. متأسفانه ما در ایران نفهمیدیم. متأسفانه ما خیال کردیم سیاستمدار یعنی تئوری‌پرداز، مدام روحانی آمد تئوری ساخت، مثل خاتمی، مثل احمدی‌نژاد. حالا احمدی‌نژاد تئوری آخرالزمانی ساخت، متأثر از باندی که وابسته به راست آلمان بود. الان گزینه روحانی به عنوان یک سیاستمدار شکست خورد؛ حالا دوراه دارد، مسالمت‌آمیز کنار برود و خاطراتش را بنویسد یا اگر هم نمی‌خواهد برود، باید دولت‌ش را از معاون اول تا پایه عوض کند و عده‌ای جوان کارآمد، تکنوکرات، ارزشی از چپ و راست یا بدون خط سیاسی را بیاورد؛ وگرنه ما در قصه زلزله کرمانشاه همین را دیدیم، در قصه برف تهران هم دیدیم. همه اینها را داریم می‌بینیم و این به نظر من ورشکستگی دولت آقای روحانی است و باید استعفا دهد. به نظرم این اتفاق هر چقدر دیرتر شود، اوضاع بحرانی‌تر می‌شود و ما به شورش‌ها نزدیک‌تر می‌شویم. هر چقدر زمان را از دست بدهیم، این مردم را به شدت ناراحت می‌کند اما اگر آقای روحانی استعفا دهد، یعنی دولت آرام عوض شود، یکی از موفقیت‌های سیاست در ایران رخ داده است یا اینکه بگویید این دولت منحل است و از نو می‌خواهم انتخاب کنیم. این نکته بسیار مهمی است، اگر دولت‌های در سایه تشکیل شوند در کشور بحران ایجاد می‌کنند چون مردم احساس نامحریمیت می‌کنند، یعنی واقعا احساس معنویت نمی‌کنند، آن موقع دوباره آدم‌های تحصیل‌کرده و قشر متوسط در ایران مساله ایجاد می‌کنند. ►



## دولت اصول‌گرایان را بر نمی‌تابد

### گفت‌وگو با سید محمد رضا میر تاج‌الدینی

گروهی هم از این مسائل سوءاستفاده کردند و آشوب و اغتشاش به وجود آوردند و این اعتراض‌ها بهانه‌ای شد برای اغتشاش که آنها حسابش از مردم جداست. این موارد را باید از هم تفکیک کنیم، آنها به دست ضدانقلاب افتاد؛ ضدانقلاب خارجی و داخلی آمریکا پیروی کردند که فراموش نکردیم، توییت‌های روزانه ترامپ را که هر روز می‌خواست از اینها حمایت کند و فکر می‌کردند که از طریق این گروه اندک آشوب طلب می‌توانند به انقلاب چهل ساله ضربه بزنند. اینها را باید از هم جدا کنیم.

**بخش ناراضی‌بختی مردم را ناشی از ضعف و عملکرد دولت می‌دانید؟ عملکرد تقریباً شش ماهه دولت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

▲ دولت در عرصه‌های مختلف نتوانسته رضایت جامعه را به دست بیاورد. یکی در مساله اشتغال جوان‌ها است. اگرچه دولت می‌آید و می‌گوید که نرخ بیکاری مثلاً تکان نخورده و ما آن را ثابت نگه داشته‌ایم ولی این پاسخگوی مردم نیست. دولت نرخ بیکاری را ۱۲-۱۱ اعلام می‌کند، اما از طرف دیگر مرکز پژوهش‌های

طی ماه گذشته شاهد اعتراض‌های مردمی به عملکرد اقتصادی دولت بودیم. آیا واقعا این قدر مردم ناراضی بودند که به خیابان بریزند؟

▲ ریشه‌یابی آشوب‌های اخیر، اغتشاشات و همین‌طور قضیه اعتراضات و انتقادهای مردمی، تعبیر جداگانه‌ای می‌خواهد و این تک‌عاملی نیست که مثلاً بگوییم عملکرد دولت باعث شد که این پیش‌بیاید یا عامل دیگری را بخواهیم معرفی کنیم، بلکه یک حادثه‌ای بود، یک معلولی بود که اگر علت آن را خوب بررسی کنیم، یک علت نیست، عوامل متعدد است، یعنی هر کدام ۱۰ درصد، ۲۰ درصد، ۳۰ درصد موثر بوده تا به آن مرحله رسید. یکی از آنها هم می‌تواند ضعف عملکرد دولت در نظر گرفت، اما همه علت این نیست. اگر منصفانه بخواهیم قضاوت کنیم، این طوری است. البته آنجا هم ما انتقادات، اعتراضات بحق مردم را در خصوص مشکلات اقتصادی، بیکاری، گرانی و مشکلات مال‌باختگان موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز را بحق می‌دانیم؛ اینها اعتراضات مردم بود و باید رسیدگی شود تا مشکل حل شود. یک

۷۰ نفر نمایندگان مستقل هم چیزی حدود ۴۰۰۵۰ نفرشان باز حامی دولت هستند، کلیات لایحه رای نیابور و تنها ۸۰ نفر رای موافق دادند. این نشان می‌دهد که دولت طرفداران خود را از دست می‌دهد و تعاملش با مجلس و نمایندگان طرفدارش را هم نتوانسته سامان دهد. این یک نقطه‌ای است که در جهت میزان تعامل دولت با مجلس را نشان می‌دهد، همین طور رفتار دولت با حامیانش را نشان می‌دهد.

اما اینکه دولت آقای روحانی چهار سال را می‌تواند ادامه دهد یا نه، این یک معادله چندوجهی است و به راحتی نمی‌شود درباره‌اش نظر داد. از این جهت که دولت‌های بعد از انقلاب همه دوره خودشان را تمام کردند، به عبارتی پس از دوره بنی‌صدر، همه دولت‌ها دوره خودشان را تمام کردند. رویکرد کلان و راهبرد نظام هم این است که مردم دولت‌هایی را که انتخاب می‌کنند، مدت قانونی خودشان را طی کنند. مقام معظم رهبری هم فرموده‌اند که هر کسی که انتخاب شود، من حمایت می‌کنم تا برود مشکلات جامعه را حل کند. با این رویکرد، من نظرم این است که دولت دوازدهم هم مثل سایر دولت‌ها روند خودش را تا آخر ادامه می‌دهد، مگر اینکه خودشان به این نتیجه برسند که نمی‌توانند مشکلات جامعه را حل کنند و خودشان استعفا دهند. این یک مساله‌ای است که دیگر برگشتش به خود رئیس‌جمهور و دولتی‌ها مربوط است.

**در این بین رویکرد اصولگرایان چیست؟ یک سری زرمه‌هایی را از بعضی از چهره‌های اصولگرایی می‌بینیم که می‌گویند باید دولت را کمک کنیم. نظر شما چیست؟ آیا باید اصولگرایان به دولت ببینند تا مشکلات حل شود یا نه، همچنان باید به نقدهای خودشان علیه سیاست‌های غلط دولت - نقد منصفانه‌ای که داشتند - ادامه دهند؟**

▲ لازم نیست که اصولگراها به دولت ببینند، تازه این دولت هم اصولگراها را بر نمی‌تابد، اما همیشه این به عنوان یک راهبرد پذیرفته شده میان نیروهای انقلابی و ارزشی اصولگراست که هر دولتی در جهت حل مشکلات مردم گام برمی‌دارد، آن را کمک کنند. هدف اصلی ما رسیدن به قدرت نیست، چه اصولگرا رأس کار باشد، چه اصلاح طلب رأس کار باشد. اگر بخواهیم انقلابی فکر کنیم، ارزشی و آرمانی فکر کنیم، به قدرت رسیدن نباید هدف باشد، بلکه هدف، حل مشکلات جامعه و خدمت به مردم باید باشد. اگر یک جایی خدمت‌شایان و خوبی برای مردم اتفاق می‌افتد، باید از آن حمایت کنیم، مثلاً اخیراً این طرحی را که دولت آورده، ما هم امیدواریم به نتیجه برسد، طرح اشتغال پایدار در روستاها و شهرهای کوچک که اعتبار خوبی هم برایش در نظر گرفته شده؛ البته با موافقت مقام معظم رهبری از صندوق توسعه برداشتنده که مجموعاً ۱۲ هزار میلیارد تومان می‌شود که نیمی از این را بانک‌ها می‌آورند، یعنی یک و نیم میلیارد دلار از صندوق توسعه برداشتنده. این کار خوبی است اما دولت باید این توانایی را داشته باشد که برود این را اجرایی کند، در واقع این را بین مردم و کارآفرینان خوب توزیع کند تا اشتغال بتواند ایجاد کند. این را من جاهای مختلف گفته‌ام و حمایت می‌کنم، روستاها را و مردم را تشویق می‌کنم که بروید روی آن طرح، کار کنید. مابقی نیروهای اصولگرا هم همین طور است. اگر دولت در جهت حل مشکلات مردم و خدمت به مردم و جامعه و انقلاب قدم برمی‌دارد، در آنجاها حمایت می‌کنیم، اگرچه در دولت نیستیم و اصولگراها در دولت نیستند، اما آنجاها می‌که ایراد و اشکال دارد، آنجاها هم انتقاد می‌کنند. بنابه تعبیر خوبی که شما گفتید، انتقاد منصفانه را تا آخر دولت حفظ می‌کنیم. ▶

**۳ نزدیک شش ماه از تشکیل دولت دوم حسن روحانی می‌گذرد. دولتی که با وعده بهبود وضع معیشت و اقتصاد مردم توانست دومین دوره خود را شروع کند. اگر چه شعارهای حسن روحانی در انتخابات جذاب بود و عملی شدن آن می‌توانست بهبودی در زندگی و معیشت مردم ایجاد کند اما تا کنون نمودی عملیاتی از آنچه گفته شد را شاهد نبوده‌ایم. به رغم تغییر در تیم اقتصادی دولت، اما همچنان مشکلات اقتصادی و در صدر آن رکود پابرجاست. امری که موجب نارضایتی مردم طی دی ماه گذشته شد و موجی از آنها را برای فریاد اعتراض شان راهی خیابان‌ها کرد. سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی، فعال سیاسی اصولگرا و نماینده ادوار پیشین مجلس شورای اسلامی معتقد است: «اگرچه دولت می‌آید و می‌گوید که نرخ بیکاری مثلاً تکان نخورده و ما آن را ثابت نگه داشته‌ایم، ولی این پاسخگوی مردم نیست.»**

باز گرانی است. حالا گرانی در کنارش رونق اقتصادی باشد، برای مردم قابل تحمل است و اقتصاددان‌ها به این می‌گویند تورم همراه با رشد اقتصادی، یعنی اگر از آن طرف کالاها گران می‌شود، رشد اقتصادی باشد، مردم احساس نمی‌کنند که قدرت خریدشان پایین آمده، چون درآمد مردم هم بالا می‌رود؛ در واقع رشد تورم با رشد درآمد مردم هماهنگ است. به عبارت بهتر قدرت خرید مردم پایین نمی‌آید. اما اگر تورم ولو ۱۰ درصد باشد، از آن طرف رکود اقتصادی باشد، یعنی همچنان گرانی وجود دارد، ولو با سرعت ۱۰ درصد، اما از این طرف درآمد مردم متوقف شده یا پایین آمده، چون رکود اقتصادی است. پس مساله تورم هم یکی از مسائلی است که رضایتمندی مردم را از بین برده، از این طرف گرانی نوسانات ارزی و نرخ ارز خیلی رفت بالا؛ این‌ها مشکلاتی برای جامعه ایجاد کرده. از طرفی دیگر همه چیز را حواله داده بودند به مذاکرات هسته‌ای و برجام که همه مشکلات اقتصادی را، حتی مسائل زیست‌محیطی، کشاورزی، آب و همه چیز را به آن حواله داده بودند، از آنجا هم چیز ملموسی برای مردم پیش نیامد، یعنی آبی گرم نشد. با این کارهایی که دست طرف مقابل است. اگر رئیس‌جمهور آمریکا که باید این تحریم‌هایی که ایجاد کرده را بردارد، برنگرداند، به اقتصاد فشار می‌آورد. همه اینها را در جامعه مردم از عملکرد اقتصادی دولت می‌بینند، بنابراین دولت بخواهد راه خودش را ادامه دهد، در چهار سال آینده باید کارهای جدی و اساسی برای تحقق وعده‌های خود در عرصه‌های اقتصادی انجام دهد.

**در کنار آن دو علتی که بیان کردید، می‌بینیم که آقای روحانی بخشی از حامیان خودش را که اصلاح‌طلبان بوده‌اند، به هر دلیلی از دست داده و از حمایت کمتری برخوردار است. از طرفی دیگر یک سری رویکردهای خود آقای روحانی و سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کند، در مقابل برخی نهادهای انقلابی است. با جمیع این شرایط و نقص‌هایی که وجود دارد و مشکلات اقتصادی و برجامی که نتوانسته صد درصد مشکلات را حل کند، ارزیابی شما از آینده دولت آقای روحانی چیست؟ آیا می‌تواند چهار سال خودش را به پایان برسد؟**

▲ فرض این نکته که دولت، حامیان و جریان‌های سیاسی پشتوانه خود را از دست دهد یا کم می‌شود، نکته مهمی است. نمونه‌اش را هم در در کلیات لایحه بودجه سال ۹۷ می‌بینیم. در مجلس با اینکه حداقل ۱۰۰ نفر نماینده تدبیر و امید که حامی دولت هستند و همچنین از

مجلس شورای اسلامی یک گزارشی داده و گفته نرخ بیکاری واقعی حدود ۲۶ درصد است. از آن طرف ما این نرخ بیکاری را در میان تحصیلکرده‌ها در نظر بگیریم، یعنی نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، درصد بسیار بالایی است، رقمی حدود ۳۶ درصد است و این قشر بیشتر انتظار کار را در جامعه را دارد. جوانی که لیسانس یا فوق‌لیسانس می‌گیرد، انتظار دارد که در جامعه شغلی برایش وجود داشته باشد. اینکه ۳۶ درصد، یعنی از هر ۱۰۰ نفر جوانی که فارغ‌التحصیل و تحصیلکرده، ۳۶ نفر کار پیدا نمی‌کنند و این مساله در جامعه محسوس و ملموس است. هر خانواده‌ای با این مشکل روبه‌رو است. هر جا ما می‌رویم، مراجعه می‌کنند به ما؛ با اینکه الان هیچ سمتی نداریم، خودمان هم این کاملاً برایمان ملموس است. از طرف دیگر پس از جهت ایجاد اشتغال، رضایتمندی در جامعه ایجاد نشده است. به عنوان نمونه در مساله گرانی اگرچه تورم تک‌رقمی شده، رشد تورم کم شده و نرخ تورم پایین آمده، این تنها موفقیت دولت است که همیشه می‌گوید؛ اما باز اینجاد مورد باید ملاحظه قرار گیرد. اولاً خودشان هم این را تصریح می‌کنند و منظور از تورم که الان تک‌رقمی شده، به این معنا نیست که کالاها ارزان شده، بلکه آهنگ گران شدن کالاها کم شده؛ قبلاً با رشد ۲۰ درصد، ۳۰ درصد گران می‌شد و سرعت تورم بالا بود، الان سرعتش ۹ درصد است، زیر ۱۰ درصد است، ولی



## کمک کنیم روحانی تا ۱۴۰۰ بماند

گفت‌وگو با عباس سلیمی نمین

عدم توفیق دولت اصلاحی برای آنها مهم نیست. جریان دوم تیپ‌هایی همچون وزیر راه و شهرسازی هستند. بدترین نوع عملکرد را دارند از خودش نشان می‌دهند. هیچ سابقه نداشته‌اند ما نتوانیم برف فرودگاه را در مدت زمان کوتاهی جمع‌آوری کنیم. چه صحنه‌های رفت‌وآمد را مشاهده می‌کنیم، در حالی که فرودگاه امکانات خیلی خوبی به لحاظ آتش‌نشانی و برف‌روبی دارد اما بعد از برف اخیر صحنه‌های اسف‌باری را شاهد بودیم. آیا سابقه داشته بزرگراه‌های ما چند روز مسدود باشند؟ اتفاقی که در بزرگراه تهران-قم افتاد بسیار تأسف‌آور بود. یعنی کافی بود مقداری راه را باز کنند تا حرکت پر حجم ماشین‌ها جریان پیدا کند و همین مساله برف‌ها را آب می‌کرد. اما برخی وزرا اصلاً بای‌انگیزگی کامل عمل می‌کنند.

**اینکه می‌گویند دولت خود را باخته است و افسرده و خسته جلوه می‌رود، قبول دارید؟**  
 ▲ خیر، قبول ندارم. این آقایان مشکل دیگری دارند.

**مشکل آنها چیست؟**

▲ از لحاظ سیاسی هم‌گونی با آقای روحانی ندارند. یعنی معتقدید وزرای اصلاح طلب دولت می‌خواهند انتقام این نوع چینش کابینه را از آقای روحانی بگیرند؟

▲ حالا من نمی‌خواهم در مقام انگیزه‌خوانی برآیم ولی آنچه مسلم است، دارند یک صحنه‌هایی را پیش روی مردم قرار می‌دهند که این صحنه اصلاً پسندیده نیست. البته من یک مطلب را صریح می‌توانم بگویم که برخی وزرا درباره برخی مواضع سیاسی برای خودشان ملاحظات سیاسی دارند که اگر دولت آقای روحانی کنار برود، آن ملاحظات هم برطرف می‌شود. الان برخی نیروهای سیاسی که در حاشیه دولت قرار دارند، با حضور هم‌پیمان‌های سیاسی‌شان در قدرت، یک ملاحظات

شد و کمک کرد تا توفیقات دولت در کنترل و مدیریت این بحران تقویت شود، همچنین نظام هم کمک کرد، رهبری هم اجازه برداشت از صندوق ذخیره ارزی را دادند ولی آن جریانی که عبور از آقای روحانی را مطرح کرده بود، گرچه به ظاهر همچنان در حمایت از آقای روحانی سخن می‌گوید اما کمک‌هایی که برای زلزله‌زدگان جمع کرد در اختیار دولت آقای روحانی قرار نداد. اگر آنها دولت را قبول دارند و کمک کردند که روی کار بیاید و می‌خواهند این دولت را تقویت کنند، طبیعتاً پول‌های جمع‌آوری شده را باید در اختیار هلال احمر یا وزارت کشور قرار دهند تا آقای روحانی بتواند در زمینه بازسازی مناطق زلزله‌زده موفق عمل کند و افکار عمومی را نسبت به خودش امیدوار به‌سازد. این چه معنی دارد که عده‌ای از آقایان پول‌های مردمی کمک به زلزله‌زدگان را در اختیار گرفتند اما می‌خواهند برای خودشان حساب باز کنند یعنی به فکر آینده خودشان هستند یعنی می‌خواهند یک کاری برای خودشان انجام دهند تا موقعیت خودشان را ارتقا دهند. حال آنکه این پول الان می‌تواند برای آقای روحانی اعتبار بسازد و خوشبینی در میان توده‌های مردم ایجاد کند. چرا پول‌های جمع‌آوری شده را به دستگاه‌های مربوطه در دولت آقای روحانی نمی‌دهند؟ چون همان نگاه عبور از روحانی را دارند دنبال می‌کنند تا برای خود و موقعیت‌های آینده خودشان مشغول سرمایه‌گذاری هستند بنابراین به‌طور آشکارا با دولت روحانی همکاری نمی‌کنند. در حالی که جناح اصولگرا بدون سروصدا و بدون آنکه حساب جداگانه‌ای باز کند، به دولت برای بازسازی مناطق زلزله‌زده کمک می‌کند. اما در عوض کسانی که ادعای حمایت از آقای روحانی دارند، در حال پر کردن حساب سیاسی آینده خود هستند. یعنی می‌خواهند تشکیلاتی را برای خود در آن مناطق ایجاد کنند و اعتبار سیاسی برای خودشان به‌وجود آورند ولو اینکه اینجا به اعتبار سیاسی آقای روحانی ضربه بخورد بنابراین توفیق یا

وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم آقای روحانی در شش ماهی که دولت دوازدهم را اداره می‌کند به لحاظ اجتماعی با دو چالش مواجه شد؛ یکی کمپین پیشیمانی و دیگری ناآرامی‌ها اخیر بود. مردم در این ناآرامی‌ها ناراضی بودند اما عده‌ای فرصت طلب پیدا شدند و اعتراض‌های مردمی را به جهت دیگری سوق و مورد سوءاستفاده قرار دادند. عملکرد دولت آقای روحانی را نسبت به دولت یازدهم چطور ارزیابی می‌کنید؟

▲ تصور می‌کنم عملکرد دولت دوازدهم نسبت به دولت یازدهم تغییر چندانی نکرده است و اصولاً انتظار تغییر چندان هم شاید خیلی با واقعیت‌ها تطبیق نداشته باشد منتها چند بحث پیچیده الان مطرح است که باید به آن توجه کرد. برخی نیروهایی که از دولت حمایت می‌کردند، در فاصله کوتاهی بحث عبور از آقای روحانی را مطرح کردند، منتها دیدند هزینه این بحث برایشان زیاد است چون متهم به بدعهدی و فرصت طلبی خواهند شد بنابراین یک گام به عقب برداشتند اما همچنان دارند فاصله خودشان را با آقای روحانی به گونه‌ای آشکار می‌کنند و حالا خیلی حساب‌شده‌تر بحث عبور از آقای روحانی را دنبال می‌کنند. بنابراین این کار را مقداری سخت می‌کند یعنی نیروهایی هستند که می‌خواهند حساب خودشان را از دولت جدا و برای خودشان کار کنند بنابراین دولت آقای روحانی با یک فرصت طلبی دیگر مواجه است. علی‌القاعده الان دولت روحانی نیاز دارد به اینکه در برخی صحنه‌ها خوش‌بدرخشد و قابلیت‌های خود را نشان دهد تا مسائل را حل و فصل کند اما عده‌ای هستند که بحث عبور از آقای روحانی را می‌خواهند مطرح کنند و بعد بلافاصله فهمیدند این بحث برای آنها بسیار زیان‌آور است، دیدیم در حادثه زلزله چه کردند. در حالی که جناح رقیب آقای روحانی انصافاً بدون هیچ چشم‌داشت و سروصدا وارد صحنه

▲ قضا وظیفه ملی همه‌ماست تا سال ۱۴۰۰ اورا همراهی کنیم. هر نوع شرایط ویژه در کشور ایجاد کردن باعث امیدواری بیشتر دشمن می‌شود. یعنی اگر دولتی در میانه راه ناکام ماند و زمین بخورد، این موجب تجزیه بیشتر دشمن می‌شود بنابراین وظیفه ملی همه ماست که بتوانیم دولت را تا آخر کار پیش ببریم و بر توفیقاتش بیفزاییم و دستاوردهایش را برای کشور بیشتر کنیم. منتها آنهايي که به‌ظاهر می‌گویند منتقدان نمی‌گذارند ما کار کنیم؛ این طوری صداوسیما را باید تعطیل کرد و حتی مناظره هم نگذارد. مناظره‌ای که کفش‌اش به نفع اصلاح طلبان بود. ضمن آنکه دولت می‌تواند اعلام کند در این برنامه حرف‌هایی زده شد که می‌خواهیم توضیح دهیم. صداوسیما در این قضیه دارد با آغوش باز عمل می‌کند ولی اینکه دائم شعار علیه صداوسیما می‌دهند و می‌گویند رسانه ملی نیست، به نظر من کسانی که چنین کاری می‌کنند که می‌خواهند دائم از تحرک دولت بکاهند. یعنی دولتی لخت باشد، همه‌اش از خود سلب مسئولیت کند. در همه جا بگوید بخشی از مشکلات متوجه دولت قبل از ریاست جمهوری آقای روحانی و بخش دیگر مشکلات نیز متوجه منتقدان است. این توجیه دولت را لخت می‌کند و امکانی را فراهم می‌آورد که دولت از پذیرش مسئولیت‌هایش شانه خالی کند. این به نظر من اصلا به نفع دولت و جامعه نیست.

**وقتی زمان برنامه گفت‌وگوی رئیس‌جمهور با مردم از طریق رسانه ملی اعلام شد و گفتند مجری برنامه آقای رشیدپور است، خیلی‌ها فکر می‌کردند آقای روحانی می‌خواهد بیاید حرف‌های متفاوتی بزند اما در نهایت قضاوت عمومی آن شد که آقای روحانی حرفی برای گفتن نداشت. بر همین اساس یک تحلیلی وجود دارد که شاید آقای روحانی نخستین رئیس‌جمهوری باشد که در وسط دوره ریاست جمهوری استعفا دهد، شما چنین روحیه‌ای را در آقای روحانی می‌بینید؟**

▲ خیر، بعید می‌دانم این اتفاق بیفتد. منتقدان بایستی ضمن انجام وظیفه ملی خودمان که تقویت دولت است، دولت را تا انتهای زمان قانونی همراهی کنیم و خود آقای روحانی هم این کار را نخواهد کرد. البته همان طور که گفتیم برخی جریان‌ها طرفداران بسیار پیچیده عمل می‌کنند. این را قبول داریم که آنها می‌خواهند دولت ناکام باشد تا فرصت برای آنها به وجود آید اما اینکه خود آقای روحانی به این جمع بندی برسد، خیر این اتفاق نمی‌افتد.

**اینکه می‌گویند وضعیت آقای روحانی در ماه‌های ابتدایی دولت دوازدهم مشابه وضعیت آقای خاتمی در دو سال پایانی دولتش است، یعنی آقای روحانی کار را رها کرده، نظر شما چیست؟**

▲ خیر، قبول ندارم که شرایط دولت دوم آقای خاتمی با وضعیت کنونی دولت آقای روحانی یکی است. تحلیل دیگر این است که آقای روحانی باید بیاید یک بازنگری جدی در ترکیب وزرای خود انجام دهد. مثلا وزرای ناکارآمد اصلاح طلب را از کابینه کنار بگذارد؟ و یک سری افراد کارآمد را به دولت بیاورد.

وزیر جهاد کشاورزی نیز اصلاح طلب است گرچه ضعف‌هایی دارد ولی واقعا کار می‌کند.

**مثلا وزرای مثل وزیر راه و شهرسازی را تغییر دهد؟**

▲ یک سری ملاحظات و محدودیت‌ها در این زمینه دارد چون دولت دوازدهم ائتلافی است بنابراین دست دولت ائتلافی خیلی از این جهت باز نیست. فکر نمی‌کنم آقای روحانی به‌راحتی بتواند چنین تصمیماتی را اتخاذ کند. ►

**۴ عباس سلیمی نمین می‌گوید: «وظیفه ملی همه ماست تا سال ۱۴۰۰ روحانی را همراهی کنیم. هر نوع شرایط ویژه در کشور ایجاد کردن باعث امیدواری بیشتر دشمن می‌شود، ضمن آنکه خود روحانی نیز کسی نیست که در وسط دوره ریاست جمهوری استعفا کند.» این تحلیلگر مسائل سیاسی معتقد است: «برخی جریانات اطراف روحانی دارند بسیار پیچیده عمل می‌کنند. آنها می‌خواهند دولت ناکام باشد تا فرصت برای آنها به وجود آید.»**

**برخی از دولتمردان به خصوص سخنگوی دولت، رقیب را به ایجاد ناامیدی و یأس در جامعه متهم می‌کنند، آیا این توجیه از آنها پذیرفته شده است؟ به نظر شما اگر تمام تریبون‌های منتقد دولت امروز در اختیار آقای روحانی قرار بگیرند، فرقی به حال دولت در تغییر وضعیت کشور خواهد کرد یا خیر؟**

▲ معلوم است پاسخ این ادعا چیست؟ با وجودی که هواشناسی از بارش برف خبر داده بود اما آمادگی لازم را برای حل یک مشکل عادی و ساده نداشتند. کسی جلوی آنها را نگرفته بود. البته قبول دارم برخی عناصر اصولگرا در درک شرایط امروز خیلی توفیقات چندانی ندارند اما اینها اقلیت هستند، اکثریت اصولگرایان دارند با دولت همراهی می‌کنند، یعنی دامن به انتظارات مردم نمی‌زند تا مبادا تبدیل به اعتراضات شود. اگر سوال شود همان عده قلیل در جریان اصولگرا را چطور می‌توان در فهم شرایط قانع کرد؟ پاسخ این است که ما نیز قادر نیستیم این جماعت اندک را به تفکر بیشتر و اندیشیدن بیشتر دعوت کنیم. همیشه چنین کسانی هستند ضمن آنکه چه تأثیری دارند؟ اخیرا مطلبی درباره برجام نوشتم، بیانیه‌ای که وزارت خارجه درباره یک برنامه تلویزیونی صادر کرد خیلی خیلی تند بود. تلویزیون از جانب اصلاح طلبان مدیرمسئول روزنامه شرق را دعوت کرد و از جانب اصولگرایان یک خبرنگار عادی و غیرمشهور را. من قبول دارم خبرنگار اصولگرا حرف‌های غیرصافانه هم زده است اما واقعا این واکنش تند وزارت خارجه علیه صداوسیما جای تعجب داشت، می‌توانست خیلی ساده به تلویزیون بگوید که از طرف وزارت خارجه نیز کسی می‌خواهد برای توضیح درباره موضوع برجام توضیحاتی را به مردم بدهد کما اینکه آقای عراقچی به شبکه افق رفت و حرف خود را زد. متأسفانه دولت دارد در برابر انتقاد، فضا را خیلی تنگ می‌کند، اگر انتقاد در این حد هم نباشد خیلی جامعه خنثی و فاجعه‌آمیز خواهد بود. یعنی اینکه جامعه نتواند هیچ حرفی بزند. ضمن آنکه عرض کردم خیلی از حرف‌هایی که آن خبرنگار زد قبول داریم. یعنی قبول ندارم برجام هیچ نتیجه‌ای برای کشور نداشت، قبول ندارم ما در این قضیه کلاه سرمان رفته است. بله یک سری ضعف‌هایی در برجام است اما طرح چنین صحبت‌هایی را قبول ندارم. به هر حال کسی آمد و در یک مناظره تلویزیونی دیدگاه‌هایش را گفت، طرف مقابل نیز به‌طور متقابل طرح دیدگاه کرد، این موجب رشد جامعه می‌شود. یکی از وظایف دولت آگاه کردن جامعه است باید قدری به خود زحمت دهد و تحرک داشته باشد. هم آن طرف بحث کند و هم با ملت خود سخن بگوید، ملت روشن و آگاه شود منتقدین نیز حرف بزنند، دولت هم توضیح دهد در این صورت یک جامعه سرزنده خواهیم داشت. اینکه مرتب فشار بیاوریم که صداوسیما یک طرفه است، درست نیست چون خلاف واقع است. وزارت خارجه در خیلی موارد نادر بیانیه می‌دهد که وقتی درباره این مناظره بیانیه داد، من به‌شخصه این اتفاق را درست نمی‌دانستم.

**به نظر شما ریاست جمهوری آقای روحانی به سال ۱۴۰۰ می‌رسد؟**

برایشان ایجاد شده یعنی نمی‌تواند خیلی کارها را انجام دهند چون جامعه می‌گوید شما خودتان در قدرت هستید، چرا این کار انجام می‌دهید؟ به نظر من برخی از این آقایان بدشان نمی‌آید که دولت آقای روحانی زمین بخورد تا شرایط دیگری برای شان فراهم آید؛ شرایطی که دست‌شان در پیوند خوردن با دیگران باز باشد.

**یعنی اصلاح طلبان بدشان نمی‌آید که دولت آقای روحانی زمینگیر شود؟**

▲ نه همه اصلاح طلبان بلکه نیروهای بسیار تندرو آنها. مثلا آقای تاجزاده سعی می‌کند با نیروهایی که از چارچوب ملیت نیز خارج شدند یعنی کسانی که دوست دارند دشمن به ایران حمله کند، پیوند بخورد. کسی که از چارچوب ملیت خارج شده است آیا مایل است در چارچوب نظام عمل کند؟ خیر، آیا این افراد وجود دولت آقای روحانی را دست‌وپا گیر برای خود نمی‌بینند؟ قطعا می‌دانند، آیا در چنین اوضاعی آنها دوست دارند دولت آقای روحانی توفیق پیدا کند؟ خیر چون توفیق آقای روحانی یعنی توفیق نظام. به عبارت دیگر اگر آقای روحانی شکست بخورد و سقوط کند، آنها پیوندهای این چنینی را می‌توانند راحت‌تر برقرار کنند. برخی عناصر تندرو اصلاحات دارند رسماً با بعضی نامه‌نگاری‌ها این پیوندها را احیا می‌کنند پس به دو جریان دقت کنیم، یک جریان فرصت طلب که می‌خواهد اعتبار سیاسی خودش را به صورت مستقل از آقای روحانی برای انتخابات آتی نگه دارد، یک جریان دارای پیوندهای کاملاً ضدمصلح ملی، که زمانی زمینه بروز و ظهور راحت‌تر این پیوندها برایش فراهم می‌شود که دولت آقای روحانی خیلی توفیقی نداشته باشد و زمین بخورد. ما امروز با این دو مشکل مواجه هستیم. البته مشکل سوم هم آن است که برخی نیروهای اصولگرا هنوز متوجه این نشدن که منافع و مصالح کشور حکم می‌کند که باید دولت آقای روحانی را تقویت کنند. ناگفته نماند که قشر اعظم جریان اصولگرا واقعا به این جمع بندی رسیدند که باید دولت آقای روحانی تقویت شود اما بخشی از نیروی‌های اصولگرا هنوز به این فهم و درک نرسیده‌اند که در شرایط کنونی وقتی دشمن دارد فشار می‌آورد، دولت آقای روحانی باید تقویت شود تا این فشارهای بیرونی بیگانه را پشت سر بگذاریم. عامل سومی نیز وجود دارد که به نظر من در ارتباط با برخی عدم توفیق‌های دولت در نظر گرفته شده است، ضمن آنکه خود دولت نیز خیلی دارای تحرک فوق‌العاده نیست.

**حجاریان گفت این آشوبی که پیش آمد و رفت، چند سال دیگر سنگین تر برمی‌گردد، به نظر شما به قدری خواهد بود که دولت روحانی را مجبور به استعفا کند؟**

▲ مگر اینکه پیش‌بینی‌ای باشد که خود انسان در ایجاد شرایط نقش داشته باشد. اینکه من بگویم چند سال بعد حتما این اتفاق می‌افتد منوط به آن است که آقای روحانی توفیق نداشته باشد. اگر توفیق داشته باشد آیا این مساله برمی‌گردد؟ خیر قطعا بر نمی‌گردد. یعنی اگر ما بتوانیم توفیقات دولت آقای روحانی را در حل مشکلات جامعه افزایش دهیم و دولت آقای روحانی بتواند به انتظارات مردم پاسخ مثبت بدهد، آیا آن انتظارات به اعتراضات تبدیل خواهد شد؟ خیر، مگر اینکه آقای حجاریان مطلع باشد که قرار نیست هیچ اقدامی برای پاسخگویی به انتظارات منطقی جامعه صورت بگیرد. البته عرض کردم مقاومت‌هایی در این وادی وجود دارد که اصلا برای خود من به عنوان یک عنصر سیاسی قابل فهم نیست که چرا آقایان نمی‌خواهند بگذارند آقای روحانی در مدیریت یک نرزه توفیقاتش آشکار شود یا مدیریتش نزد مردم قوی تلقی شود؟ به نظر من تجربه خوبی برای افکار عمومی جامعه خواهد بود که بفهمند خیلی نمی‌توانند به‌ظاهر قضاوت کنند چون ظاهر می‌تواند باطن تفاوت فاحش داشته باشد.

## روزهای سخت اصلاح طلبان

از مدت‌ها پیش برخی از شخصیت‌های فکری اصلاحات در مورد ریزش هسته سخت طرفداران اصلاحات در جامعه، هشدار داده بودند. بر این اساس رویکرد پراگماتیک بخشی از بدنه اصلاح طلبان برای نزدیکی به قدرت به هر قیمت و نداشتن یک گفتمان جامعه‌نگر به همراه سوءاستفاده برخی سیاسیون از این توان در راستای ورود به مراکز قدرت سبب رویگردانی طرفداران قدیمی این جریان سیاسی خواهد شد.

# سیاست



## بحران مشروعیت

اصلاح طلبان پس از آشوب‌های زمستان ۹۶  
در کجای سیاست ایران قرار دارند؟

تلیغاتی سفر می‌روند و سخنرانی می‌کنند نیز در خیال جذب رای‌هایی هستند که از سبب روحانی می‌ریزد. هیچ یک از دو گروه مذکور اما به آخر و عاقبت این عبور کردن‌ها فکر نمی‌کنند. نه پادشاهان مانده حاصل «عبور از خاتمی» چه بود و نه تندروهای اصولگرا دست از خوش خیالی برداشته و با شنیدن شعارهای ساختارشکنانه اعتراضات اخیر به خود می‌آیند. دود آتش «عبور از روحانی» به چشم همه می‌رود و اصلاح طلب یا اصولگرا نمی‌شناسد. از همین رو است که انتظار می‌رود فعالان سیاسی از هر دو جناح قبل از دیدن بر این آتش سناریوهای احتمالی را در نظر بگیرند. تحلیلگران خوشبین‌تر بر این باورند که با عبور از روحانی فضای سیاسی کشور به سال ۸۴ شبیه شده و زمینه ظهور رئیس‌جمهوری پوپولیست فراهم می‌شود. به عنوان مثال مرتضی حاجی، وزیر دولت اصلاحات در گفت‌وگویی با هفته‌نامه صدا گفته بود: «اصلاح طلبان باید از اعتبار و سرمایه اجتماعی که برای حسن روحانی هزینه کردند، مراقبت کنند. از این رو عملکرد دولت او را زیر ذره‌بین دارند و نقد مصلحانه می‌کنند اما در همین حال تاکید دارند که عبور از روحانی خطایی استراتژیک است؛ خطایی که در صورت وقوع، نتیجه‌ای جز احیای پوپولیسم و افراطی‌گری ندارد.» صادق زیبا کلام، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز ضمن انتقاد از ایده «عبور از روحانی» بر ضرورت حمایت از دولت تاکید کرده و به اعتمادآنانین گفته بود: «اگر آقای روحانی و دولت ایشان از نظر اقتصادی موفق نشوند در آن صورت شانس اصولگرایان به خصوص جریان‌های پوپولیست و تندرو خیلی زیاد می‌شود؛ چون اتفاقی که می‌افتد این است که کسر قابل توجهی از کسانی که به آقای روحانی رای دادند، نه تنها دیگر به نامزد اصلاح طلبان و اعتدالیون رای نمی‌دهند، بلکه اساساً پای صندوق رای حاضر نمی‌شوند و در انتخابات شرکت نمی‌کنند.»

#### توصیه به روحانی

محمود صادقی، از چهره‌های اصلاح طلب مجلس هم گفته است که تهدیدهایی برای ائتلاف صورت گرفته میان اصلاح طلبان و آقای روحانی وجود دارد و باید آن تهدیدها را تحلیل و مشکلات را با گفت‌وگو و تفاهم حل کرد. لازم است که آقای روحانی به دقت به این تحلیل‌ها توجه کرده و همچنین سعی کند که فاصله به وجود آمده بین خود و اصلاح طلبان را ترمیم و از تشدید آن جلوگیری کند. همچنین بعد از شکل‌گیری دولت دوازدهم، تمایلات و نشانه‌هایی از گسترش فاصله بین آقای روحانی و اصلاح طلبان به وجود آمده که قابل کنترل و ترمیم است. تلقی من این نیست که در سال ۸۴ عبوری از راه و رئیس دولت اصلاحات رخ داد. در واقع منشأ ناکامی در انتخابات به دلیل عبور از رئیس دولت اصلاحات نبود بلکه اشتباهی که اصلاح طلبان به خصوص در تعدد کاندیداهای معرفی شده داشتند، عامل اصلی شکست در انتخابات بود. جمع آرای اصلاح طلبان در سال ۸۴ به گونه‌ای بود که اگر وحدتی میان آنها شکل می‌گرفت، برنده انتخابات بودند و این موضوع بیش از آنکه به معنای عبور از رئیس دولت اصلاحات باشد حاکی از اشتباه تاکتیکی و غفلتی بود که صورت گرفت که به معنای عبور از رئیس دولت اصلاحات نبود. بنابراین در آن زمان افرادی بودند که شعارهایی مبنی بر عبور از دولت می‌دادند اما در عرصه عمل چنین عبوری محقق نشد. حمایت از روحانی از ابتدا حمایتی بی‌قید و شرط نبود که در حال حاضر این موضوع مطرح شود که اصلاح طلبان دچار تغییر گفتمان و فاز شده‌اند، زیرا ائتلافی که در سال ۹۲ صورت گرفت ائتلاف نانووشته‌ای بود و در ادامه در سال ۹۶ هم باز اصلاح طلبان در حمایت خودشان از دولت سهم خواهی نداشتند و این

مهم آنها انتخابات و رد صلاحیت‌هاست. انگار ایشان در کره ماه یا سوتیس زندگی می‌کنند. ایشان اصلاً متوجه این نیستند که از اعتماد عمومی نسبت به اصلاح طلبان و فراکسیون امید کاسته شده است.» این تحلیلگر مسائل سیاسی با بیان اینکه نه عملکرد آقای روحانی و نه عملکرد فراکسیون امید عملکرد قابل توجهی بوده است، ادامه می‌دهد: «شرایط برای ۹۸ متفاوت‌تر از ۹۴ است، چه آقای عارف و چه سایر شخصیت‌های اصلاح طلب به جای آنکه نگران عملکرد شورای نگهبان باشند باید نگران اعتماد از دست‌رفته اصلاح طلبان باشند و باید سعی کنند آب رفته به جوی را بازگردانند. در جریان اعتراضات اخیر ما شاهد بودیم که معترضین هیچ توجه، ارزش و احترامی برای اصلاح طلبان قائل نبودند. با این حرف نمی‌خواهم سردی آنها را به همه حامیان جریان اصلاحات نسبت دهم، اما واقعیت این است که آن گرما و پشتیبانی که در انتخابات ۲۹ اردیبهشت نسبت به اصلاح طلبان وجود داشت مقدار زیادی کاهش پیدا کرده است. موضع‌گیری‌های اصلاح طلبان چه در مجلس چه بیرون از آن، حداقل انتظارات مردم را برآورده نمی‌کند و این باعث شده است که شکافی بین مردم و هوادار اصلاح طلب با این جریان سیاسی به وجود بیاید. من فکر می‌کنم که رهبری اصلاح طلبان به بازاریبی به عملکردشان نیاز جدی دارند. اگر آنها نخواهند این را بپذیرند که مقدار زیادی از اقبال عمومی را از دست دادند، از نظر رفتاری با اصولگرایان تفاوتی پیدا نمی‌کنند. اصولگرایان هم وقتی در دوم خرداد ۷۶ با سردی مردم روبه‌رو شدند، در این ۲۰ سال هیچ وقت نتوانستند در آینه به خودشان نگاه بیندازند. امروز هم اصلاح طلبان هم همین رفتار را از خود نشان می‌دهند.» به اعتقاد زیبا کلام، اصلاح طلبان باید کاستی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را برای مردم توضیح دهند و بگویند چه کار می‌توانستند انجام دهند که نکرده‌اند و بگویند چه چیزهایی دست آنها نیست. اما آنها هم مثل آقای روحانی رویشان را به سمت دیگری گرفته‌اند و نمی‌خواهند نارضایتی‌ها را ببینند. آنها می‌توانستند بعد از اعتراضات اخیر درباره موضع‌گیری خود به مردم توضیح دهند. فارغ از درستی یا نادرستی این موضع‌گیری، آنها اصلاً توجهی به اعتراضات مردم نشان ندادند و درست رفتاری کردند که اصولگرایان از خود نشان می‌دهند.

#### هراس عبور از روحانی

در این میان البته رسانه‌های اصلاح طلب هم هر کدام رویه‌ای جداگانه در برخورد با این ماجرا داشتند. روزنامه اعتماد در این مورد نوشت که بر سر شاخ نشسته و بن می‌برند. همان‌هایی که ساز «عبور از روحانی» را کوک کرده و به فرادی بعد از او نمی‌اندیشند. بدون در نظر گرفتن شرایط و محدودیت‌های موجود، مطالبات برحق اما بر زمین مانده را پتک کرده و بر سر دولت و حامیان اصلاح طلب می‌کوبند. حال آنکه اگر رقیب هم راهی پاستور می‌شد، معلوم نبود از این بهتر عمل کند. «عبور از روحانی» آتشی است که هم اصلاح طلبان پیشیمان بر آن هیزم می‌ریزند و هم اصولگرایان تندرو، تندروهای اصولگرا گمان می‌کنند که عبور از روحانی به منزله عبور از اصلاح طلبی و نهایتاً بازگشت به دامن آنهاست. برخی به ظاهر اصلاح طلب نیز تصور می‌کنند با خالی کردن پشت رئیس‌جمهور و انتقاد از او فضا را برای حضور پر قدرت‌تر در انتخابات آتی مهیا می‌کنند. از همین رو است که شاهدیم برخی به اسحاق جهانگیری پیشنهاد خروج از دولت می‌دهند تا چهار سال پیش‌رو را صرف بیان نظرات خود کنند و در صورت کاندیداتوری در ۱۴۰۰ به چوب ناکامی‌های روحانی رانده نشود. بازندگان انتخابات ۹۶ که گویی در اردیبهشت ماه متوقف شده و با همان رویکرد

اصلاح طلبان در تعیین‌کننده‌ترین شرایط دوران حیات خود به سر می‌برند؛ آنها درست در وضعیت که گمان می‌کردند به بهترین موقعیت خود بعد از سال ۸۸ رسیده‌اند حالا گویی در موقعیت قرار گرفته‌اند که شاید از صحنه سیاسی حذف شوند. یک اتفاق مهم رخ داد؛ بخش مهمی از بدنه آنها جدا شده و راهی دیگر در پیش گرفته است. حالا آنها مانده‌اند و حاکمیتی که همچنان نسبت به آنها بی‌اعتماد است، رئیس‌جمهوری که با حمایت آنها به قدرت رسیده و اکنون بی‌نیاز از آنها به نظر می‌رسد. این وضعیت فوق‌العاده را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

#### روایت یک ریزش

واکنش‌ها به سخنان رئیس‌دولت اصلاحات در فضای مجازی نشانه‌ای از ریزشی است که گریبانگیر بدنه اجتماعی اصلاح طلبان شده و حالا به هسته اصلی آن رسیده است. «تکرار می‌کنم» برای ناظران سیاسی آشناست. عبارتی که در انتخابات‌های مجلس شورای اسلامی سال ۹۴ و در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ برای متحد کردن صفوف اصلاح طلبان از سوی رئیس‌دولت اصلاحات استفاده شد، تا سبب رای اصلاح طلبان به حساب حسن روحانی پر شود. با این حال آنچه در شش ماه اخیر در طبقات اجتماعی اصلاح طلبان رخ داده به خوبی نشان می‌دهد که این بدنه به شدت در حال تضعیف است. بدنه‌ای که دیگر با یک تکرار می‌کنم به سمت هیچ گروه سیاسی اصلاح طلبی متمایل نمی‌شود. جدی‌ترین رویدادی که اتفاق فوق‌تر تشدید کرده، واکنش‌ها به سخنان رئیس‌دولت اصلاحات است که سوژه شبکه خبری بی‌بی‌سی نیز شد. در طول رقابت‌ها و کشمکش‌های سیاسی مهم‌ترین نقطه اتکای اصلاح طلبان در جامعه اقصاری بوده‌اند که در ادبیات ژورنالیستی عنوان نخبگان از آنان یاد می‌شود.

البته این عنوان بسیار کلی است، به خصوص آنکه سهم مهمی از نخبگان جامعه به طیف مقابل اصلاح طلبان گرایش دارند. با این حال شکی نیست که بسیاری از طرفداران اصلاح طلبان که به صورت پیوسته به عنوان حامی آنان وارد مبادلات سیاسی می‌شوند، اغلب در بین افرادی با تحصیلات بالای دانشگاهی، تکنوکرات‌های تجاری، دانشجویان یا با گرایش‌های فرهنگی بر خلاف جریان عمومی جامعه قرار دارند. پس از فتنه سال ۸۸ بخشی از جریان اصلاح طلبان به‌طور کامل از جامعه کشور حذف شد و بخشی دیگر تلاش کرد با قرار گرفتن بر مرز ظریفی فاصله خود را با نظام حفظ و در عین حال همچنان از این بدنه اجتماعی به نفع خود استفاده کند. به‌وضوح در انتخابات سال ۹۴ چنین تفرکی بر انتخاب اشخاص لیست اصلاح طلبان سایه افکنده بود.

ورود افرادی همچون علی‌مطهری، بهروز نعمتی و کاظم جلالی به این لیست نشانه‌ای از همین تفکر بود؛ حفظ رابطه با نظام و در عین حال استفاده از توان بدنه اصلاح طلب در سطح جامعه تا افکار عمومی برای رای به اصلاح طلبان بسیج شوند. از همین رو بود که رئیس‌دولت اصلاحات به صورت مستقیم وارد عمل شد و تلاش کرد با یک پیام در شبکه‌های اجتماعی، افکار عمومی همین بدنه را به میدان بیاورد؛ راهبردی که حداقل در تهران به موفقیت تاریخی انجامید.

#### اعلام خطر زیبا کلام

صادق زیبا کلام، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی می‌گوید: «آقای عارف و بسیاری از اصلاح طلبان دچار یک اعتماد به نفس کاذب شده‌اند. آقای عارف چنان از انتخابات سال ۹۸ صحبت می‌کنند که انگار تنها مساله

اتلاف را مکتوب نکردند که بر مبنای چه شرایط و قول و قرارهایی تصمیم به حمایت از آقای روحانی گرفته شده است. در حال حاضر انتقاد از آقای روحانی نباید به معنای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت تلقی شود.

### زنگ خطری برای بدنه اصلاح طلبان

از مدت‌ها پیش برخی از شخصیت‌های فکری اصلاحات نسبت به ادامه چنین روندی هشدار داده بودند؛ هشدارهایی که عمده محور آن بر ریزش هسته سخت طرفداران اصلاحات در جامعه متکی بود. بر این اساس رویکرد پراگماتیک بخشی از بدنه اصلاح طلبان برای نزدیکی به قدرت به هر قیمت و نداشتن یک گفتمان جامعه‌نگر به همراه سوء استفاده برخی سیاسیون از این توان در راستای ورود به مراکز قدرت سبب رویگردانی طرفداران قدیمی این جریان سیاسی خواهد شد.

به عنوان مثال محمدرضا تاجیک بارها نسبت به ادامه چنین روندی هشدار داده است. وی در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد با اشاره به عدم توانایی اصلاح طلبان و رأس بدنه برای ارتباط با مردم می‌گوید: «باید با مردم رابطه برقرار کند؛ از عرش به فرش بیاید. بارها گفته‌ام اصلاح طلبان باید یک ریش گفتمانی داشته باشند که با آن برون‌د تجزیه‌ای یعنی اگر نتوانند مفاهیم انضمامی را وارد آحاد تعریفی گفتمانی خود کرده و مفاهیم، کماکان انتزاعی باقی بمانند، یعنی مفاهیم تجزیه‌ای با توده‌های مردم و دهک‌های پایین جامعه ارتباط برقرار نکند، باید انتظار دو گام به پس را داشته باشند. باید از چنبره مفاهیم خود ساخته‌ای مثل پوپولیسم خارج شوند و اسیر مفاهیم و آموزه‌های دهه‌های ۳۰ و ۴۰ مارکسیستی نباشند و خارج شوند. بدانند که پوپولیسم امروز معنای دیگری پیدا کرده است. پوپولیسم امروز جنبش مترقی پست مدرن است. بنابراین تلاش کنیم با توده‌های مردم رابطه برقرار کنیم، تمرکز خود را از تخبگان کمتر کنیم، نه اینکه عبور کنیم، اما نیم‌نگاهی هم به توده‌های مردم داشته باشیم. وقتی به جامعه و مردم می‌اندیشیم، تلاش کنیم این اندیشیدن، انضمامی باشد. در این صورت ما می‌توانیم تاریخ آینده خود را بسازیم. حالا و باره افتادن موج هشستگی علیه رئیس دولت اصلاحات در فضای مجازی به نظر می‌رسد این هشدار رنگ و واقعیت به خود گرفته است.»

### هشنگ‌های ضد اصلاحات از درون اصلاحات

همه چیز از دیدار اعضای انجمن مدرسین



زیبا کلام می‌گوید: «آقای عارف و بسیاری از اصلاح طلبان دچار یک اعتماد به نفس کاذب شده‌اند. آقای عارف چنان از انتخابات سال ۹۸ صحبت می‌کند که انگار تنها مساله مهم آنها انتخابات ورد صلاحیت هانست. انگار ایشان در کره ماه یا سوئیس زندگی می‌کنند. ایشان اصلا متوجه این نیستند که از اعتماد عمومی نسبت به اصلاح طلبان و فراکسیون امید کاسته شده است.»

### تغییر تاکتیک

حالا اما اصلاح طلبان در عرصه اکت سیاسی با دو انتخابات مهم مواجه هستند. نزدیکترین انتخابات نیز رقابت بر سر کرسی‌های پارلمان است. تجربه اصلاح طلبان در انتخابات مجلس ۹۴ از یک سو و اما و اگرهایی که درباره عملکرد فراکسیون امید طی دو سال اخیر مطرح شده، از سوی دیگر، جریان اصلاحات را بر سر چند راهه‌هایی قرار داده که چاره‌ای ندارند جز آنکه برای دو سال دیگر از امروز فکری بکنند. آنها که تا چندی پیش مهم‌ترین مساله‌شان انتلاف کردن یا نگریدن با جریان اعتدال بود و اینکه با چه سازوکاری انتخابات مجلس یازدهم را کلید بزنند، امروز تردید بر سر سرلیست‌ها هم به دایره ابهامات‌شان اضافه شده و علامت سوال‌هایی بیشتر پیش رویشان قرار گرفته است، تا آنجا که در کنار بحث داغ انتلاف، زرمزه تغییر سرلیست برای انتخابات ۹۸ یا اضافه شدن لیدری دیگر در اردوگاه چپ به گوش می‌رسد. در این میان نام اسحاق جهانگیری نیز بیش از هر فرد دیگری از سوی اصلاح طلب مطرح می‌شود. زمانی به عنوان گزینه‌ای برای ۱۴۰۰ و زمانی هم فردی برای نقش آفرینی در قالب لیدر اصلاحات در پارلمان خودنمایی می‌کند؛ بحث‌هایی که نشان از یک تغییر تاکتیک در اردوگاه اصلاح طلبی دارد و حتی اگر این گمانه که جهانگیری سرلیست اصلاح طلبان در انتخابات ۹۸ باشد را دور از ذهن بدانیم اینکه قرار است چهره‌ای دیگر در کنار عارف قرار بگیرد، چندان نامعقول و غیرممکن نیست. به ویژه آنکه خود عارف هم از اینکه بار سنگین همه تصمیمات در بهارستان به دوش او می‌افتد، گلایه دارد. اما سوال اینجاست که آیا اصلاح طلبان به جز جهانگیری به گزینه دیگری هم برای سرلیستی فکر می‌کنند؟

### جرقه تغییر سرلیست

انتقادات نسبت به محمدرضا عارف در جایگاه ریاست شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح طلبان و رئیس فراکسیون امید کار را به جایی رساند که جسته و گریخته زرمزه‌های عبور از عارف به گوش می‌رسد؛ اما این زرمزه‌ها به سرعت تغییر مسیر داد و از عبور، به ایده حضور پررنگ‌تر چهره‌های تاثیرگذار در مجلس رسید. عبدالله ناصری از فعالین سیاسی اصلاح طلب که جرجه اولیه ایده سرلیستی جهانگیری را مطرح کرد یکی از دلایل برای طرح چنین مبحثی کم‌رنگ شدن نقش جهانگیری در دولت و استفاده بهینه از ظرفیت او دانست. حتی این حضور را مقدمه‌ای برای ۱۴۰۰ دانست. ناصری درباره اینکه سرلیست چقدر می‌تواند در پیروزی یک لیست یا موفقیت یک جریان در مجلس موثر باشد به خبرآنلاین گفت: «بر اساس تجربه‌ای که در جریان اصلاح طلبان داشتیم انتخاب سرلیست‌ها خیلی موثر نیست به ویژه بعد از اعتراضات اخیر حتما توانمندی‌های افراد مورد ارزیابی تک‌تک رای‌دهندگان قرار خواهد گرفت و از آنجایی که شخصیت‌های کارزماتیک فراخوانشان می‌تواند موثر باشد، بنابراین برای هدر نرفتن رای بهتر است که لیست از افرادی باشد که آن تمایلات و مطالبات افراد را نمایندگی کنند.»

### چرا جهانگیری؟

وقتی دلیل مطرح شدن اسحاق جهانگیری به عنوان سرلیستی انتخابات ۹۸ جای خود را در بحث‌های سیاسی باز می‌کند، یک سوال مهم مطرح می‌شود «چرا جهانگیری؟» سوالی که عبدالله ناصری در گفت‌وگو با خبرآنلاین این گونه به آن پاسخ گفت: «آقای جهانگیری شخصیت مناسبی است تا در کنار آقای عارف وارد انتخابات مجلس شوند و حتی اگر عزمی برای ۱۴۰۰ هم وجود داشته باشد موقعیت دو ساله مجلس می‌تواند کمک

# اصلاحات نیاز به اصلاحات دارد

انتخابات اخیر ریاست جمهوری نشان داد که اصلاح طلبان برانداز نیستند. برعکس کسانی که حاکمیت برایشان هزینه کرد، از آنها دفاع کرد و موجب خارج کردن بسیاری از اصلاح طلبانی که جزئی از ارکان نظام بودند، از حاکمیت شدند. امروز می بینیم که در جریان دفاع از حاکمیت و نظام و موضع گیری هایی که محترمانه و دلسوزانه است، اصلاح طلبان هستند که یکسره حضور دارند و جریانی که حاکمیت برای آنها هزینه داد و موجب گرفتاری ها و مشکلات فراوانی برای نظام شدند، امروز با عملکرد و موضع گیری هایشان کاملا نقش اپوزیسیون را بازی می کنند و تقریباً موجب بسیاری از مشکلات برای نظام شده اند.

ابتدا هر حرکت و هر جنبشی، حتی جنبش های دینی و جنبش های پیامبران در طول تاریخ هم پس از مدتی از آب و تاب اولیه افتاده و دچار یک نوع رکود و ایستایی شده و این تغییر جهت یا تقریباً کم انرژی شدن حرکت و فعالیت ها، خاص رهبران یا نسل اول نهضت های اجتماعی طبیعی است. قطعاً بسیاری از حرکت ها و نهضت ها در طول تاریخ دچار تغییر جهت و تغییر موضع شده اند. اصلاحات هم در ایران نیاز به اصلاحات دارد، یعنی خود اصلاح طلبان هم به صورت فردی یا گروهی، چه در سطح های مدیریت و رهبری اصلاحات، چه در بسیاری موارد اگر به تدریج و به طور مداوم خودشان به اصلاح خودشان نپردازند، قطعاً چپه اصلاحات هم پس از مدتی دچار همان سرنوشتی خواهد شد که بسیاری از نهضت ها در طول تاریخ به آن دچار شدند. هم در افراد، هم در مانیفست و هم در نوع پرداختن به مطالبات مردم، اصلاح طلبان باید بازنگری کنند و اصلاحاتی را اعمال کنند. امروز وقتی جریان اصلاح طلبی را مشاهده می کنیم، بسیاری از افراد به خاطر منافع خودشان، به خاطر مقام و مسئولیت به اصلاح طلبان روی آورده اند و پس از مدتی می بینیم که چون منافع آنها در جریان اصلاحات تامین نمی شود، از جریان اصلاحات کناره گرفتند و منزوی شده اند. این است که کسانی که واقعا اصلاح طلب واقعی هستند و دلسوز جریان اصلاحات هستند، به نظرم باید همیشه آماده پذیرش انتقاد و پذیرش لغزش های خودشان باشند و از طرف دیگر در تلاش باشند که جریان اصلاحات از ضعف ها و آفت ها و آسیب ها هم پیراسته شود.



دکتر جلال جلالی زاده

نماینده سابق مجلس



جریان اصلاحات در ایران یک جریان به هم پیوسته ای است و من فکر می کنم که این جریان، جریان حل شدنی نیست، چون هم وضعیت جامعه و هم شرایط دنیای معاصر و هم مطالبات مردم، اقتضا می کند که یک جریان پویا و فعال در راستای مطالبات مردم در جامعه وجود داشته باشد. اگر قرار باشد نظام تنها با یک جریان اصولگرا به نظم و سامان دهی امور مردم اکتفا کند و از طرفی دیگر بقیه جریان ها، احزاب و تشکل ها را در خط مقابل قرار دهد، این امر به ضرر نظام تمام می شود، چون اصلاح طلبان خارج از نظام نیستند. اصلاح طلبان به هر صورت، حالا چه تندرو و چه متعادل، نیروهایی هستند که از اول با انقلاب بوده اند و برای حکومت به هیچ وجه حذف شدنی نیستند و آنها هم قصد جدا شدن از بدنه حاکمیت یا تبدیل شدن به اپوزیسیون را ندارند. اپوزیسیون خارج نشین اصلاح طلب را به هر صورت قبول ندارد و اینها را مانع از تغییر نظام می داند و همیشه لبه تیز حملات اپوزیسیون خارج نشین متوجه اصلاح طلبان است و می گویند که این اصلاح طلبان همیشه نظام را با حرکات خودشان و با شرکت در انتخابات و آمدن مردم به صحنه تقویت می کند و این است که به نظر من اصلاح طلبان هم خودشان و هم سران اصلاحات نباید با بعضی از کارها، بعضی از برخوردها و موضع گیری هایشان، بدنه اصلاح طلبان را از خودشان جدا کنند یا موجب شکاف و اختلاف شوند. در هر صورت آقای روحانی هرچقدر از اصلاح طلبان در کل کشور استفاده کرد برای جمع کردن رای و بعد آنها را رها کرد، کار غیر اخلاقی است و در نهایت به ضرر آقای روحانی تمام شد. اگر آقای روحانی را با آقای خاتمی یا با آقای هاشمی فرسنگانی مقایسه کنیم، آقای روحانی از نظر محبوبیت دچار افت شده اند و اگر پشتوانه اصلاحات را هم از دست بدهد، معتقدم که قادر به ادامه دولت و دوره ریاست جمهوری اش نخواهد بود.

همیشه اصلاح طلبان در مسئولیت ها و رده های مختلف حاکمیت حضور دارند، حالا چه بعضی افرادی که شناخته شده هستند و چه برخی که زیاد برای مردم شناخته شده نیستند. در هر صورت معتقدم کشور ما باتوجه به وضعیت فعلی آن و واقعیت های موجود، باید حاکمیت تلاش در حفظ و حمایت و نگهداری اصلاح طلبان داشته باشد، چون اصلاح طلبان نه برانداز هستند و نه مسلح هستند و نه تربیون نظام را می خواهند، اصلاح طلبان به خاطر زحماتی که کشیدند، به خاطر پیشینه ای که دارند، علاقه مند هستند که اشکالات نظام، ایرادات نظام و آسیب هایی که هست، به نوعی اصلاح شوند و اینها به صورت ضعف و ناکارآمدی در نیابند که بعداً قابل حل نباشند. از این جهت است که هرچند بسیاری از اصلاح طلبان مورد بی مهری های فراوانی قرار می گیرند؛ حتی باعث اخراج و مشکلات فراوانی برای آنها شده است، اما اینها همچنان به نظام دلبستگی دارند، علاقه مند هستند و هدف شان اصلاح امور و اصلاح مفاسدی است که متأسفانه در جامعه و در بدنه نظام وجود دارند.

به هر صورت هم حوادث سال ۱۳۸۸ و هم حوادث دو

کند.» ناصری معتقد است: «جهانگیری در انتخابات ۹۶ ذهنیت خوبی از خود در ذهن جامعه باقی گذاشته است و باتوجه به تسلطش بر امور اجرایی و تجربه قانون گذاری که در مجلس داشته می تواند یک سرلیست خوبی برای جریان اصلاحات باشد. البته این مساله نیاز به تصمیم جمعی شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان دارد.» وقتی هم پای حمایت جریان اصلاح طلب از این گزینه احتمالی به میان آمد، ناصری گفت: «اگر آقای جهانگیری تصمیم بگیرد در این میدان حاضر شود توافق در مورد ایشان قطعاً وجود خواهد داشت.» او درباره افراد دیگر غیر از جهانگیری گفت باید باتوجه به فضای دو سال دیگر تصمیم گرفت.

## مجید انصاری سرلیست دوم اصلاحات؟

لیدرهای اصلاح طلب در مجلس انگشت شمار هستند، آنچنان که در موقع تصمیم گیری های حساس آن چنان نفوذ و تاثیر گذاری هم از سوی آنها مشاهده نمی شود تا بتواند یک قانون را در جهت مطالبات اصلاح طلبان به تصویب برساند؛ این مهمترین استنباطی است که در طول دو سال گذشته جریان چپ را به فکر فرو برده تا یک چهره دیگر در کنار عارف برای سرلیستی سال ۹۸ معرفی کند. اما کدام چهره ظرفیت تبدیل شدن به سرلیست مجلس را دارد؟ محمود میرلوحی از اعضای شورای عالی سیاست گذاری اصلاح طلبان در همین رابطه به خبر آنلاین گفت: «اصلاحات چهره شاخص برای معرفی کم ندارد و طبیعی است وقتی چهره های شاخص در مجلس بیشتر باشد، کفه ترازو اصلاحات نیز سنگین تر است.» او گفت: «جریان اصولگرا به دلیل رفتار و منش اش چهره های تاثیرگذارشان کمتر است اما در جریان اصلاحات ما چهره های بسیاری داریم، بنابراین اگر نظارت استصوابی اصلاح شود اصلاح طلبان می توانند چهره های موثرتری وجود داشته باشد.» وقتی صحبت به سرلیستی جهانگیری رسید، از جنس صحبت های میرلوحی مشخص بود که این تمایل در میان اصلاح طلبان جامعیت دارد اما احتمالاتی هم وجود دارد که آنها را در این تصمیم دست به عصا کرده است. او گفت: «آقای جهانگیری دارای توانمندی بسیاری است به ویژه در جریان انتخابات اخیر هم نشان داد که چه توانمندی هایی دارد و بحث در مورد سرلیستی موکل به مباحث بعدی است. به هر حال این تصمیم باید در شورای عالی سیاست گذاری مطرح شود.» میرلوحی درباره اینکه چه کسانی قابلیت این را دارند که به سرلیستی اصلاح طلبان تبدیل شوند گفت: «ما چهره برای معرفی کم نداریم و فقط مشکل مان نظارت استصوابی است.» او در این راستا از اشخاصی مانند موسوی لاری، مجید انصاری، بیطرف و مرتضی حاجی نام برد و گفت بسیاری از چهره های دیگر هستند که می توانند در مجلس حضور داشته باشند و تاثیر گذار هم باشند اما مشکل همان موضوع رد صلاحیت هاست.

## کاری اساسی تر از سرلیست

هر چند گمانه زنی ها در مورد سرلیستی ها داغ شده است اما عده ای معتقدند که مشکلات را باید اساسی تر از سرلیستی دید. یکی از این افراد احمد حکیمی پور است که به خبر آنلاین گفت: «به نظر من فعلاً نباید روی مصادیق برویم، بلکه باید بر ساختار، گفتن و رفتار متمرکز شویم و عملکردمان را ارزیابی و آسیب شناسی کنیم.» او با بیان اینکه هدفم نقد فرد نیست و نقد فرایند است، گفت: «لازم است ما فرآیندها را مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم جریانی پویاتر داشته باشیم. ما باید اول جریان تصمیم گیری را شفاف کنیم تا پاسخگویی را به دنبال داشته باشد.»



## اصلاح طلبان در انتخابات‌های آینده شکست می‌خورند

محمد حسن قدیری ابیانه در گفت‌وگو با مثلث

بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ به نوعی ورق به نفع اصلاح طلبان برگشت و آنها با اقبال مواجه شدند، اما بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ دو چالش کمپین پشیمانی و ناآرامی‌های اخیر به وجود آمد که برخی تحلیلگران سیاسی معتقدند «عقبه اجتماعی جریان اصلاحات دچار ریزش شده است و دیگر این بدنه از شخصیت‌های جریان اصلاحات حرف شنوی ندارد؟» به نظر شما چیست؟ اصلاح طلبان چه وضعیتی از لحاظ پایگاه اجتماعی دارند؟

▲ اصلاح طلبان مشارکت در قدرت را می‌خواهند اما مسئولیت حضور در قدرت را نمی‌پذیرند. مشکل شان این است مسئولیت وعده‌هایی را که می‌دهند اما محقق نمی‌شوند، می‌خواهند با فراکنسی به دوش دیگران بیندازند. حتی زمانی که در حاکمیت هستند ترجیح می‌دهند نقش‌های بازی کنند، حال آنکه این روش‌ها در دنیا مرسوم نیست. اصلاح طلبان وقتی وعده می‌دهند و مسئولیتی می‌پذیرند، باید به وعده‌ها عمل کنند یا پاسخگو باشند. این طور نمی‌شود که هم در حاکمیت باشند و هم نقش اپوزیسیون را بازی کنند. به عبارت دیگر تقسیم کار کردند، برخی در حکومت مسئولیت می‌گیرند و پاسخگو نیستند اما عده دیگر می‌ایستند و نقش اپوزیسیون بازی می‌کنند، در حالی که هر دو گروه جزو یک جریان سیاسی هستند. اصلاح طلبان می‌بینند که وعده‌هایی که دادند، عملی نیست و مردم از وضعیت موجود ناراضی هستند، بنابراین بحث عبور از روحانی را مطرح می‌کنند. البته اینها همان کسانی هستند که به دولت به عنوان رحم اجاره‌ای نگاه می‌کنند چون خودشان نمی‌توانستند آرای عمومی را به نفع خود جهت دهند، بنابراین سعی می‌کنند که خودشان را به کسانی وصل کنند که احتمال آرای آوری شان وجود دارد. این روشی است که حتی در انتخابات مجلس نیز پیش گرفتند، یعنی دنبال این بودند که ببینند چه کسانی در چه شهری زمینه رای آوری دارند و مردم به آنها اقبال دارند، بعد سراغ آن نامزدها می‌رفتند و می‌گفتند «ما حاضریم از شما حمایت کنیم و نام‌تان را در لیست امید قرار دهیم».

۳ محمد حسن قدیری ابیانه می‌گوید: «اصلاح طلبان دچار ریزش پایگاه اجتماعی شدند اما با نوعی زرنگی می‌کوشند تا وزن خود را در عرصه سیاسی کشور برجسته نشان دهند تا امتیازات بیشتری بگیرند.» این تحلیلگر مسائل سیاسی معتقد است: «اصلاح طلبان در انتخابات مجلس و شورای شهر آینده تضعیف می‌شوند اما اینکه کاملاً حذف شوند خیر، این اتفاق نمی‌افتد.»

اگر آن نامزدها اعتقادی به جریان اصلاحات نداشتند، اصلاح طلبان برای بزرگنمایی خود در عرصه انتخابات مجلس نام آن نامزدها را در لیست امید گذاشتند تا بعد بگویند لیست ما این تعداد رای آورد. این روشی است که در انتخابات مجلس شاهدش بودیم اما همین اصلاح طلبان بعد گلایه می‌کردند که چرا کسانی که در لیست امید بودند از تصمیم‌گیری‌های جریان اصلاحات تبعیت نمی‌کنند. آقای عارف نه تنها رئیس مجلس نشد، بلکه حتی نتوانست رئیس کمیسیون شود. از این اتفاق اصلاح طلبان ناراحت بودند و در حقیقت نامزدهای لیست امید را به نفاق متهم کردند. در حالی که نفاق اصلی از خودشان بود که افراد همفکر خودشان را خیلی جاه‌معرفی نکردند تا در ظاهر توفیقات انتخاباتی شان بزرگ جلوه کند. اگر اصلاح طلبان نامزدهای اختصاصی خود را حمایت می‌کردند در آن صورت مشخص می‌شود سید رای شان چه وضعیتی دارد. اصلاح طلبان این را نوعی زرنگی می‌دانند تا وزن خود را بیشتر جلوه دهند و بر همین مبنا امتیازگیری کنند.

**به نظر شما اصلاح طلبان از بدنه اجتماعی شان عقب افتادند؟**

▲ معتقدم اینها بدنه اجتماعی قوی ندارند که بخواهند عقب بیفتند.

**اصلاح طلبان هر مقدار بدنه اجتماعی داشته باشند در قضیه ناآرامی‌های اخیر و کمپین پشیمانی به نظر یک شکافی بین بدنه سیاسی جریان اصلاحات و پایگاه اجتماعی آنها به وجود آمد، نظر شما چیست؟**

▲ آنکه یک عده از رای دادن پشیمان هستند، باید

دید چرا؟ آیا با ملاحظه نکات مثبت آقای روحانی پشیمان هستند یا به خاطر نقاط منفی، ثانیاً باید دید ارزیابی آنها از نقاط مثبت و منفی دولت درست است یا خیر؟ مثلاً شاید برخی اصلاح طلبان انتظار داشته باشند رئیس جمهور جلوی حاکمیت بایستد یا به تخریب حاکمیت بپردازد یا پایش را در یک کفش کند و بگوید سران فتنه از حصر آزاد شوند اما وقتی می‌بینند رئیس جمهور این کارها را نکرده است می‌گویند پشیمانیم. اولاً رئیس جمهور نمی‌تواند در رفع حصر دخالت کند ثانیاً طبق قانون اساسی باید مطیع رهبری باشد و نمی‌تواند جلوی رهبری بایستد. شاید جنس پشیمانی آنها از این دست است. عده‌ای هم ممکن است به خاطر عمل نشدن وعده‌های انتخاباتی رئیس جمهور اعلام پشیمانی کردند مثلاً وعده شده بود یارانه حذف شدن ۴ میلیون نفر دوباره پرداخت شود اما نه تنها این اتفاق نیفتاد بلکه امروز صحبت از حذف یارانه ۳۰ میلیون نفر است. این نوع پشیمانی نیز به نظرم وارد نیست چون یارانه فقط باید به اقشار نیازمند تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی پرداخت شود. البته ناآرامی‌های اخیر بیشتر جنبه مشکلات اقتصادی داشت.

**آیا می‌توان گفت بر اثر ناآرامی‌های اخیر، بدنه اجتماعی اصلاح طلبان ضعیف‌تر شده است؟**

▲ قطعاً بدنه اجتماعی جریان اصلاحات تضعیف شده است. آنها تلاش می‌کنند خودشان را در مشکلات دولت شریک دولت جلوه ندهند. اما می‌گویم بعضی توقعاتی که از دولت است، منطقی نیست، بنابراین البته گاهی خود دولت مردان به این توقعات دامن زده‌اند. مثلاً پارسال درآمدت ۷۰ هزار میلیارد تومان بود. با این وضع درآمدی کسی نمی‌تواند توقع داشته باشد که دولت بتواند تمام نیازهای مردم را تأمین کند، بنابراین باید دید جنس و ماهیت انتقادات چیست.

**اصلاح طلبان در رقابت‌های سیاسی آینده چه وضعی پیدا می‌کنند، آیا شکست خورده انتخابات لقب می‌گیرند یا همچنان می‌توانند ژست پیروز انتخابات به خود بگیرند؟**

▲ در این دوره نیز اصلاح طلبان پیروز نبودند. اما ژست پیروزی گرفتند و مدعی هستند که

## دومینوی برعکس!

## چه عواملی حیات سیاسی اصلاحات را تهدید می‌کند؟

در حوزه‌های دیگر هم وضع به همین منوال است. ظهور شهرام جزایری و اختلاس‌های هنگفت وی ریشه در دوران اصلاحات و نشان از عدم انضباط مالی این جریان سیاسی دارد که بعدها ادامه پیدا کرد.

به نظر می‌رسد که هر دو جریان عمده سیاسی کشور دچار «بحران کارآمدی» شده‌اند. این دو جریان هر کدام به سهم خود-اصولگرایان بادر اختیار داشتن نهادهای حاکمیتی و اصلاح طلبان به دست داشتن نهادهای انتخابی-مجری امور کشور بوده‌اند. اینکه اصلاح طلبان با آن دیدگاه‌های «حداکثری» و رادیکال خود برای حضور در فضای سیاسی به امثال «حسن روحانی» که اساساً شخصیتی محافظه کار دارد، عدول می‌کنند به معنی آن است که جامعه ظرفیت و تحمل شنیدن و دیدن حرکات تند آنها را ندارد. بنابراین نباید فقط این پیش فرض را داشت که نهادهای نظارتی همچون «شورای نگهبان» مانع حضور حداکثری آنها می‌شود.

امروز پس از قریب به چهار سال از عمر جمهوری اسلامی، شکاف‌های اجتماعی بیشتر، اختلاف طبقاتی افزون‌تر و شاهد حضور و گسترش طبقه‌ای از «نوکیسه‌گان سیاسی» هستیم که منتسب به هر دو جریان هستند. این مسائل در کلان ماجرا سرمایه‌های سیاسی اصلاح طلبان را بیش از اصولگرایان خواهد سوزاند چرا که این جریان از مجموعه ۲۸ سال پس از جنگ بیش از ۲۰ سال را در اختیار داشته و این اختلافات ثمره کارهای کرده‌پا کرده آنهاست.

در واقع اگر تداوم جریان اصلاحات که جوان‌تر از اصولگرایان هستند می‌کوشیدند با تبیین مواضع اندیشه‌ای و ایدئولوژیک خود برای حضور در عرصه سیاسی «مشروعیت» به دست بیاورند و با دست داشتن نهادهای اجرایی در چهار ساله دوم خرداد بر آن بودند که با عملکرد خود نوعی «مقبولیت» عام را هم نصیب خود کنند اما امروز و پس از گذشت آن سال‌ها دچار «بحران کارآمدی» شده‌اند. یعنی در وجه اجرایی - که نیاز مردم ایران هم هست- نتوانسته‌اند خود را کارآمد نشان دهند و تلقی عموم مردم از آنها جریان سیاسی کار و اهل زودبندی‌های سیاسی است تا نیروی اجرایی و با فکر برای حل مشکلات کشور.

شاید با تساهل بتوان این نتیجه را گرفت که حرکت پله‌ای جریان اصلاح طلب که با کسب مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی به منظور ماندگاری طولانی در عرصه سیاست بود، به دلیل رکن سوم رانندگی نتوانسته اثبات کند، بدل به «دومینوی برعکس» شده و می‌تواند مقبولیت و مشروعیت آنها را زیر سوال ببرد. البته اصولگرایان هم با این چالش مواجه هستند.

## حسن روحانی، کاتالیزور اضمحلال اصلاحات؟

در این بین نقش حسن روحانی در به چالش کشیدن هر چه بیشتر اصلاحات در حوزه کارآمدی پررنگ است. آنها در میان گزینه‌های موجود سال ۹۲ دست به انتخاب کسی زدند که سابقه امنیتی و سیاسی داشت و هیچ‌گاه (act سیاسی) به آن معنای اصلاح طلبان را انجام نداده بود. به همین دلیل هم روحانی ارتباطات حزبی و تشکیلاتی خاصی نداشت که بتواند با تکیه بر آن کابینه‌ای اجرایی و قوی برای دولتش انتخاب کند. از این رو وضع اقتصادی بدی که در دولت دهم آغاز شده بود در دوره روحانی تشدید شد و شاید پریه‌ها نباشد که بگوییم حسن روحانی اقتصاد کشور را قفل کرده است.

حجم اختلاس‌ها، بی‌انضباطی‌های مالی و تخلفات اجرایی در دوره او فزونی پیدا کرده و افرادی که در دوران ریاست جمهوری او به اتهام مسائل مالی به دادگاه فراخوانده

رضا حدادی

روزنامه‌نگار

۴ عرصه سیاست ایران پس از سال ۹۲ به سرعت در حال تغییر است و به نظر می‌رسد که در دهه آتی اساساً چیزی به نام «اصولگر» و «اصلاح طلب» به این معنی که الان وجود دارد، نباشد. علت را هم می‌توان فریب‌داری در نظم و تقسیمات سیاسی دانست که هر دو جریان با آن مواجه هستند و موجب شده که به راحتی نتوان اصولگر یا اصلاح طلب را به معنای «اندیشه‌ای» تشخیص داد. از سوی دیگر «ناکارآمدی» این دو جریان سیاسی است که نتوانسته‌اند در حوزه عمل ادعاهای خود را به اثبات برسانند.

در این میان به نظر می‌رسد که جریان اصلاح طلبی با تهدید بیشتر و بزرگتری مواجه است؛ چرا که در ۲۸ سال گذشته از دل گفت‌وگو این جریان یا حداقل معیارهای نزدیک به گفت‌وگو آنها، سه رئیس‌جمهور برگزیده شده‌اند. آقایان هاشمی، خاتمی و روحانی، افرادی هستند که با در گفت‌وگو ایجاد شده اصلاحات قرار می‌گیرند یا نزدیک به ادبیات سیاسی آنها بوده‌اند. از این رو می‌توان گفت که این جریان سیاسی اساساً ادعاهای سیاسی و اجتماعی خود را به بوته آزمایش گذاشته است و مردم ایران ثمرات آن را دیده‌اند. نباید فراموش کرد که پس از سال ۶۸، بیست سال سکون اجرایی کشور در دست این جریان سیاسی بوده است.

مسئله اقتصاد بازار آزاد (به معنای لیبرالیستی آن) و کاهش قدرت و نفوذ دولت در آن، بلافاصله پس از جنگ و به وسیله آقای هاشمی اجرا شد. البته جریان راست همیشه به بازار مایل بوده است اما هیچ‌گاه اعتقادی به عدم حضور دولت به معنای لیبرال آن نداشته است.

پس از هاشمی و اقتصاد بازار آزاد، این خاتمی بود که با شعار توسعه سیاسی به عنوان پیش فرض پیشرفت همه جانبه کشور بر اساس کارآمدی و این روزها هم آقای روحانی ترکیبی از هر دو است. هر چند باید گفت که دولت او فاقد یک «ایده مرکزی» برای مدیریت کشور است و در حوزه اندیشه شلخته محسوب می‌شود.

از این رو اکثر شعارهای جریان اصلاح طلب، اعم از آزادی، مردم‌سالاری، قانون‌مداری، شایسته‌سالاری، شفافیت و... همگی به اجراء آمده و گوش مردم با آنها بیگانه نیست و مع الوصف این جریان در این زمینه‌ها عملکرد قابل قبولی هم نداشته است. هر دو جریان سیاسی و غالب کشور در سرکوب و بریدن صدای مخالف، فساد مالی، رانت اطلاعاتی و قانون‌گریزی به یکدیگر طعنه می‌زنند و به تعبیر آقای «عبدالله ناصری» دوست و چهره رسانه‌ای اصلاح طلبان که در نقد آنها می‌گوید: «اصولگرایان به کدامین اصول پایبند مانده‌اند و اصلاح طلبان به دنبال اصلاح چه چیزی هستند؟!» پس می‌توان یکی از نقدها یا تهدیدهای این جریان اصلاح طلبی را «تهی شدن ذخایر گفت‌وگویی» و کلامی آنها دانست؛ همان نقدی که دکتر «حاتم قادری» هم چند سال پیش به اصولگرایان وارد دانسته بود.

در واقع اصلاح طلبان در عمل چیزی خلاف گفته‌های خود را اثبات کرده‌اند. برای مثال پذیرش قواعد بازی دموکراتیک، قانون‌مداری یا تحمل مخالف هر سه از شعارهای این جریان بوده است اما شاهدیم که سال ۸۸ و پیش از آن در سال ۷۸ به صورت عریان نقض شده است. یعنی وجود قانونی رفتار خود را نقض کرده‌اند و این در حالی است که آنها ۸ سال تمام به دنبال تحمیل آن بر رفتارهای سیاسی کشور بودند.

موفق عمل کردند.

▲ فقط ژست می‌گیرند که این نوع رفتار سیاسی مناسب نیست.

در انتخابات مجلس یازدهم، ریاست جمهوری سیزدهم و شورای شهر ششم چه اتفاقی می‌افتد؟

▲ به نظر خود اصلاح طلبان نیز آمیدی به پیروزی در رقابت‌های سیاسی پیش رو ندارند. اگر در سال ۹۲ نیز آقای عارف کنار نمی‌رفت، فقط ۷ درصد آرا را می‌توانست کسب کند، به عبارت دیگر اگر می‌ماند آبرویش می‌رفت. عارف با کنار رفتن از صحنه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم اجازه نداد که اندازه و وزن اصلاحات برای افکار عمومی مشخص شود.

با توجه به آنکه شما می‌گویید بدنه اجتماعی جریان اصلاحات ضعیف‌تر هم شده است، آیا اصلاح طلبان در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و شورای شهر شکست قاطع خواهند خورد؟

▲ من معتقدم شکست می‌خورند. اصلاح طلبان اصولاً خودشان هم آمیدی به پیروزی ندارند.

اصلاح طلبان در چهار سال آینده رابطه خود را با دولت روحانی چطور تعریف خواهند کرد؟ آیا به جایی می‌رسد که خیلی صریح و روشن از دولت آقای روحانی جدا شوند؟

▲ آنها حاضر نیستند هیچ بستنی را از دست دهند. یعنی جدایی از دولت را به مثابه از دست دادن تمام بست‌های ریز و درشت اجرایی می‌دانند؟

▲ بله، آنها هیچی که در دولت هستند و بست‌های حکومتی دارند موقعیتشان را حفظ می‌کنند اما نیروهایی از جریان اصلاحات که مسئولیتی در حوزه اجرایی ندارند، همچنان ژست اپوزیسیون می‌گیرند و در واقع این یک تقسیم کار است.

دولت حمایت اصلاح طلبان از خودش را ضروری می‌داند یا خیر؟

▲ به نظر آقای روحانی خودش را از این حمایت بی‌نیاز می‌داند چون انتخابات برگزار شده است و سال ۱۴۰۰ دیگر نمی‌تواند نامزد انتخابات شود. هر چند علاقه دارد اصلاح طلبان به نقد دولت نپردازند اما احتیاجی هم به حمایت اصلاح طلبان ندارد.

آیا اصلاح طلبان حذف می‌شوند یعنی همان اتفاقی که در دهه هشتاد برای آنها افتاد و شورای شهر، مجلس و ریاست جمهوری را از دست دادند، این تجربه دوباره برای شان تکرار می‌شود؟

▲ فقط تهران را نباید نگاه کرد، بلکه باید ارزیابی از کل کشور داشت. معتقدم تضعیف می‌شوند اما اینکه کاملاً حذف شوند خیر، این اتفاق نمی‌افتد.

سوال روشن این است که آیا در سال ۱۴۰۰ ما شاهد پیروزی یک نامزد اصولگر در انتخابات ریاست جمهوری خواهیم بود؟ در انتخابات شورای شهر این دوره کامل کرسی‌های شورای شهر تهران در اختیار اصلاح طلبان قرار گرفت و آنها شهردار انتخاب کردند آیا دوره بعد دوباره اصولگرایان غلبه خواهند کرد؟

▲ می‌تواند این‌طور باشد. اگر شهرداری تهران عملکردش مثل اقداماتی باشد که بعد از بارش برف انجام داد به نظر لطمه می‌بیند. در انتخابات ریاست جمهوری نیز کسی پیروز خواهد بود که با خواسته‌های برحق مردم همراه باشد اما معتقدم بخشی از پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان شاید در انتخابات شرکت نکند. ▶

شده‌اند، ارتباط نزدیکی هم با دولت دارند. مهدی جهانگیری و حسین فریدون نمونه‌ای از همین افراد هستند.

در واقع اصلاح‌طلبان بین سکوت در انتخابات سال ۹۲ و انتخاب فردی مشکوک (به پایبندی گفتمان اصلاحات) و حداقلی، گزینه دوم را انتخاب کردند تا به وسیله حضور او در راس دولت، بحران ناکارآمدی فوق‌الذکر در این جریان بیش از پیش شود. روحانی نماد بارز به چالش کشیده شدن شعارهای آنهاست. او به راحتی مساله گفت‌وگوی تمدن‌ها و مذاکره با کشورهای به‌عنوان راه‌حلی برای برون‌رفت از مسائل کشور را از اعتبار انداخته و با کابینه‌ای ضعیف عملاً کاری در حوزه اجرایی کشور انجام نداده است. روحانی نماد «وسع» و «توان» اجرایی اصلاحات شده است.

حال باید در کنار این مسائل «عدم اعتمادی» که سیستم سیاسی کشور و «نهادهای کنترلی» به این جریان -یا لاقبل به سران این جریان- دارند را هم اضافه کرد. فتنه ۸۸ گناه و خطای بسیار بزرگی بود که این جریان مرتکب آن شده است. پس از هشت سال هنوز دلایل مقبول و عامه‌پسندی از سوی آنها به افکار عمومی ارائه نشده که علت طرح مساله تقلب چه چیزی است. این انتقاد را هم «حسین دهباشی» در کانال تلگرامی خود به‌نام «خبر «کروبی» منتشر کرده است. فتنه ۸۸ هنوز به‌عنوان عاملی اختلاف‌افکن در میان خبگان سیاسی و بدنه حامیان آنها وجود دارد. از سوی دیگر آشوب سال ۸۸ مصداق عینی و صریح شعارهای دموکراتیک این جریان است. در واقع آنها با ایجاد تشکیک به اصل انتخابات، عدم شنیدن حرف مخالف خود و بدون توجه به ساختارهای سیاسی موجود که روزگاری مجری آن بوده‌اند؛ رفتاری بدون توجه به مصالح عمومی و ملی از خود نشان دادند و به تعبیری «زیرمیز انتخابات زدند». رفتارهای سال ۷۸ هم تا کیدای بر همین مدعاست که موجب می‌شود نهادهای کنترلی با دید تردید و شک به این جریان سیاسی بنگرد و اساساً زمینه‌ای برای فعالیت حداکثری آنها مهیا نشود.

از سوی دیگر بدنه اجتماعی این جریان -هر دو جریان- «مرکزگرای» شده است. یک دلیل آن شکسته شدن انحصار قرائت برای فعالیت سیاسی است. در واقع این جریان اساساً خاستگاهی دانشگاهی و خبگانی دارد و به شدت متأثر از آموخته‌های تئوریک غربی است. زمانی مبنای تحلیل و ارائه آن سران این جریان بودند و آنها با انحصار قرائت و برداشت‌های خود از متون اندیشه‌ای غرب بدنه حامیان را توجیه و تهییج می‌کردند. اما به مرور زمان و به دلیل افزایش سطح تحصیلات عمومی این انحصار در قرائت شکسته شده و دانشجویان و بدنه حامیان به منابع اصلی دسترسی دارند.

به همین منظور است که تئوریسین‌های این جریان گاهی با نقدهای بی‌رحمانه بدنه حامی مواجه می‌شود و اساس نظر آنها را زیر سوال می‌برند.

دلیل دوم درگیر شدن بدنه در کارهای اجرایی است. زمانی دانشجوی بودن یا فعال سیاسی بودن یک شغل محسوب می‌شد اما امروز این طور نیست و یک فعال سیاسی شاید یک کارمند یا یک دستفروش یا کارگر ساختمان بوده و در عین حال فعالیت سیاسی هم داشته باشد. این در هم تنیدگی «اجرائیات و فکر» موجب شده که بدنه همیشه در حوزه «کارآمدی» از سران خود پاسخ بخواهد.

شاهد بودیم که در چند روز گذشته و پس از یک بارش برف وقتی خیابان‌های تهران قفل شد و تردد بر مردم سخت گشت، رسانه‌های اصلاح طلب شروع به انتقاد علیه نجفی کردند. کاری که پیش از این کمتر شاهد آن بودیم. چرا که از نظر این جریان هر چیزی قابل توجیه است جز ناکارآمدی و ناتوانی در امور اجرایی. چرا که زبان «کار» را تمام مردم ایران متوجه می‌شوند و می‌دانند که چه کسی توانمند و لایق است و چه کسی نیست.

با توجه به این گریز از مرکز که از سوی بدنه حامیان دو جریان در حال رخ دادن است شاید در آینده سیاسی شاهد «اصولگرایی و یا اصلاح‌طلبی» به معنای امروزین نباشیم. هر دو جریان به سوی محافظه‌کاری پیش می‌روند و بدنه به دلیل خاستگاه اجرایی که پیدا کرده به دنبال افرادی هستند که با هر تابلویی -اعم از اصولگرا یا اصلاح‌طلب- بتوانند گره از کار کشور بکشایند. به نظر می‌رسد گفتمان غالب آینده کشور «عملگرایی» باشد و این یعنی زوال اندیشه در مقابل اجرا. اگر این چشم‌انداز و این تحلیل درست باشد، رقیب اصلاحات دست پرتی نسبت به آنها دارد. کافی است که نگاهی به سر تا پای جریان اصلاحات ببندیم تا متوجه این امر شویم. خاتمی، عارف، روحانی و حسن خمینی گزینه‌های این جریان بوده یا هستند که جنس مدیریت آنها پشت‌پشت نشینی است. اما اصولگرایان، احمدی‌نژاد (با کمی تساهل)، قالیباف، و فتاح را مد نظر داشته‌اند. آنها کوشیده‌اند با زبان عمل با مردم سخن بگویند. اینکه می‌توانند یا نتوانسته‌اند مساله دیگری است؛ اما نشان می‌دهد که هم دست پرتی دارند و هم درک آنها نسبت به آینده افول «اندیشه سیاسی» به این معنی فعلی است. شاید شعار دهه آتی در رفتار سیاسی این باشد که «به عمل کار برآید به سخن دانی نیست» و اگر جامعه به این سمت پیش برود بعید است که اصلاحات بتواند خودش را در فضای سیاسی معطوف به دستگیری قدرت حفظ کند. ▶



## اصلاح‌طلبان نتوانستند به خواسته‌های مردم پاسخ دهند

گفت‌وگوی مثلث  
با منصور حقیقت‌پور

امید کرمانی‌ها

خبرنگار

بعضی وقتی کمپین پشیمانی و ناآرامی‌های اخیر را کنار هم می‌گذارند، می‌گویند بدنه جریان اصلاح‌طلبی دارد راه خودش را می‌رود و از شخصیت‌های سیاسی این جریان جدا می‌شود. به نظر شما آیا اصلاح‌طلبان دچار ریزش پایگاه اجتماعی شده‌اند؟

▲ وقتی مسئولیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در کشور قبول می‌کنند، طبیعی است که دیگر اینجا زمان شعار دادن نیست. اینجا نیاز به اقدام متناسب با اثر بخشی است و فضا با فضای انتخاباتی و با فضاهای قبل از انتخابات بسیار فرق می‌کند. الان من احساس می‌کنم وقتی جریان پیروز در معرض این امتحان قرار می‌گیرد، مردم به این اقدامات نمره می‌دهند، خب طبیعی است که شاید یک جریان سیاسی نتواند نمره کامل را پر کند و اینجاست که مقداری ریزش‌ها اتفاق می‌افتد و احتمال دارد بعضی از رای‌دهندگان دلزده شوند و به سوی جریان‌های رقیب سوق پیدا کنند. در گذشته هم همین طور بود و الان مطلق نمی‌توانیم بگوییم خود اصلاحات در این



**اصلاح طلبان توانسته‌اند به این خواسته مردم جواب دهند؟**

▲ نه.  
به نظر شما گیرشان سر مسائلی بود که نتوانستند؟

▲ به خیلی از موارد می‌شود اشاره کرد. یکی اینکه خط انتظاری که برای مردم ایجاد کردند، آن سطح توقع و انتظاری که برای مردم ایجاد کردند، سطحی بود که با ابزار و امکانات موجود کشورمان همخوانی نداشت. بحث بعدی اولویت‌هایی در نظر گرفتند که این اولویت‌ها با اولویت‌های جامعه ما همخوانی ندارد و همپوشان نیست. امروز مردم ما بحثشان بحث اشتغال، بیکاری و تورم است و اینها باید در اولویت قرار بگیرد، نه حقوق شهروندی. ما مخالف حقوق شهروندی نیستیم، حقوق شهروندی را باید در کنار بقیه موارد قرار داد و قضاوت کرد. حقوق شهروندی یعنی مشکل بیکاری را حل کنیم، یعنی مادر هر خانواده‌ای یک نفر را مشغول به کار کنیم، تلاش دارم می‌شود، ولی این تلاش ناکافی است. مردم دنبال تصمیمات درست حاکمیت می‌گردند. حاکمیت باید درست تصمیم بگیرد. ما الان داریم می‌بینیم که این در بعضی از حوزه‌ها اتفاق نمی‌افتد. مثلا موضوع مشکل تخم مرغ قابل پیش‌بینی بود، چند میلیون مرغ مادر بر اثر مریضی آنفلوآنزا معدوم شدند و مشخص بود که ما مشکل تخم مرغ پیدا خواهیم کرد. خب این کاری نداشت که یک ماه یا دو ماه قبل پیش‌بینی می‌شد و واردات انجام می‌دادند تا نگذارند در جامعه التهاب ایجاد شود یا همین قیمت سوخت، اگر مجلس ورود نمی‌کرد و اگر ما می‌فتمین دنبال بنزین چهار هزار تومانی، پنج هزار تومانی در کشور، چه اتفاقی می‌افتاد؟

**آقای حقیقت‌پور! همین نکاتی را که شما اشاره می‌کنید، برخی می‌گویند اصلاح طلبان دارند با یک ظرفی از دولت آقای روحانی فاصله می‌گیرند تا پاسخگوی عملکرد دولت یازدهم و دوازدهم نباشند.**

▲ خب این قابل قبول نیست. شما فکر می‌کنید اگر آرای اصلاحات نبود، نتیجه انتخابات همین می‌شد؟ الان هم نمی‌شود زیر بار این قصبه برویم. به نظرم به جای این کار باید کمک کنیم این دولت موفق شود حتی اگر به اسم اصلاحات نوشته شود.

**شما خودتان خواهید قیاسی داشته باشید بین سال‌های ۷۸، ۸۰، ۹۶ که یک سری نآزای‌ها در کشور رخ داد، ارتباط جریان اصلاحات با اینها را چطور دیدید؟**

▲ در این ماجرای سال ۹۶ اثری از جریانات سیاسی داخلی به عنوان طرح ندیدم. قطعاً عواملی غیر از جریانات سیاسی داخلی در این ماجرا نقش داشتند. به بعضی از جریانات شاید کاتالیزوری بودند برای این اتفاقات، یعنی اشتباهاتی که آنها کردند و نقد آنچنانی که از حاکمیت، دولت و حکومت انجام دادند، به این قضیه کمک کرد، ولی در سازماندهی و شروعهش بعدی دانم. جریان اصلاحات در قصبه ۸۸ به ذهنم می‌رسد که تا یک حدی به دشمن جناح داد. من هنوز آن قدر نظر بدبینانه نسبت به بعضی از جریانات ندارم، اینها آمدند غائله روز عاشورا را راه اندازی کردند. ولی جناح دادند، فضا را طوری باز کردند که دشمن بیاید هر چه دلش خواست بگوید و هر کاری خواست بکند. در این قسمت شاید مقصودم، چون اجازه دادند که خیلی از دشمنان انقلاب که نه اصلاح طلبان را قبول دارند و نه اصولگراها را، از این فضا استفاده کنند و آرمان‌ها و آن موارد ارزشی ما را زیر سوال ببرند.

**در سال ۷۸ چطور؟**

▲ جناحی از اینها در ایجاد آن غائله نقش داشتند؛ به در کوی دانشگاه اینها بالاخره بی نقش نبودند و خود همین‌ها بودند که به آن اقدامات دامن زدند. ▶

**منصور حقیقت‌پور می‌گوید: «مردم عاشق چشم و ابروی نیروهای جریانات سیاسی نیستند. اگر ببینند که در عمل به وعده‌ها جریان غالب موفق نبوده در انتخابات بعدی به سمت رقیب گرایش پیدا می‌کنند. مشاور رئیس مجلس شورای اسلامی معتقد است: «اصلاح طلبان نتوانستند انتظارات مردم را برآورده کنند، اولویت‌هایی در نظر گرفتند که این اولویت‌ها با اولویت‌های جامعه همخوانی نداشت و همپوشان نبود.»**

**یعنی مردم حتی در انتخابات مجلس هم این را نشان خواهند داد؟**

▲ هر چیز در قیاس خودش. امسال اگر مجلس بودجه خوب ببندد، اقدامات موثری کند و برای رفاه مردم اقدامات خوبی انجام دهد، بله، خب مردم ارزیابی می‌کنند که الان این ۲۹۰ نفر نماینده محترم چقدرشان به شمارهایی که قبل از انتخابات دادند، پایبند هستند و دارند عمل می‌کنند. حتماً همه‌شان درباره ساده‌زیستی شعار دادند. زمان انتخابات مردم می‌سنجند که آیا آنها ساده‌زیستی می‌کنند؟ قطعاً برای رفع این مسائل توسعه‌ای منطقه، شعار دادند. شعار دادن کار سختی که نیست، عمل کردن مهم است. یک نماینده‌ای در دوره انتخابات به ما می‌گفت من مشکلات فلان استان را با صنعت خودروسازی حل می‌کنم و ۵۰ درصد خودروسازی ایران خودرو را به آنجا منتقل می‌کنم. زمان انتخابات مجلس آینده به او می‌گویم «شما توانستی یک دوچرخه‌سازی به استان خودت ببری؟» در دوچرخه‌سازی ۵۰ نفر کار می‌کنند. پس عمل به وعده به این راحتی نیست، در عمل به وعده‌ها، هزار تا مشکل و مانع بر سر راه است.

**به نظر شما اصلاح طلبان در انتخابات آینده اعم از مجلس، شورای شهر و ریاست جمهوری، مثل سال‌های ۹۲ تا ۹۶ توفیق خواهند داشت؟**

▲ الان خیلی زود است که آدم بخواهد ارزیابی کند. یک مقدار زود است، ما باید یک مقدار دیگر هم صبر کنیم. ما مردم هوشمندی داریم، مردم عاقل هستند، برآورد می‌کنند و باید مقداری هم دقت کنند که دیگر بر اثر آن شعارهای انتخاباتی و وعده‌های رنگارنگ آرای خودشان را در صندوق نیندازند. امروز ما کارآمدی می‌خواهیم، امروز ما اقداماتی می‌خواهیم که اقدامات موثر و تاثیرگذار بر اقتصاد، فرهنگ، امنیت و مسائل مختلف باشند و این هم لازمه‌اش انسجام حکومت، بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی کشور، فضادادن به همه تفکرات و اندیشه‌ها و گوش دادن به تمام حرف‌ها و انتخاب بهترین اینهاست.

**یک تحلیلی است که می‌گوید اصلاح طلبان سال ۸۴ تا ۹۲ را از سال ۹۸ برای خودشان تکرار شده خواهند دید. به نظر شما چنین چیزی درست است؟**

▲ این قاعده‌ای در دموکراسی است. یک دوره جریانی می‌رود و کارش می‌گیرد و مردم به نامزد یا نامزدهای او رای می‌دهند، یک دور می‌روی، اما در دوره‌ای هم کارش نمی‌گیرد، مردم که عاشق چشم و ابروی نیروهای یک جریان سیاسی نیستند. مردم می‌خواهند مشکلاتشان حل شود، بیکاری‌شان حل شود، تورم حل شود، مسائل دیگر حل شود، امنیتشان بالا برود، عمران و آبادی اوج بگیرد؛ مردم دنبال این حرف‌ها هستند.

**به نظر شما از بیرون که نگاه می‌کنید،**



معرض قرار گرفته است؛ ما هم در دوره اصولگرایی بالاخره پاسخگوی صد درصدی نیازهای مردمی نبودیم، در واقع ما هم مقداری شاید اقداماتمان کافی نبود که نتوانستیم انتخابات مجلس، شورا و ریاست جمهوری را فتح کنیم. اگر ما تمرین دموکراسی کنیم و اجازه دهیم که مردم هم برنامه‌ها و عملکرد ما را ارزیابی کنند و بعد به ما نمره دهند، اتفاق مناسبی است این جزو قاعده بازی دموکراسی است؛ اگر جریان غالب سیاسی نتوانست برنامه‌های پیشنهادی خود را اجرایی کند، خب مردم دوباره تاییدش می‌کنند، ولی اگر شعاری داد که هزینه و خرجی ندارد اما در عمل موفق به تحققش نشد، طبیعی است که مردم تصمیم‌گیری در زمان انتخابات می‌گیرند. من احساس می‌کنم که دو تایی دیگر از این برف‌ها در تهران داشته باشیم، مردم در قیاس بین آقای قالیباف و غیر قالیباف، قدر قالیباف را خواهند فهمید. فقط کافی است تعداد شاخه‌های درخت‌های شکسته تهران را اعلام کنند. بسیج امکانات و نیروها در دوران قبل پیش‌بینی شده بود، مراکزی که باید نمک پاشی کنند، برای این کار تجهیز و آماده بودند، در زمان لازم امکانات را پای کار می‌آوردند و کمتر غافلگیر می‌شدند، ولی این تیم جدید در شورای شهر و شهرداری به نظر من نمره قبولی نگرفت. درست است حالا نمره ۱۸ دادند، ولی من فکر می‌کنم این نمره ۱۸ با تقلب است و اگر این را بخوایم درست ارزیابی کنیم، نمره ۱۸ نیست. حالا نگاه کنید ما در فروردین اجرای طرح ترافیک را خواهیم دید. بالاخره چند سال آقایان دیگری اجرا کردند، با کم و کاستی و محسنان و معایش، حالا این آقایان می‌خواهند اجرا کنند. خدا نکند حادثه‌ای مثل پلاسکو رخ دهد. مردم فرق یک شهردار جهادی پای کار را با یک آدم ستادی می‌فهمند. قطعاً این نمرات و ارزیابی‌ها را در دوره بعدی برای نوشتن تعرفه‌ها مدنظر قرار خواهند داد.

## نقشه محمود

برخی می‌گویند محمود احمدی‌نژاد می‌داند که بعد از این اتفاقات اخیر و اوضاع اقتصادی کشور، یک پوپولیست شانس خوبی برای حضور در آینده سیاسی ایران دارد. او البته شاید چندان باتوجه به سازو کار انتخاباتی ایران دیگر چندان امیدی به تایید صلاحیت نداشته باشد. همین جاست که نگرانی‌ها جان می‌گیرد. او چه برنامه‌ای دارد؟ می‌خواهد رهبر اعتراضات باشد؟

# سیاست



## پروژه ۱+۷

هدف احمدی‌نژاد از  
تجمع اعتراضی چیست؟

رئیس جمهور سابق که اخیراً رأی اپوزیسیون به تن کرده و بی پروا بر همه می تاخت، به طرز عجیبی ساکت است و اصلاً به روی خود نمی آورد که این همه اتفاق افتاده است؛ اتفاقاتی که به گفته فرمانده سپاه رد پای یک مسئول سابق در آن دیده می شد.

این اولین بار نیست که احمدی نژاد از استراتژی سکوت استفاده می کند. سال گذشته نیز مدتی ساکت بودند؛ آنقدر که آرامش قبل از طوفان تعبیر شد و حتی رنجبران مدیرکل روابط عمومی صداوسیما گفت: «احمدی نژاد می خواهد خودش را تا انتخابات سال ۹۶ بکر نگه دارد و آن وقت بیاید یک حرف های بزند». احمدی نژاد و یارانش قبل از شروع اغتشاشات جنجالی بزرگ با قوه قضاییه را کلید زدند اما در نهایت به خانه سکوت برگشتند. سکوت به اندازه ای که یک رسانه عربی از در حصر بودن احمدی نژاد بنویسد و کار به تکذیب خبر برسد. تکذیب شایعه حصر نیز از سوی حلقه اولیه هواداران یعنی مشایی و بقایی یا حتی جوانفکر صورت نگرفت. آنها به سکوت خود ادامه داده و بهمن شریف زاده، روحانی نزدیک به این جریان گفت: «این موضوع صحت ندارد. برخی دوستان با ایشان در دفتر و تلنگر دیدار کردند. ایشان هیچ محدودیتی برای برنامه و کارهای شان ندارند و برنامه های روزانه خودشان می رسند.» کانال تلگرامی دولت بهار نیز با انتشار عکسی از احمدی نژاد با توضیح «امشب، نارمک، میدان ۷۲» شایعه ایجاد محدودیت برای او را تکذیب کرد. شریف زاده در گفت و گوی خود با روزنامه قانون گفته بود که سکوت احمدی نژاد به خاطر ناراهی ها و کشیده شدن اعتراضات به خیابان است اما برخی از تحلیلگران گمان می کنند که استراتژی سکوت آنها بیش از ناراهی های اخیر به انتخابات آتی مربوط است. حالا که انتخابات هنوز فرانسیده و از انتخابات قبلی و ماجرای ثبت نام بقایی و رای دادن احمدی نژاد به او عبور کرده ایم؛ می توان دنبال علل دیگری نیز گشت. باید دید که چرا سریال ویدئوهای آنچنانی احمدی نژاد پایان یافته و خبری از بست نشینی یا زنبیل قرمز نیست. این سکوت عجیب و معنادار به نظر می رسد. برخی می گویند شاید این سکوت به دلیل صحبت های مقام معظم رهبری باشد. آنجا که گفتند «کسانی که دیروز همه امکانات کشور در اختیار آنها بود و کسانی که امروز همه امکانات مدیریتی کشور را در اختیار دارند، حق ندارند نقش اپوزیسیون بازی کنند». برخی دیگر می گویند که صحبت های فرمانده سپاه حساب کار را دستشان داده است. آن وقت که سرلشکر جعفری گفت: «این موضوع با فراخوان یکی از سایت هایی صورت گرفت که وابسته به شخصی است که این روزها زبان به مخالف خوانی نسبت به اصل و ارزش های نظام گشوده است. نیروهای امنیتی در حال بررسی این مساله هستند و اگر به دخالت این مسئول سابق برسند قطعاً متناسب با وضعیت و درخواست ناجا با او برخورد خواهند کرد.» این گمانه که احمدی نژادها از بررسی های مورد اشاره سرلشکر جعفری محاسباتی در ذهنشان شکل گرفته باشد یا اینکه بعد از ضرب الاجل تعیین کردن ها و... تذکرات محرمانه ای گرفته باشند؛ چندان دور از ذهن نیست اما نمی توان فراموش کرد که احمدی نژاد نمونه های زیادی داشته که توجهی به تذکرات نکرده است. معمای سکوت احمدی نژاد پیچیده تر می شود وقتی می شنویم که برخی به رسانه ها توصیه می کنند از او در جلسه مجمع تشخیص مصلحت عکس نگیرند.

اما نامه ای که این روزها توسط ۷ نفر از نزدیکان او برای صدور درخواست تجمع خیابانی نوشته شده، می تواند جرقه ای باشد برای بازگشت احمدی نژاد. این سکوت احتمالاً به همین زودی ها خواهد شکست. باید دید این بار فرجام تحریکات او چه خواهد بود؛ آیا احمدی نژاد دوباره تحمل خواهد شد؟

است: «من فکرکنم این دولت اگه شده چند تا آشوبگر اجبر کنه حتما این کار را می کنه تا تظاهرات رو به سمت اغتشاش بسره و دکتر احمدی نژاد رو بین مردم سردسته آشوبگر اعلام کنه... من میگویم این کار را نکنید. به صلاح دکتر عزیزمون نیست اونها دنبال حصر دکتر هستند. با اینکار بهونه کافی دستشون میفته. دکتر عزیزتر از جانمون رو حصر می کنند.» هوادار دیگری نیز به احتمال عدم صدور مجوز را جدی تر دانسته و نوشته است: «آیا به نظر شما این درخواست موافقت خواهد شد؟ خیر. بلکه جار می زنند: ببینید اشخاصی که پرورده دارند و محکومند تقاضای تجمع دارند... خداوند خائنین به مملکت و اسلام عزیز را هر چه زودتر از میان بردارد. ان شاء الله.» روزنامه اعتماد در مطلبی در این مورد البته گمانه ای دیگر را هم مطرح کرده بود. این رسانه نوشته بود که احمدی نژادی ها با ارائه این درخواست قصد دارند ثابت کنند که در ناراهی های اخیر نقشی نداشته و به روش های توأم با خشونت اعتقادی ندارند. در همین راستا یکی دیگر از پیام های منتشر شده در کانال دولت بهار از بابت ایجاد اغتشاش مجدد ابراز نگرانی کرده و نوشته است: «باید مراقب بود در این وضعیت بحرانی که یکسری اغتشاشگر، منتظر هر گونه فرصتی برای خرابکاری هستن از این مساله سوء استفاده نکنن و مخصوصاً که اغتشاشات اخیر رو که یکسری به دکتر احمدی نژاد ربطش دادن، دوباره از این حرکت سوء برداشت نکنن، پس بهتره دوستان محتاط تر عمل کنند». یکی دیگر از هواداران که برگزاری تجمع را بسیار عاقلانه و منطقی خوانده نیز نوشته است: «اگر طرف مقابل به این درخواست توجهی نکنند و بی اعتنائی شوند نشانه یک ظلم بزرگ و آشکار به ملت ایران هست. چاره ای جز قبول ندارند. در حال حاضر پتانسیلی از طرف مردم در زیر خاکستر وجود داره که اگر بی توجهی بشه ممکنه حوادثی اتفاق بیفته که پشیمانی های زیادی به بار بیاره.»

برخی نیز معتقد هستند که احمدی نژادی ها با ارائه درخواست مجوز و کارهایی از این قبیل سعی دارند در عرصه سیاست باقی مانده و با طرح نام خود برای حضورهای دوباره بسترسازی کنند. همان طور که یکی از هواداران شان در کانال دولت بهار نوشته است: «چپ و راست دارند می گن احمدی نژاد تموم شده و هیچ پایگاه اجتماعی نداره. مطمئن باشید با این تجمع مخالفت خواهد شد چون در عمل خلاف این گفته به همه ثابت خواهد شد و این اتفاقی نیست که خوشبختان آقا یون باشه.»

#### باز گشت مجدد

آیا احمدی نژاد بعد از یک سکوت سنگین دوباره عزم بازگشت کرده است؟ آیا نامه ای که هفت رقیق او نوشته اند نشانه ای برای آغاز جنجال های تازه است؟ اصلاً چرا درخواست مجوز راهپیمایی کرده است؟ آیا او می خواهد سیاست را به خیابان ها ببرد؟ آیا آنچه خواسته تایدی برای گفته های کسانی که می گفتند نشانه هایی از نقش یک مسئول سابق در اغتشاشات دیده شده نیست؟

پاسخ این چرا و سوال های دیگر هر چه باشد همگی نشانه هایی است از اینکه احمدی نژاد همچنان بر مدلی که دنبال می کرده اصرار دارد و همین روزها باید در انتظار شکسته شدن سکوتش باشیم؛ سکوتی سنگین که شاید همین روزها شکسته شود.

او سکوت کرده است؛ سکوتی که از بعد از اغتشاشات شروع شده و هنوز تمام نشده است.

سر و صدای اعتراضات فرونشست اما صدای احمدی نژادی هنوز در نیامده است. این در حالی است که بسیاری از تحلیلگران سکوت عجیب فرقه سه نفره احمدی نژاد، مشایی و بقایی را تا کنیتیکی برای بهره برداری سیاسی از ناراهی های اخیر می دانستند. ادامه این سکوت اما مشخص می کند که مساله جدی تر از این حرف ها است.

پروژه محمود احمدی نژاد چیست؟ برخی برای این پرسش یک پاسخ ویژه دارند. می گویند او می خواهد رهبر اعتراضات باشد.

این گزاره وقتی پررنگ تر می شود که رخداد های این چند وقت اخیر را بررسی کنیم. از بست نشینی ها و سخنرانی های تند و تیز تا سخنان بسیار مهمی که برخی مسئولان در مورد نقش او در ناراهی های اخیر داشته اند.

حالا در تازه ترین تحول محمود احمدی نژاد از حوار یون خود خواسته برای گرفتن مجوز یک راهپیمایی پافشاری کنند. باید در این مورد بحث کرد.

#### راز یک درخواست

اسفندیار رحیم مشایی، سیدحسن موسوی، عبدالرضا شیخ الاسلامی، حمید بقایی، علی ذبیحی، مرتضی تمدن و علی اکبر جوانفکر با ارسال نامه ای به وزیر کشور با اشاره به ناراهی های اخیر و بیان اینکه «آزادی تشکیل اجتماعات و نقد و اعتراض به سیاست ها و عملکردها و بیان مطالبات بحق و قانونی، از حقوق مصرح در قانون اساسی است» نوشتند: «اینجانبان بناداریم که از مردم برای بیان نظرات و اعتراض آرام و قانونمند خود به نحوه اداره کشور توسط قوای گوناگون و برخی از سیاست ها و رفتارها به خصوص در امور اقتصادی، قضایی و اجتماعی، دعوت به اجتماع نماییم.» درخواست برگزاری تجمع اعتراضی از سوی احمدی نژادی ها به دلایل مختلف توجه ها را به خود جلب کرد. اول اینکه آنها تا دیروز تهدید به افشای کرده، ویدئو منتشر کرده و بست می نشستند. از همین رو تغییر رویه یکباره و قصد آنها برای استفاده از روش های اصولی بیان اعتراض بسیار تعجب آور بود. از سوی دیگر این درخواست از سوی کسانی مطرح شده است که ۸ سال در قوه مجریه مسئولیت داشته و اتفاقاً به اجابت چنین درخواست هایی عادت نداشتند. البته خودشان این مساله را قبول ندارند. به همین خاطر است که مرتضی تمدن استاندار تهران در دوران احمدی نژاد مدعی است اصلاح طلبان در حال جوسازی علیه آنها هستند. او در متنی که در کانال تلگرامی دولت بهار منتشر شد، نوشت: «در پاسخ به دروغ پراکنی مدعیان اصلاح طلبی متذکر می شوم که در زمان مسئولیت بنده در استانداری تهران، آقایان موسوی و کروی از ۲۵ خرداد ۸۸ تا ۱۲ اردیبهشت ۸۹، قریب ۳۱ راهپیمایی برگزار کردند. آنها نامه خود را به استانداری آوردند و به آنها گفته شد که نامه شما فاقد شماره ثبت دبیرخانه است و طبق قانون، درخواست رسمی باید شماره شود، بروید رفع نقص کنید و همراه این فرم بیاورید. آنها رفتند و تا امروز که تصویر نامه را منتشر کرده اند هنوز نقص قانونی نامه را مرتفع نکرده اند و هیچ گاه هم مراجعه نکرده اند! اگر در داعیه خود صادق هستند شماره و تاریخ ثبت در دبیرخانه استانداری را منتشر کنند! ضمناً به بنده و مردم عزیز فرمایند مجوز آن ۳۱ راهپیمایی و تجمع با دود و بعضاً بدون دود از جمله راهپیمایی ۲۵ خرداد ۸۸ و روز قدس ۸۸ را چه کسی صادر کرد؟ احتمالاً از بس زمین گرد بوده و چرخیده سرشان گیج رفته و فراموش کرده اند!» پاسخ تمدن با پیام های تند کاربران حامی این طیف سیاسی همراه بود. پیام هایی که در پی یک فراخوان و نظرسنجی در مورد برگزاری تجمع در کانال دولت بهار منتشر می شود. مساله قابل توجه اما این است که هدف اصلی احمدی نژادی ها از ارائه این درخواست چیست؟ با برگزاری تجمع قصد اثبات چه چیزی را دارند و در صورت عدم صدور مجوز بازی را به کجا می کشانند. برخی تحلیلگران گمان می کنند که آنها در هر دو حالت سر و صدا به پا کرده و آشوب ایجاد می کنند. احتمال اینکه تجمع مورد انتظار را به درگیری کشانده و دولت را مسبب درگیری معرفی کنند، وجود دارد. برخی از پیام های کاربران حامی احمدی نژاد نیز این احتمال را تقویت می کند. به عنوان مثال یکی از هواداران آنها نوشته

۸ سال سکان قوه مجریه را با انواع حمایت‌ها به دست گرفت اما هر چه گذشت پیامدهای خسارت بار تصمیمات خلق الساعه او بیشتر عیان شد؛ با نزدیک شدن به سال‌های آخر ریاستش دیگر فقط تصمیمات او نبود که مشکل ساز شده بود بلکه پای تخلفات هم به میان آمد و آنقدر دایره این تخلفات گسترده شد که پس از پایان دولت دهم به اندازه همان هشت سال هر روز برگ تازه‌ای از این تخلفات رو شد و حالا همچنان اما و اگرها بر سر رسیدگی به تخلفاتش به قوت خود باقی است. محمود احمدی نژاد که این روزها یک‌هفته تا حاشیه سازی‌ها در کشور شده است، یک روز پیام ویدئویی می‌دهد و روز دیگر راه‌بست نشینی در پیش می‌گیرد؛ اما هیچ‌گاه حاضر نشد درباره تخلفاتش توضیح دهد و حالا سوال اینجاست که پرونده تخلفات احمدی نژاد به کجا رسید؟

### تخلفات احمدی نژاد چه بود؟

«۵ پرونده نفتی و ۲ پرونده غیرنفتی است.» این را چند ماه پیش دادستان دیوان محاسبات درباره تخلفات احمدی نژاد گفت؛ جمله‌ای که نشان می‌دهد ماجرای پرونده‌های رئیس دولت دهم به پایان نرسیده است. البته آنچه فیاض شجاعی به آن اشاره می‌کند پرونده‌هایی است که در جریان رسیدگی عاقبت بخیر شده و احکامی در مورد آنها صادر شده است. هر چند دادستان دیوان به تخلفات احمدی نژاد اشاره می‌کند اما به گفته عضو کمیسیون اصل ۹۰ در مجلس هشتم گویا فیاض شجاعی چندان اشراف کامل به تخلفات نداشته و تعداد دیگری از قانون‌گریزی‌های احمدی نژاد را ندیده است. فاضل موسوی در این رابطه به خبرآنلاین گفته است: پرونده‌هایی که دیوان محاسبات می‌گوید، همه تخلفات دولت احمدی نژاد نیست. دولت نهم و دهم بعد از مجلس هشتم هم فعالیتش ادامه داشت، بنابراین بخشی از پرونده‌های دیوان محاسبات مربوط به بعد از دوران نمایندگی ما است. دیوان محاسبات به همه واقعیاتی که درباره بودجه، بانک مرکزی، فروش شرکت‌ها و مسائل دیگر وجود دارد اشراف لازم را ندارد. هنوز روز آخر دولت احمدی نژاد فراموش نشده است. زمانی که مراسم تنفیذ حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور یازدهم در حال برگزاری بود، محمود احمدی نژاد برای تأسیس دانشگاهش به نام دانشگاه ایرانیان ۱۶ میلیارد از خزانه دولت برداشت کرد. هر چند تمویض نفت خام با بنزین و میعانات، سازمان هلال احمر و... مواردی از پرونده‌هایی است که درپای احمدی نژاد در آن مشاهده می‌شود و تخلفات رئیس دولت نهم و دهم در آنها به اثبات رسیده، اما اینها همه ماجرا نیست، چرا که هر روز ابعاد تازه‌تری از آنچه در سال‌های

۸۴ تا ۹۲ در خیابان پاسستور اتفاق افتاده است برلامی شود. مانند موضوعی که چندی پیش نادر قاضی پور نماینده مردم ارومیه عنوان کرد و گفت: آقایان احمدی نژاد، مشایخی، بقایی، رحیمی و موسوی خانه ایرانیان را در خارج از کشور تأسیس کرده بودند و آقای شریف‌زادگان رئیس هیأت مدیره، حمیدرضا شاکری‌نیا، احسان آریامحمد، محمدعلی ابراهیم و میثم طاهری نیز در این موسسه حضور داشتند. تصرف دیگر پرونده آقای بقایی در این رابطه است که ۳۰۰ میلیارد تومان به نام خانه ایرانیان برداشت شده است. یعنی از بیت‌المال به حساب خانه ایرانیان پول واریز کرده بودند.

### احکام بدون اجرا

هر چند با پایان دولت دهم صحبت بر سر تخلفات احمدی نژاد و رسیدگی به پرونده‌های او همواره مورد بحث بود، اما بعد از ماجرای بست نشینی و افشای‌های تلگرامی او، عزم برای مقابله با تخلفات رئیس‌جمهور سابق جدی‌تر شد. «تا جایی که دادستان دیوان محاسبات از صدور ۷ حکم قطعی و در حال اجرا علیه او خبر داد. فیاض شجاعی درباره احکام صادر شده اینگونه توضیح می‌دهد: «هفت هزار میلیارد تومان برای واریز غیرقانونی به مجتمع‌های پتروشیمی و سازمان هدفمندی یارانه‌ها، چهار هزار و ششصد میلیارد تومان برای تعویض نفت خام با بنزین و میعانات دیگر، شانزده میلیارد تومان برای دانشگاه ایرانیان، پانزده میلیارد تومان برای پرونده سازمان هلال احمر و ششصد میلیارد تومان برای پرونده پتروشیمی، جرمی نقدی برای او در نظر گرفته شده است.» به گفته شجاعی در برخی موارد مانند موضوع دانشگاه ایرانیان، دادستان دیوان محاسبات بلافاصله متوجه موضوع شده و مبلغ را بازگردانده است. او درباره نقش احمدی نژاد در مورد برداشت‌های مذکور گفته است: ایشان دستور مستقیم داده است. مثلاً گردش کار گرفته‌اند و گفته‌اند فلان کار را نمی‌توانیم انجام دهیم اما ایشان نوشته: «بسمه تعالی اقدام شود!». البته طبق گفته‌های شجاعی اجرای این حکم تقریباً منتفی است چون احمدی نژاد به این اندازه مال ندارد. او گفته است: کل اموال احمدی نژاد به دو میلیارد تومان نمی‌رسد. هر چند این احکام صادر شده، اما سوال اینجاست که آیا پشت این احکام قدرت اجرایی هم وجود دارد؟ آن‌طور که دادستان دیوان محاسبات می‌گوید، گویا تنها راه حلی که برای آن اندیشیده شده «تقسیم» است. البته به گفته شجاعی «این تقسیم نه به معنای کسر از حقوق بلکه به این صورت است که هر چقدر بتوانیم از او می‌گیریم. مترصد این هستیم که اگر مالی به او اضافه شود حتماً کسر کنیم». او گفته است: «بخشی از این ضرر و زیان

هم باید از خود شرکت ملی نفت و از منابع آنجا جبران شود. بنابراین بخشی را از محل منابع شرکت ملی نفت تقسیم کرده‌ایم.» شجاعی همچنین گفته بود: «عنوان شد که او را ممنوع الخروج کنیم اما معمولاً کسی را ممنوع الخروج می‌کنند که ممکن است مخفیانه برود و از دسترس خارج شود اما در این سطح چنین موضوعی منتفی است. مجلس دستش باز است و می‌تواند در مورد ایشان تصمیم بگیرد.» فاضل موسوی عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هشتم به خبرآنلاین می‌گوید احکام صادره برای احمدی نژاد بیشتر از هفت حکم است. موسوی گفت: «طبق اخباری که از منابع موثق به من رسیده، ۱۱ حکم قطعی علیه ایشان صادر شده است؛ پس بست نشینی فرافکنی و فرار رو به جلو است برای میرا شدن از این اتهامات. تا امروز مکرراً از احمدی نژاد خواسته شده که پاسخگوی اتهاماتش باشد.»

### پرونده‌های سرگردان

هر چند از بررسی پرونده‌های احمدی نژاد در قوه قضائیه زیاد سخن به میان می‌آید و حتی برای برخی از آنها احکامی هم صادر شده است، اما به نظر می‌رسد اینها همه آن پرونده‌هایی نیست که زمانی در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس بر سر آن بحث بود. وقتی از رئیس کمیسیون اصل ۹۰ درباره سرنوشت پرونده‌های رئیس دولت نهم و دهم در این کمیسیون سوال کردیم، اینگونه به خبرآنلاین پاسخ گفت: «پرونده‌هایی که احمدی نژاد در کمیسیون اصل ۹۰ داشت همه به قوه قضائیه ارسال شده است.» داود محمدی درباره زمان ارسال این پرونده‌ها نیز گفت: «این پرونده‌ها که عمدتاً در حوزه عدم اجرای قوانین، عدم ابلاغ به موقع قوانین و عدم تدوین آئین‌نامه‌های قوانین بوده است، بیشتر از یک سال است که به قوه قضائیه ارسال شده و ظاهراً در حال بررسی است، اما هنوز منتفی به تصمیم نهایی نشده است. هر چند رئیس کمیسیون اصل ۹۰ می‌گوید همه پرونده‌ها به قوه قضائیه ارسال شده است اما حسن نوروزی یکی از اعضای این کمیسیون که خودش یکی از شاکیان احمدی نژاد بود، درباره پرونده‌های سرگردان در کمیسیون اصل ۹۰ گفت: «متأسفانه هنوز به خود من پاسخ دقیقی داده نشده است. او در پاسخ به این سوال که آیا هنوز پرونده‌ای در مورد احمدی نژاد وجود دارد که در کمیسیون باشد و به قوه قضائیه ارسال نشده باشد، گفت: «قطعا چنین پرونده‌هایی وجود دارد و خود من ۱۶ الی ۱۷ پرونده را درباره احمدی نژاد مطرح کردم که هنوز به هیچ کدام پاسخی داده نشده و فکر می‌کنم اساساً به قوه قضائیه هم ارسال نشده.» نوروزی درباره موضوع این پرونده‌ها گفت: «این پرونده‌ها درباره تخلفات احمدی نژاد در کیش، بانک جهانگردی و... بوده است که ما آنها را با مستندات مطرح کردیم، اما لازم است پیگیری بیشتری داشته باشیم. متأسفانه شرایط به گونه‌ای رقم خورد که به شخصه کمتر توانستم درباره آن پرونده‌ها پیگیری کنم.»

### نقشه محمود

برخی می‌گویند محمود احمدی نژاد می‌داند که بعد از این اتفاقات اخیر و اوضاع اقتصادی کشور، یک پوپولیست شانس خوبی برای حضور در آینده سیاسی ایران دارد. او البته شاید چندان با توجه به سازو کار انتخاباتی ایران دیگر چندان امیدی به تأیید صلاحیت نداشته باشد. همین جاست که نگرانی‌ها جان می‌گیرد. او چه برنامه‌ای دارد؟ می‌خواهد رهبر اعتراضات باشد؟ می‌خواهد با افزایش شکاف‌های دولت و ملت بر موج اعتراضات سوار شود؟ آیا او پذیرش اجتماعی دارد؟ محمود احمدی نژاد یک نکته مهم را فراموش کرده است: «گرانی و تورم میراث احمدی نژاد است؛ او متمم درجه یک اوضاع امروز است. البته حسن روحانی نیز در این مساله سهم کمتر از او ندارد.»



محمود احمدی نژاد یک نکته مهم را فراموش کرده است: «گرانی و تورم میراث احمدی نژاد است؛ او متمم درجه یک اوضاع امروز است. البته حسن روحانی نیز در این مساله سهم کمتر از او ندارد.»



## اطرافیان احمدی نژاد بار او هستند نه یارش

گفت‌وگوی مثلث با امیررضا واعظ آشتیانی

که مطرح می‌کند، فارغ از اینکه چقدر درست است یا چقدر اشتباه است، ولی در هر صورت برای ماندگاری در فضای سیاسی کشور و در عین حال طرح کردن اینکه تفکر دیگری هم وجود دارد، ورود انجام می‌شود و حالا چقدر مورد اقبال قرار بگیرند توسط آحاد یا بخشی از جامعه، یا به چه میزان مورد اقبال برخی از سیاسیون قرار بگیرند، این بستگی دارد به آن سناریویی که تدوین کرده‌اند.

**ارزیابی شما از اینکه دکتر احمدی نژاد در این برهه اعتراضات یا اغتشاشات ساکت بودند، چیست؟ شما این سکوت شان را چگونه تحلیل می‌کنید؟**  
 ▲ من فکر می‌کنم شاید یکی از دلایل این باشد که ایشان سکوت کرده که احیاناً این ماجراها و این اتفاقات را منتسب به ایشان نکنند. شاید یکی از دلایل این باشد. یعنی مصلحتی بوده است؟

▲ شاید به این دلیل بوده یا به این نتیجه رسیده‌اند که این اتفاقاتی که پیش آمد و این حوادثی که طرح شد، ممکن است عده‌ای منتسب به ایشان کنند. به هر جهت بهانه‌جویی توسط برخی از افراد وجود دارد که هر موضوع بی‌ربطی را ارتباط به فردی دهند. من تحلیلیم این است، حالا شاید این

۲ محمود احمدی نژاد این بار هیاهو و جنجال را رها کرده و سکوت پیشه کرده است؛ سکوتی که می‌تواند آرامش پیش از توفان باشد. توفانی که فقط خودش می‌تواند آن را به راه بیندازد و بر موج آن سوار شود. اما این بار سکوت وی در برهه‌ای حساس صورت گرفت. احمدی نژاد و یارانش درست در بحبوحه اعتراض‌های مردمی به وضعیت اقتصادی و معیشتی خود که نوک پیکان آن دولت و سیاست‌های اقتصادی حسن روحانی را نشانه می‌رفت، سکوت اختیار کرد و هیچ موضع‌گیری‌ای نداشت. وضعیتی که برخی آن را ناشی از سهم - هرچند اندک او - در پیدایش آن اعتراض‌ها می‌دانند و موضع انفعالی آن را در راستای کاستن از بار انتقادات احتمالی و بعضاً برخورد با او در پی رخداد چنان حوادثی تبیین می‌کنند.

که تنها بحث آقای دکتر احمدی نژاد نیست، افراد دیگری هم که شمارصد می‌کنید، می‌بینید که بیشتر به دنبال این هستند که در عرصه سیاسی کشور تبدیل به یک وزن شوند، تبدیل به یک لیدر شوند و حالا این سناریوها یا بحث‌هایی را

به نظر تان دلیل رفتارهای متفاوت آقای احمدی نژاد چیست؟ همین چند هفته پیش بود که رفتارهای پرسر و صدایی داشتند و جنجال زیادی به پا کردند، اما اکنون سکوت اختیار کرده‌اند؛ دلیل آن چیست؟ آیا سناریویی را می‌توان متصور بود؟

▲ نه تنها آقای احمدی نژاد، هر فردی که یک موضوعی را مکرر دنبال می‌کند، قطعاً یک سناریو دارد و بدون سناریو و بدون مطالعه نیست. مطمئناً یک هدفی را دنبال می‌کند؛ به غیر از آقای احمدی نژاد، افراد دیگری را سراغ داریم که در نظام هستند، موضوعاتی را مطرح می‌کنند و روی آن موضوعات مانور می‌دهند و به نوعی به دنبال محقق کردن آن سناریو یا هدفشان هستند. در این شکی نیست، یعنی هیچ‌کس بدون مقدمه ورود به یک موضوعی نمی‌کند و در عین حال که ورود به موضوع می‌کند یا نمی‌کند، اگر دنبال نکنند و ادامه ندهد، یک حرکت خاص مقطعی است، ولی وقتی استمرار می‌دهد حرکت خود را، نشان می‌دهد که به دنبال یک هدف تعریف شده نسبت به موضوعی است. ضمن اینکه حالا من عرض می‌کنم

دنبال کنند. برای همین ما شاهد هستیم که یک مرتبه موجی درست می‌شود. یک گروهی رای می‌آورند، بعد در مقطعی دیگر یک موج دیگری درست می‌شود، با یک ادبیات دیگری، در حقیقت می‌توانیم بگوییم که گسستگی فکری ایجاد می‌کند و این موارد از یک تمرکز و یک شا کله‌مندی در موضوعات سیاسی برخوردار نیست.

**فکر می‌کنید چقدر این رفتارهای فردی که در غیاب احزاب، افراد وارد می‌شوند، روی افکار عمومی تأثیر دارد و آنها را می‌تواند با خودش همراه کند؟ وزن این نوع حرکت‌ها چقدر است؟**

▲ روی آقای احمدی نژاد تمرکز نکنیم، کسانی دیگر مشابه احمدی نژاد بوده‌اند. اینکه بتوانند یک اثرگذاری مثبت داشته باشند که منجر به یک اتفاق بزرگ شوند، نبوده، اما بی‌تأثیر هم نبوده است. یعنی می‌خواهم بگویم تأثیرگذاری‌اش، تأثیرگذاری فراگیر نیست، تأثیرگذاری‌ای است که محدود است، ولی در عین حال چون ما تحزب نداریم و ساختارمند با این موضوع برخورد نمی‌شود، شکل جامع و کاملی به خودش نمی‌گیرد، مگر اینکه احزابی که ایجاد می‌شود، خیلی فراگیر بتواند با یک برنامه جلو ببرد؛ هرچند من خودم ضمن اینکه اعتقاد دارم که تحزب خیلی نقش دارد، ولی این نگرانی در ذهنم وجود دارد که مردم ما تحزب‌پذیر نیستند، همین‌طور که فعالان سیاسی ما نیستند. در عین حال که بنده دارم می‌گویم ما باید به این سمت برویم، ولی این انتقاد هم وارد است. کسانی که در گروه‌های سیاسی هستند را رصد کنید، یعنی وقتی داخل این گروه‌ها و احزاب سیاسی نیم‌بندی که ما داریم وارد شوید، می‌بینید که حتی آن افرادی که شا کله آن حزب هستند، خودشان پایبندی به آن باورها ندارند و اگر پایبندی هم باشد، محدود هستند، یعنی این نشان می‌دهد ما ایرانی‌ها یک مقدار نسبت به تحزب نگاه مثبت نداریم. حالا دلایلش باید ارزیابی شود که چرا نداریم و قطعاً اگر مورد تحلیل قرار بگیرد، به نتایج خوبی می‌رسیم. اگر این کار، کارشناسی انجام شود که چرا مردم ایران ایجابی به تحزب نشان نمی‌دهند و این آسیب‌شناسی انجام گیرد، از آن زمان حداقل ما پنجاه سال وقت نیاز داریم که کار فرهنگی کنیم تا مردم به آن سمت بروند. مردم به گونه‌ای عمل نکنند که در انتخاباتشان از چاله بیفتند در چاه.

**باتوجه به شناختی که سال‌ها پیش از آقای احمدی نژاد داشتید و در مصاحبه‌ای هم گفته بودید که آقای احمدی نژاد دچار تغییر شده‌اند؛ فکر می‌کنید آینده ایشان چیست و ایشان به چه سمتی می‌روند و در کدام مرحله متوقف خواهند شد یا حرکت بعدی‌شان چه خواهد بود؟**

▲ جناب آقای احمدی نژاد افرادی که با آنها طرف مشورت است، به اصطلاح عامیانه بار ایشان هستند تا یار ایشان. افراد خوشفکری نیستند، افرادی نیستند که خوراک‌های فکری که می‌دهند، باعث می‌شود ایشان به سمت و سویی هدایت شود و دارای یک تئوری‌ای شود که متوسط جامعه بپذیرند. اینکه ما یک قشر محدودی را فکر کنیم طرفداران هستند، پس همه چیز می‌تواند همان باشد، این فرضیه، فرضیه درستی نیست. به اصطلاح مدیریتی هر فرد موفق‌تری را باید از پنج نفر کنارش مورد ارزیابی قرار داد. من خودم تا مدتی پیش فکر می‌کنم آقای احمدی نژاد خیلی فکور است و خیلی باتدبیر برخورد می‌کند، ولی الان به این نتیجه رسیده‌ام که ایشان خیلی سریع و برخلاف آن چیزی که تصور می‌شود، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این تحت تأثیر قرار گرفتن، ایشان را از آن مسیر اثرگذاری که در دولت نهم داشتند، دور کرده و قطعاً اگر بخواند همین رویه‌ای که پیش گرفته ادامه پیدا کند، من تصور نمی‌کنم که جایگاه خوبی در آینده سیاسی ایران بتوانیم داشته باشیم. ▶

تحلیل من قابل نقد باشد، ولی من خودم تصور این است که اگر ایشان سکوت کرده و چقدر هم خوب کرد ایشان سکوت کرد؛ چه بسا امکان داشت اگر حرف خاصی می‌زدند، آن سرشاخه‌هایی که خودشان مسبب بودند، موضوع را به سمت آقای احمدی نژاد هدایت می‌کنند و همه این اتفاقات را منتسب به ایشان کنند. بنابراین من فکر می‌کنم که اگر ایشان سکوتی اختیار کرد، بیشتر از این جهت بود که این موضوع را به ایشان منتسب نکنند.

**در پاسخ به پرسش اول شما اشاره کردید که دیگرانی هم بودند مثل آقای احمدی نژاد که صحبت‌هایی هم کرده‌اند صرفاً برای اینکه در فضای سیاسی بمانند. به نظر شما این نظام سیاسی و یا این چرخه به کارگیری سیاستمداران ما دچار یک نارسایی است که هر فردی که یک مدت زمانی را عهده‌دار پستی بوده وقتی می‌رود کنار، به فراموشی سپرده می‌شود و خودش ناچار است مبارزه کند تا به فراموشی سپرده نشود. این ایراد را شما از چه می‌دانید؟**

▲ من بارها درباره موضوع تحزب صحبت کرده‌ام، مواضع من هم روشن است. ما تا زمانی که در جامعه‌مان تحزب را جدی نگیریم و احزاب کارآمد و احزابی با برنامه و ساختارمند را دنبال نکنیم، همیشه شاهد این پراکندگی‌های رفتاری سیاسی خواهیم بود. چه توسط افراد سیاسی‌ای که در مقام اجرایی بودند یا در مقام قانون‌گذاری بودند. ما همیشه شاهد بودیم که این اتفاقات هست، برای اینکه فراموش نشوند، برای اینکه تئوری‌های فکری آنها فراموش نشود یا احیاناً در فضای سیاسی کشور تأثیرگذار بمانند، به این صورت ظهور و بروز کرده‌اند یا احیاناً افت پیدا کردند یا افول داشته‌اند. ولی وقتی تحزب برنامه‌دار، تحزب اثرگذار و تحزبی که برگرفته از نگاه آحاد جامعه نسبت به گروه‌های سیاسی انسجام‌یافته داشته باشیم، دیگر شاهد چنین اتفاقاتی قطعاً نخواهیم بود؛ چه بسا امکان دارد سیاستمداران گذشته ما تبدیل به یک تئوریسین‌هایی شوند که بتوانند اثرگذاری خوبی را به واسطه آن تشکل خودشان در جامعه داشته باشند. شما امروز وقتی نگاه می‌کنید به کشورهای توسعه‌یافته که دارای احزاب قدرتمند هستند که تصمیم‌سازی می‌کنند و حتی مردم را تشویق و ترغیب نسبت به نگاه سیاسی خودشان، چه از نگاه سیاسی، اقتصادی فرهنگی می‌کنند، شا کله این تشکل‌ها را می‌بینید که افرادی تشکیل داده‌اند که هر کدام آنها می‌تواند به لحاظ تئوریسینی تأثیر بسیاری را نسبت به آن تشکل داشته باشد و آن تشکل هم بر آن بخش از جامعه که طرفدارش هستند را می‌تواند داشته باشد، ولی ما پراکندگی زیاد داریم و برای همین است که مردم عادت کرده‌اند که در انتخابات هیجانی وارد شوند، مردم عادت کرده‌اند که احیاناً در برخی مواقع یک تصمیماتی را بگیرند که در آینده هم خودشان پشیمان از آن رأیی که داده‌اند، شوند. اینها برگرفته از این است که ما تحزب مقتدر نداریم که مردم را به سمت و سویی هدایت کنند که آن تئوری و آن گفتگویی که به آن علاقه‌مند هستند را

**جناب آقای احمدی نژاد افرادی که با آنها طرف مشورت است، به اصطلاح عامیانه یار ایشان هستند تا یار ایشان خوشفکری نیستند، افرادی نیستند که خوراک‌های فکری که می‌دهند، باعث می‌شود ایشان به سمت و سویی هدایت شود و دارای یک تئوری‌ای شود که متوسط جامعه بپذیرند**

## بحران برفی

مدیریت بحران شهرداری تهران که در واقعه زلزله مورد انتقاد شدید قرار گرفت، بایک حادثه دیگر دوباره در صدر اخبار بود. کاربران فضای مجازی با دستمایه‌های طنز سعی کرده‌اند ضعف مدیریت بحران شهرداری تهران را به نمایش بگذارند و به لزوم تشکیل ستادی برای جلوگیری از غافلگیر شدن مدیریت بحران اشاره کنند.

## پایان نجفی؟

آیا برف نسخه شهردار تهران رامی پیچد



۱ از زمین و زمان برای محمدعلی نجفی می بارد نه فقط برف؛ بلکه موجی سنگینی از انتقادات، نه فقط از سوی مخالفان سیاسی اش که همزمان با انتقادات تند و تیز اصلاح طلبان، اوضاع چنان شده که حتی محمدرضا عارف هم که در بدترین شرایط سکوت را بر هر چیز دیگری ترجیح می دهد نیز لب به اعتراض گشوده و شاید تندترین انتقاد دوران اخیر خود را به محمدعلی نجفی اختصاص داده است. همه اینها نشانه هایی است برای پرننگ شدن گمانه هایی که این روزها در محافل سیاسی سینه به سینه نقل می شود. گمانه هایی که از تصمیماتی برای خداحافظی با محمدعلی نجفی حکایت دارد.

به رغم هشداری های یک هفته گذشته سازمان هواشناسی مبنی بر بارش برف و کاهش دما در بسیاری از نقاط کشور و همچنین پایتخت، اما طی روزهای جمعه و شنبه بارش نه چندان سنگین برف موجب فلج شدن حمل و نقل در پایتخت و محاصره آن برای اولین بار در سه دهه گذشته شد، آن هم تهرانی که قرار است نقطه ثقل پدافند غیرعامل و مدیریت بحران در کشور باشد. از بعد از ظهر روز هفتم بهمن ماه بارش برف در پایتخت شدت گرفت و همزمان با شدت گرفتن بارش برف، بایستی توجهی مسئولان وزارت راه و شهرسازی و در رأس هرم مدیریتی این وزارتخانه عباس آخوندی، مشکلات انواع مدل های حمل و نقلی ما هم شدت گرفت تا جایی که صدای همه مسافران انواع حمل و نقل اعم از جاده ای، ریلی، هوایی و... را درآورد، البته انتقادهای فراوانی هم متوجه محمدعلی نجفی، شهردار تهران شد به طوری که در فضای مجازی گفته شد، شهردار در کنار توجهش به جشن تولدش و وظایف خود در قبال پایتخت و مردم را مورد توجه قرار می داد. بسیاری از مردم این نقد را به شهردار داشتند که چرا شهرداری درخت ها را هرس نکرده یا فکری برای بازگشایی خیابان ها نکرده است، در عین حال حمل و نقل در درون شهر نیز با مشکلات زیادی روبه رو بود و بسیاری از مسافران از کمبود شدید وسایل نقلیه غافلگیر شدند، در این میان شکسته شدن درخت ها نیز صدمات زیادی به وسایط نقلیه پارک شده کنار خیابان ها زد.

برای اولین بار در ۵۰ سال گذشته پایتخت در شرایطی قرار گرفت که عملاً همه انواع حمل و نقل عمده از طریق جاده، ریل و هوایی برای ورود و خروج به آن از کار افتاد و شهر در محاصره قرار گرفت. در این میان خبرگزاری فارس در رابطه با ضعف های وزارت راه و شهرسازی و سازمان راهداری در مدیریت حمل و نقل

در بارش برف نه چندان سنگین روزهای اخیر نوشت: «بسیاری از مسافران در جاده های کشور ماندند، بسیاری از آزادراه ها و جاده ها مسدود شد و مهم تر از همه بسیاری از آزادراه های ورودی و خروجی تهران با افزایش بارش برف و کولاک مسدود شد. انسداد آزادراه هایی نظیر تهران- کرج و تهران- قم به عنوان اصلی ترین و پرتددترین شریان های جاده های کشور با بارش یک برف، می تواند برای مدیریت بحران کشور بسیار نگران کننده باشد. به هر حال از روزهای قبل خبر وقوع چنین بارشی داده شده بود و جای تعجب بسیار داشت که چرا سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور فکری برای عدم انسداد این مسیرها نداشت. همین کم کاری موجب شد راه های اصلی ورودی تهران مسدود شود و مسافران بسیاری شب تا صبح در برف و کولاک در خودروهای خود در آزادراه تهران- کرج محصور شوند. محورها از دو طرف مسدود شده بود و هیچ امکان بازگشایی مسیر و نجات مسافران از برف و کولاک در ساعات اولیه وقوع برف وجود نداشت. تجهیزات راهداری هم به موقع مستقر نشده بودند، ضمن آنکه نمک پاشی چندانی انجام نشده بود و همه اینها بدان معناست که مدیران ما هنوز با موضوع «زمان طلایی» در بحران و حوادث آشنا نیستند. در این شرایط عباس آخوندی به عنوان وزیر راه و شهرسازی کشور عکس العمل چندانی از خود نشان نداد.

با این روند قطعاً به نظر می رسد در بروز شرایط بحرانی بزرگ تر این نوع مدیریت ها کارساز نخواهد بود و به فاجعه می انجامد. از سوی دیگر بارش برف موجب تعطیلی دو فرودگاه بزرگ و بین المللی کشور شد، مسافران داخلی و خارجی سرگردان شدند و هیچ پیش بینی ای از وقوع این اتفاق و مدیریت آن بین دست اندکاران صنعت حمل و نقل هوایی کشور حس نشد، همچنین با بارش برف و کاهش دید افقی، سرعت سیر قطارها کاهش یافت و مسافران قطارها ساعت ها پشت ترافیک ورودی ایستگاه راه آهن تهران ماندند، البته به دلیل انسداد آزادراه تهران- قم، قطار فوق العاده این مسیر توسط راه آهن راه اندازی شد اما این قطار فوق العاده هم سوءمدیریت در آزادراه تهران- قم رافع نکرد.»

#### انتقادهای تند و تیز حامیان سابق

محسن هاشمی از کسانی است که به عملکرد شهرداری تهران در ماجرای برف و بحران پس از آن انتقاد کرده است.

رئیس شورای شهر تهران گفته است: «در پی بارش برف شدید اقداماتی در راستای بازگشایی معابر اصلی انجام شد اما متأسفانه شهرداری تهران نسبت به برف روبی و آماده سازی کوچه پس کوچه ها عملکرد خوبی نداشت.» محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران نسبت به عملکرد شهرداری تهران برای بازگشایی کوچه پس کوچه ها در پی بارش برف انتقاد کرد: «محسن هاشمی رفسنجانی در ابتدای چهل و دومین جلسه شورای شهر تهران ضمن تسلیت به مناسبت فرارسیدن دهه فاطمیه و ایام شهادت حضرت زهرا (س) اظهار کرد: «از خداوند خواستم روز شهادت مظلومه تاریخ پنهان بماند.» وی با اشاره به بحران های اخیر در سطح کشور و تهران اظهار کرد: «بعد از بحران های زلزله در کرمانشاه و اطراف تهران و حتی بحران نارضایتی شهروندان تهرانی شاهد بحران دیگری در سطح شهر تهران به دلیل بارش برف بودیم که باز جامعه تهرانی را غافلگیر کرد.

از جهتی برف داده خداوندی است و باید شکرگزار باشیم اما نشان داده شده که در مشارکت های اجتماعی ضعیف شده ایم. سیستم های برتر خبررسانی من جمله صداوسیما و روزنامه ها متأسفانه در جذب مشارکت های اجتماعی در چنین بحران هایی مطلوب عمل نمی کنند، به طوری که در دهه های ۵۰ و ۶۰ بارش برف شدیدتری را در تهران شاهد بوده ایم این مشارکت وجود داشت، ضمن اینکه در امداد رسانی نیز موفق بودیم. در پی بارش برف شدید اقداماتی در راستای بازگشایی معابر اصلی انجام شد اما متأسفانه شهرداری تهران نسبت به برف روبی و آماده سازی کوچه پس کوچه ها عملکرد خوبی نداشت. در پی بارش برف در تهران ۲ تا ۳ هزار نیرو و همچنین ۶۳ پایگاه برف روبی در سطح شهر تهران مورد استفاده قرار گرفت و شهرداری توانست خیابان های اصلی را با استفاده از نمک و شن بازگشایی کند اما در کوچه پس کوچه ها عملکرد خوبی نداشت و دچار بحران بود.»

رئیس شورای شهر تهران همچنین به شکسته شدن درختان در سطح شهر تهران اشاره کرد و گفت: «در این بخش نیز شاهد شکستگی درخت ها در پی بارش برف بودیم که در همین زمینه خلا همکاری بین شهروندان، شهرداری و دولت وجود داشت که باید این موضوع آسیب شناسی و برطرف شود.» اما محسن هاشمی تنها عضو شورای شهر نبود که به این اتفاق انتقاد کرد. مجید فراهانی، عضو شورای شهر تهران با بیان اینکه نحوه خدمات رسانی شهرداری در زمان بارش برف مطلوب نبود گفت: «به رغم پیش بینی های انجام شده در خصوص برف روبی، مدیریت شهری غافلگیر شد.»

#### ابراز تاسف عارف از عملکرد شهرداری تهران

در این میان محمدرضا عارف هم به صورت غیرمنتظره ای از محمدعلی نجفی انتقاد کرد. «محمدرضا عارف رئیس مجمع نمایندگان تهران اظهار کرد: «تاسف می خورم از اقدامات شهرداری و استانداری که برای بارش متوسط برف، شهر به این وضع درآمده است.» وی افزود: «متأسفانه هم اتوبان های پایتخت و هم اتوبان های تهران - قم و تهران - کرج بعد از بارش برف وضعیت نابسامانی پیدا کردند و مردم ساعت ها در این اتوبان ها معطل ماندند. ضمناً گله جدی داریم که چرا شهرداری آمادگی اولیه را برای ساماندهی معابر و برف روبی نداشت.» عارف اضافه کرد: «از شب گذشته تا کنون تعداد زیادی درخت بر اثر سنگینی بارش برف شکسته که نشان می دهد عوامل شهرداری اقدام به برف روبی از درخت ها نکرده اند، ضمن اینکه شن پاشی در کوچه و خیابان های فرعی نیز به شکل مطلوب انجام نشده است. به طور جدی موضوع را از طریق استانداری و شهرداری

#### تصویری از محمدباقر قالیباف در روز برفی تهران





### توییت های نجفی دستمایه طنز در فضای مجازی بود

موضوع داغ رسانه ها تبدیل شده و همواره مطرح می شود که چرا شهردار تهران باید در اکثر موقعیت های بحرانی و حساس در کیش به سر ببرد!! البته این انتقادات مختص فضای مجازی نبوده و بسیاری از اصلاح طلبان نیز برای اولین بار نسبت به عملکرد بسیار ضعیف شهرداری تهران در حوزه کمک رسانی به شهروندان و همچنین راهگشایی معابر اذعان داشته اند.

سردرگمی مردم در مسیرهای مواصلاتی، بیخ زدگی مسیر و عدم شن پاشی های لازم، عدم وجود یک فرمانده واحد به منظور ساماندهی فعالیت ها و... نمونه هایی از اعتراضات صورت گرفته بوده که هنوز هیچ جوابی برای آنها داده نشده است. اگر در گذشته انتقادات نسبت به شهرداری فعلی تهران بیشتر از سوی اصولگرایان مطرح می شده و جریان اصلاح طلب در رسانه های شان سعی در پنهان کاری و یا توجیه اقدامات محمد علی نجفی برمی آمدند ولی در وضعیت فعلی دیگر از توجیحات رسانه ای خبری نیست! خود رسانه ها نیز به منتقدین میدل شده اند و حتی اعضای شورای شهر نیز با شهردار همراهی نمی کنند، چرا که به اعتراض مردم نسبت به اوضاع شهری واقفند! میزان انتقادات نسبت به شهرداری تهران به ویژه شخص شهردار در حدی بالا بوده که می توان زمزمه های حضور کوتاه مدت وی را در مسند مدیریت شهری به خوبی شنید. کمتر از یکسال از مدیریت وی نگذشته که شهرداری تهران تقریباً در همه آزمون های پیش رویش شکست خورده و هیچ رزومه قابل دفاعی در برابر مردم ارائه نکرده است. به نظر می رسد جریان اصلاحات برای حفظ آبروی خود هم که شده دیگر تن به حمایت های سیاسی از شهردار تهران نداده و با عزل وی به دنبال نمایشی از شایسته سالاری به مردم باشند. لااقل در ظاهر امر عزل نجفی و انتصاب فردی با قابلیت های عملکردی بالاتر نه تنها نگاه عمومی شهروندان تهرانی نسبت به شورای شهر را بهبود می بخشد، بلکه مقبولیت اصلاح طلبان را در انتخابات های آینده افزایش خواهد داد. طبیعتاً جریان عریض و طویل اصلاحات، مشروعیت و حتی مقبولیت خویش را فدای نا کارآمدی های همچون شخص محمد علی نجفی نخواهد کرد و باید منتظر تغییرات دیگری در فضای مدیریت شهری در شهر تهران باشیم.

این همه در حالی است که محمد علی نجفی ادعا می کند شهرداری به او و تیمش نمره ۱۸ در ماجرای بحران برف داده است. ▶

استانبول نمی شود. این انتظار از مسئولان هست که قدری از شعار زدگی فاصله بگیرند و خود را بهتر در آینه نگاه کنند. ◀

### احتمال عزل نجفی افزایش یافته است! ▶

درست زمانی که مردم شهر تهران از مناطق بالاتر پایین شهر غرق در شادی و خوشحالی به خاطر نعمت بارش برف بودند، برخی دیگر از مسافرین شهری و بین شهری به دلیل عدم توجه مدیران گرفتار شده و منتظر کمک های امدادی بودند. شاید هیچ کس فکرش را نمی کرد همین برف زمستانی مقدمه اعتراضات گسترده نسبت به عملکرد شهرداری تهران باشد تا جایی که حتی روند انتقادات گسترده تر شده و شائبه کوتاه شدن عمر مدیریتی محمد علی نجفی را مطرح کند. با توجه به اینکه از هفته گذشته هواشناسی بارها اعلام کرده بود که وضعیت هوای تهران در هفته جاری با بارش برف و باران همراه بوده ولی هیچ گونه اقدامات پیشگیرانه ای برای مقابله با این پدیده طبیعی در دستور کار شهرداری تهران قرار نگرفته بود و به واقع می توان گفت که شهردار تهران غافلگیر شد.

مدیریت بحران شهرداری تهران که در واقع زلزله مورد انتقاد شدید قرار گرفت، با یک حادثه دیگر دوباره در صدر اخبار بود. کاربران فضای مجازی با دستمایه های طنز سعی کرده اند ضعف مدیریت بحران شهرداری تهران را به نمایش بگذارند و به لزوم تشکیل ستادی برای جلوگیری از غافلگیری شدن مدیریت بحران اشاره کنند!!

در مساله برف شدید تهران همچون پدیده های گذشته، شهردار تهران بزرگترین، به نحوی که نه در حوزه اطلاع رسانی و نه ارائه گزارش اسمی از وی نمی توان یافت! حضور مکرر محمد علی نجفی در شهر کیش نیز به

**سردرگمی مردم در مسیرهای مواصلاتی، بیخ زدگی مسیر و عدم شن پاشی های لازم، عدم وجود یک فرمانده واحد به منظور ساماندهی فعالیت ها و... نمونه هایی از اعتراضات صورت گرفته بوده که هنوز هیچ جوابی برای آنها داده نشده است**

پیگیری می کنیم تا ببینیم چرا به رغم پیش بینی های هواشناسی، شهر بعد از بارش برف فلج شد. انتظار داریم عوامل شهرداری و استانداری با فوریت اقدامات لازم را برای برگرداندن استان و شهر تهران به وضع طبیعی انجام دهند. ▶

### چالش برف با مدیریت حرف ▶

اگر چالش برف بتواند برخی مدیران پرگو اما بی عمل را کمی متواضع، واقع گرا و منصف کند، دو چندان نعمت است. محمد ایمانی فعال رسانه ای در کانال تلگرامی خود نوشت: «چالش برف با مدیریت حرف. همین تیتتر کفایت می کند؛ بدون هیچ شرح و توضیح اضافه ای. دانه های برف به مدیریت حرف می گویند زیاد گویی کردید؛ اندکی زبان در کام بگیرد و حرف نزنید. بدون اینکه حرف بزنید، خود را نشان بدهید؛ اگر می توانید. اگر هم نمی توانید، لااقل درباره مدیران قبل از خود به این راحتی بدگویی نکنید تا فضای افکار عمومی را آلوده و مسموم نکرده باشید.» اگر چالش برف بتواند برخی مدیران پرگو اما بی عمل را کمی متواضع، واقع گرا و منصف کند، دو چندان نعمت است. ▶

اما یادداشت اخیر زیبا کلام که خود از مبلغان لیست امید در انتخابات اخیر شورای شهر بود، قابل توجه است. «وی نوشته است: «به همان میزان که تهرانی ها از بابت نعمتی که تهران را سفیدپوش کرد، خوشحال شدند به همان میزان نیز دستگاه عریض و طویل و بزرگ شهرداری غافلگیر شد. این بار نیز باید اذعان داشت که شهرداری قابل توجیه نیست، چرا که هواشناسی اعلام کرده بود که از اوایل هفته برف خواهد آمد و پیش بینی هواشناسی این شرایط را به شهرداری گوشزد کرده و شهرداری می بایست خود را آماده می کرد، اما به نظر می رسد که آمادگی شهرداری برای رویارویی با برف در حداقل ممکن بود. بسیاری از بزرگراه های اطراف تهران مسدود شده بودند. اگر چه خیابان های اصلی قابل رفت و آمد بود، اما بسیاری از خیابان های فرعی چه برسد به کوچه پس کوچه ها، عملاً غیر قابل رفت و آمد شده بود. البته آقای محمد علی نجفی می تواند بگوید که این هم از بدایالی من است که سال ها در تهران برف نیامده بود و هنوز چند ماه از شهردار شدن من نمی گذرد که بارش چنین برف سنگینی بعد از سال ها تهران را سفیدپوش کرد و اسباب شرمندگی شهردار و شورای اصلاح طلب شهر شد. در اینجا سوالی به وجود می آید و آن اینکه چگونه شد در کنشورهای دیگر نزولات جوی و تغییر آب و هوا، نه فرودگاه ها را اقل می کند و نه جاده ها را می بندد؟ نگارنده سال های زیادی در انگلستان بوده و به رغم مه گسترده که چشم چشم را نمی دید، فرودگاه هیترو لندن همواره باز و به رغم برف سنگین، اتوبان ها باز و قابل تردد بودند. اما نمی دانم که چرا در میهن ما وقتی برف می آید، اتوبان تهران-قم بسته می شود، فلان بزرگراه و جاده مسدود می شود و وضعیت پیش می آید که شاهد بوده ایم.

حتی نکته جالب این است که فرودگاه امام خمینی که علی القاعده باید مجهزترین فرودگاه کشور باشد، در همان ساعات اولیه بارش برف عملاً مسدود شد. از این رو بد نمی شد که مسئولان کشور می توانستند در این زمینه هادرسی از کشورهای دیگر بگیرند. در این راستا نیازی نیست که آقای نجفی به خودشان زحمت بدهند و ببینند که فرودگاه هیترو لندن چگونه به خاطر برف یا مه هیچ وقت بسته نمی شود؛ ایشان می توانند راه کوتاه تری رفته و به فرودگاه استانبول بروند و ببینند که چه می شود که حتی بارش برف سنگین نیز موجب بسته شدن فرودگاه

**آقای نجفی در شورای شهر گزارش ۱۰۰ روزه داد که در آن گزارش یک سری اتهامات به مدیریت شهری قبل از خودش وارد کرد، وقتی گزارش آقای نجفی را مطالعه کردید ارزیابی و تحلیل تان چه بود؟**

▲ این تیم کارشناسی که شهرداری برای بررسی کار شهرداری انتخاب کرد، کار خوبی است اما یک شرط دارد، آن هم اینکه ادوار مختلف شهرداری را این تیم بررسی کند. شورای پنجم از شهردار تهران گزارش عملکرد دوره آقای قالیباف را نخواست، بلکه خواست آقای نجفی بگوید شهرداری را در چه وضعی تحویل گرفته است؟ بنابراین برای پاسخ باید الزام بررسی از یک نقطه موثر در شهرداری تا زمان حال مبنا قرار می‌گرفت که دامنه زمانی چنین بررسی‌ای صرفاً به دور مدیریت آقای قالیباف محدود نمی‌شود. صد سال قبل بلدیة در تهران بود اما همه اعتقاد دارند مدرن شدن شهر تهران و تحولات مدیریت شهری از دوره آقای کرباسچی شروع شد، بنابراین اگر آقای شهردار تهران بخواهد کامل گزارش دهد که شهرداری را در چه وضعیتی تحویل گرفته، تهیه این کار مستلزم آن است که از نقطه موثر در تحولات شهرداری تا امروز ارائه گزارش می‌شود. نکته دوم اینکه نباید سیاسی نگاه کرد و اگر این بررسی به مقابله با هر نوع فساد و سوءاستفاده‌ای هم بینجامد ارزشمند و عاقلانه است. شاید مهمترین بخش این گزارش آنجایی است که آقای نجفی تأکید بر رعایت قانون و اخلاق کرد اما در همین گزارش معتقدم او از مدار اخلاق و قانون خارج شد. اعتقاد دارم بسیاری از مسائل و مشکلات تهران ریشه در ادوار قبل از مدیریت آقای قالیباف دارد. از زمان تشکیل بلدیة تا امروز بسیاری از مشکلات مدیریت شهری خارج از حیطه اختیارات شهرداری بوده است. به عنوان مثال نقش شهرداری در ایجاد حاشیه‌نشینی اطراف تهران چیست؟ مسائل اقتصادی کشور، تحولات کشور و پدیده‌های گوناگون اقلیمی موجب مهاجرت و بروز پدیده حاشیه‌نشینی شد. اگر قرار بود گزارشی ارائه شود که آقای نجفی اعلام کند شهرداری را در چه وضعیتی تحویل گرفته است، نباید این مسائل نادیده گرفته می‌شد و فقط به وضعیت دوره‌ای خاص می‌پرداخت. اوج از بین رفتن باغات و بسیاری از موضوعات در تهران مثل بلندمرتبه‌سازی‌ها در دهه هفتاد اتفاق افتاد و در دهه‌های بعد استمرار پیدا کرد. جای ذکر این موضوعات در گزارش آقای شهردار خالی بود و نشان می‌دهد که گزارش آقای نجفی، گزارشی جامعی نیست. در شرایطی که ریشه ایجاد زیرساخت‌ها و بسترهای برخی مفاسد و فرصت‌طلبی‌ها در شهرداری به ادوار مختلف برمی‌گردد، بنابراین اگر قرار بود گزارش آقای شهردار کارکرد راهنمایی و راهبردی داشته باشد باید به این نکات توجه می‌شد؛ پس لازمه تهیه و تدوین چنین گزارشی پرهیز از نگاه سیاسی و صرفاً توجه به حل مسائل بود اما متأسفانه این گزارش بیشتر به جای آنکه از لحاظ کارشناسی مسائل را در شهرداری شرح دهد، گزارشی سیاسی است. یک مدیر شهرداری اعلام کرد: «فقط از ما در طول این مدت گزارش می‌خواهند، آن هم گزارشی که خود آنها به ما می‌گویند چه بنویسیم، نه آنکه ما نظر کارشناسی خود را بیان نکنیم. می‌گویند از گزارش تان باید چنین نتیجه‌ای در بیاید.» واقعا از نوشتن چنین گزارشی انتظار داریم نتایج درستی درآید؟ معتقدم همین تیم کارشناسی که از نخبگان و کارشناسان بودند بهتر است بررسی دقیقی از دوره‌های مختلف شهرداری انجام دهند. به دلیل اینکه بعد از دوران دفاع مقدس تهران به سمت پیشرفت و مدرن شدن حرکت کرد و بررسی‌ها هم نشان

## شهرداری غافل‌گیر شد

گفت‌وگو با مرتضی طلائی



من در پیامک‌های خودم دارم عزیزتی سوال کرده «این گزارش درست است یا خیر؟ ما بالاخره گذشته را قبول داشتیم، لطفاً برای ما رفع ابهام شود.» واقعا برای عده‌ای ابهام به وجود آمد ولی اگر نگاه کارشناسی به موضوع داشتند و با نگاه کارشناسی موضوعات را بررسی می‌کردند این طور نمی‌شد. مگر می‌شود برای مشخص شدن وضعیت یک سازمان و تشکیلات فقط دوره خاص آن را بررسی کنند و بگویند شهرداری این قدر بدهی دارد؟ آیا در ۱۲ گذشته این مقدار بدهی به وجود آمده است؟ مشخص می‌کردند از این میزان بدهی شهرداری، این مقدارش برای دوره آقای ملک‌مدنی و الویری، این دوره مقدارش برای دوره آقای احمدی‌نژاد و این مقدارش برای دوره آقای قالیباف است. این می‌شود گزارش منصفانه. در مجموع احساس می‌کنم این گزارش در جمع بازخورد مثبتی برای هیچ کدام از طرفین نداشت، حتی برای دوستانی که در حال حاضر در شورا و شهرداری هستند این گزارش آورده‌ای نداشت چون بیشتر نوعی فرار به جلو بود تا توجیه‌کننده که چرا نمی‌توانند کاری انجام دهند. برای همین زحمات کشیده شده در گذشته را زیر سوال بردند در حالی که ما می‌گوییم اگر فساد و تخلفی بود برخورد کنند اما زحمات و تلاش‌های صورت گرفته را هم به مردم بگویند که مردم ناامید نشوند.

**می‌گویند سالی که نکوست از بهارش پیداست، باتوجه به اینکه شما خودتان گفتید آقای نجفی را می‌شناسید و امروز نیز این گزارش را از او شاهد بودید، به نظر شما با این رویکرد و این مشی، او در پایان دوره مسئولیتش کارنامه قابل‌ارائه‌ای خواهد داشت؟**

▲ ما بچه‌های انقلاب هستیم و در برابر عدم رعایت قانون و تخلفاتی که در انتخابات شورا صورت گرفت به خاطر انقلاب و نظام سکوت کردیم و حرفی نزدیم بنابراین ما از همان زمان یک جمله‌ای گفتیم، آرزوی من کنیم شوری شهر پنجم و شهردار آینده تهران موفق باشند و هنوز در این فضای آرزو به سر می‌بریم. بدون شک هر کمکی از دست ما برآید که شوری پنجم و شهردار تهران موفق باشد قطعاً مضایقه نخواهیم کرد. اگر فردا از من بخواهند تا تجارب ۱۰ سال گذشته را در اختیارشان بگذارم، با جان و دل انجام می‌دهم چون معتقدم در حال حاضر شوری پنجم و شهرداری مستقر است و هر نوع کمکی که نتیجه آن موفقیت و پیشرفت مدیریت شهری باشد به نفع مردم و کشور است و ما نباید در این راه کوتاهی کنیم، بنابراین

**۲ مرتضی طلائی معتقد است: «کسانی که در حال حاضر در شورا و شهرداری هستند بیشتر نوعی فرار به جلو دارند، گذشته را زیر سوال می‌برند تا توجیه کنند که چرا امروز نمی‌توانند کاری انجام دهند.»**

**نایب‌رئیس شورای شهر چهارم تهران یادآور شد: «متأسفانه آن قدر مسائل سیاسی و سیاست‌بازی در کشور ما اوج گرفته که مردم هم قربانی این سیاسی‌کاری و سیاسی‌بازی‌های می‌شوند و هیچ چیزی که در آن نشان از امید به فردای بهتر باشد، به آنها ارائه نمی‌شود.»**

آلودگی هوا نسبت به دوره مشابه سال‌های قبل بیشتر بود، یک نفر صدایش در نیامد. اگر واقعا می‌خواهند منصفانه و بیطرفانه عمل کنند، همه جوانب را گزارش کنند. در دوره قبل اگر یک مأمور شهرداری دستفروشی درگیر می‌شد، در بوق و کرنا می‌کردند حالا چه اتفاقی افتاده است؟ چرا این رفتارهای دوگانه انجام می‌شود؟ به نظرم این نوع گزارش دادن‌ها و برخورد کردن‌ها با موضوع راه به جایی نمی‌برد. برادر بزرگوار من آقای دکتر نجفی، شهردار محترم تهران خودش عضو شورای شهر سوم بود، همان دوره به آقای دکتر قالیباف برای شهردار شدن رای داد. آقای دکتر نجفی بگوید در شش سال حضور در شورای شهر چه تذکراتی به شهردار داد و حرف‌های امروزش را به تذکرات آن روزش مستند کند و بگوید «در دوره ۶ سال عضویتیم در شورای شهر تهران این تعداد اخطار و گزارش را درباره مفاسد و تخلفات به شهردار تهران دادم و اینها اسنادی است که نشان می‌دهد من امروز یک رفتار بیطرفانه کردم.» اما در سوابق ۶ سال عضویت آقای نجفی در شورای شهر سوم چنین موضوعی مشاهده نمی‌شود. آن دوره من هم در شورای شهر سوم بودم و آقای نجفی را یک انسان آگاه، باهوش و پاکدست می‌دانم. من آقای نجفی را یک مدیر سالم و سلامت می‌دانم. من آقای نجفی را کاملاً تایید می‌کنم. از نزدیک با او در شورای شهر بودم اما متأسفانه آنقدر مسائل سیاسی و سیاست‌بازی در کشور ما اوج گرفته که مردم هم قربانی این سیاسی‌کاری و سیاسی‌بازی‌های می‌شوند، هیچ چیزی که در آن نشان از امید به فردای بهتر باشد در گزارش آقای نجفی برای مردم نبود.

**در ارتباطاتی که با مردم داشتید، واکنش مردم را به گزارش‌های چطور دیدید؟**

▲ به هر حال برای یک سری افراد ابهام است.

می‌دهد که سنگ بنای بسیاری از اشکالات در تصمیمات نادرست این ادوار نهفته بوده. با این روش اگر ورود پیدا کنند تحلیل منصفانه‌تری را می‌توانیم از مشکلات شهرداری تهران داشته باشیم.

نکته دیگری که به اعتقاد من حائز اهمیت است و این گزارش را از مدار کارشناسانه دور می‌کند، این است که سوابق آقای نجفی نشان می‌دهد، او بیشتر یک دولتمرد است و بخش اعظم از دوران مدیریتی خود را در مسئولیت‌های مهم و موثر دولتی بوده است، بنابراین او با این سوابق که دارد انتظار بود که بخش مهمی از گزارش خود را به نوع تعاملات دولت و شهرداری در ادوار مختلف به ویژه در دوره دولت نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم بپردازد تا میزان بدهی‌های دولت به شهرداری، عدم اجرای تعهدات دولت به شهرداری و عدم اجرای قوانین مصوب مجلس مربوط به شهرداری مثل قانون برنامه توسعه سوم و واگذاری اختیارات به شهرداری تا مصوبه پرداخت اعتبار از محل صندوق ذخیره ارزی برای توسعه حمل و نقل شهری مشخص شود. آقای نجفی اخیراً گفت: «دولت هنوز پول بلیت مترو را نداده است» اما در گزارش مطلقاً به این موضوع پرداخته نشد و نبود این بخش پراهمیت سبب شد که گزارش جامعیت لازم را نداشته باشد و این شائبه برای انسان‌های ناظر به وجود می‌آید که این گزارش و رفتارهای این گونه محملی برای از بین بردن ضعف‌ها و کاستی‌های دولت نسبت به شهرداری در سال‌های اخیر است. نکته دیگر که نشان می‌دهد این گزارش از مدار کارشناسی خارج است، برگشت به حوزه منابع انسانی است. من البته خودم در دوره‌ای که در شورای شهر بودم مکرراً عرض کردم و الان هم عرض می‌کنم تخلف متأسفانه در شهرداری هست و کسی نمی‌تواند منکر وجود تخلف در شهرداری باشد اما این نمونه که آقای نجفی گفت «در مدت کوتاهی ۱۳ هزار نفر جذب شهرداری شد»، خیر، این طور نیست. ما به عنوان کسانی که در شورای شهر چهارم بودیم و خبر داریم، موضوع از این قرار است که نیروهای شرکت‌های پیمانکاری شهرداری در قالب هادیان شهر سازماندهی شدند. شورای چهارم هم کاملاً در جریان این کار بود. حالا ممکن است چند نفری به عنوان مثال صفر کیلومتر وارد شده باشند، بروند با آن افراد برخورد کنند اما اینکه می‌گویند «۱۳ هزار نفر نیرو جذب شهرداری شدند» حرف صحیحی نیست. این نیروها در ادوار مختلف در شهرداری زحمت کشیدند و کار کردند، بنابراین این نوع برخورد با آنها، اعتماد به نفس و امید به امنیت شغلی را از کارکنان شهرداری می‌گیرد. من فکر می‌کنم روند شفافیت و گزارش دهی و گزارش گیری اگر بدون در نظر گرفتن منافع فردی و گروهی در شهرداری دنبال شود، امر پسندیده و قابل تقدیری است اما اگر شیوه گزارش دادن این باشد، هیچ مدل کارشناسی نمی‌تواند بپذیرد که فقط یک دوره ۱۲ ساله منبای تدوین گزارش قرار گیرد، آیا شهردار قبلی تهران نباید بگوید شهرداری را در چه وضعیتی تحویل گرفته است و همین طور شهرداران قبل تر؟ این دوره‌ها بیوستگی با هم دارند. هر انسان منصف و کارشناس ابتدایی هم می‌فهمد وقتی گزارش مربوط به دوره خاصی از شهرداری است و بدون آنکه مراجع ذی صلاح و قانونی درباره آن اظهار نظر کنند، آن را در فضای رسانه‌ای منتشر می‌کنند، این کار با هدف زیرسوال بردن گذشته است. به نظر می‌رسد که این رفتار غیرمنصفانه و غیراخلاقی است که متأسفانه در جامعه ما رایج است. ما معتقدیم هر کسی تخلف کرده و دچار فساد مالی بوده، باید با او با قاطعیت برخورد شود. این حرف الان ما نیست و قبلاً هم گفتیم. همین روزهای گذشته در منطقه ۱۸ هنگام اجرای عملیات یک نفر کشته شد، صدای یک نفر در نیامد. همین امسال میزان روزهایی



**برادر بزرگوار من آقای دکتر نجفی، شهردار محترم تهران خودش عضو شورای شهر سوم بود، همان دوره به آقای دکتر قالیباف برای شهردار شدن رای داد. آقای دکتر نجفی بگوید در شش سال حضور در شورای شهر چه تذکراتی به شهردار داد و حرف‌های امروزش را به تذکرات آن روزش مستند کند**

آرزوی می‌کنیم دوستان وقت‌شان را صرف این کنند که چه کاری انجام دهند تا به نفع شهر و شهروندان باشد و سعی کنند خودشان را از فضای مسائل سیاسی دور کنند. به هر حال گزارشی داده شده و مسیری برای پیگیری‌هایش در سیستم قوه قضائیه باز شد. اجازه دهند قوه قضائیه رسیدگی کند اگر کسی تخلف و فساد مرتکب شده با او برخورد کنند.

**اگر نخواهند مشی خود را عوض کنند و گزارش‌های بعدی را هم با همین سبک و سیاق تدوین و اعلام کنند به نظر شما چه اتفاقی می‌افتد؟**

▲ ادامه این مسیر از نظر نگاه و جریان سیاسی به نفع دوستان نخواهد بود.

**برخی می‌گویند آقای نجفی این گزارش را داد تا از فشار انتقادهایی که اصلاح‌طلبان به او وارد می‌کردند خود را خارج کند، نظر شما چیست؟**

▲ اظهار نظرها و تحلیل‌های گوناگون و متعددی این روزها مطرح شد. برخی معتقدند از آقای نجفی هرگز انتظار نمی‌رفت چنین گزارشی به این سبک و سیاق ارائه دهد و این گزارش به نظر می‌رسد یا خواست آقای نجفی نیست یا اگر آقای نجفی داد برای آن بود که به سیم آخر بزند، بنابراین این تحلیل‌ها و اظهار نظرها وجود دارد. در مجموع آرزوی ما این است و امیدواریم دوستان فارغ از این حاشیه‌ها و این مسائل بتوانند کاری برای شهر تهران انجام دهند.

**شما گفتید برخی معتقدند که آقای نجفی با طرح این گزارش می‌خواست به سیم آخر بزند، منظور از این تعبیر چیست؟**

▲ یعنی فرار رو به جلو کند.

**انتقاد اصلاح‌طلبان به احمدی نژاد این بود که به دیگران اتهام‌زنی می‌کند تا مسئولیت پاسخگویی را از روی خود بردارد، فکر می‌کنید کسانی که منتقد رویکردهای آقای احمدی نژاد بودند وقتی به این روش تاسی می‌کنند، چطور می‌شود درباره آنها قضاوت کرد؟**

▲ متأسفانه این روش در کشور نهادینه شده است که اغلب مدیران ما در جاهای مختلف که مستقر می‌شوند گویی و وظیفه خود می‌دانند که دائم بروند گذشته را به چالش بکشند و این از نظر شرع، قانون و عرف سیاسی فرار به جلو محسوب می‌شود. کسی که در کار توانمند است و برنامه دارد و آمده به مردم و کشور خدمت کند، هر جا

مستقر و مشغول شد بدون اینکه وقتش را صرف مسائل دیگر کند و به مسائل گذشته وارد شود و به آن مسائل دامن بزند، می‌ایستد و کار می‌کند و با کار کردن خودش اثبات می‌کند که مدیریت قبل بد کار کرده است. در واقع بهترین مدلی که آقای دکتر نجفی می‌تواند کارآمدی، توانمندی، تعهد و مدیریت خودش را برای بهبود شرایط زندگی در تهران نشان دهد عملکرد او است نه حرف‌هایش. بهترین نوع نشان دادن توانایی‌ها و معرفی کارآمدی آن است که قضاوت را به عهده مردم بگذارند. اگر در دوره گذشته در برخورد مأموران شهرداری با سدمبران ناراضی بودیم حالا که دکتر نجفی آمد نشان دهیم دیگر چنین وضعیتی وجود ندارد اما قبلاً ناراضی بودند چون مأموران شهرداری سد معبرکنندگان را کتک می‌زدند اما الان می‌روند دیوار را روی سر طرف خراب می‌کنند و او را می‌کشند بعد هم می‌گویند ما نمی‌دانستیم کسی پشت دیوار است. مردم که قضاوت خوبی در این وضعیت نمی‌کنند.

**واکنش تیم مدیریتی آقای قالیباف به گزارش آقای نجفی را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

▲ من هنوز توضیح جامعی را از طرف مدیران آقای قالیباف ندیدم.

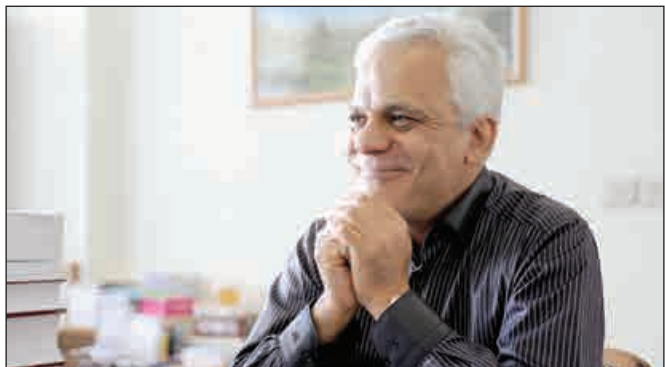
**آنها سعه‌صدر بالایی در مقابل این گزارش از خود نشان دادند، آیا چنین برخوردی را انتظار داشتید؟**

▲ معتقدم باید این صحبت‌ها پاسخ داده شود، بالاخره نمی‌توانیم بگوییم عده‌ای این حرف‌ها را بزنند و ما سعه‌صدر به خرج دهیم و پاسخ ندهیم. آقای قالیباف در پایان دوره چهارم شورای شهر آمد، گزارش داد و کتابی تهیه کرد، آن سند در شهرداری است. او مثلا در زمینه بدهی‌ها رقمی را اعلام کرد، حالا آقایان می‌گویند میزان بدهی‌ها رقم دیگری است. البته ما می‌دانیم چطور محاسبه کردند. این بدهی‌ها که الان محاسبه کردند هزینه تمام پروژه‌های نیمه‌تمامی است که تا پنج سال آینده تمام می‌شود. حالا باید توضیح دهند که افکار عمومی بدانند مدیریت گذشته کارش را درست انجام داده است.

**با توجه به برفی که آمد، جای خالی آقای قالیباف در مدیریت شهری خیلی احساس شد و تهرانی‌ها گلایه‌های زیادی از نوع عملکرد مجموعه شهرداری داشتند، ارزیابی شما چه بود؟**

▲ من همان روزهای اولی که هنوز دوستان در شورای شهر و شهرداری شروع به کار نکرده بودند و

کارنامه‌ای برای ارائه نداشتند، به واسطه شناختی که از توانمندی‌های آقای قالیباف سراغ داشتیم، گفتم دوره مدیریتی آقای قالیباف هرگز تکرار نخواهد شد. حالا اگر ایراد و اشکالی هم در جایی وجود داشت، هیچ کس منکر آن نیست. همواره هم گفتیم اگر تخلفی است، بنابر ضوابط و قوانین با متخلف برخورد شود. معتقدم مدیریت توانمند و کارآمد مدیریتی است که از ۴ صبح تا آخر شب یکسره در میدان عملیات بالاسر نیرو حضور دارد و نقطه به نقطه کار را دنبال می‌کند، طبیعی است که این مدیریت خیلی باید وقت بگذارد، انگیزه داشته باشد تا کارها به سرانجام برسند. آقای قالیباف چنین روحیه‌ای داشت. حالا از این نکته بگذریم، به دوستان توصیه می‌کنم به جای اظهار فضل و صرف وقت‌شان برای پرداختن به مسائل گذشته، با کارنامه عملکردی نشان دهند نسبت به گذشته خیلی بهتر کار می‌کنند. در واقع با کارکرد، گذشته را زیر سوال ببرند نه با اظهار نظر. نمونه‌اش همین برفی بود که بارید. حالا من نمی‌خواهم یکجانبه به آن نگاه کنم. دو ایراد به نحوه برخورد با واقعه بارش برف وجود داشت که جای تامل دارد. نکته اول این بود که متأسفانه موضوع غافلگیری در کشور ما رویه شده و این موضوع تنها به شهرداری تهران ربط ندارد، در سطح کشور و دولت نیز به چشم می‌خورد. با وجود تمام پیشرفت‌های صورت گرفته ما می‌توانیم پیش‌بینی کنیم در ریزش نزولات آسمانی چه شرایطی وجود دارد، لکن سرانجام غافلگیری می‌شویم. در حالی که وقتی روشن می‌شود بارشی در راه است، ابتدایی‌ترین و اصلی‌ترین کاری که می‌شود صورت گیرد تا مشکلات بعدی جلوگیری شود آن است که همزمان با شروع بارش برف، کارشناسی و نمک‌پاشی معابر و جاده‌ها انجام شود تا برف به زمین نجسید و منجر به یخبندان و مسائل بعدی نشود. با این توضیح، آن نقطه‌ای که عزیزان موفق بودند یعنی شن‌پاشی و نمک‌پاشی بهنگام قبل از نشست برف کردند، مشکلات کمتر بود اما در معابری که این کار را نتوانستند انجام دهند و برف روی زمین نشست مشکلات بعدی هم به خودی خود به وجود آمد، همانطور که در محور کرج-تهران و محور قم-تهران مشاهده کردیم، این اتفاق افتاد. در بزرگراه شهید بابایی تهران نیز سه ساعت مردم در برف گیر کردند. در مجموع در جاهایی که مساله غافلگیری باعث شد اقدام بهنگام برای شن‌پاشی و نمک‌پاشی در معابر انجام نگیرد، شاهد هستیم بعد از دو روز هنوز روی زمین برف نشسته و یخبندان است و مردم به سختی عبور می‌کنند. نکته دیگری هم که باز جای تامل دارد این است که سامانه بارشی از هر محوری که به شهر تهران وارد شود، بارش بیشتری در آن محور اتفاق می‌افتد. ورود سامانه اخیر از غرب و شمال غرب بود و بعد به سمت محور جنوب رفت، بنابراین منطقه ۱ و منطقه ۲ تهران و محور جنوب بیشترین مشکل را بر اثر بارش‌ها داشتند. اگر این پیش‌بینی می‌شد که ورود سامانه برفی از محور غرب و شمال غرب همراه با ریزش بیشتری است و منابع و امکاناتی در این محورها به کار گرفته می‌شد این مساله می‌توانست کمک کند که دوستان غافلگیر نشوند و به موقع کار خودشان را انجام دهند. به نظر من این یکی دو نکته مقداری موجب شد، آن گونه که انتظار می‌رفت ما نتوانیم به خوبی از آن امکانات استفاده کنیم. البته نباید منکر زحمات و تلاش‌هایی بود که کارگران شهرداری انجام دادند و کماکان در حال انجام هستند. بر اثر این برف خیلی سرشاخه‌های درختان شکسته شد و کارگران عزیز شهرداری مشغول جمع‌آوری این سرشاخه‌ها بودند. در مجموع می‌توان گفت در عین حال که بدنه کاری و نیروی کارگری شهرداری کارش را خوب انجام داد اما اگر در سطح مدیریتی این دو نکته‌ای که گفتم بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت شاید مشکلات کمتری را داشتیم. ▶



معتقدم باید این صحبت‌ها پاسخ داده شود، بالاخره نمی‌توانیم بگوییم عده‌ای این حرف‌ها را بزنند و ما سعه‌صدر به خرج دهیم و پاسخ ندهیم. آقای قالیباف در پایان دوره چهارم شورای شهر آمد، گزارش داد و کتابی تهیه کرد، آن سند در شهرداری است



www.iranpl.ir



telegram.me/iranplir



instagram.com/iranpl.ir



p.r@iranpl.ir



aparat.com/iranpl.ir

## کتابخانه شناسی

### استان هرمزگان - کتابخانه عمومی شرفا شرفایی جناح

کتابخانه عمومی شرفا شرفایی جناح در سال ۸۲ به همت مرحوم شرفا شرفایی احداث شد و در حال حاضر به عنوان بزرگترین کتابخانه عمومی هرمزگان و چشم فرهنگ منطقه شناخته می شود. این کتابخانه با زیربنای ۱۱۴۰ متر مربع به بخش های مخزن، نشریات، کودک و نوجوان، مرجع، هرمزگان شناسی، کتب کمک درسی، موزه مرحوم شرفایی، بخش خانواده و سبک زندگی مجهز است و بیش از سی و چهار هزار جلد کتاب ارزشمند کم یاب و تعداد زیادی نشریه و مجله را در خود جای داده است. گفتنی است، جناح، شهری در ۲۵۰ کیلومتری غرب بندرعباس و از توابع شهرستان بستک، خاستگاه ادبا و بزرگان بسیاری بوده است. علاقمندان برای استفاده از این کتابخانه می توانند به خیابان فرهنگ، جنب اداره آموزش و پرورش منطقه جناح مراجعه کنند.



طرح: عماد صالحی، تهران

## کارتون کتاب

## کتابخوانی با پیشنهاد کتاب



نام کتاب ..... جوان ترین رهبر  
نویسنده ..... نادر عزیزی نیک  
انتشارات ..... مرکز اسناد انقلاب اسلامی  
تعداد صفحات ..... ۲۲۸ صفحه

اگر مایلید در آستانه شصت و دومین سالروز شهادت شهید نواب صفوی (۷۲ دی ماه ۱۳۳۱) با زندگی و مجاهدت های رهبر مؤثر و ایثارگر جمعیت فدائیان اسلام آشنا شوید و هم زمان مطالعه دلپذیر یک کتاب جذاب را تجربه کنید کتاب «جوان ترین رهبر» از فهرست کتاب خوان دی ماه نهاد کتابخانه های عمومی کشور انتخاب مناسبی خواهد بود.

«جوان ترین رهبر» سرگذشت نامه ای داستانی از دوران زندگی «سید مجتبی نواب صفوی» فرزند سید جواد میرلوحی است که شهرت نواب صفوی را از مادر بزرگوارش گرفت. این کتاب با بیانی شیوا و زیبایی سلیس ابعاد اجتماعی، سیاسی و مذهبی زندگی کوتاه این مبارز شهید را بر اساس مصاحبه با خانواده شهید و تحقیق و تفحص بسیار روایت می کند.

## خبر ویژه

### احیای بخش کودک کتابخانه عمومی رسالت سرپل ذهاب در کانکس

برگزار خواهد شد. همچنین به دنبال تعامل با مدارس شهرستان، برگزاری نشست های ماهانه کتاب خوان مدرسه ای نیز به زودی آغاز خواهد شد.

شایان ذکر است، پس از تعطیلی کتابخانه های عمومی شهرستان های ثلاث باباجانی، سرپل ذهاب و قصر شیرین در زلزله اخیر، با هماهنگی های انجام شده، در آذرماه سال جاری کتابخانه های عمومی سیار در این شهرستان ها دایر شده است.

به همت کتابداران سرپل ذهاب، از هشتم دی ماه بخش کودک کتابخانه عمومی رسالت در کانکس مستقر در محوطه کتابخانه فعالیت خود را از سر گرفت.

به همین مناسبت برنامه هایی مفرح و متنوع از جمله مسابقه نقاشی، کارداستی، قصه گوئی، بازی و سرگرمی برای کودکان اجرا شد. نظر به استقبال کودکان منطقه، زین پس به منظور ایجاد روحیه نشاط در میان کودکان زلزله زده فعالیت های این بخش به صورت هفتگی



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه های عمومی کشور می توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از رمز یقه های روبه رو عکس بگیرید

## سرمایه‌گذاری بی‌انتها بر توافق هسته‌ای؟

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا مذاکرات فشرده‌ای را با ترویکای اروپایی بر سر نقض برجام و تغییر توافق هسته‌ای آغاز کرده است. در چنین شرایطی احتمال برهم خوردن توافق هسته‌ای بیش از پیش متصور خواهد بود. سوال اصلی اینجاست که دولت دوازدهم، در مواجهه با این پدیده چه سناریوهایی را طراحی کرده و آیا اساساً احتمال لغو برجام از سوی دولت‌مردان ماجدی گرفته شده است؟

## سیاست خارجی

تیتریک

## دفرمه کردن برجام

امید دولت امید به برجام ناامید می‌شود؟

تقابل علنی پاریس با توافق هسته‌ای  
پارادوکس رفتاری هدایت شده  
در کاخ الیزه



تشکیل جبهه ضد برجام  
در غرب و اسرائیل  
هم پیمانی نتانیاهو، آمریکا و اروپا



اعتماد به اروپا  
قطعا اشتباه است  
گفت‌وگو با جواد منصوری



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا همچنان در تقابل با توافق هسته‌ای با ایران خیز برداشته است. ترامپ ضمن تعلیق ۴ ماهه تحریم‌های هسته‌ای ایران، به کنگره و تروییکای اروپایی فرصت داده است تا آنچه وی نقایص برجام می‌خواند را برطرف کرده و به عبارت بهتر، توافق تازه‌ای را با تهران در خصوص فعالیت‌های موشکی و هسته‌ای کشورمان صورت دهند. رئیس‌جمهور آمریکا قبلاً نیز از توافق هسته‌ای به عنوان توافقی وحشتناک و بدترین توافق قرن یاد کرده و خواستار تغییر یا ابطال آن شده بود. در هر حال، سوال اصلی اینجاست که با توجه به سرنوشت مبهم برجام، دولت دوازدهم که عملاً حیات اقتصادی خود را به توافق هسته‌ای با اعضای ۱+۵ گره زده است چه اقدامی خواهد کرد؟ آنچه مسلم است اینکه توافق هسته‌ای برای دولت یازدهم و دوازدهم، حکم یک مینا و سرمایه‌گذاری کلان را دارد و ایجاد هر گونه تغییری در توافق هسته‌ای از جمله ابطال آن، به صورت مستقیم بر فعالیت‌های دولت تاثیرگذار خواهد بود.

چنانچه از بیانه وزارت امور خارجه کشورمان برمی‌آید، گزینه‌ای به نام ابطال برجام در آینده‌پژوهی مربوط به توافق هسته‌ای از سوی دولت دوازدهم در نظر گرفته نشده است. این در حالی است که وفق مکانیسم ماشه، ایالات متحده آمریکا یا هر یک از اعضای ۱+۵ قادر خواهند بود با کشاندن پرونده ایران به شورای امنیت و رای به عدم تعلیق تحریم‌ها علیه ایران، برجام را نقض کنند

امید به ادامه برجام از سوی دولت دوازدهم

به‌رغم تهدیدات رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، وزارت امور خارجه کشورمان همچنان نسبت به ادامه حیات توافق هسته‌ای امیدوار است. در بخشی از بیانه اخیر وزارت امور خارجه کشورمان که پس از تمدید تعلیق تحریم‌های هسته‌ای ایران از سوی ترامپ صورت گرفت آمده است:

«استحکام درونی برجام و حمایت بین‌المللی از این توافق، راه‌بر تلاش‌های آقای ترامپ، رژیم صهیونیستی و اتحاد نامیمون تندروهای جنگ‌طلب برای لغو این توافق یا ایجاد تغییرات در آن بسته است. با این حال، رئیس‌جمهور آمریکا بر اساس رویه یک ساله خود همچنان به اقدامات خصمانه علیه مردم ایران ادامه داده و تهدیداتی را تکرار می‌کند که بارها در اجرای آنها ناتوان مانده است و با ادامه روش یک سال گذشته خود همزمان با انجام اقدامات اجباری مندرج در برجام، و برای نشان دادن خصوصیت با مردم بزرگ ایران، از سر استیصال تعدادی از اتباع ایرانی و غیرایرانی را به بهانه‌های غیرقانونی، کهنه و مضحک در فهرست تحریم قرار داده است تا حداقل جبران بخشی از ناکامی‌های خود را کرده باشد.»

همچنین در قسمتی دیگر از بیانه وزارت امور خارجه کشورمان آمده است:

«جمهوری اسلامی ایران همراه با اعضای دیگر برجام و جامعه جهانی بارها تاکید کرده است که برجام یک سند معتبر بین‌المللی است و به هیچ عنوان قابل مذاکره مجدد نیست.»

جمهوری اسلامی ایران صراحتاً تاکید می‌کند که هیچ اقدامی فراتر از تعهدات خود در برجام را انجام نخواهد داد، هیچ تغییری در این توافق را نه اکنون و نه در آینده نخواهد پذیرفت و اجازه نمی‌دهد هیچ ارتباطی بین برجام و هر موضوع دیگری برقرار شود.

دولت آمریکا، همچون سایر اعضای برجام موظف به اجرای تمامی تعهدات خود است و چنانچه به بهانه‌های واهی از تکالیف خود شانه خالی کند، باید مسئولیت عواقب آن را کامل بپذیرد.»

چنانچه از بیانه وزارت امور خارجه کشورمان برمی‌آید، گزینه‌ای به نام ابطال برجام در آینده‌پژوهی مربوط به توافق هسته‌ای از سوی دولت دوازدهم در نظر گرفته نشده است. این در حالی است که وفق مکانیسم ماشه، ایالات متحده آمریکا یا هر یک از اعضای ۱+۵ قادر خواهند بود با کشاندن پرونده ایران به شورای امنیت و رای به عدم تعلیق تحریم‌ها علیه ایران، برجام را نقض کنند. به عبارت بهتر، نقض برجام از سوی آمریکا، پرهزینه اما امکانپذیر خواهد بود.

آیا ترامپ به مکانیسم ماشه استناد می‌کند؟

در سایه خوشبینی دولت دوازدهم نسبت به ادامه حیات توافق هسته‌ای، شاهد تلاش مشترک ایالات متحده آمریکا و تروییکای اروپایی در مواجهه با برجام یا تغییر توافق هسته‌ای با ایران هستیم. در این میان ترامپ کماکان در صدد ابطال یا تغییر برجام و تروییکای اروپایی در فکر تغییر برجام است. بنابراین، حداقلی‌ترین وجه اشتراک واشنگتن و تروییکای اروپایی در برهه فعلی، خیز آنها برای تغییر برجام است. بدیهی است که مواردی مانند مذاکره بر سر توان دفاعی و موشکی، خط قرمز جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. از این رو چنانچه از ابتدای امضا و تصویب برجام بارها هشدار داده شد، دولت باید گزاره‌ای به نام ابطال برجام را به عنوان یک احتمال در نظر بگیرد. بر همگان مسلح است که از زمان سرکار آمدن دونالد ترامپ در کاخ سفید، احتمال خروج ایالات متحده از برجام به شدت افزایش پیدا کرده است. با این حال، به نظر می‌رسد هنوز این مساله از سوی سران دولت دوازدهم پذیرفته نشده است.

چندی پیش رکس تیلرسون، وزیر خارجه ایالات متحده صراحتاً اعلام کرد که واشنگتن از این مکانیسم برای اصلاح توافق هسته‌ای (مطابق منافع آمریکا) استفاده خواهد کرد. در بند ۱۱ قطعنامه ۲۳۳۱ آمده است: «اگر یکی از دولت‌های طرف برجام در خصوص هر مساله‌ای که مصداق عدم پایبندی اساسی به برجام است، اعلامیه‌ای صادر کند، ادامه اجرای بند ۷ یعنی ادامه اجرای لغو قطعنامه‌های لغو شده، باید ظرف ۳۰ روز مجدداً در شورای امنیت به رای گذارده شود.»

همچنین در ادامه و در بند ۱۲ هم تصریح شده است: «اگر ظرف ۳۰ روز از اعلام رسمی دولت مزبور در خصوص نقض اساسی برجام، شورای امنیت نتواند به تصویب یک قطعنامه جدید مبنی بر ادامه لغو قطعنامه‌های قبلی برسد،

آن گاه از روز سی و یکم تمام قطعه‌نامه‌های قبلی مجدداً جاری گردیده و اجرای آنها همان طور که قبل از صدور قطعه‌نامه ۲۲۳۱ ساری و جاری بود، از سر گرفته می‌شود. واقعیت امر این است که واشنگتن، مکانیزم ماشه را با هدف جلوگیری از اعمال حق وتوی ایجابی دو کشور چین و روسیه به سود ایران تنظیم و طراحی کرد و دو کشور اروپایی عضو شورای امنیت یعنی انگلیس و فرانسه نیز نقش بسزایی در گنجانیدن این مکانیزم در قطعه‌نامه ۲۲۳۱ ایفا کردند. برخی تحلیلگران معتقدند که دونالد ترامپ در صورت شکست در ائتلاف تروییکای اروپایی در خصوص تغییر برجام (با لحاظ کردن شروط چهارگانه‌ای که بیان کرده است) به مکانیزم ماشه استناد خواهد کرد.

#### لژوم هوشمندی دولت در قبال برجام

آنچه مسلم است اینکه دولت دوازدهم باید احتمال ابطال برجام را به عنوان احتمالی قوی و قابل توجه در نظر بگیرد و راهکارهای مواجهه با این مساله (و کاهش هزینه‌های ناشی از آن) را برای آن طرح ریزی کند. در حاشیه نشست امسال مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، دونالد ترامپ در دیدارهای مختلف خود با افرادی مانند تانیاهاو و ماکرون از مواردی مانند تقویت و تشدید نقش نظارتی آژانس، بازرسی از اماکن نظامی ایران، تبدیل بندهای موسوم به «غروب آفتاب» (بندهای مربوط به زمان انقضای برخی محدودیت‌ها برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران) به محدودیت‌های دائمی و گنجانیدن موضوع توان موشکی ایران در برجام به عنوان مصادیق اصلاح توافق هسته‌ای یاد کرد. اگر هر یک از این موارد در قالب «الحاقیه» یا حتی به بهانه بازتفسیر بند T مندرج در ضمیمه اول برجام به توافق هسته‌ای افزوده شوند، ما شاهد دفرمه شدن برجام به سود اهداف آمریکا خواهیم بود. شواهد و مستندات موجود نشان می‌دهد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تروییکای اروپایی نیز قصد دارند در این خصوص همکاری‌هایی را با دونالد ترامپ صورت دهند، هر چند هنوز حدود و ثغور این همکاری‌ها برای خود این بازیگران نیز مشخص نیست.

#### اقدام دولت در صورت خروج ترامپ از برجام

آنچه مسلم است اینکه ترامپ به جای «خروج رسمی

## آنچه مسلم است اینکه دولت دوازدهم باید احتمال ابطال برجام را به عنوان احتمالی قوی و قابل توجه در نظر بگیرد و راهکارهای مواجهه با این مساله و کاهش هزینه‌های ناشی از آن را برای آن طرح ریزی کند

از توافق هسته‌ای» به «دفرمه کردن برجام» روی آورده است. بدیهی است که مواجهه با این رویکرد، هوشمندی دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان و همدلی و اتحاد داخلی در برابر اقدامات واشنگتن را می‌طلبد. یکی از اقتضات این هوشمندی، طراحی راهکارهای عملی برای مواجهه با خروج احتمالی واشنگتن از برجام است. اما سوال اصلی اینجاست که آیا چنین مکانیسمی از سوی دولت طراحی شده است؟ شواهد و مستندات موجود نشان می‌دهد که دید خوشبینانه دولت همچنان در این خصوص حاکم بوده و اجازه مواجهه موثر با این مساله را نمی‌دهد. همان گونه اشاره شد، تاکتیک ترامپ، استناد به «برجام» علیه «برجام» است. نکته دیگر اینکه که اگر واکنشی قاطعانه و محکم در برابر این تاکتیک صورت نگیرد، ایالات متحده آمریکا در عین ادعای حفظ چارچوب توافق هسته‌ای، به تغییر کامل آن خواهد پرداخت. در این میان، اصرار ما بر خطوط قرمز موشکی، نظامی و حقوقی خود و ارسال سیگنال‌های قوی و غیر قابل انعطاف به کاخ سفید و متحدان آن، نقش بسزایی در جلوگیری از این بازی خطرناک کاخ سفید خواهد داشت.

در دی ماه امسال، روزنامه ایران (روزنامه دولت) مدعی شد که در صورت خروج آمریکا از برجام، فاجعه‌ای برای ما خواهد بود و وضعیت از آنچه الان هست بدتر نخواهد شد. این روزنامه نوشت: «خروج آمریکا از برجام برای اقتصاد ایران بی‌تأثیر است و فاجعه‌ای در صورت خروج آمریکا رخ نخواهد داد!»

#### روایت عراقچی از هزینه‌های آمریکا در صورت خروج از برجام

رئیس ستاد پیگیری اجرای برجام در برنامه تلویزیونی

جهان آر در پاسخ به این سوال که آیا آمریکا برای خروج از برجام هزینه‌ای پرداخت خواهد کرد، گفت: «من می‌خواستم این را بگویم که هزینه‌هایی که ما پرداخت کردیم هزینه‌های کلیدی و حیاتی نیست. همه اینها برگشت پذیر است. اگر آقای ترامپ یا هرکس دیگر می‌دانست که اگر از برجام خارج شود هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند تا حالا این کار را کرده بود.»

وی در پاسخ به این سوال که این هزینه چیست؟ اظهار کرد: «هزینه‌های آن خیلی روشن است. برای اروپایی‌ها این روشن است برای آمریکایی‌ها هم روشن خواهد شد. می‌دانند که برجام نقش مهمی در امنیت منطقه غرب آسیا دارد. منطقه غرب آسیا با این همه بحران و درگیری و جنگ داخلی روبه‌رو است مسلماً اگر یک بحران جدید به پیچیدگی بحران هسته‌ای به آن اضافه شود حتماً منطقه امن تری نخواهد بود.»

رئیس ستاد پیگیری اجرای برجام در پاسخ به این سوال که یعنی آنها با برجام منطقه را امن کردند، گفت: «منطقه غرب آسیا منطقه پر آشوبی است و برجام یکی از بحران‌های منطقه را مدیریت کرد. این مساله می‌توانست به جاهای باریک کشیده شود. الان هم اگر برجام نباشد این می‌تواند به بحران بسیار سنگینی تبدیل شود.»

وی تصریح کرد: «بنابراین حتماً منطقه ناامن فعلی بدون برجام وضعیت بهتری نخواهد داشت به خصوص برای اروپایی‌ها که امنیت آنها با امنیت غرب آسیا تقریباً گره خورده است آنها می‌توانند که یک موج مهاجرت همه چیز آنها را به هم می‌زند می‌دانند که امواج جدید مهاجرت چگونه خواهد بود.»

مجری گفت جواب سوال من را بدهید که آیا آمریکا برای خروج از برجام هزینه‌ای پرداخت خواهد کرد؟

عراقچی گفت: «من می‌خواستم این را بگویم هزینه‌هایی که ما پرداخت کردیم هزینه‌های کلیدی و حیاتی نیست. همه اینها برگشت پذیر است. اگر آقای ترامپ یا هرکس دیگر می‌دانست که اگر از برجام خارج شود هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند تا حالا این کار را کرده بود. هزینه‌های آن خیلی روشن است. برای اروپایی‌ها این روشن است برای آمریکایی‌ها هم روشن خواهد شد. می‌دانند که برجام نقش مهمی در امنیت منطقه غرب آسیا دارد. منطقه غرب آسیا با این همه بحران و درگیری و جنگ داخلی روبه‌رو است مسلماً اگر یک بحران جدیدی به پیچیدگی بحران هسته‌ای به آن اضافه شود حتماً منطقه امن تری نخواهد بود.»

وی تصریح کرد: «تمام دستاورد آنها در برجام این نیست که جلوی بمب اتمی ایران را گرفتند از دید خودشان این است که یک سال فاصله انداختند به نام برک آف تایم یعنی اینکه در عرض یک سال همه چیز می‌تواند به حالت اول برگردد. یعنی آن چیزی که آنها از آن نگرانند می‌تواند برگردد.»

#### خیز آمریکا و اروپا برای نقض برجام

آنچه مسلم است اینکه مذاکرات اصلاح برجام میان ایالات متحده آمریکا و تروییکای اروپایی، به معنای خیز آنها برای تغییر برجام و به عبارت بهتر، نقض توافق هسته‌ای با ایران است. بدیهی است که در چنین شرایطی دولت دوازدهم در صورت ادامه روند فعلی، بابت تعریف برجام به عنوان یک خط قرمز استراتژیک و غیر قابل تغییر هزینه‌های زیادی خواهد پرداخت. یکی از راهکارهای کاهش این هزینه، برخورد و مواجهه واقع‌بینانه با توافق هسته‌ای و در نظر گرفتن احتمال خروج طرف آمریکایی و حتی طرف‌های آمریکایی و اروپایی از آن است. ▶



برجام نقش مهمی در امنیت منطقه غرب آسیا دارد. منطقه غرب آسیا با این همه بحران و درگیری و جنگ داخلی روبه‌رو است مسلماً اگر یک بحران جدید به پیچیدگی بحران هسته‌ای به آن اضافه شود حتماً منطقه امن تری نخواهد بود

و خواستار «تغییر» یا «ابطال» آن شده است، با این حال فرانسوی‌ها سیاست «بازی با واژگان مبهم» را در پیش گرفته‌اند. دامنه واژگان استفاده شده از سوی مقامات فرانسوی در این خصوص گسترده‌تر از آمریکایی‌هاست: از «پابندی به برجام» تا «تکمیل برجام»! بنابراین بازی فرانسوی‌ها نسبت به آمریکایی‌ها نیز در قبال برجام پیچیده است. اکثریت قریب به اتفاق کارشناسان و تحلیلگران مسائل بین الملل معتقدند که بازی فرانسه در قبال برجام شفاف نبوده است. بعضا تصور می‌شود که این شفافیت معلول سردرگمی فرانسوی‌ها در قبال توافق هسته‌ای با ایران است، اما با تلفیق مواضع طرف‌های آمریکایی و فرانسوی به خوبی درمی‌یابیم که این دو درصد تکمیل یک تصویر مشترک در تقابل با ایران و برجام هستند.

نکته قابل تامل دیگر اینکه فرانسوی‌ها از یک سو نسبت به «لزوم پابندی به برجام» و از سوی دیگر، در خصوص «گره‌زدن فعالیت‌های موشکی ایران» به آن سخن می‌گویند. این دوگانگی و پارادوکس هدایت شده فرانسوی‌ها موضوعی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. فرانسوی‌ها خود نیز به خوبی می‌دانند که ایجاد هر گونه ارتباطی میان فعالیت‌های موشکی و هسته‌ای ایران، به معنای نقض برجام و خروج آنها از توافق هسته‌ای خواهد بود. به عبارت بهتر، طرح موضوع توان موشکی ایران و فعالیت‌های منطقه‌ای کشورمان، چه در ذیل توافق هسته‌ای، چه در قالب توافق مکمل برجام، چه در قالب توافق ثانویه و چه در قالب توافق موازی با برجام، به معنای نقض غرض اصلی ایران در توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ میلادی و از بین رفتن آن است. با این حال مقامات فرانسوی سعی دارند با استفاده از ادبیات خاص خود و در سایه همان پارادوکس رفتاری و گفتاری هدایت شده (که در بالا به آن اشاره شد)، به تقابل با برجام و تامین خواسته‌های دولت ترامپ روی بیاورند. همان گونه که ذکر شد، بازی مشترک هسته‌ای فرانسه و ایالات متحده آمریکا در تقابل با برجام از تابستان امسال طراحی و اجرا شده و مربوط به سه ماه اخیر (پس از اعلام ضرب الاجل اولیه ترامپ) نیست. آنچه مسلم است اینکه نباید در قبال بازی برجامی فرانسوی‌ها و همگامی آنها با آمریکا در این خصوص دچار خطای محاسباتی شد. ▶

## تقابل علنی پاریس با توافق هسته‌ای

پارادوکس رفتاری هدایت شده در کاخ الیزه

علی عالمی

روزنامه نگار

لودریان»، وزیر خارجه فرانسه قرار است روز ۱۴ اسفند ماه (۵ مارس) در سفری دوروزه به ایران، پیام آور طرح کشورش (طرح مشترک پاریس-واشنگتن) برای مذاکره با ایران بر سر موضوع فعالیت‌های منطقه‌ای ایران باشد. لودریان در خصوص برنامه سفر جدید خود به ایران اظهار کرده است: «با ایران در خصوص مساله موشک‌های بالستیک و مسائل منطقه‌ای مذاکره داشته‌ایم؛ تمایل داریم که در خصوص نفوذ مخرب نظامی ایران در منطقه، حمایت مالی آنها از حزب الله و حوثی‌های یمن هم با آنها مذاکره کنیم؛ به همین خاطر است که پنجم ماه مارس به ایران می‌روم.»

واقعیت امر این است که فرانسوی‌ها در کنار مقامات آمریکایی تمرکز ویژه‌ای روی فعالیت‌های موشکی و منطقه‌ای ایران کرده و در صدد گنجانیدن این دو موضوع در توافق هسته‌ای (یا در ارتباط با آن) هستند. با این حال فرانسوی‌ها در صدد این اقدام را به گونه‌ای صورت دهند که خللی در ظاهر توافق هسته‌ای با ایران ایجاد نشود. اگرچه «لودریان» و «ماکرون» نسبت به سیاستمدارانی مانند «فابیوس» و «اولاند» ظاهری آرام‌تر داشته و سعی دارند در ظاهر به نماد تقابل با برجام تبدیل نشوند، اما رویکرد واقعی آنها حتی نسبت به همتایان قبلی خود خطرناک‌تر است. باید این حقیقت را پذیرفت که فرانسوی‌ها در تقابل با توافق هسته‌ای خیز برداشته و از میان دو گزینه «تغییر برجام» و «ایستادگی در مقابل آمریکا»، گزینه نخست را انتخاب کرده‌اند. آنها معتقدند که می‌توان با اعمال فشار و حتی تحریم‌های جدید موشکی، ایران را وادار به مذاکره در خصوص این مقوله و سپس ایجاد نوعی ارتباط ملموس و مستقیم میان برجام و توان موشکی ایران کرد.

نکته دیگر اینکه نقطه اصلی تفاوت فرانسوی‌ها و آمریکایی‌ها در این معادله، «تاکتیک به کار رفته» توسط کاخ سفید و کاخ الیزه در قبال برجام است. ترامپ از دوران برگزاری مبارزات انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ تاکنون، از برجام به عنوان بدترین توافق یاد کرده

۲ مقامات فرانسوی همگام با مقامات آمریکایی در تقابل با توافق هسته‌ای خیز برداشته‌اند. امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه در تابستان امسال برای نخستین بار تاکید کرد که توافق هسته‌ای می‌تواند با مواردی مانند توان موشکی ایران و اعمال محدودیت‌های زمانی جدید (برای پس از سال ۲۰۲۵) اصلاح شود. در جریان دیدار تابستانی ماکرون و ترامپ در نیویورک و در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، رویکرد تقابلی فرانسه با برجام و جمهوری اسلامی ایران آشکارتر شد. در پروژه مشترک طراحی شده میان کاخ سفید و کاخ الیزه، فرانسوی‌ها وظیفه دارند ضمن تمرکز بر توان موشکی ایران زمینه تحدید همزمان توان هسته‌ای و موشکی ایران را فراهم آورند. به عبارت بهتر، هدف اصلی پاریس، پیوند برنامه موشکی ایران به برجام و تبدیل معادله یک مجهولی برجام به معادله‌ای دو مجهولی است. فرانسوی‌ها در یکی از تازه‌ترین مواضع موشکی خود علیه ایران، کشورمان را نسبت به نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد متهم کرده‌اند. همچنین مقامات فرانسوی صراحتاً عنوان کرده‌اند که استفاده جمهوری اسلامی ایران از موشک‌های بالستیک غیر قابل قبول بوده و باید بر سر این موضوع با تهران وارد مذاکره شد.

فرانسوی‌ها در جریان برگزاری نشست اقتصاد جهانی در داووس نیز دیدارهایی با مقامات آمریکایی و صهیونیستی در تقابل با برجام داشته‌اند. در یکی از این دیدارها، نتانیاهو خطاب به ماکرون اظهار کرده است:

«حفظ توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۱+۵ به شکل فعلی آن غیرممکن است، چون ظرف چند سال به هسته‌ای شدن ایران منجر می‌شود.»

فرانسوی‌ها در ظاهر تاکید کرده‌اند که باید در عین «حفظ برجام»، محدودیت‌هایی را علیه برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران اعمال کرد. «ژان ایو



# تشکیل جبهه ضد برجام در غرب و اسرائیل

## هم پیمانی نتانیاهو، آمریکا و اروپا

محمد قادری

سر دبیر روزنامه تهران تایمز



۳ متعاقب اعلام ضرب الاجل ۱۲۰ روزه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در قبال برجام، شانتاژ نومحافظه کاران آمریکایی و سیاستمداران صهیونیستی علیه توافق هسته‌ای به نقطه اوج خود رسیده است. مروری بر اظهارات اخیر نتانیاهو و جان بولتون بیانگر همین حقیقت است. جان بولتون، نماینده اسبق آمریکا در سازمان ملل

می‌دهد ایران کاملاً به آن پایبند بوده است. در صورتی که دلایل قانونی برای بازرسی از هر سایت وجود داشته باشند ایران باید ظرف ۲۴ ساعت به بازرسان آژانس اجازه دسترسی دهد، در غیر این صورت ایالات متحده می‌تواند تحریم‌ها را بازگرداند.»

برخی سیاستمداران آمریکایی از جمله فاینستاین به «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا توصیه کرده‌اند در ماه‌های آینده که قرار است درباره نگاه داشتن واشنگتن در توافق هسته‌ای تصمیم‌گیری کند، به جای توجه به اطلاعات نادرستی که توسط مخالفان توافق ارائه می‌شود، به آنچه جامعه اطلاعاتی آمریکا می‌گوید گوش دهد.

همچنین چین و روسیه جدا می‌افتد و منزوی می‌شود. اظهارات نتانیاهو و بولتون درست در حالی صورت می‌گیرد که ترویج‌کننده اروپایی نیز با ایالات متحده آمریکا در خصوص اصلاح برجام (تغییر برجام) وارد مذاکره و معامله شده‌اند. اگرچه سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه همواره مدعی شده‌اند که خواستار حفظ توافق هسته‌ای بوده و مذاکره دوباره بر سر برجام موضوعیتی ندارد، اما طی ماه‌های اخیر مواضع عملی خود را در این خصوص تغییر داده و خواستار مذاکره بر سر موضوعاتی مانند توان موشکی ایران، فعالیت‌های منطقه‌ای ایران و حتی اعمال محدودیت‌های ابدی علیه برنامه هسته‌ای کشورمان شده‌اند. بدیهی است که گره زدن هر یک از این موارد به توافق هسته‌ای و حتی بررسی و گنجاندن آنها در قالب یک توافق جداگانه، به معنای نقض برجام خواهد بود.

نکته دیگر، به مواضع اخیر نیکی هیلری و ترامپ در خصوص لزوم گنجاندن موضوع توان موشکی ایران در برجام یا محدود کردن آن در قالب مکانیزمی دیگر (در قالب توافقی ثانویه) مربوط می‌شود. اظهارات اخیر مقامات آمریکایی نشان می‌دهد که آنها همچنان از قدرت و توان موشکی کشورمان هراس داشته و آن را اهرمی قدرتمند برای جلوگیری از تحقق طرح‌ها و نقشه‌های شوم خود در منطقه می‌دانند. از سوی دیگر، مقامات آمریکایی در صددند با همراهی ترویج‌کننده اروپایی، توان موشکی ایران را محدود کرده و آن را به برجام گره بزنند. این درخواستی است که دونالد ترامپ بارها آن را مطرح کرده و به کشورهای اروپایی و کنگره آمریکا فرصت داده تا در این خصوص اقدامی صورت دهند. با این حال، آنچه مسلم است اینکه جمهوری اسلامی ایران بر سر توان دفاعی و موشکی خود با هیچ کشور مذاکره نخواهد کرد.

مساله بعدی نیز به تلاش ایالات متحده آمریکا برای متهم کردن کشورمان نسبت به بی‌ثبات‌سازی منطقه بازمی‌گردد. این تلاش‌ها در حالی صورت می‌گیرد که حمایت ایالات متحده از گروه‌های تروریستی و تکفیری مانند داعش و جبهه النصره بر همگان مسلح شده است. بدیهی است که در چنین شرایطی واشنگتن به شدت نسبت به شکست داعش در عراق و سوریه نگران و وحشت زده است. در این میان، واشنگتن ایران را عامل شکست مهره‌های خود در منطقه می‌داند. مهره‌هایی که هم‌اکنون آمریکا در صدد انتقال آنها به افغانستان است. نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد گفت که در صورت اقدام بین‌المللی علیه برنامه موشکی ایران، دولت آمریکا در توافق هسته‌ای با این کشور خواهد ماند. نیکی هیلری، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، طی دیدار با سفیران کشورهای عضو در شورای امنیت سازمان ملل متحد در واشنگتن، مانند کشورش در توافق هسته‌ای ایران را به اقدام بین‌المللی علیه برنامه موشکی ایران مشروط کرد.

در نهایت اینکه مجموع شرایط موجود نشان‌دهنده ایجاد نوعی همپیمانی میان غرب و رژیم صهیونیستی در تقابل با برجام محسوب می‌شود. در این معادله، ادعای طرف‌های اروپایی مبنی بر احترام آنها نسبت به توافق هسته‌ای، اساساً محلی از اعراب نخواهد داشت و با رویکرد عینی آنها در قبال برجام سنخیتی ندارد. در چنین شرایطی لازم است دستگاه دیپلماسی کشورمان رویکرد قاطعانه‌ای را در قبال غرب و خصوصاً ترویج‌کننده اروپایی پیش گرفته و در ضمن، رصد کاملی نسبت به بازی این کشورها در زمین ایالات متحده آمریکا و رژیم اشغالگر قدس داشته باشد. ▶



پایگاه اینترنتی نشنال اینترست نیز در گزارشی به قلم ریان کاستلو تحت عنوان «ترامپ و متحدانش آماده کارشکنی در توافق هسته‌ای ایران هستند» با اذعان به منطق ناپذیری اقدامات رئیس‌جمهور آمریکا نوشت: «این واقعیت است که ترامپ برای تسفید حکمرانی می‌کند نباید به مثابه حربه‌ای برای توجیه اقدامات غیرمنطقی و فاقد ملاحظه باشد. در این میان قانونگذاران مسئول و سیاستمداران جدی باید عنان کار را به دست بگیرند و درباره پیامدهای ناگوار مسیری که ترامپ و طرفدارانش در کنگره پیش گرفته‌اند، هشدارهای لازم را بدهند. به عبارت دیگر قانونگذاران مسئولیت‌پذیر آمریکایی باید نهایت تلاش خود را در حفظ توافق هسته‌ای ایران به کار گیرند. در عین حال اگر برجام فروپاشد آمریکا از متحدان اروپایی خود و

متحد طی توثیقی نوشت: «بر خلاف وعده اساسی دولت باراک اوباما در زمان ورود به توافق هسته‌ای با ایران، این توافق بر رفتار ایران در زمینه روابط با جهان گسترده‌تر هیچ تأثیری نداشته است. این توافق باید پاره‌پاره شود.» بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس نیز در نشست با «فرید زکریا»، تحلیلگر ارشد مسائل بین‌المللی مدعی شده بود توافق هسته‌ای به ایران امکان می‌دهد ظرف ۸ تا ۱۰ سال آتی اورانیوم کافی برای ساخت ۱۰۰ تا ۲۰۰ بمب هسته‌ای تولید کند. این اظهارات نتانیاهو با واکنش برخی سناتورهای آمریکایی و سیاستمداران این کشور همراه شده است. «دایان فاینستاین»، نماینده دموکرات مجلس سنای آمریکا به اظهارات «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی درباره توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ (برجام) که در نشست در حاشیه اجلاس «داووس» مطرح شد، واکنش نشان داد.

«فاینستاین» در بیانیه‌ای خاطر نشان کرده است: «نخست‌وزیر نتانیاهو یکشنبه اظهاراتی درباره توافق هسته‌ای ایران مطرح کرد که گمراه‌کننده یا کاملاً نادرست بود. حقیقت این است که این توافق تمامی مسیرهای ایران برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را مسدود می‌کند، ضمن آنکه ارزیابی‌های جامعه اطلاعاتی ما، شریکان منطقه‌ای ما و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان

مجموع شرایط موجود نشان‌دهنده ایجاد نوعی همپیمانی میان غرب و رژیم صهیونیستی در تقابل با برجام محسوب می‌شود. در این معادله، ادعای طرف‌های اروپایی مبنی بر احترام آنها نسبت به توافق هسته‌ای، اساساً محلی از اعراب نخواهد داشت

یا یک ماه آینده تصمیم دولت آقای ترامپ در خصوص مسائل مختلف چه می تواند باشد، چرا که دولت ترامپ مبنای معیار مشخصی در تصمیم گیری هایش ندارد.

**تلاش دولت ترامپ برای خروج از برجام و اعمال دوباره تحریم های هسته ای به همراه تحریم های دیگر علیه ایران را چگونه تحلیل و ارزیابی می کنید؟ آیا میان مقامات آمریکایی در خصوص نحوه تقابل با جمهوری اسلامی ایران رویکرد مشترک و مشخصی وجود دارد؟**

▲ ایالات متحده آمریکا هرگز نمی تواند تمام واقعیت موجود در ایران را متوجه شود، به طور مثال آنها نمی خواهند بپذیرند که لایه های مختلف جامعه ایران مردمی متحد، مومن، مسلمان و وفادار به نظام جمهوری اسلامی هستند که آمریکایی ها نمی توانند این موضوع را درک کنند؛ در نتیجه این تضاد فکری که آمریکا و غرب نسبت به ایران دارند بسیاری از توطئه ها و نقشه های آنها علیه ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران تا کنون نقش بر آب شده و در آینده نیز این روند ادامه خواهد داشت.

اتفاقاتی که طی یک سال اخیر رخ داده است، شکستی برای سیاست منطقه ای دولت آمریکا و مشخصا دونالد ترامپ بود به همین دلیل آمریکایی ها تلاش کردند ادعاهای خود را علیه ایران در دو حوزه دیگر پیش ببرند. یکی در بحث موشک ها که نمایش نماینده آمریکا را در سازمان ملل چند روز پیش داشتیم و بحث بعدی، طرح موضوع حقوق بشری بود. در واقع آمریکایی ها همچنان به دنبال این هستند که ایران را در اشکال مختلف تحت فشار قرار دهند و کشورمان را به عنوان مساله اول منطقه مطرح کنند. از این رو مساله حقوق بشر مطرح شد. نکته قابل توجه دیگر اینکه حتی در میان مقامات آمریکایی نیز در مورد برخورد و مواجهه با ایران اختلاف نظر وجود دارد. از یک سو ترامپ درباره ایران و کره شمالی صحبت های تهدید آمیزی می کند اما از سوی دیگر وزیر دفاع آمریکا می گوید که ما برنامه نظامی علیه ایران نداریم. این نشان می دهد در داخل دستگاه حاکمیتی آمریکا هم سیاست مشخصی درباره ایران وجود ندارد.

**به رفتار کنسورهای اروپایی در قبال برجام باز می گردیم. با کنار هم قرار دادن مواضع کشورهای اروپایی و خصوصا فرانسه در قبال برجام و تلاش آنها برای گنجانند موضوع توان موشکی ایران در توافق هسته ای، به نوعی دوگانگی رفتاری در ترویجکای اروپایی می رسیم. این دوگانگی را چگونه تفسیر می کنید؟**

▲ همین طور است. دولت های اروپایی از طرفی می خواهند چندان هماهنگی کاملی با سیاست های ترامپ نداشته باشند و از طرفی هم می خواهند تا حدی با ایران همراهی کرده باشند. اروپایی ها حاضر نخواهند شد با ایران روابط عادی و همکاری های جدی در زمینه های مختلف داشته باشند. اما ممکن است بنا بر اختلافاتی که با آمریکایی ها دارند که بخش عمده آن هم در خصوص مسائل منطقه ای است اروپایی ها بخواهند تا حدی در مقابل سیاست های اتخاذی از جانب کاخ سفید مقاومت کنند. در اینجا لازم است دوباره تاکید کنم که قطعاً ما نباید بر روابط همه جانبه و بلندمدت با دولت های اروپایی حساسی باز کنیم چرا که سابقه و بلندی های این دولت ها نسبت به ما دیرینه است و ما باید متکی بر توان خودمان باشیم و این در حالی است که ما باید با دولت های اروپایی تا حدی که آنها می توانند، در زمینه های مختلف همکاری داشته باشیم و هر گونه انتظاری از جانب ما نسبت به اروپایی ها و هر گونه اعتماد، امید و انکای بیجا به اروپایی ها قطعاً اشتباه است و ما باید ضمن حفظ رابطه معقول خود با آنها، بر توان داخلی خودمان تکیه کنیم. ►



## اعتماد به اروپا قطعاً اشتباه است

جواد منصوری در گفت و گو با منتل

۴ مقامات فرانسوی طی ماه های اخیر صراحتاً بر لزوم مذاکره با ایران بر سر توان موشکی و مسائل منطقه ای تاکید کرده اند. مشابه چنین موضعی نیز از سوی مقامات آلمانی و انگلیسی مطرح شده است. همین موارد سبب شده است تا رفتار و گفتار سران کشورهای اروپایی با دیگر زیر ذره بین قضاوت افکار عمومی کشورمان و خصوصاً کارشناسان و تحلیلگران مسائل بین الملل قرار گیرد. در این خصوص گفت و گویی با دکتر جواد منصوری، معاون اسبق وزارت امور خارجه و سفیر سابق ایران در چین صورت داده ایم که از در نظر تان می گذرد.

وقایعی که در چند دهه گذشته اتفاق افتاده و صرفاً با توجه به تصورات خودش نسبت به مسائل تصمیم گیری می کند. بنابراین متحدین اروپایی ایالات متحده آمریکا نیز تصویر روشنی از تصمیم گیری های ترامپ در خصوص برجام و حتی موضوعات دیگر در عرصه روابط بین الملل ندارند. ترویجکای اروپایی دقیقاً نمی دانند که در یک روز، یک هفته

ترویجکای اروپایی نقش ویژه ای در انعقاد توافق هسته ای با ایران داشتند. با این حال در عمل شاهد هستیم که کشورهایمانند فرانسه، هم اکنون همگام با دولت ترامپ سخن از مذاکره با ایران بر سر توان موشکی کشورمان و محدودسازی آن به میان می آورند. نظر شما در این خصوص چیست؟

▲ در این خصوص قاعده ای وجود دارد که باید نسبت به آن توجه کافی داشت. اینکه نباید بر روابط همه جانبه و بلندمدت با دولت های اروپایی حساسی باز کرد. هر گونه انتظاری از کشورهای اروپایی در خصوص برجام یا هر مساله دیگری و امید و اعتماد داشتن به آنها در این خصوص قطعاً اشتباه است. این قاعده در خصوص ترویجکای اروپایی نیز به شکل خاص صادق است. موضوع دیگر، به تاثیرگذاری مواضع اروپا روی رفتار ایالات متحده آمریکا و دولت دونالد ترامپ باز می گردد. رئیس جمهوری که هم اکنون در ایالات متحده آمریکا بر سر کار است، دارای شرایط و رفتارهایی خاص است. دولت جدید آمریکا بدون توجه به واقعیت موجود در ایران و منطقه و همچنین بدون توجه به

## برجام در ابهام

در پی اصرار دونالد ترامپ بر اصلاح برجام و نمایش‌های ادامه‌دار نماینده آمریکا در سازمان ملل با هدف ایجاد اجماع علیه برنامه موشکی ایران، اکنون سرنوشت توافق هسته‌ای در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. این در حالی است که حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران در زمان رقابت‌های انتخاباتی سال ۹۲ بر مساله توافق هسته‌ای و منافع آن برای کشور بسیار تاکید داشت. لذا اکنون اگر بنابه دلایلی از جمله مساله موشکی، برجام از بین برود، چه سرنوشتی در انتظار دولت روحانی خواهد بود؛ دولتی که بزرگترین دستاورد سیاست خارجی‌اش دستیابی به توافق هسته‌ای با گروه ۱+۵ است.

# بین‌الملل

تیتریک

## غروب برجام

مماشات در مقابل غرب منجر به زیاده‌خواهی آنان می‌شود

**پیچیدگی‌های تعامل با اتحادیه اروپا**  
مهم‌ترین ابزار بازی ایران برای جلوگیری از رسیدن به وضعیت همه یا هیچ



**نقش مهم چین و روسیه**  
پیامدهای خروج آمریکا از برجام  
برای تهران و واشنگتن  
چیست؟



**شیخ پایان توافق**  
شکست برجام، از بین رفتن  
بزرگترین دستاورد سیاست  
خارجی روحانی است



ابراهیم منقی

استاد دانشگاه تهران

محور اصلی سیاست داخلی و خارجی دولت حسن روحانی بر اساس نتایج مربوط به مذاکرات هسته‌ای شکل گرفته است. روحانی در بیان رویکردهای انتخاباتی خود در سال ۱۳۹۲ به این موضوع اشاره داشت که با حل اختلافات ایران و جهان غرب در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران، زمینه برای شکوفایی اقتصادی و راهبردی ایران به وجود می‌آید. حسن روحانی در صدد بود تا از طریق مذاکرات هسته‌ای بر اساس الگوی شکل گرفته در سال ۲۰۰۳، زمینه پایان یافتن تحریم‌های اقتصادی را به وجود آورد.

مذاکرات هسته‌ای و پایان تحریم‌ها را باید به عنوان محورهای اصلی سیاست خارجی حسن روحانی دانست که از قابلیت لازم برای اثرگذاری بر سیاست اقتصادی و حوزه داخلی ایران برخوردار بود. اگرچه ماراتن مذاکرات هسته‌ای ایران و کشورهای گروه ۵+۱ در سال ۱۳۹۴ نهایی شد اما نتایج حاصل از برنامه جامع اقدام مشترک برای ایران بسیار ناچیز و محدود بود. گروه مذاکره کننده به این موضوع اعتقاد داشت که پذیرش شرایط سیاسی و راهبردی قدرتهای بزرگ، می‌تواند زمینه عادی سازی روابط ایران با سیاست جهانی را به وجود آورد.

**کارگزاران اجرایی در روندهای سیاست خارجی ایران باید بر این امر واقف باشند که بازسازی نیازهای راهبردی جامعه ایران در قالب «رفاه» و «امنیت» در شرایطی حاصل می‌شود که تغییرات تاکتیکی و روندهای ابتکاری در سیاست اجرایی و الگوهای دولتی کشور حاصل گردد**

ادبیاتی که از سوی کارگزاران سیاست خارجی و ریاست جمهوری مورد استفاده قرار می‌گیرد را باید به عنوان بخشی از واقعیت جدید در زبان سیاسی ایران دانست. زبان سیاسی و سیاست خارجی، انعکاس مادی خاص خود را ایجاد خواهد کرد. زبان سیاسی و سیاست خارجی را باید انعکاس سیاست اعلامی، سیاست عملی و ضرورت‌های راهبردی یک کشور برای تأمین منافع ملی دانست. در شرایطی که بحران هسته‌ای در روابط ایران و کشورهای گروه ۵+۱ ایجاد شده است، می‌توان موضوع حقوق هسته‌ای موافقتنامه ژنو و برنامه عمل مشترک را به عنوان بخشی از ایزه‌های سیاست خارجی دولت روحانی دانست.

هر ایزه، انعکاس اصلی ترین موضوع تأثیرگذار بر امنیت و رفتار سیاست خارجی ایران در دوران‌های تحول رفتاری و گفتگمانی محسوب می‌شود. اگرچه تاکنون قطعیت چندانی در قالب‌های گفتگمانی سیاست خارجی روحانی حاصل نگردیده است اما باید بر این امر تأکید داشت که جهت گیری سیاست خارجی روحانی معطوف به تجربه روندهای سیاسی ایران در دوران

ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی می‌باشد. بهره‌گیری از مفاهیمی همانند تنش زدایی و بازسازی روابط در حوزه سیاست خارجی بیانگر آن است که دولت روحانی تلاش داشته است تا روندهای جدیدی از کنشگری در راستای عادی سازی روابط جهت گذار از محدودیت‌های راهبردی و روندهای سیاست خارجی را در دستورکار قرار دهد. در روند تبلیغات انتخاباتی ۱۳۹۶ حسن روحانی، این موضوع در اصفهان در مطرح شد که نامبرده از قابلیت لازم برای پایان دادن به تمامی تحریم‌ها برخوردار است؛ در حالی که هنوز بسیاری از انتظارات اولیه ایران در مورد بازگشایی حساب‌های بانکی و عادی سازی روابط ایران با جهان غرب به عنوان بخش ناپیدای سیاست بین الملل در وضعیت ابهام باقی مانده است. دونالد ترامپ نیز از دوران رقابت‌های انتخاباتی خود به این موضوع اشاره داشت که برجام نمی‌تواند تمامی مطلوبیت‌های راهبردی آمریکا را تأمین نماید.

## ۱. ابهام در آینده برجام و چالش‌های راهبردی دولت روحانی

برخی از تحلیلگران سیاست خارجی و گروه‌های سیاسی منتقد دولت بر این موضوع تأکید دارند که روندهای سیاست خارجی باید تابعی از مولفه‌های ساختاری، ضرورت‌های راهبردی، شکل بندی‌های سیاست بین الملل و الگوهای کنش کارگزاران اجرایی باشد. چنین رویکردی به مفهوم آن است که هرگونه تغییر به مثابه گذار از بنیادهای ساختار سیاسی تلقی می‌شود. در حالی که واقعیت‌های تحلیل سیاست خارجی بیانگر آن است که روندهای جدید در سیاست خارجی روحانی بر اساس نشانه‌هایی از «تغییر و تداوم» نسبت به روندهای گذشته سیاست خارجی شکل گرفته است.

اگرچه می‌توان بر این موضوع تأکید داشت که صرفاً بخشی از روندهای سیاست خارجی ایران ماهیت ساختاری و راهبردی دارد. چنین نشانه‌هایی با تغییر در کارگزاران سیاست خارجی یا جابه‌جایی در نخبگان اجرایی دچار دگرگونی بنیادین نخواهد شد. سایر موضوعات که مربوط به حوزه «منافع اصلی» است، تابعی از نگرش کارگزاران اجرایی است که تلاش دارند تا زمینه‌های اداره امور اجرایی را فراهم سازند. ادبیات سیاسی به کار گرفته شده بیانگر آن است که اراده سیاسی و روندهای سیاست خارجی مطلوب حسن روحانی معطوف به تنش زدایی و عبور از محدودیت‌های راهبردی است اما واقعیت‌های سیاست بین الملل بیانگر آن است که انجام چنین اقداماتی در شرایط تهدید، مهار و محدودیت‌های راهبردی، کار دشواری خواهد بود.

به کارگیری ابتکارات سیاست خارجی معطوف به فرآیندهای عادی سازی روابط در شرایطی امکان پذیر خواهد بود که علاوه بر اراده کارگزاران سیاست داخلی، نشانه‌ها و زمینه‌هایی از الگوی تعامل راهبردی در فضای سیاست بین الملل نیز وجود داشته باشد. تلاش همه‌جانبه یک بازیگر منطقه‌ای بدون توجه به شکل بندی‌های قدرت در محیط منطقه‌ای و فرآیندهای کنش بازیگران جهانی نمی‌تواند به نتایج مطلوب منجر گردد. اگرچه روحانی تلاش می‌کند تا روند عادی سازی در روابط ایران و جهان غرب را پیگیری نماید، اما تحقق چنین فرآیندی

بدون همکاری سازمان یافته بازیگران اصلی در سیاست بین الملل کار دشواری خواهد بود.

ادبیات دونالد ترامپ در دوران کاخ سفید، نشانه‌هایی از ابهام راهبردی را منعکس می‌ساخت. ترامپ در آخرین مرحله تعلیق تحریم‌های ایران، به این موضوع اشاره داشت که اگر متمم برجام درباره موضوعات موشکی، منطقه‌ای و حقوق بشر پیگیری نشود، در آن شرایط از تمدید مجدد تعلیق تحریم‌ها در می ۲۰۱۸ خودداری خواهد کرد. تهدید ترامپ می‌تواند بر معادله اقتصادی و سیاست خارجی ایران تأثیرگذار باشد. روند کاهش تحریم‌ها به گونه‌ای تداوم یافته که آثار خود را بر سیاست خارجی و موقعیت داخلی حسن روحانی به جا خواهد گذاشت.

اگرچه کشورهای اتحادیه اروپا، سیاست حمایت از برجام را پیگیری می‌کنند اما آنان نیز در صدد پیگیری عملی سیاست‌های ترامپ در مورد قابلیت‌های موشکی و سیاست منطقه‌ای ایران هستند. چنین انگاره‌ای منجر به شکل گیری ابهام درباره آینده سیاست اقتصادی و موقعیت سیاسی حسن روحانی در ایران خواهد شد. بخش قابل توجهی از اعتراض‌های سیاسی شکل گرفته در می ماه ۱۳۹۶ بیانگر آن است که سیاست اقتصادی حسن روحانی نتوانست زمینه تأمین نیازهای اولیه و حداقلی شهروندان مربوط به لایه‌های پایینی جامعه را تأمین نماید.

## ۲. فرجام مبهم در معادله قدرت، امنیت و رفاه دولت روحانی

مذاکرات برنامه جامع اقدام مشترک به این دلیل انجام گرفت که ایران بخشی از قدرت راهبردی خود در حوزه قابلیت‌های هسته‌ای را واگذار کرده و در ازای آن به امنیت و رفاه موعود در برنامه‌های انتخاباتی دست یابد. کارگزاران سیاست خارجی دولت روحانی به این موضوع توجه نداشتند که سیاست بین الملل مبتنی بر قواعد خاصی بوده و هر کشوری که مبادرت به سازوکارهای سیاست سازش در روند مذاکرات دیپلماتیک نماید، با فشار و محدودیت‌های بیشتری روبرو می‌شود. هم‌اکنون آثار و نشانه‌های مربوط به سیاست سازش در حوزه اقتصادی و اجتماعی انعکاس پیدا کرده است.

نیازهای اجتماعی و اقتصادی ایران به گونه‌ای متراکم گردیده که بخش قابل توجهی از شهروندان و کارگزاران اجرایی در کشور، تأمین آن را از طریق فرآیندهای سیاست خارجی امکان پذیر می‌دانند. در چنین شرایطی است که ضرورت‌های سیاست خارجی ایران تابعی از نیازهای اقتصادی و فرآیندهای معطوف به تأمین ضرورت‌های عمومی زندگی شهروندان خواهد بود. کارگزاران اجرایی در روندهای سیاست خارجی ایران باید بر این امر واقف باشند که بازسازی نیازهای راهبردی جامعه ایران در قالب «رفاه» و «امنیت» در شرایطی حاصل می‌گردد که تغییرات تاکتیکی و روندهای ابتکاری در سیاست اجرایی و الگوهای دولتی کشور حاصل گردد. بحران‌های اجتماعی در شرایطی شکل می‌گیرد که انتظارات نهفته به نتایج مطلوب یا وعده‌های بیان شده منجر نشود.

در حالی که ایران در شرایط تحریم اقتصادی فزاینده قرار دارد، کشورهای صنعتی غرب بدون هرگونه

دغدغه‌ای، اهداف راهبردی خود را تأمین می‌نمایند. چنین شرایطی را می‌توان به منزله فقدان مرزبندی برای موازنه قدرت، امنیت و رفاه اقتصادی برای جامعه ایران دانست. ایجاد موازنه بین سه مولفه یاد شده، واقعیت‌های سیاست امنیتی کشورها را منعکس می‌سازد. الگوهای کنش راهبردی نیازمند بهره‌گیری از قواعد بوروکراتیک و الگوهای کنش دیپلماتیک در راستای متعادل‌سازی بازیگران رقیب خواهد بود.

یکی از شاخص‌های اصلی ارزیابی سیاست خارجی را باید کارآمدی و استقلال عمل دانست. سیاست خارجی کشورهایی که در حوزه‌های کارآمدی و استقلال عمل با مشکلات اجرایی یا راهبردی روبه‌رو می‌باشند، عموماً در وضعیت برگشت‌پذیری قرار می‌گیرند. روند‌های سیاست خارجی ایران در شرایطی با تغییر همراه گردیده است که بخش قابل توجهی از کارگزاران اجرایی و زمامداران راهبردی آمریکا بر ضرورت تداوم سیاست مهار و تحریم‌های اقتصادی تأکید دارند. چنین تحریم‌هایی نمی‌تواند به عنوان نشانه مثبتی در نگرش بازیگران موثر در سیاست جهانی نسبت به روند‌های آغازین و ابتکارات راهبردی حسن روحانی تلقی شود.

اگر روند‌های سیاست خارجی روحانی معطوف به همکاری در چارچوب «راهبرد مماشات» باشد، در آن شرایط چنین راهبردی نمی‌تواند اثربخشی قابل توجهی برای روندهای سیاست خارجی ایران ایجاد نماید. راهبرد مماشات در کوتاه‌مدت می‌تواند برخی از تهدیدات را کاهش داده اما در طولانی‌مدت با نشانه‌های جدیدی از تهدید و تعارض همراه خواهد بود. روندهای تنش‌زدایی در سیاست خارجی اتحاد شوروی در شرایطی حاصل شد که دو کشور به «توازن راهبردی» دست یافته‌اند.

توازن راهبردی را باید به عنوان یکی از واقعیت‌های بنیادین اثربخشی تنش‌زدایی در سیاست خارجی دانست. در غیر این صورت، هرگونه راهبرد مماشات می‌تواند مخاطراتی را در آینده روابط خارجی ایران ایجاد کند. در این ارتباط، مرشایم تأکید دارد «در راهبرد مماشات دولتی که در معرض تهدید قرار گرفته است، امتیازاتی به تجاوزگر می‌دهد که توازن قدرت را تغییر دهد. مماشات‌کننده معمولاً می‌پذیرد که همه یا بخشی از قلمرو بازیگر نائلی را تسلیم دشمن قدرتمندش کند. هدف از این اقدام، تعدیل رفتار تجاوزگر است. سوق دادن تجاوزگر به

سمتی مسالمت‌جویانه‌تر و احتمالاً تبدیل آن به یک قدرت هوادار وضع موجود، کار دشواری می‌باشد.

طبق این استدلال، سیاست مماشات چون به مماشات‌کننده امکان می‌دهد حسن نیت خود را ثابت کند و توازن را به نفع دولت تغییر دهد که مماشات می‌کند، بنابراین امید دارد در نهایت از تجاوزگری قدرت بزرگ بکاهد. بعید است مماشات با یک دشمن خطرناک آن را به یک حریف مهربان‌تر و ملایم‌تر و از آن بعیدتر به یک دولت صلح دوست تبدیل کند. در واقع مماشات اشتباهی دولت تجاوزگر به کشورگشایی را افزایش می‌دهد. قدرت‌های بزرگ برای آفند برنامه‌ریزی می‌کنند، دولتی که در قبالتش مماشات می‌شود، هرگونه واگذاری قدرت توسط دولت دیگر را نشانه ضعف می‌داند. در این صورت دولت تجاوزگر احتمالاً برای کسب امتیاز بیشتر به اعمال فشار خود ادامه می‌دهد. دولتی که در پی به‌دست آوردن حداکثر قدرت ممکن نباشد، دولت عاقلی نیست.»

### ۳. روحانی در برابر انتظارات فزاینده اجتماعی و بین‌المللی

یکی دیگر از موضوعاتی که ارتباط مستقیم با سازوکارهای کنش راهبردی در تأمین نیازهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد، پیگیری موضوعات منطقه‌ای می‌باشد. کشوری همانند ایران که درصدد ایفای نقش به‌عنوان بازیگر نوظهور است، نیازمند بهره‌گیری از چالش‌های منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ و بازسازی چالش‌های سیاست خارجی خود در حوزه منطقه‌ای می‌باشد. هرگونه انفعال، ایهام و یا تردید در قابلیت‌های منطقه‌ای ایران، مشکلات جدیدی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند.

یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری انتظارات فزاینده اجتماعی و بین‌المللی را باید در بازی میهم و یک‌سویه در حوزه سیاست خارجی دانست. هرگونه مذاکره اقتصادی و راهبردی می‌تواند آثار و پیامدهایی در ارتباط با تأمین نیازهای اجتماعی داشته باشد. تأمین چنین نیازهایی صرفاً از طریق حداکثرسازی معادله قدرت در حوزه دیپلماسی و در محیط بحرانی حاصل خواهد شد. اگرچه روحانی تلاش دارد تا جلوه‌هایی از ایجاد هماهنگی تکنیکی و راهبردی با سیاست خارجی جهان غرب را ایجاد نماید اما چنین رویکردی به مفهوم پاسخ مناسب و متقابل

بازیگران جهان غرب در برخورد با جمهوری اسلامی ایران محسوب نمی‌شود.

ساخت‌های سیاسی سلطه‌محور تفسیر خاصی از موضوع منافع، قدرت و امنیت دارند. در نگرش جوامع سلطه‌محور همواره یک تفسیر قالب وجود دارد که حقیقتی دائمی محسوب می‌شود. چنین رویکردی معطوف به حاشیه‌ای کردن بازیگرانی است که تلاش دارند تا زمینه‌های لازم برای گسترش تحرک خود را فراهم آورند. بخش قابل توجهی از تضادهای ایران و جهان غرب را باید در قالب‌های هستی‌شناسانه جوامع سلطه‌محور دانست.

باراک اوباما برای مقابله با تهدیدات نوظهور منطقه‌ای بیش از گذشته به نقش مشارکت‌جویانه ایران نیازمند است. گروه‌های تعامل‌گرا در آمریکا نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای کنش دیپلماتیک در برخورد با دولت حسن روحانی می‌باشند. در چنین فرآیندی، مذاکرات دیپلماتیک ایران و آمریکا از شهریور ۱۳۹۲ آغاز خواهد شد، اما این مذاکرات به مفهوم پایان تحریم‌ها تلقی نمی‌گردد. گروه‌های محافظه‌کار در سیاست خارجی آمریکا بر ضرورت محدودسازی راهبردی جمهوری اسلامی تأکید دارند. این گروه‌ها مانع از شکل‌گیری تغییرات سریع در روابط ایران و آمریکا می‌شوند.

باراک اوباما گزینه‌هایی از جمله کنش دیپلماتیک، انعطاف‌پذیری مرحله‌ای، تداوم تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه را ادامه می‌دهد. اوباما درصدد خواهد بود تا بازیگری در الگوی کنش معطوف به بازدارندگی، مهار و تحریم‌های فرآیند علیه ایران را براساس چگونگی واکنش ایران نسبت به انتظارات راهبردی خود پیگیری نماید. بازتعریف باراک اوباما از چگونگی و فرآیند برقراری سیاست سازنده در روابط اقتصادی و راهبردی با ایران در کوتاه‌مدت کار دشواری خواهد بود. الگوهای رفتاری در خوشبینانه‌ترین وضعیت به گونه مرحله‌ای تغییر می‌کند. اگرچه گروه‌های محافظه‌کار در آمریکا همواره مترصد فرصتی هستند تا شکل جدیدی از محدودیت راهبردی علیه ایران را ایجاد نمایند.

دونالد ترامپ موضوع مربوط به انتظارات فزاینده را تشدید و بازتولید کرد. ترامپ به این موضوع اشاره دارد که غروب هسته‌ای در برجام، مشکلات و مخاطرات امنیتی آمریکا در آینده را افزایش خواهد داد. به همین دلیل است که ترامپ معادله پایان دادن به روند همکاری‌های پیشین با ایران را مشروط به پیگیری موضوعاتی کرده که هیچ‌گاه مورد توجه ساختار سیاسی ایران نبوده است. همواره نهادهای راهبردی ایران به این موضوع اشاره داشته‌اند که آینده برجام نباید معطوف به موضوعات دیگری از جمله مسائل منطقه‌ای و قابلیت موشکی ایران شود.

آنچه را که دونالد ترامپ در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۸ و در ارتباط با تمدید تعلیق تحریم‌های اقتصادی ایران بیان داشته، نمادی از تهدید محسوب می‌شود؛ تهدیدی که می‌تواند مشکلات اقتصادی جدیدی را برای دولت روحانی ایجاد کند. افزایش قیمت دلار و هزینه‌های اقتصادی زندگی اجتماعی در زمره چالش‌های اصلی دولت روحانی در آینده خواهد بود. هنوز مشخص نیست که ایران به چه میزان وارد فرآیند جدیدی می‌شود که منجر به تکرار و تکمیل سیاست‌سازش در فرآیند برجام شود.

ساخت اجتماعی و اقتصادی ایران به گونه‌ای در حال تغییر و تحول است که نشانه‌های عبور از روحانی و اصلاحات توسط گروه‌های اجتماعی و طبقات اقتصادی فرودست جامعه مشاهده می‌شود. حسن روحانی در انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری ایران توانست به پیروزی قابل توجهی نائل شود. پیروزی حسن روحانی در شرایطی حاصل شد که ساختار اجتماعی و انتخاباتی



**باراک اوباما گزینه‌هایی از جمله کنش دیپلماتیک، انعطاف‌پذیری مرحله‌ای، تداوم تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه را در مورد ایران ادامه داد**



**محور اصلی سیاست ترامپ آن است که افزایش فشارهای اقتصادی و راهبردی علیه ایران بهترین ابزاری است که می‌تواند ایران را وادار به واکنش همکاری‌جویانه کند**

علیه ایران ایجاد نشود. در حالی که الگوی رفتاری ایالات متحده نشانه‌هایی از تزلزل در پایان دادن به تحریم‌ها و اعمال تهدیدات جدید علیه ایران را منعکس می‌سازد. در شرایط موجود، مقامات فرانسه تلاش دارند تا سطح جدیدی از روابط با ایران را شکل دهند. هدف فرانسه را باید مذاکره برای تغییر در الگوهای راهبردی ایران در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای و قدرت موشکی دانست. طبیعی است که چنین فرآیندی می‌تواند زمان طولانی را به خود اختصاص داده و در نتیجه دونالد ترامپ مجبور خواهد بود تا زمینه لازم برای تعلیق مرحله‌ای تحریم‌های اقتصادی ایران در می‌۲۰۱۸، فراهم سازد.

#### نتیجه

واقعیت‌های سیاست ترامپ نشان می‌دهد که دیپلماسی اجبار در ارتباط با بخش دیگری از قابلیت‌های ساختاری ایران یعنی توانایی‌های موشکی که در زمره «سلاح‌های متعارف» قرار دارد، نشانه‌گیری شده است. گروه‌های محافظه‌کار ایالات متحده همواره تلاش دارند تا اهداف راهبردی خود را به گونه‌ی مرحله‌ای و فرآیندی پیگیری نمایند. امنیت جامع در اندیشه آمریکایی، مشابه همان رویکردی است که گزاره‌های مربوط به برجام یک، دو و سه را پیشنهاد داده بودند. واقعیت آن است که فشارهای بین‌المللی ترامپ، الگوی جدیدی از کنش رفتاری سازمان ملل متحد و کشورهای اروپایی در رابطه با برجام را به وجود آورده است. فرانسه طرح جدید ۲۵ ساله برای کنترل قابلیت هسته‌ای و موشکی ایران را ارائه داده است.

محور اصلی سیاست ترامپ آن است که افزایش فشارهای اقتصادی و راهبردی علیه ایران بهترین ابزاری است که می‌تواند ایران را وادار به واکنش همکاری‌جویانه نماید. در شرایط موجود وظایف ذاتی وزارت خارجه ایجاد می‌کند که اهداف راهبردی ایران را در فضای بین‌المللی متناسب با معادله قدرت و براساس درک دقیقی از الگوی تعامل و ائتلاف‌های موجود پیگیری نماید. اگر در چنین شرایطی کارگزاران دیپلماسی کشور درک دقیقی نسبت به نوع، شدت و فرآیند تهدیدات نداشته باشند در آن شرایط قادر نخواهند بود تا معادله امنیت ملی کشور را براساس متوازن‌سازی معادله قدرت و فرصت با تهدیدات و نقاط ضعف هماهنگ و متوازن سازند.

توسط بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را با نیکویی هلی مرور کرده و نسبت به سازوکارها و ضرورت‌های جدید با یکدیگر رایزنی کرده‌اند. سفر نیکویی هلی به وین در گزارش این دوره از بازرسی‌های آژانس انعکاسی نداشته است.

طبعاً هرگونه مطالبه جدید آمریکا و روند بازرسی‌های جدید می‌بایست در فرآیند تاریخی حاصل شود. آمانو در گزارش جدید خود که در نوامبر ۲۰۱۷ منتشر شد، به این موضوع اشاره داشته است که ایران تمامی تعهدات خود در برجام به‌ویژه راستی‌آزمایی را رعایت کرده و تمامی معیارهای مورد نظر آژانس در برجام از سوی ایران رعایت شده است. همکاری‌های ایران با آژانس در چارچوب برنامه جامع اقدام مشترک بوده است. در اولین پاراگراف طرح اقدام مشترک بر این موضوع تاکید شده است که: «هدف این مذاکرات دستیابی به راه‌حل جامع بلندمدت مورد توافق طرفین است که اطمینان‌یابنده برنامه هسته‌ای ایران منحصراً صلح‌آمیز باقی خواهد ماند.»

بیان چنین گزاره‌هایی به هیچ‌وجه با پیش شرط‌های دونالد ترامپ در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۸ در روند تعلیق مجدد تحریم‌های هسته‌ای ایران هماهنگی ندارد. تمامی شواهد بیانگر این واقعیت است که آمریکا و کشورهای اروپایی با دو نگرش مختلف درصدد محدودسازی بخش دیگری از قابلیت‌های راهبردی ایران هستند. آنان همواره ایران را در وضعیت غیرامنیتی قرار می‌دهند. بسیاری از کارگزاران دیپلماسی هسته‌ای در دوران مذاکرات مربوط به برنامه جامع اقدام مشترک به این موضوع اشاره داشته‌اند که آنان درصدد غیرامنیتی کردن ایران هستند. فضای غیرامنیتی کردن در ادبیات راهبردی و روابط بین‌الملل به معنای آن است که تهدید و روبارویی چندانی

**تمامی شواهد بیانگر این واقعیت است که آمریکا و کشورهای اروپایی با دو نگرش مختلف درصدد محدودسازی بخش دیگری از قابلیت‌های راهبردی ایران هستند. آنان همواره ایران را در وضعیت غیرامنیتی قرار می‌دهند**

ایران ماهیت قطبی شده پیدا کرد. قطعی شدن رقابت انتخاباتی زمینه‌شکل گیری هیجان اجتماعی برای ایجاد نگرانی از پیروزی رقیب روحانی را امکان‌پذیر ساخت. هم‌اکنون بخش قابل توجهی از پایگاه اجتماعی و سرمایه انتخاباتی روحانی نسبت به میزان موفقیت وی برای تأمین نیازهای عمومی جامعه در وضعیت ابهام و انتقاد قرار دارند.

#### ۴. آینده برجام و سناریوهای فراروی دولت روحانی

واقعیت‌های موجود سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد که یکجانبه‌گرایی دونالد ترامپ چالش‌های گسترده‌ای را برای امنیت ملی ایران ایجاد خواهد کرد. چنین رویکردی به مفهوم آن است که سستیزه‌جویی ترامپ چالش‌های امنیتی قابل توجهی را برای خاورمیانه ایجاد می‌کند. ترامپ تلاش دارد تا شبکه‌ای از نیروهای متعارض ایران در سطوح ملی، منطقه‌ای و فراملی را سازماندهی کند. چنین رویکردی به مفهوم آن است که چگونگی روابط دونالد ترامپ و عربستان و اسرائیل بر الگوی ارتباطی آمریکا و ایران تأثیر به‌جا خواهد گذاشت.

#### ۴-۱. سناریوی بدبینانه و افزایش فشارهای راهبردی آمریکا علیه ایران

آینده تحریم‌ها نیز به گونه قابل توجهی ارتباط مستقیم با چگونگی نگرش آمریکا و متحدین منطقه‌ای آن در ارتباط با ایران خواهد بود. اگرچه نهادهای بین‌المللی همانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کشورهای اروپایی نیز تلاش دارند تا روندهای همکاری ایران و نهادهای بین‌المللی را به‌عنوان پیش‌نیاز تعلیق تحریم‌ها در آینده مورد توجه قرار دهند. تاکنون تمامی گزارش‌های آمانو درباره چگونگی فرآیند راستی‌آزمایی از سایت‌های هسته‌ای ایران مبتنی بر پذیرش واقعیت‌های همکاری‌جویانه ایران بوده است.

در حالیکه نیکویی هلی به‌عنوان نماینده آمریکا در سازمان ملل همواره تلاش داشته تا برخی از ابهام‌های جدید در مورد چگونگی پایبندی ایران به برجام را برجسته سازد. تاکنون الگوهای رفتاری ترامپ، تیلرسون و نیکویی هلی نتوانسته بر روندهای موجود سیاست خارجی کشورهای اتحادیه اروپا تأثیر به‌جا گذارد. در این فرآیند برخی از گروه‌های تندرو در حوزه محافظه‌کاران حزب جمهوریخواه همانند جان بولتون بر این موضوع تاکید دارند که ترامپ باید زمینه‌های لازم برای لغو برنامه جامع اقدام مشترک را به‌وجود آورد.

الگوی رفتاری ترامپ نشان می‌دهد که تحقق انتظارات مطرح‌شده از سوی محافظه‌کارانی همانند جان بولتون را باید انعکاس تحلیل ساخت سیاسی آمریکا از مساله قدرت، امنیت و توافق هسته‌ای دانست. محدودسازی قدرت اقتصادی، تکنولوژیک و موشکی ایران در زمره اهدافی است که ترامپ تلاش دارد از طریق سازوکارهای حقوقی مربوط به چگونگی اجرای برنامه جامع اقدام مشترک پیگیری نماید. براساس برنامه جامع اقدام مشترک، مقرر گردیده است که تحریم‌های هسته‌ای اعمال‌شده علیه ایران در هشت سال بعد از توافق انجام گرفته، پایان یابد. چنین مفهومی به‌عنوان «غروب برجام» تلقی می‌شود.

#### ۴-۲. سناریوی خوش‌بینانه و گذار از فشارهای راهبردی آمریکا

سناریوی خوش‌بینانه مربوط به شرایطی است که اتحادیه اروپا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری‌های سازنده بیشتری را در ارتباط با ایران به انجام رساند. تاکنون آمانو تمامی گزارش‌های تهیه‌شده



## پیچیدگی‌های تعامل با اتحادیه اروپا

مهم‌ترین ابزار بازی ایران برای جلوگیری از رسیدن به وضعیت همه یا هیچ

مهم‌رادر پیش‌گیرید؛ مدیریت انتظارات و پرهیز از ایجاد توقع زیاد درباره سرعت اصلاحات اقتصادی-سیاسی، شفاف‌سازی و مبارزه با فساد در داخل، مدیریت رکود تورمی و وابستگی به مسیر اقدامات دولت قبل، توجه به احیای منابع زیست‌محیطی و سیاست خارجی مبتنی بر تعامل. صرف‌نظر از نقش وابستگی به مسیر برنامه هدف‌مندی‌سازی یارانه‌ها که افزایش‌های دوره‌ای قیمت حامل‌های انرژی را ایجاد می‌کند و به واسطه معیار بودن این حامل‌ها، آثار تورمی به همراه داشت دولت توانست با کنترل انتظارات، تورم را از بیش از ۴۰ درصد به کمتر از ۲۰ درصد بکاهد اما بخش عمده‌ای از این کاهش به افت شدید قدرت خرید مردم در نتیجه تورم شدید دهه پیشین نیز مربوط می‌شود. در بخش محیط زیست نیز بیشترین تمرکز به احیای دریاچه ارومیه معطوف شد. راهبرد شفاف‌سازی و مقابله با فساد با ایجاد یک ستاد ویژه پیگیری شد اما نکته‌ای که باید مدنظر قرار گیرد این است که رویکرد نهادسازی، نتایج ملموس کوتاه‌مدت به دنبال ندارد. در زمینه بحران آب نیز، حل مسأله آب در دست‌رسان‌کننده طراحی برنامه ششم توسعه قرار گرفت و توجه به میزان آب‌بری تولیدات کشاورزی در مناطق مختلف کشور و طرح نکاشت در برخی از مناطق بحرانی نیز در راستای این راهبردها بود. اما گسترش فساد سیستمی به لایه‌های مختلف و پایداری رکود با وجود کنترل تورم، نشان داد که در زمینه راهبردهای غیربرجامی نیز موفقیت چندانی حاصل نشده است. مهم‌ترین باشنه‌آشیل دولت روحانی، گذشته از تاکید بیش از حد واقعی روی دستاوردهای برجامی و البته عدم تحقق انتظارات از برجام به خصوص برای خانوارهای روستایی یا خانوارهای شهری مناطق کم‌درآمدتر کشور که در سید کالاها و خدمات آنها به چشم می‌خورد، گرایش به شوک‌درمانی در شروع کار دولت دوازدهم بود که در رقابت‌های انتخاباتی دوازدهم به آنها اشاره نشد. هرچند شوک‌درمانی در ایران سابقه‌ای سه دهه‌ای دارد و همواره پیامدهای منفی آن (مانند تورم ۵۰ درصدی سال ۱۳۷۴) مشهود بوده است اما یادگیری درباره اصلاح رویه شوک‌درمانی دیده نمی‌شود. به خصوص عزم به قطع یارانه بخشی از

وزن میل به دستیابی به برجام در میان رای‌دهندگان به روحانی در انتخابات یازدهم را به میزان ۱۰۰ درصد در نظر گرفت و آن را تنها عامل میل به روحانی دانست. رکود تورمی شدید به همراه تنگی فضای سیاسی نیز عامل مهمی در گرایش به روحانی بود.

از منظر بازی دوطرفی پاتنام در سیاست داخلی و خارجی، ترجیحات رای‌دهندگان میانی و رای‌دهندگان از هر دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا با سیاست‌های اعلامی حسن روحانی در زمینه بهبود فضای کسب و کار، مقابله با تورم رکودی و دستیابی به برجام، انطباق پیدا کرده بود. با این وجود، حسن روحانی در نخستین روزهای استقرار دولت خود وعده بهبود فضای کسب و کار و دستیابی به برجام را داد و در پاسخ به منتقدان، برجام را عاملی مهم در حل مشکلات کشور مطرح می‌کرد. از این‌روی دولت یازدهم بیشترین تمرکز خود را به مذاکرات هسته‌ای معطوف داشت به طوری که برداشت اکثر مردم و صاحب‌نظران این شد که منظور حسن روحانی از کلید تدبیر، دستیابی به توافق هسته‌ای بوده است. بنابراین دولت یازدهم، بیشترین تخم‌مرغ‌های خود را در سبد سیاست خارجی و مذاکرات هسته‌ای قرار داد. البته یک علت اصلی دیگر این راهبرد نیز به وابستگی به مسیر شدید به سیاست دولت‌های پیش از دولت یازدهم مربوط می‌شود. چون از اوایل دهه ۱۳۸۰ خورشیدی، اقتصاد و سیاست ایران تحت تاثیر اثر پروانه‌ای کاهش شدید کنترل نظامیان و سلطه آنان بر اقتصاد ایران از دوران موسوم به سازندگی قرار گرفت و این اثر پروانه‌ای موجب شد تا در صورت استمرار ویژگی بسته‌بودن اقتصاد ایران در اثر تحریم‌های بین‌المللی، روند فساد و تبعیض که به خروج سرمایه انسانی و مادی می‌انجامد، در ایران شتاب گیرد. از طرف دیگر مشکلات و بحران‌های عظیمی همچون فرسایش تند منابع زیست‌محیطی، بحران کم‌آبی، فساد سیاسی و اقتصادی گسترده، بدهی گسترده دولت به پیمانکاران طرح‌های عمرانی و تورم رکودی ناشی از بیماری هلندی گریبانگیر اقتصاد و سیاست ایران بودند.

در چنین شرایطی دولت می‌توانست پنج راهبرد

رضا مجیدزاده

مدیر گروه توسعه‌پذیری اندیشگاه طرح هزاره پاسارگاد

دوناود ترامپ از یک طرف خواستار بازنگری و اعلام نظر کنگره درباره ادامه برجام یا خروج ایالات متحده از آن شده است و از طرف دیگر اصرار دارد که ایران درباره برنامه دفاع موشکی خود پای میز مذاکره با غرب بنشیند. هرچند مقامات اتحادیه اروپا، در سطوح مختلف، پایبندی اروپا به برجام و میل خود به حفظ آن را اعلام کرده و می‌کنند، اما میل آشکار و پنهان برخی از مقامات اروپایی به شروع مذاکره درباره برنامه دفاع موشکی ایران، نشان می‌دهد که احتمالاً ترامپ با چند حرکت تاکتیکی می‌تواند برای اعمال فشار بیشتر به ایران برای مذاکره درباره برنامه موشکی، اروپا را با خود همراه سازد. گذشته از احتمال موفقیت ترامپ با توجه به اتخاذ راهبرد تک‌روی ایالات متحده در زمینه معاهدات بین‌المللی که بدعتی در سیاست خارجی این کشور است، سوال اصلی این است که آیا اصرار بر مسأله مذاکره روی برنامه دفاع موشکی، می‌تواند دال بر پایان عمر برجام باشد؟ و آیا می‌توان لغو احتمالی برجام را به حساب شکست دولت روحانی گذاشت؟

بازی دوطرفی روحانی روی برجام

حسن روحانی در مناظره‌های مربوط به رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، از خود تصویر یک حقوق‌دان آشنا به قواعد بازی‌های بین‌المللی به‌ویژه در زمینه مذاکرات هسته‌ای را نشان داد. اگرچه فشار تحریم‌های بین‌المللی در بستر راهبرد تنش‌زایی منطقه‌ای و جهانی دولت نهم و دهم، موجب شده بود تا بار اقتصادی-اجتماعی-سیاسی سنگین عوارض بیماری هلندی ناشی از فساد سیاسی-اقتصادی گسترده، تا حد زیادی به پای تحریم‌های بین‌المللی نوشته شود، اما درخواست حل معضلات اجتماعی-اقتصادی ناشی از بیماری هلندی نیز در میان مطالبات رای‌دهندگان دور یازدهم ریاست جمهوری وجود داشت. در واقع، نمی‌توان



گروه‌های درآمدی در کنار استمرار یارانه‌های سیاسی فراوان حتی برای تورویسین‌های حذف کامل یارانه و مشاهده استمرار روند‌های توسعه‌ناپذیری مانند معضل ژن خوب در میان همه گروه‌های سیاسی، نشانگر عدم وجود عزم جدی بوده‌اند. از نظر تاریخی نیز از عوارض بیماری هلندی، غفلت شد. در دوره‌های بروز بیماری هلندی، سیاست‌های تحریک تقاضا در ایران، خواه نقدی خواه اعتباری، به افزایش رضایت عمومی از دولت انجامیده‌اند. اما بسته خروج از رکود دولت نتوانست این رضایت عمومی را ایجاد کند و افت قدرت خرید در میان دهک‌های پایین درآمدی به حدی پایین بود که اجرای این سیاست، آنان را به رونق اقتصادی امیدوار کرد اما عدم رفع معضلات و موانع نهادی و بنیادینی همانند فساد و تبعیض گسترده که به واسطه این بسته، حل و فصل نمی‌شدند، نگرش نسبتاً مساعد داخلی به دولت یازدهم را نیز خدشه‌دار کردند.

مجموعه نکات فوق نشان می‌دهد که برجام، تنها وعده دولت یازدهم نبوده است اما تحقق آن به عنوان عامل مهمی در حل بخش مهمی از مشکلات اقتصادی -سیاسی کشور، مطرح شده بود. نکته مهم این است که وعده دست‌یابی به برجام تحقق یافت و از این روی، لغو آن نمی‌تواند به عنوان شکستی فقط برای دولت روحانی قلمداد شود زیرا عاملی مانند برنامه موشکی مطرح شده که دستاویزی برای ترامپ برای ایجاد فشار به منظور مذاکره روی برنامه موشکی بوده است اما اگر برنامه موشکی نیز وجود نداشت، عامل دیگری مطرح می‌شد تا به عنوان تهدیدی برای لغو برجام مطرح شود. در واقع، لغو برجام به معنای چالش سازوکار حضور ایران در منطقه خاورمیانه و بازی به مثابه یک قدرت منطقه‌ای می‌تواند باشد اما دولت روحانی نیز در این بازی سهم قلمداد خواهد شد. اما سوال مهم‌تر این است که آیا اصرار بر مذاکره درباره برنامه موشکی به معنای پایان برجام است؟ یافتن پاسخی درخور برای این پرسش، بدون توجه به شطرنج بازیگران خاورمیانه، میسر نیست و عدم توجه به بنیادهای تاریخی رسیدن به چنین چیدمانی از بازی در منطقه، قابلیت توضیحی بالایی نخواهد داشت. از منظر تاریخی، توافق JECOR (Joint Economic Commission) در Office Riyadh «میان ایالات متحده و عربستان» مهم‌ترین سنگ‌بنای تحولات چند دهه گذشته خاورمیانه است که مسیر تحولات آتی منطقه را نیز به خود وابسته کرده است.

طی دهه ۱۹۷۰ میلادی، افزایش بسیار شدید قیمت نفت، دو شوک بزرگ را به اقتصاد کشورهای واردکننده وارد کرد؛ اولین شوک در سال ۱۹۷۳ رخ داد. در سال ۱۹۷۳، سوریه و مصر به اسرائیل حمله کردند و ۱۰ روز بعد از حمله آنها، ایران و پنج کشور دیگر حوزه خلیج فارس، قیمت نفت را ۷۰ درصد افزایش دادند. پس از ارائه لایحه کمک ۲,۲ میلیارد دلاری ایالات متحده به اسرائیل توسط نیکسون به کنگره این کشور، عربستان و دیگر کشورهای عربی، حمل نفت به آمریکا را ممنوع کردند. این تحریم، یک سال به طول انجامید اما بعد از آن موجب شد تا ایالات متحده، وارد تعامل راهبردی با عربستان شود تا جلوی تکرار چنین شوک‌های قیمتی و گرفتاری در تورم رکودی را بگیرد. جان پرکینز در کتاب «اعترافات یک تهیه‌کننده اقتصادی»، مطرح می‌کند که ایالات متحده طرحی را در پیش گرفت که به موجب آن، سازمانی به نام «کمیسون اقتصادی مشترک ایالات متحده-عربستان سعودی» یا JECOR تأسیس شد. طبق توافق ایالات متحده و عربستان، عربستان سعودی اوراق بهادار دولتی ایالات متحده را با دلارهای نفتی خود، خریداری می‌کرد و در عوض، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، درآمد بهره این اوراق بهادار را صرف صنعتی سازی و نوسازی عربستان می‌کرد. بنابراین عربستان جلوی نوسان شدید نفت را می‌گرفت و در صورت افزایش شدید، با منابع عظیم خود، آن را جبران می‌کرد و آمریکا نیز زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی این کشور را ارتقا می‌داد. بدین ترتیب، نقش عربستان از کمک به انگلستان برای تضعیف حکومت عثمانی و افزایش آب گل آلود در منطقه خاورمیانه از طریق ایجاد یک جریان بان عرب، به یک متحد ایالات متحده برای جلوگیری از افزایش دوباره قیمت نفت و اطمینان خاطر غرب از دسترسی آسان و کم‌هزینه به منابع انرژی خاورمیانه، تغییر یافت. از اوایل سال ۱۹۸۰ تا کنون قیمت‌های جهانی نفت ۵ بار با سقوط جدی و تقریباً پیش‌بینی نشده مواجه شده است. در همه این پنج مرتبه عربستان نقش اساسی در سقوط قیمت‌ها داشته و تولید نفت خود را مستقل از روند بازار ۱۰ درصد افزایش داده است. روش سنتی عربستان در هر دوره افت قیمت نفت دو محور اساسی داشته است؛ اول حضور در اجلاس گروه ۲۰ کشور جهان و دوم تشکیل جلسه اضطراری اوپک عربی چرا که عربستان برنامه‌های نفتی خود را با آنها هماهنگ می‌کرد و تأیید آنها را به دست می‌آورد.

در توضیح وابستگی به مسیر تاریخی گفته می‌شود که فاصله بین ریل‌های راه آهن که حدود ۲۰۰ سال پیش اختراع شد، و وابسته به طول محور ارا به‌هایی بود که بیش از ۲۰۰ سال پیش، اختراع شده بودند چون ریل‌گذاری توسط ارا به‌ها صورت می‌پذیرفت! تحولات امروزی خاورمیانه و توافق ایالات متحده و عربستان در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی نیز رابطه‌ای همچون ارا به‌های باستانی و ریل‌های راه آهن دارند. از این روی، برجام به معنای نقطه پایان اختلاف ایالات متحده با ایران نبود و انتظار می‌رفت که تنها به حل برنامه هسته‌ای مربوط شود. با این وجود، ترامپ برای اتخاذ راهبرد گل آلود کردن آب خاورمیانه و تقابلی رویکرد تقویت پایگاه خود در عربستان در مقابل تضمین امنیت این کشور، نیاز داشت تا ناپهینگی برجام برای ایالات متحده را مطرح کند و در کنار آن روی ضرورت مذاکرات موشکی، انگشت بگذارد. به همین خاطر در نخستین روزهای طرح نیاز به بازنگری برجام، سخنی از برنامه موشکی در میان نبود و هدف پیش‌دستی از سوی ایران برای نقض برجام دنبال می‌شد تا بهانه‌ای برای شروع مجدد فشارهای بین‌المللی و همراه‌سازی کشورها علیه ایران باشد. البته ترامپ در قبال تأمین امنیت حکومت عربستان، و چه آن را نیز دریافت می‌کند و اصلاحات

صوری ولیعهد جدید نیز در راستای ایجاد تصویری مثبت از عربستان در جهان در مقایسه با تصویر مخدوش و خاکستری ایران است که با تندروی افراطیون داخلی، مخدوش‌تر می‌شود. با وجود تمامی این ملاحظات، راهبرد ترامپ و اتحادیه اروپا در زمینه اصرار بر مذاکرات موشکی ایران، تفاوتی چشمگیر دارد؛ ترامپ، استمرار برجام را به نشستن ایران بر پای میز مذاکره درباره برنامه دفاع موشکی پیوند می‌زند اما اتحادیه اروپا، موضوع برجام و برنامه دفاع موشکی را یکسان نمی‌داند. در دل منطقه خاورمیانه نیز ایالات متحده مایل به تضعیف ایران و حتی تغییر تمامیت ارضی آن است و روسیه پروژه ایجاد سپین دفاعی ایران در برابر غرب برای خود را دنبال می‌کند. چنین تقابلی باعث می‌شود که محتمل‌ترین سناریو، استمرار کشمکش‌های ایران و غرب تا زمان دستیابی روسیه به توازن قدرت پهنه خود با غرب باشد. در واقع ادامه مسیر ارا به JECOR به معنای مقابله آمریکا و GCC با حضور گسترده در خارج از مرزهای خود در منطقه خاورمیانه است که در هر برهه، موضوع جدیدی را مطرح می‌کند. اما پاسخ پرسش اصلی درباره پایان برجام با افزایش فشار برای مذاکرات موشکی به نتیجه اختلاف نظر اتحادیه اروپا و آمریکا درباره ارتباط برجام و برنامه موشکی ایران، وابستگی دارد. اگر آمریکا و البته کشورهای GCC با تلاش خود برای جلب نظر کشورهای اروپایی بتوانند این ایده را مطرح کنند که موشک‌های در اختیار ایران، توانایی حمل کلاهک هسته‌ای دارند، آنگاه احتمال پایان برجام، افزایش می‌یابد. تلاش عربستان برای انباشت موشک‌های حوثی‌ها و نمایش قطعه‌ای به عنوان موشک ساخت ایران توسط نیکی هیلی، در راستای چنین راهبردی بود که ابتدا رویکرد تهاجمی و جنگ طلب ایران را برای کشورهای دیگر اثبات کند و سپس پرونده تخلف ایران از برجام به واسطه برنامه موشکی آن، در شورای امنیت باز شود.

قطعه‌نامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد، کشورها را موظف می‌کند که از انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هشت نوع سلاح سنگین از جمله تانک، خودروهای زرهی، هواپیماهای جنگی، هلیکوپترهای تهاجمی، کشتی‌های نظامی و سیستم‌های موشکی به ایران جلوگیری کنند. از دولت‌ها می‌خواهد تا تمام محموله‌های هوایی و دریایی که به ایران فرستاده می‌شود یا از آن خارج می‌شود را در فرودگاه‌ها، بنادر و آب‌های قلمرو خود در صورتی که بر این باور باشند که آن محموله‌ها حاوی مواد اتمی، موشکی یا نظامی ممنوع اعلام شده است، بازرسی کنند. فعالیت‌های ایران در خصوص تولید موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای و آزمایش‌های موشکی ایران که در آن از تکنولوژی بالستیک استفاده شده باشد را منع می‌کند. بنابراین طبق قطعنامه ۱۹۲۹، ارتباطی بین برنامه دفاع موشکی و برجام از دید حقوقی وجود ندارد اما باتوجه به راهبرد ایالات متحده در مواردی همچون خروج از پیمان پاریس (درباره حفاظت از محیط زیست)، امکان خروج ایالات متحده از برجام به صورتی مستقل از برنامه موشکی ایران، دور از تصور نیست. از این روی، همراهی اتحادیه اروپا برای ضرورت مذاکرات موشکی با ایران، نمی‌تواند به عنوان پایان برجام تلقی شود اما به نظر می‌رسد که در صورت اعلام رسمی این همراهی و درخواست برای حضور ایران در پای میز مذاکره، ترامپ حرکت بعدی خود برای خروج رسمی از برجام را بدون هزینه در پیابد. به این ترتیب، تعامل با اتحادیه اروپا، مهم‌ترین ابزار بازی ایران برای جلوگیری از رسیدن به وضعیت همه یا هیچ است که باتوجه به تکروری ترامپ در چند مورد پیشین از مسائل بین‌المللی و نیاز اتحادیه اروپا به بازیگری موثر ایران در منطقه، زمینه این تعامل نیز تا حد زیادی فراهم است. ▶

## نقش مهم چین و روسیه

### پیامدهای خروج آمریکا از برجام برای تهران و واشنگتن چیست؟

سیده مسعوده میرمسعودی

سردبیر مجله ایرانی روابط بین‌الملل



۳ در این ۱۰۰ روز باقی‌مانده برای تصمیم‌گیری آمریکا در خصوص برجام، یکی از سناریوهای احتمالی خروج واشنگتن از برجام است که اکثر تحلیلگران در داخل و خارج این سناریو را با توجه به روحیات و جنس تصمیم‌گیری‌های رئیس‌جمهور آمریکا در مسائلی از این نوع بعد نمی‌دانند و آن را سناریوی ممکن به حساب می‌آورند.

داشته، می‌تواند مدعی شود که این موضوع خارج از تعهد برجام بوده و نقض قرارداد برجام محسوب نمی‌شود. در شرایطی که اروپایی‌ها با تایید اصل موضوع برجام تاکنون از این توافق حمایت کرده‌اند، آمریکا با پیش‌کشیدن روح برجام می‌خواهد فعالیت‌های موشکی و غیرهسته‌ای ایران را در زیر چتر برجام بیاورد و با این بهانه اصل برجام را مخدوش کرده و مسیر خروج از برجام را فراهم کند.

سوال مهم اینکه چه راهکاری برای ایران بعد از خروج آمریکا از برجام مناسب است؟

در این خصوص ایران باید به استراتژی‌های خود در منطقه ادامه دهد و در پی ائتلاف جدید منطقه‌ای باشد. ترکیه برای این ائتلاف می‌تواند مناسب باشد ولی شرط همراه کردن، حمایت این کشور در مشکلات منطقه‌ای آن است که در حال حاضر با عدم تثبیت در مرزهای خود با سوریه مواجه است.

دومین تکنیک مناسب برای ایران بعد از خروج آمریکا از برجام، تغییر استراتژی با عربستان و بازی هوشمندانه با کشورهای معارض و عربستان در منطقه است.

در رفتار بعدی، چین یکی از مهره‌های مهم و کلیدی است؛ همراه کردن چین با خود در وابستگی بیشتر انرژی تاکتیک بعدی است. همکاری با روسیه، رفتار بعدی است هرچند روسیه با انتخابات پیش‌رو درگیر مسائل داخلی است ولی می‌تواند بازیگر مهمی در کسب عدم تغییر رای در مجامع بین‌المللی باشد.

سفر اخیر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به مسکو، بیانگر آن است که روسیه مهره مهمی در برجام است و نگاه داشتن ضمنی این کشور می‌تواند بعد از خروج به انزوای بین‌المللی آمریکا در موضوع برجام کمک کند. اروپا همیشه سیاست bandwagoning با آمریکا را پیگیری کرده است و بهترین استراتژی برای ایران بعد از خروج آمریکا از برجام با اروپا، ایجاد سیاست یکجانبه با تک‌تک کشورهای اتحادیه اروپایی است؛ همان سیاستی که روسیه در موضوع اوکراین در ۲۰۱۳ با فرانسه و دیگر کشورها در موضوع انرژی داشت و تعرفه‌های متفاوت با هر کدام از آنها را اعمال می‌کرد.

**نتیجه‌گیری:** خروج آمریکا از برجام، سناریوی «ممکن» است و ترامپ برای اثبات عمل به قول‌های انتخاباتی و متمایز شدن از همتای دموکرات خود یعنی باراک اوباما بعید نیست که دست به چنین اقدامی بزند؛ مگر اینکه گنگره دست‌یاری به ترامپ ندهد. بعد از خروج از برجام اعتماد بین‌المللی به آمریکا در جامعه بین‌المللی کم‌رنگ خواهد شد، سیاست انزوای آمریکا ادامه خواهد داشت و این می‌تواند نشان دهد که ساختار بین‌المللی به‌طور عملی به‌چندقطبی تبدیل شده و آمریکا نمی‌تواند هژمون تام محسوب شود. همچنین اتحادیه اروپا نسبت به همراهی با سیاست‌های آمریکا دچار تردید شده و سعی خواهد کرد استراتژی‌های مستقل‌تری در پیش بگیرد؛ از دیگر سو، از نظر بنیه خود را مستحکم‌تر کرده تا قدرت ادامه‌تک‌روی در سیاست‌های جهانی را داشته باشد. چین نیز بازار تام ایران را خواهد داشت و می‌تواند بدون ملاحظه بازار انرژی ایران را از آن خود کند. روسیه هم اگر از انتخابات داخلی خود به سلامت در بیاید و پوتین همچنان در جایگاه تصمیم‌گیری قرار گیرد، به سیاست‌های همراهی خود با ایران به‌عنوان یک متحد ادامه خواهد داد. در نهایت اروپا در پی ترمیم سیاست خارجی خود خواهد بود و انگلستان سعی خواهد کرد در سیاست‌های پنهان خود ایران را در جایگاه مهمی قرار دهد. بنابراین ایران بدون هراس خواهد توانست سیاست‌های خود را در منطقه گسترش دهد و اگر نهادهای بین‌المللی بخواهند جلوی سیاست‌های ایران را در منطقه بگیرند، ایران پاسخ‌های زیادی با خروج یکطرفه آمریکا از برجام

همچنین خروج آمریکا از یک توافق بین‌المللی، این سیگنال را به بازیگران منطقه‌ای می‌دهد که دوستی و دشمنی آمریکا ثابت نبوده و امکان دارد با تغییر رئیس‌جمهورهای آمریکا تغییر کند. هرچند در مطالعات آکادمیک سیاست خارجی آمریکا بر این موضوع تاکید شده شاخص نقش رئیس‌جمهور در سیاست خارجی آمریکا تأثیر چندانی ندارد و سیاست خارجی این کشور ثابت است. سوئین پیامد خروج آمریکا از برجام، تأثیر این موضوع در مسائل داخلی آمریکا است. افکار عمومی آمریکا از موضوعات اصلی در سیاست‌گذاری ایالات متحده محسوب می‌شود و خروج آمریکا از یک توافق بین‌المللی تأثیر منفی در افکار عمومی مردم این کشور خواهد داشت. ولی در اینجا شاید رشد اقتصادی‌ای که در دوران ترامپ ایجاد شده بتواند سپر بالای این موضوع شود و بتواند افکار عمومی را از عکس‌العمل‌تند باز دارد. ظنر ادامه پیامدهای خروج آمریکا از برجام به پیامدهای این تصمیم برای دولت ایران می‌توان اشاره کرد. در این رابطه می‌توان بر این موضوع تاکید کرد که برجام هنوز عواید اقتصادی برای ایران نداشته است؛ این در حالی است که از زمان انعقاد این توافق، آژانس پایبندی ایران به تعهداتش را تایید کرده و ایران هر بار، توانسته این امتیاز را تایید آژانس را به‌دست آورد. در این میان شاید کم‌شانسی ایران بی‌روزشدن یک جمهوریخواه در انتخابات آمریکا بود که معادلات برجامی ایران را برهم زد. البته به‌طور کلی برجام برای ایران پرستیژ یک بازیگر مذاکره‌کننده و متعهد به اصول دیپلماسی را در جامعه بین‌المللی به نمایش گذاشت. حتی اگر ایران در طول این مدت فعالیت‌های موشکی هم

چون ترامپ تقریباً به تمام قول‌هایی که در کمپین انتخاباتی خود داده بود عمل کرده و در مورد برجام نیز نظر مساعدی نداشت و آن را بدترین و وحشتناک‌ترین قرارداد تاریخ آمریکا قلمداد می‌کرد.

پس با این پیش‌زمینه از تفکر ترامپ، خروج از برجام نیز ممکن است. این تحلیل تلاش دارد به این سوالات با آینده‌نگری احتمالی پاسخ دهد: ۱- خروج آمریکا از برجام چه پیامدهایی برای خود آمریکا خواهد داشت؟ ۲- خروج آمریکا از برجام برای ایران چه پیامدهایی خواهد داشت؟ ۳- بهترین راهکار برای ایران بعد از خروج آمریکا از برجام چیست؟ ۴- اروپا در این پروسه خروج، چه استراتژی‌ای در پیش خواهد گرفت؟ ۵- چین و روسیه به خروج آمریکا از برجام، چه عکس‌العملی نشان خواهند داد؟ ۶- و بالاخره چه کشورهایی از این خروج نفع خواهند برد؟

قبل از پاسخ به سوالات مطرح شده، به این نکته باید توجه کرد که ساختار نظام بین‌الملل در دو دهه اخیر به‌نظام چندقطبی یا چندمرکزی تغییر داده شده است. ولی آمریکا به‌عنوان هژمون در خیلی از ابعاد نظامی و اقتصادی و ابعاد دیگر، هنوز از قدرت برتر برخوردار است و پایداری و سماجت این کشور در بیشتر گفتارهای بین‌المللی هم از این بابت است. به‌هرحال با اینکه در جهانی زندگی می‌کنیم که شعار جهانی شدن، دهکده جهانی و همکاری‌های بین‌المللی را دارد ولی در عمل جهانی کردن به نفع قدرت‌های بزرگ است و این موضوع کاملاً در عملکرد آمریکا در موضوع برجام آشکار است. در اینجا فرض می‌ماند که آمریکا پس از اتمام این ۱۰۰ روز از برجام خارج می‌شود؛ اولین و آشکارترین



ناشی از قطعنامه‌های سازمان ملل نیز برمی‌گردد. روشن است که دولت تدبیر و امید از این وضعیت بیشترین ضرر را متحمل خواهد شد.

هرچند دولت روحانی از، از بین رفتن برجام متضرر خواهد شد اما مخالفین او نیز نباید چندان از این وضعیت استقبال کنند. زیرا اگر تصمیم به پذیرش برجام تصمیم کلیت نظام بود از بین رفتن آن نیز کلیت نظام را متاثر خواهد کرد. در شرایطی که کشور با مشکلات جدی مانند ورشکستگی موسسات مالی، ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، بحران بیکاری، بحران رکود، بحران خشکسالی و محیط زیست، کسری بودجه و... مواجهه است که حتی منجر به اعتراضاتی بین جامعه در دی ماه گذشته شد، بازگشت به شرایط سال ۱۳۹۱، فشارهای بسیار بیشتری به کشور و نظام سیاسی تحمیل خواهد کرد که نتایج و پیامدهای آن می‌تواند بسیار خطرناک باشد. به این خاطر باید گفت آثار از بین رفتن برجام محدود به دولت روحانی نخواهد شد و کلیت نظام سیاسی و جامعه را نیز متاثر خواهد کرد. زیرا ابزار طرف مقابل برای جایگزین برجام، یا ابزار فشار و تحریم برای رسیدن به یک توافق جدید خواهد بود یا اندیشیدن به گزینه نظامی.

اینکه آمریکا از طریق متحدین خود مسیر فشار و تحریم را انتخاب کند یا اینکه در اثر ناتوانی از ایجاد اجماع برای تحریم دوباره ایران به فکر گزینه نظامی باشد هر کدام نتایج و پیامدهای خاص خود را برای کشور به دنبال دارد. اتخاذ هر یک از این دو، مسیرهای توسعه و رشد اقتصادی کشور را مختل می‌کند و تولید ثروت که مبنای برای تولید قدرت است را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. در واقع از آنجایی که اصلی‌ترین منبع درآمدی کشور نفت است با بازگشت تحریم‌های نفتی، تحریم‌های بیمه‌ای و تحریم نفت کش‌ها، بار دیگر میزان صادرات نفت ایران کم خواهد شد و حتی ممکن است به صفر برسد. در این صورت کشور برای تامین نیازمندی‌های خود دچار مشکل خواهد شد. شکل‌گیری چنین وضعیتی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ یکی از اصلی‌ترین دلایلی بود که سبب شد جمهوری اسلامی به دنبال مسیر مذاکره باشد. از این رو، در شرایط فعلی نیز ضروری است که کلیت نظام سیاسی خود را برای مواجهه با نتایج و پیامدهای منفی شکست برجام حاضر کند. ▶

## شبح پایان توافق

شکست برجام، از بین رفتن بزرگترین دستاورد سیاست خارجی روحانی است



طهمورت غلامی

کارشناس مسائل آمریکا

اصلاح آن در نهایت منجر به نابودی برجام می‌شود. در واقع تلاش برای اصلاح برجام تلاشی غیرمستقیم برای از بین بردن برجام است. پس در کنار سناریوی حفظ برجام با انجام اصلاحات جدید، سناریوی دیگر این است که برجام از بین می‌رود؛ چه آمریکا یکطرفه از آن خارج شود و چه ایران با تن ندادن به اصلاح برجام، خروج آمریکا از برجام را تسهیل کند.

اگر دولت آمریکا برجام موجود را تایید کند اتفاق خاصی نخواهد افتاد و روال دو سال گذشته ادامه پیدا خواهد کرد. اما از آنجایی که بسیار بعید به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی حاضر به پذیرش اصلاح برجام و نیز پذیرش برخی محدودیت‌ها بر توان موشکی خود شود، این احتمال وجود دارد که برجام از بین برود. در این وضعیت، باید به پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی پرداخت.

درواقع در این صورت بزرگترین دستاورد سیاست خارجی دولت حسن روحانی از بین خواهد رفت. همان‌گونه که برجام به عنوان یکی از دستاوردهای سیاست خارجی اواما از بین می‌رود، به عنوان مهم‌ترین دستاورد سیاست خارجی دولت یازدهم نیز از بین خواهد رفت. اگر صرفاً آمریکا از برجام خارج شود و جمهوری اسلامی و دیگر کشورها تصمیم بگیرند برجام را حفظ کنند در این صورت باید گفت که بهره‌برداری جمهوری اسلامی از مزایای برجام به حداقل خود خواهد رسید. در شرایط فعلی که آمریکا پایبند به برجام باقی مانده است کارشکنی‌های این کشور سبب شده که بهره‌برداری جمهوری اسلامی از برجام دشوار شود. روشن است که در نبود آمریکا در برجام، ایران از کمترین مزایای برجام برخوردار خواهد شد. حالت دوم این است که همزمان با خروج آمریکا از برجام، ایران نیز خارج شود و در نهایت برجام کاملاً از بین برود. در این صورت باید گفت موضع آمریکا و اروپا به هم نزدیک خواهد شد و شرایط به قبل از توافق اولیه در سال ۹۲ باز خواهد گشت. در واقع، در این صورت بار دیگر برجام ذیل فصل هفتم منشور شورای امنیت سازمان قرار می‌گیرد و تمامی تحریم‌های

دونالد ترامپ در ایام کارزار انتخاباتی خود به شدت با توافق هسته‌ای ایران مخالفت کرده و همواره آن را بدترین توافق تاریخ می‌دانست که دولت باراک اوباما امضا کرده است. در شش ماه نخست دولت جدید آمریکا، ترامپ دو بار در ماه آوریل و جولای در دوگانه حفظ یا حذف برجام با تایید پابندی ایران به توافق هسته‌ای گزینه حفظ برجام را انتخاب کرد، هرچند گفته می‌شود این تایید با اکراه و تحت فشار موافقان داخلی توافق هسته‌ای صورت گرفت. هنگامی که در جولای ۲۰۱۷ ترامپ اجرای توافق هسته‌ای ایران را مورد تأیید قرار داد اعلام کرد که در گزارش بعدی به کنگره آمریکا ممکن است چنین اقدامی را انجام ندهد. طبق این موضع‌گیری، ترامپ در گزارش بعدی خود به کنگره در ماه اکتبر از تأیید برجام خودداری کرد و آن را به کنگره آمریکا ارجاع داد؛ کنگره آمریکا نیز در مدتی که فرصت رسیدگی به برجام را داشت عملاً اقدام خاصی انجام نداد و در پایان مهلت، ترامپ بار دیگر اجرای برجام را تایید کرد اما اعلام کرد که این آخرین باری است که برجام را تایید خواهد کرد مگر اینکه ابرادات آن اصلاح شود در غیر این صورت آمریکا از برجام خارج خواهد شد. ماندن آمریکا در برجام به شرط اصلاح، به صراحت مورد ادعان معاون ترامپ و وزیر خارجه آمریکا نیز قرار گرفت.

در دولت آمریکا در رابطه با برجام هم اکنون طیفی دست بالاتر را دارد که معتقد است باید در کنار حفظ برجام به رفع ایرادات آن پرداخت و آن را اصلاح کرد. از دیدگاه این طیف وضع خطوط قرمز جدید و تهدید به اعمال تحریم‌های جدید می‌تواند راه برای اصلاح برجام از طریق همراه کردن متحدین آمریکا و پذیرش ایران فراهم کند. اما از دیدگاه مخالفین، اصرار آمریکا بر حفظ برجام در پرتو





## گزینه جایگزین

ایران به روسیه و چین امیدی نداشته باشد



میر قاسم مومنی

مدیرعامل موسسه مطالعات بین‌المللی چشم‌انداز ابرار نوین

پرونده هسته‌ای ایران و توافق با گروه ۵+۱ موسوم به برجام، مهمترین سیاست تبلیغاتی و مدیریتی دولت حسن روحانی به‌شمار می‌رود. شعارهای تبلیغاتی و انتخاباتی ایشان در خصوص به‌ثمر رسیدن توافق با غرب و آمریکا در خصوص پرونده هسته‌ای و نتایج حاصله، اساس رای مردم به حسن روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۲ بوده است.

در چنین شرایطی، دولت آقای روحانی حل تمام مشکلات اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی را منوط به حل پرونده هسته‌ای کرد و توافق هسته‌ای را ناجی اقتصاد کشور و توسعه روابط بین‌المللی در تمام عرصه عنوان کردند. به‌رغم تحقق توافق هسته‌ای در دوره نخست ریاست جمهوری روحانی، به جهت وجود مشکلات ساختاری در داخل و نظام بین‌المللی امکان بهره‌مندی از تمام ظرفیت‌های برجام برای کشور محقق نشد.

با گذشت نزدیک به سه سال از توافق برجام و رفع برخی تحریم‌های آمریکا و غرب علیه ایران، هنوز شاهد تحقق کامل تأثیرات توافق برجام در اقتصاد کشور نیستیم و این در واقع به بدقولی غرب و آمریکا در خصوص توافق برجام مربوط می‌شود که موجب شده ایران نتواند از تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی وضع شده خارج شود. دولت آقای روحانی در شرایط فعلی و در آغاز دور دوم ریاست جمهوری خود، بیش از گذشته تحت فشار بدقولی و تخلف‌های آمریکا و اروپا از مفاد برجام قرار گرفته است. در حالی که توافق برجام تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد و با حضور کشورهای تأثیرگذار جهانی منعقد شده است اما کارشکنی دولت جدید آمریکا توانسته تمام معادلات موجود در چارچوب توافق هسته‌ای را تحت تأثیر خود قرار دهد و این می‌تواند آغاز فروپاشی برجام و شروع مذاکرات جدید تلقی شود.

در صورت فروپاشی توافق برجام، دولت روحانی که تا سه سال آینده ساکن اداره کشور را برعهده دارد بیش از فشار

به‌وضوح مشاهده می‌شود. حال با توجه به اینکه مبنای استراتژی سیاست اقتصادی و بین‌المللی دولت آقای روحانی براساس توافق برجام شکل گرفته است، این پرسش مطرح است که در صورت شکست این توافق، دولت روحانی برای ادامه ۳ آتی ریاست جمهوری چه گزینه جایگزینی برای اداره کشور و افکار عمومی مردم در اختیار دارد؟ درحالی که در شعار انتخاباتی ایشان تحقق توافق برجام و حل تمامی مشکلات مردم و تجار و بازرگانان و صاحبان صنایع اعلام شده و علاج خروج از رکود اقتصادی حاکم بر کشور توافق برجام اعلام شده، شکست توافق برجام می‌تواند مبنای سیاست‌های داخلی و خارجی دولت ایشان را دچار بحران کند. با چنین مشکلاتی که ممکن است پیش آید چند سوال وجود دارد که لازم است بیان شود. اول اینکه طبق اصول اولیه سیاست دیپلماتیک و مذاکرات اقتصادی و سیاسی زمانی می‌توان با یک فرد یا یک جریان سیاسی راجع به یک موضوع مهم سیاسی و اقتصادی سر میز مذاکرات نشست که از دوام و بقای طرف مذاکره‌کننده اطمینان حاصل شود؛ در مذاکرات برجام این اصل مهم رعایت نشده است چرا که وقتی دستگاه دیپلماسی کشور شاهد آغاز روند جریان رقابت‌های انتخاباتی در آمریکا بود، اوپاما در دوره دوم ریاست جمهوری خود قرار داشت و امکان انتخاب مجدد ایشان نبود.

بنابراین همان زمان این احتمال می‌رفت که یک فرد از حزب جمهوریخواه بر مسند قدرت در کاخ سفید بنشیند و به همین دلیل بایستی شرایط مذاکرات و تعهدات لازم از آن مقطع پیش‌بینی می‌شد. ولی این موضوع به‌صورت جدی مورد توجه قرار نگرفت و در متن توافق نیز ما بسیاری از موضوعات را شفاف‌سازی نکردیم تا از طرف‌های مقابل تضمین‌های لازم اخذ شود. در حال حاضر اگر آمریکا و غرب بخشی از توافق برجام را اجرا نکنند و خواستار گرفتن امتیاز بیشتری باشند ما چگونه می‌توانیم مقابله کنیم؟ آیا این به مفهوم بازگشت به ۴ سال گذشته است؟ باید توجه داشت که شرایط داخلی کشور، منطقه و جهان دیگر شرایط ۴ سال قبل نیست و فرصت گذشته دیگر وجود ندارد. این در واقع یک استراتژی آمریکایی و اروپایی بود که با استفاده از برخی مشکلات کشور و با دادن برخی پیشنهادات، ما را وادار به امضای توافق برجام کرده و از مزایای این توافق در جریان انتخابات آمریکا و اروپا و برخی بنگاه‌های اقتصادی بهره‌مند سازند. ولی در مقابل، تعهدات برجامی دولت آقای روحانی یعنی نان حاصل از توافق برجام در سفره مردم ایران نیامد.

این سیاست بیشتر امید به آینده بود تا حل مشکلات فعلی و این عمل موجب اعتراضات آشکار مردم علیه سیاست‌های تبلیغاتی و غیرمؤثر دولت نسبت به وضعیت معیشتی و اشتغال مردم شده است. در چنین فضای سیاسی به‌نظر می‌رسد بحث اصلاح برجام و شروع مذاکرات جدید با ۵+۱ که از سوی آمریکا مدیریت می‌شود غیرقابل اجتناب است. چرا که در صورت عدم قبول مذاکرات، آمریکا با توسل به ایدئولوژی منطقه‌ای و کشورهای همسوسعی در ایجاد اجماع جهانی علیه کشور کرده‌زمینه را جهت بردن به سمت تحریم‌های بیشتر و محدود کننده علیه ایران فراهم می‌کند. به همین جهت با توجه به فرصت نزدیک به سه ماهی که ترامپ جهت بازنگری در برجام داده است و با توجه به شرایط سیاسی، امنیتی و نظامی منطقه لازم است مسئولان ذی‌ربط نسبت به راه‌های مقابله اصولی و تعهدات لازم را پیش‌بینی کنند و امیدی به حمایت روسیه و چین جهت ایفای نقش مؤثر در حمایت از کشور نداشته باشند. زیرا منافع غالب روسیه و چین در توسعه روابط با آمریکا، اروپا و عربستان نهفته است و متأسفانه ایران بیشتر نقش عنصری برای امتیازگیری از آمریکا و غرب را برای آن کشورها ایفا می‌کند. ▶

خارجی، از سوی جریان‌های سیاسی داخلی مورد تهاجم قرار خواهد گرفت که این مساله می‌تواند بحران شدید سیاسی در معادلات داخلی بین جریانات گوناگون را به دنبال داشته باشد. به بیان دیگر این مساله سرآغاز سوءاستفاده آمریکا و غرب از این معضلات در روند مذاکرات جامع‌تری با ایران خواهد بود.

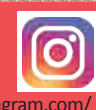
ما شاهد این واقعیت هستیم که توافق انجام گرفته با آمریکا در زمان ریاست جمهوری باراک اوپاما به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا از حزب دموکرات بود ولی در حال حاضر دونالد ترامپ از حزب جمهوریخواه ریاست جمهوری آمریکا را برعهده دارد. شخصی که از ابتدا با این توافق مخالف بود و آن را بدترین توافق تاریخ خوانده بود. توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ در اواخر دوره دوم ریاست جمهوری اوپاما و با سیاستمداران حزب دموکرات آمریکا حاصل شد اما اجرای توافق برجام به دوران حاکمیت حزب جمهوریخواه آمریکا که اکثریت مجلس سنا و کنگره را در اختیار دارند، موکول شده است. باید توجه داشت که این دو حزب از رقابت سنتی هم هستند و در خصوص مسائل داخلی آمریکا نیز اختلاف‌نظرهای زیادی دارند. بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ بسیاری از مصوبات و توافق‌های دوران اوپاما از سوی وی لغو یا تعدیل شده است و در واقع سرنوشت اجرایی شدن توافق برجام نیز منوط به نظر و سیاست‌های رئیس‌جمهور جدید آمریکا است. در حالی که ترامپ در دوران انتخاباتی خود شعار عدم پایبندی به توافق برجام را رسماً اعلام و آن را توافق ننگین اوپاما و حزب دموکرات معرفی کرد، بنابراین دولت ایران بایستی با توجه به اصل سیاست‌های رقابتی و حزبی موجود در آمریکا، توسعه اقتصادی و بین‌المللی را به توافق برجام گره نمی‌زد. در شرایط فعلی مشاهده می‌کنیم که آمریکا خواهان بازنگری در توافق برجام است و موضوعاتی مثل تروریسم و توسعه فناوری موشکی کشور را به عنوان موضوعاتی که بایستی در توافق برجام لحاظ شود، قرار داده است؛ همچنین کشورهای آلمان، فرانسه و انگلیس نیز که از اعضای مؤثر توافق برجام هستند به تدریج تحت فشار آمریکا درصدد همراهی با سیاست‌های ترامپ هستند که این مساله در صحبت‌ها و اظهارنظرهای مقامات اروپایی



www.iranpl.ir



telegram.me/iranplir



instagram.com/iranpl.ir



p.r@iranpl.ir



aparat.com/iranpl.ir

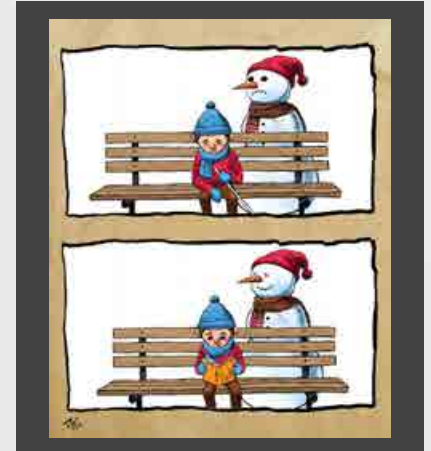
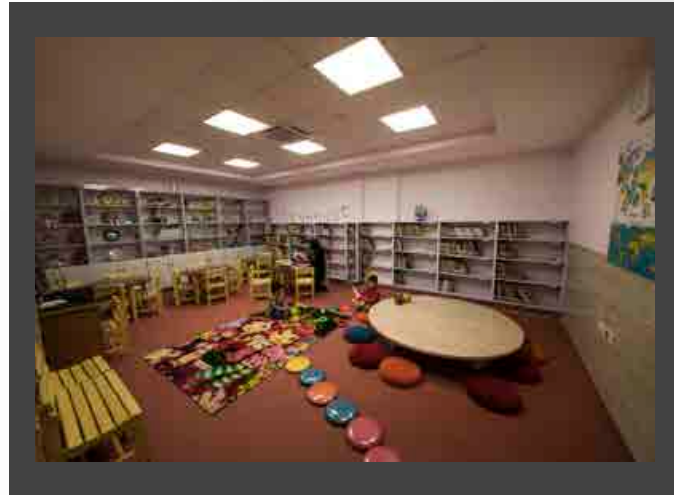
## کتابخانه‌شناسی

### کتابخانه دکتر محمدجوادی

هسته اولیه این کتابخانه در سال ۱۳۸۰ در منزل پدری دکتر محمد جوادی با ۵ هزار عنوان کتاب و بودجه ایشان تأسیس شد. در سال ۱۳۸۴ عملیات احداث ساختمان جدید در منطقه صفائیه یزد آغاز شد و در سال ۱۳۹۴ به بهره‌برداری رسید.

این کتابخانه خیر ساز با مساحت ۹۰۰ متر و زیربنای ۲۷۰۰ متر مربع در ۳ طبقه، به صورت استاندارد ساخته شده و پس از تجهیز توسط اداره کتابخانه‌های عمومی شهرستان یزد، در حال حاضر با بیش از ۳۲ هزار عنوان و حدود ۳۸ هزار نسخه کتاب به ۲۶۰۰ عضو فعال خدمات ارائه می‌دهد.

کتابخانه دکتر محمدجوادی در منطقه صفائیه یزد به نشانی بلوار شهیدان اشرف، روبروی ورودی بصیرت دانشگاه یزد، کوچه دکتر مسعود جوادی واقع است.



طرح: علی آقایی، ایران

## کارتون کتاب

## پیشنهاد کتاب



نام کتاب ..... قنات، مظهر روشنائی  
 نویسنده ..... محمدرضا افضلی  
 انتشارات ..... شرکت انتشارات فنی ایران  
 تعداد صفحات ..... ۳۲ صفحه

محیطی فارغ از هیاهوی دنیای مدرن، کودکان و نوجوانان را با آداب و رسوم قدیمی، شیوه‌های ساخت و فواید کاربری یا قنات آشنایی کند.

کاوه، نوجوان شهر نشینی است که همراه پدر برای دیدار با پدر بزرگش، راهی یک روستای کویری می‌شود و در طول این سفر جذاب با ماجرای حفر قنات آشنا شده و ضمن آن، اطلاعات فراوانی در خصوص قنات‌ها و چگونگی

خلاقیت و دانش پیشینیان ما در فن قنات‌سازی، به قدری عالمانه و بدیع بوده که تاکنون شبکه‌های آب‌رسانی در نقاط تاریخی ایران، کارشناسان و پژوهشگران باستان شناس جهان را شگفت‌زده و متحیر می‌سازد.

«قنات، مظهر روشنائی»، کتابی داستانی مخصوص مخاطبان گروه‌های سنی «ب» و «ج» است که در خلال داستانی جذاب، گرم و صمیمی و در

جمعیت بالای ۷۰۰ نفر در قالب کتابخانه‌های مشارکتی، معرفی کتابخانه‌های عمومی به ناجا جهت استقرار نیروی پلیس در محدوده کتابخانه، برگزاری مسابقات کتابخوانی با استفاده از منابع پیشنهادی ناجا در کتابخانه‌های عمومی و برگزاری جلسات نقد کتاب و نشست کتابخوان در مناسبت‌های مختلف در مراکز معرفی شده از سوی ناجا است.

تفاهم‌نامه همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با هدف ترویج کتابخوانی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و همچنین ایجاد کتابخانه‌های مشارکتی در مراکز ناجا به امضا رسید.

تعهدات نهاد در این تفاهم‌نامه شامل حمایت از کتابخانه‌های واجد شرایط ناجا با اولویت مراکز با

## خبر ویژه

**نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و نیروی انتظامی تفاهم‌نامه همکاری امضاء کردند**



برای مشاهده آخرین اخبار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور می‌توانید توسط گوشی تلفن همراه خود از رمز بینه‌های روبه‌رو عکس بگیرید

# ورزش

## نسخه فدراسیون

موضع منفعلانه فدراسیون فوتبال در قبال زورگویی سعودی‌ها در فوتبال آسیا و قضاوت‌های نابخردانه AFC چه خواهد بود. آیا فدراسیون تاج‌راهی برای خروج از این انفعال خواهد یافت یا همچنان با مواضع کم‌زورش بر ضعف دیپلماسی در فوتبال ایران مهر تأیید خواهد زد؟

## سفر به قطر

ضعف دیپلماسی فوتبال ایران مقابل عربستان ادامه دارد

تیتریک



ورزشی محروم شده است به دنبال توطئه علیه فوتبال عربستان و راضی کردن کنفدراسیون فوتبال آسیا برای لغو بازی در زمین بیطرف است. ما در برابر چنین اقداماتی ساکت نخواهیم نشست.»

رئیس فدراسیون فوتبال عربستان تأکید کرد که رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیا را در جریان چنین توطئه‌ای قرار داده است و گفت: «در حال مکاتبه با مراجع بلندبالای فیفا هستیم. در گزارش‌ها و مستندات خود آورده‌ایم که ایران و قطر به خاطر حمایت از تروریسم و تروریست‌ها شرایط میزبانی را ندارند.»

پس از اینکه کشمکش‌ها بالا گرفت خیلی‌ها تصور می‌کردند قطر هم مثل ایران موضع سکوت و انفعال در پیش می‌گیرد اما این اتفاق رخ نداد تا در عین ناباوری حتی قطر هم توانست موضع خودش را حفظ کند و حرفش را به کرسی بنشانند اما ایران نه. کنفدراسیون فوتبال آسیا رای خودش را درباره میزبانی تیم‌های عربستانی و اماراتی از همسایگان‌شان اعلام کرد و آنها را ملزم به بازی در کشور قطر کرد. در جلسه کمیته اجرایی کنفدراسیون فوتبال آسیا

مدیران فوتبال. ما چرا اما ادامه دارد؛ چندی پیش رئیس فدراسیون فوتبال عربستان بار دیگر تأکید کرد که در ایران و قطر به میدان نخواهند رفت و چنین درخواستی را به فیفا هم ارائه داده است.

فصل جدید لیگ قهرمانان آسیا هفته دیگر آغاز خواهد شد. این در حالی است که هنوز تکلیف میزبانی چند تیم و کشور مشخص نشده است.

سعودی‌ها و جدیداً اماراتی‌ها اصرار دارند که در خاک ایران و قطر به میدان نخواهند رفت و بازی‌های رودرو با نمایندگان ایران و قطر در زمین بیطرف برگزار شود. اما فدراسیون فوتبال قطر هم اصرار داشت که در زمین بیطرف به میدان نمی‌رود. دو طرف در حال تهدید کردن کنفدراسیون فوتبال آسیا بودند که عادل عزت، رئیس فدراسیون فوتبال عربستان از دست‌های پشت پرده قطری‌ها برای لغو میزبانی کشور ثالث سخن به میان آورد و آنها را متهم به توطئه علیه خود کرد.

او گفت: «سعود المهندی، نایب رئیس سابق فدراسیون فوتبال قطر که به خاطر فساد از هر گونه فعالیت

داستان پر حاشیه از آنجایی شروع شد که سعودی‌ها، کنفدراسیون فوتبال آسیا را تحت فشار قرار دادند و بازی کردن مقابل نمایندگان فوتبال ایران در لیگ قهرمانان آسیا را مشروط به برگزاری بازی در زمین بیطرف دانستند. آنها بلافاصله به صرافت افتادند که برای دیکته کردن این سیاست غیرحرفه‌ای در آسیا دست به یارگیری بزنند. امارات هم خیلی زود به آنها ملحق شد تا کنفدراسیون فوتبال آسیا بدون هیچ گونه بررسی در این زمینه حق میزبانی باشگاه‌های فوتبال ایران را ضایع کند و حکم به برگزاری بازی‌ها در زمین بیطرف بدهد.

این حکم در حالی اجرایی شد که در آن مقطع، اسدی دبیر فدراسیون فوتبال بود و به دلیل ناآشنایی با مسائل مربوط به ای اف سی و عدم آگاهی از ضرورت‌های رایزنی با AFC هرگز نتوانست برای فوتبال ایران احقاق حق کند. نتیجه این شد که حالا سه سال است نمایندگان فوتبال ایران در زمین بیطرف به مصاف نمایندگان فوتبال عربستان می‌روند و این چیزی نیست که هواداران فوتبال ایران با آن کنار بیایند. این چیزی نیست جز ضعف دیپلماسی نزد

**لایه‌ای از ناراستی**  
فوتبال تبدیل به پدیده‌ای کاملاً سیاسی شده است



**اراده‌های پیدا و پنهان**  
وقتی دیپلماسی ما ظریف نیست



**چرا قطر توانست و ایران نتوانست؟**  
واکاوی انفعال فدراسیون فوتبال

بعد از اعتراض باشگاه‌های عربستانی و اماراتی به تصمیم کنفدراسیون فوتبال آسیا مبنی بر برگزاری بازی‌های رفت و برگشت بین نمایندگان این دو کشور با نمایندگان کشور قطر، کمیته اجرایی AFC به صورت رسمی تقاضای طرف عربستانی و اماراتی را رد کرد. ۱۴ رای به نفع کشور قطر و ۳ رای به نفع کشورهای عربستان و امارات در کنار یک رای ممتنع نتیجه بررسی و نظرخواهی کمیته اجرایی AFC درباره میزبانی کشور قطر از نمایندگان این دو کشور بوده است و به همین خاطر تیم‌های عربستانی و اماراتی امسال موظف هستند برای برگزاری بازی‌هایشان در لیگ قهرمانان آسیا به کشور قطر سفر کنند.

پیش از این مسئولان فوتبال عربستان بارها تهدید کرده بودند که چنانچه کنفدراسیون فوتبال آسیا نظر آنها برای بازی با نمایندگان قطر در کشور ثالث را نپذیرد از AFC خارج خواهند شد. در این بررسی شرایط کشور ایران مورد لحاظ قرار نگرفته است و در صورت جلسه کمیته اجرایی کنفدراسیون فوتبال آسیا اشاره‌ای به میزبانی تیم‌های ایرانی از تیم‌های عربستانی نشده است. بر این اساس دیدارهای نمایندگان ایران با عربستان همچنان باید در کشور ثالث برگزار شود.

هفته گذشته اما خبرگزاری اسپنسا به رفتار و رویه عجیب فدراسیون فوتبال سخت انتقاد کرد و موضع ایران در قبال سعودی‌ها را منفعلانه خواند. فدراسیون فوتبال قطر در حالی موفق شد که رای بازی در دوحه را مقابل تیم‌های سعودی و اماراتی به دست آورد که از حق خود هیچ‌گاه چشم‌پوشی نکرد و بر خلاف مسئولان داخلی دست‌هایش را به علامت تسلیم بالا نبرده بود. کشور قطر سال گذشته با عربستان سعودی دچار یک چالش منطقه‌ای شد. چالشی که در نهایت به سوگیری کشورهای عربی علیه قطر منجر شد و در راس این قضیه عربستان، امارات متحده عربی و بحرین قرار داشتند. بعد از این چالش منطقه‌ای، عربستان و امارات اعلام کردند که در رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا به دوحه سفر نخواهند کرد و خواهان برگزاری مصاف‌هایشان با تیم‌های قطری در کشور ثالث هستند.

آنها در ابتدای کار تاحدی هم موفق بودند ولی مقاومت شدید قطر نسبت به این درخواست باعث شد تا کار گره بخورد و در این میان عربستان و امارات برای بیشتر کردن فشار خود و تاثیرگذاری روی رای نهایی، تهدید به کناره‌گیری از لیگ قهرمانان آسیا کنند، با این حال قطری‌ها کماکان روی موضع خود ایستادند و از حق‌شان دفاع کردند. در نهایت شنبه رسماً اعلام شد که تیم‌های سعودی و اماراتی باید به قطر سفر کنند. این اتفاق در حالی رخ داد که فوتبال ایران مدت‌هاست نسبت به احقاق حشش مقابل زیاده‌خواهی‌های سعودی اقدامی نمی‌کند. زمانی که قطری‌ها نسبت به احقاق حق‌شان تلاش می‌کردند، در ایران مسئولان فقط حرف می‌زدند و می‌گفتند تلاش مان را می‌کنیم. قطر نشان داد حق‌گرفتنی است. آنها نه از تهدیدهای سعودی ترسیدند نه خودشان را دست‌کم گرفتند. قطری‌ها بر عکس مسئولان ایرانی کاملاً بر این نکته واقف بودند که بهانه‌های سعودی و اماراتی ماه به ازای واقعی ندارد. ظاهراً برخی از مسئولان ایرانی خودشان هم باورشان شده که هیچ راهی برای بازی کردن تیم‌های سعودی در ایران یا بازی کردن تیم‌های ایرانی در آن کشور وجود ندارد.

از مدت‌ها قبل در ایران این بحث مطرح بود که آیا در این فصل تیم‌های عربستانی به ایران می‌آیند یا نه؟ جلسه‌ای در همین رابطه در سازمان لیگ ایران میان تاج و نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان آسیا برگزار شد. بعد از این جلسه اعلام شد که ایران به هیچ وجه از حشش کوتاه نخواهد آمد ولی در عمل این اتفاق رخ نداد و شاهد سفر نمایندگان ایران به چند کشور بودیم. کشورهایی که قرار بود نقش کشور ثالث را داشته باشند. به عبارت بهتر نه مهدی تاج و نه مدیران فوتبالی ایران هیچ آمیدی به حل این مساله نداشتند و تنها برای بازی رسانه‌ای و کم کردن اعتراضات به وعده و وعید دادن مشغول بودند و در عمل دست به هیچ کاری نزدند. هفته گذشته باز هم جلسه‌ای برگزار شد و در این جلسه باز هم اعلام شد که از حق مان کوتاه نمی‌آییم. احتمالاً این جلسه هم ناشی از پیروزی قطری‌ها بود و گزینه مدیران فدراسیون فوتبال خیلی وقت پیش دست‌شان را به علامت تسلیم بالا برده بودند و آماده بازی کردن در کشور ثالث بودند. متأسفانه ضعف دیپلماسی و مدیریت خنده در فوتبال ایران به‌رغم تغییر مدیریت، تغییر چندان نکرده و مدیران جدید فدراسیون فوتبال هم متأثر از سیاست‌های اجرایی رئیس سابق، با جدی‌نگرفتن دغدغه‌های آسیایی و بین‌المللی فوتبال ایران است.

در همین حال آخرین خبرها حاکی از آن است که فدراسیون فوتبال ایران از کنفدراسیون فوتبال آسیا درباره گزارش ناظر امنیتی که چندی پیش به کشورمان سفر کرده بود، سوال پرسیده است. تسنیم در این باره نوشته است: «کنفدراسیون فوتبال آسیا همچون گذشته با دیگر رای به برگزاری مسابقات نمایندگان ایران و عربستان در کشوری بیطرف داد تا برخلاف قطر که زیر بار بازی با سعودی‌ها در زمین بیطرف نرفت، تیم‌های ایرانی برای سومین سال پیاپی مجبور باشند در کشور ثالث با رقبای سعودی بازی کنند. این اتفاقات در حالی رخ داده که چندی پیش ناظر امنیتی از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا به ایران سفر کرده و گزارشی از شرایط کشورمان تهیه کرده بود. ناظران امنیتی همچنین به قطر و امارات هم رفتند. پس از این اتفاق و با توجه به امنیتی که در ایران حاکم است این انتظار وجود داشت که گزارش ناظر AFC به کشورمان در بحث بازی با نمایندگان عربستان کمک کند اما اتفاق تازه‌ای رخ نداده است. حمیرا اسدی، سرپرست دپارتمان دآوری فدراسیون فوتبال در این باره می‌گوید که گزارش این ناظر امنیتی درباره ایران مثبت بوده است. در واقع وی به فدراسیون ایران گفته نظرش مثبت است اما اینکه چه گزارشی به کنفدراسیون فوتبال آسیا داده مشخص نیست. فدراسیون فوتبال ایران هم با توجه به اتفاقات اخیر از کنفدراسیون فوتبال آسیا درباره نتیجه گزارش این ناظر امنیتی استعلام گرفته و منتظر پاسخ کنفدراسیون فوتبال آسیا است. باید دید AFC پاسخ نامه ایران را می‌دهد یا خیر و در صورتی که جواب بدهد باید دید چه پاسخی خواهد داد.»

با این همه اما پیرو برگزاری نشست مدیران باشگاه‌های ایرانی حاضر در لیگ قهرمانان باشگاه‌های آسیا با مسئولان فدراسیون فوتبال، مدیرعامل تراکتورسازی بر ضرورت دفاع از حق نمایندگان فوتبال ایران مقابل تیم‌های عربستانی تأکید کرده است. مصطفی آجورلو در این جلسه تأکید کرد که انتظار می‌رود همچنان با همکاری فدراسیون فوتبال به دنبال احقاق حق خودمان باشیم چرا

که هیچ دلیل منطقی و موجهی برای ادعای سعودی‌ها وجود ندارد و ما هم می‌خواهیم اولین بازی آسیایی در تبریز مقابل الاهلی عربستان برگزار شود. امیدواریم با تلاش مسئولان فدراسیون خبرهای خوبی به هواداران مان بدهیم.

با این وجود در این جلسه مقرر شد در صورتی که درخواست باشگاه تراکتورسازی و فدراسیون فوتبال به نتیجه نرسد شهر دوحه قطر به عنوان میزبان مسابقه رفت مقابل الاهلی عربستان انتخاب شود.

بر این اساس با توجه به بررسی شرایط سایر گزینه‌های موجود در صورت پذیرفته نشدن تبریز به عنوان میزبان الاهلی، کشور قطر به کنفدراسیون فوتبال آسیا معرفی خواهد شد و تراکتورسازی در این کشور مقابل نماینده عربستان به میدان خواهد رفت.

اما سایت ورزش سه در گزارشی که هفته گذشته منتشر کرد رویکرد متفاوتی نسبت به تصمیم غیرحرفه‌ای AFC نشان داده است. پس از بالاگرفتن مشکلات بین کشورهای غرب آسیا بر سر میزبانی بازی‌ها و در آستانه شروع رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا، بررسی‌های کلی و غیرعلنی در این خصوص انجام شد. نتیجه این بررسی‌ها این بوده که اگر بازی‌ها از شکل سابق خارج شود و در زمین بیطرف برگزار شود، به خاطر اینکه در دو سال اخیر هم این اتفاق افتاده و تماشاگران خیلی کمی برای دیدن این بازی‌ها به ورزشگاه رفته‌اند، از نظر تبلیغات و برنامه‌ریزی‌های AFC و البته حق پخش یک شکست بزرگ محسوب می‌شود.

همچنین در صورت کناره‌گیری تیم‌های اماراتی و عربستانی از لیگ قهرمانان، باز هم ضرر بزرگی متوجه کنفدراسیون فوتبال آسیا خواهد شد. در کنار این مسائل، قرارداد بزرگ AFC با شبکه تلویزیونی BEIN Sports هم موضوع مهمی محسوب می‌شود. این شبکه در سال ۲۰۱۲ قراردادی هشت ساله با کنفدراسیون فوتبال آسیا امضا کرد تا پخش رقابت‌های لیگ قهرمانان را بر عهده بگیرد. حالا صحبت از تمدید این قرارداد به مدت هشت سال دیگر و با مبلغ ۲ میلیارد دلار به میان آمده و شیخ سلمان هم حساب ویژه‌ای روی این قرارداد باز کرده است. مشکل در خصوص BEIN Sports این است که این شبکه جهانی به کنفدراسیون فوتبال آسیا فشار آورده و هشدار داده که باید بازی‌ها در ورزشگاه خانگی تیم‌ها برگزار شود تا حق پخش ۸ سال آینده فوتبال ملی و باشگاهی آسیا را خریداری کند. این در حالی است که پس از آغاز مشکل عربستان و امارات با کشور قطر، سعودی‌ها و اماراتی‌ها پخش تلویزیونی BEIN Sports را بستند و فروش آن را ممنوع کردند. البته این ممنوعیت در امارات پس از مدتی ملغی شد؛ اما عربستان کماکان از موضع خود پایین نیامده است. حالا با این مشکلات پیش آمده و دوراهی که به نظر نمی‌رسد هیچ کدام برای AFC بی‌ضرر باشد، باید دید مسئولان کنفدراسیون فوتبال آسیا در نهایت چه تصمیمی در خصوص این بحران می‌گیرند.

باید دید موضع منفعلانه فدراسیون فوتبال در قبال زورگویی سعودی‌ها در فوتبال آسیا و قضاوت‌های نابخردانه AFC چه خواهد بود. آیا فدراسیون تاج‌راهی برای خروج از این انفعال خواهد یافت یا همچنان با مواضع کم‌زور و ضعف دیپلماسی در فوتبال ایران مهر تأیید خواهد زد؟ ▶

# لایه‌ای از ناراستی

## فوتبال تبدیل به پدیده‌ای کاملاً سیاسی شده است

می‌روند و به‌طور مرتب درباره حل مشکلات باشگاه‌های شان جلساتی را ترتیب می‌دهند. بعد هم می‌گویند بخشیدم ما همه تلاش مان را کردیم اما نشد، نه، این پذیرفتنی نیست. شما چطور نمی‌توانید فوتبالی که سال‌هاست در زنگینگ آسیا در صدر قرار گرفته و اتفاقاً اولین تیمی بوده که از قاره آسیا به جام جهانی صعود کرده است را به حشش برسائید؟ این نشان‌دهنده این است که مدیران ما کارآمد نیستند و من دلم می‌خواست که فدراسیونی قدرتمند سر کار بود که لااقل به شکلی بتواند حق باشگاه‌هایی که قرار است نمایندگان ما در آسیا باشند را بگیرد. اما نه تنها این مطالبه وجود ندارد، بلکه متأسفانه می‌بینیم که فدراسیون فوتبال ما پذیرش دارد و کاملاً منفعل با این قضیه برخورد می‌کند. چرا استقلال از همین حالا باید خود را آماده کند که در عشق آباد ترکمنستان بازی کند؟ چرا تراکتورسازی نباید از مهم‌ترین حق خود یعنی میزبانی آن‌هم با آن تماشاگران پرشور خودش محروم شود؟ به نظرم کار از این حرف‌ها گذشته و خود این باشگاه‌ها باید برای خودشان تصمیم بگیرند چون اگر قرار بود از این فدراسیون قدرت نفوذی ببینیم تا کنون دیده بودیم. وقتی تیم ملی ما به جام جهانی رفت همه خوشحال شدیم. باید هم‌اکنون خوشحالی می‌کردیم. تیم ما مقتدرانه به جام جهانی رفت. اما من همان موقع هم عرض کردم که خدا نکند این موفقیت که اتفاقاً همه ما را خوشحال کرده است، پوششی باشد بر ضعف‌های فوتبال ما. ما ضعف‌های زیادی در فوتبال مان داریم که اساسی‌ترین آن به ضعف مدیریت برمی‌گردد. در دوره‌ای که جوان بودم کلاس‌های مربیگری مختلفی برگزار می‌شد. یاد می‌آید مدرسین خارجی که به فوتبال ما می‌آمدند می‌گفتند فوتبال ۳ سرفصل مهم دارد. مدیریت، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی. اگر شما برنامه داشته باشید و اتفاقاً سرمایه کافی هم داشته باشید اما مدیر خوبی نداشته باشید آن دو فاکتور دیگر هم خود به خود نابود می‌شود. این کاملاً روشن است. از طرفی اگر برنامه یا سرمایه‌ای وجود نداشته باشد یک مدیر توانمند نمی‌پذیرد که در چنین شرایطی کار کند. چون دست خودش را بسته می‌بیند. مصاحبه گواردیولا را بخوانید. تاکید کرده که نمی‌تواند ۴ جام برای سیتی بیآورد چون به اندازه کافی بازیکن ندارد. صداقت دارند و صریح هستند. واقعیت‌ها را به هواداران شان می‌گویند. اما شما به پرسپولیس نگاه کنید. ببینید برای اینکه اشتباهات خودشان را قبول نکنند چقدر به این مردم دروغ می‌گویند. من مانده‌ام که چه کسی حرف راست را می‌زند چون ما در محاصره دروغ‌نویسی و این دروغ‌ها به فوتبال ملی ما هم لطمه می‌زند. چرا از کنار مساله میزبانی باشگاه‌های پرسپولیس، استقلال، تراکتورسازی به راحتی می‌گذریم؟ اگر رقبای این تیم‌ها به ورزشگاه‌های این تیم‌ها بیایند باور کنید شکل دیگری می‌شود. باور کنید نتیجه گرفتن این تیم‌ها به سود فوتبال ملی است و منفعل بودن ما باعث می‌شود که این تیم‌ها نتیجه بگیرند و در نهایت فوتبال ملی ما آسیب جدی ببیند. به نظرم بازتاب موفقیت این تیم‌ها را یا نمی‌بینند یا قدرت دید کافی ندارند. به‌طور کلی باید بگویم که فوتبال ایران در لایه‌ای از ناراستی پیچیده شده است. به اقلیت شریف این فوتبال احترام می‌گذارم. اما تا این روند ادامه داشته باشد فوتبال ما در مسیر پیشرفت پایدار قرار نمی‌گیرد. شاید جرقه‌هایی زده شود و موفقیت‌های مقطعی به دست بیاید اما به جای نمی‌رسیم. در مورد بحث میزبانی و ضعف دیپلماسی فوتبال ایران نیز باید بگویم ما از همان ابتدا و انکش خیلی بدی نشان دادیم و اساساً انکشی نشان ندادیم. منفعل بودیم و منفعل باقی مانده‌ایم. امیدوارم در آینده اتفاقاتی رخ بدهد که نمایندگان فوتبال ایران بتوانند حق خودشان را بگیرند. ▶

که می‌خواهند به فوتبال ما تحمیل کنند یا بهتر بگویم تحمیل کرده‌اند چه واکنشی داشته‌ایم؟ آقایان ساده‌ترین راه حل را انتخاب کرده‌اند و می‌گویند اگر میزبانی را از ما بگیرد اصلاً بازی نمی‌کنیم. ما به‌طور مرتب سعی می‌کنیم جامعه را آرام می‌کنیم. می‌خواهیم مردم را راضی کنیم و مدعی هستیم که قرار نیست در این فوتبال همیشه روی پاشنه سعودی‌ها بچرخد، در حالی که اتفاقاً منفعل بودن ما باعث شده همین اتفاق رخ بدهد و ما شاهد این هستیم که هیچ چیز تغییر نکرده است.

یک نکته دیگر هم وجود دارد. مسایفی که می‌بینیم که مدعی است ورزش از سیاست جداست و اگر در کشوری سیاسیون در ورزش دخالت کردند آن فدراسیون تعلیق خواهد



امیر حاج‌رضایی  
کارشناس فوتبال

ما از ابتدا در مورد ماجرای جوسازی سعودی‌ها خودمان را در موضع ضعف قرار دادیم و منفعل عمل کردیم. از همان ابتدا که آنها قصد داشتند حرف زورشان را به کرسی بنشانند ما باید طور دیگری عمل می‌کردیم. باید ریشه‌ای برخورد می‌کردیم. شاید هم برخورد رادیکال لازم بود تا آنها بدانند قرار نیست حرف زورشان را به ما دیکته کنند. اما نه تنها چنین کاری نکردیم بلکه خیلی راحت پذیرفتیم که در زمین دیگری برابر



شد. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که امروز فوتبال بیش از هر زمان دیگری سیاسی است. من فراموش نمی‌کنم که آقای بالاتر وقتی به ایران آمد در فرودگاه کراواتش را در آورد و ما به کلی وعده داد و بعد از اینکه از ایران رفت در ابوظبی کراواتش را دوباره بست و همه وعده‌هایش به فوتبال ایران را فراموش کرد و حرف‌های دیگری زد. بنابراین به نظرم فوتبال کاملاً به امری سیاسی تبدیل شده است و لابی‌ها و رایزنی‌های سیاسی اتفاقاً در سرنوشته فوتبال هر کشوری می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد و این نشان‌دهنده آن است که ما چقدر دچار ضعف هستیم. چون فوتبال ایران در مجامع بین‌المللی ابد صاحب کرسی نیست. صاحب جایگاهی نیست که بتواند در مواقعی که لازم است از شان و اعتبار فوتبال ایران دفاع شود، چنین کاری را انجام دهد. تا مادامی که چنین رویه‌ای وجود دارد حق فوتبال ایران ضایع خواهد شد. بنابراین باید عرض کنم ما در بخش دیپلماسی ورزشی دچار ضعف هستیم چون اساساً در مدیریت فوتبال دچار ضعف مفرط هستیم.

نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است که آقایان گفته‌اند باشگاه‌های فوتبال ایران در اعتراض به تصمیم‌های اف‌سی در لیگ قهرمانان آسیا حضور پیدا نمی‌کنند. چرا؟ چرا باید نهایت اعتراض ما این باشد که میدان را برای یک‌تازی حریف خالی کنیم؟ اگر این اتفاق در کشوری مثل انگلیس یا کشورهایی با دیپلماسی به مراتب ضعیف‌تر در عرصه فوتبال رخ می‌داد ابتدا چنین نسخه‌ای را برای فوتبال شان نمی‌پیچیدند. آنها هرگز خود را در موضع ضعف قرار نمی‌دادند. دلایل هم روشن است چون آنها همواره بر اساس قانون پیش

تیم‌های عربستانی به میدان برویم. البته یک سری از آقایان اسمش را زمین بیطرف گذاشته‌اند در صورتی که به نظرم ما در زمین بیطرف بازی نمی‌کنیم. بله، اگر در تاجیکستان یا ازبکستان بازی می‌کردیم می‌توانستیم اسمش را زمین بیطرف بگذاریم اما وقتی در کشوری عربی بازی می‌کنیم که صرفاً زمین عربستانی‌ها نیست اما به هر شکلی به آن نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که سعودی‌ها خیلی پیش از ما از این زمین به اصطلاح بیطرف نفع می‌برند. بنابراین معتقدم همان‌طور که قطر موفق شد حق خودش را بگیرد و حرف حسابش را به کرسی بنشانند ما نیز باید چنین رویه‌ای پیش می‌گیریم و کفدراسیون فوتبال آسیا را متقاعد می‌کردیم که نمایندگان فوتبال ایران نباید از حق میزبانی محروم شوند. اما نه تنها از حق خودمان دفاع نکردیم و حق مان را مطالبه نکردیم، بلکه به‌طور مرتب با وعده سعی کردیم افکار عمومی را آرام کنیم. به‌طور مرتب مصاحبه کردیم که ما در تلاش هستیم مساله را حل کنیم و حتماً این مناقشه را حل خواهیم کرد اما هیچ اتفاقی رخ نداد. تصور من این است که این ضعف کاملاً مدیریتی است. انکار فوتبال ایران مدیرانی را در راس می‌بیند که خیلی راحت می‌توانند ماشاوات کنند. آنها بی‌خوابی که خیلی راحت می‌توانند دستور بپذیر باشند. ما الان نزدیک ۱۰ سال است که مدیر توانمند فوتبالی در راس مدیریت فدراسیون فوتبال ندیده‌ایم. به‌طور طبیعی این ضعف از بالا به پایین حرکت می‌کند و به بخش‌های میانی فدراسیون هم سرایت خواهد کرد و باعث می‌شود که ما در عرصه بین‌المللی ابداً قدرتمند نباشیم. ما مقابل حرف زوری

# با توهین نمی‌توانیم حق مان را بگیریم

## نمایندگان خوبی در AFC نداریم

بهبان به دست آنها می‌دهیم که باعث می‌شود آنها چنین کارهایی را انجام دهند.

ضعف تیم مذاکره‌کننده؛ به نظرم این مانع اصلی نیست. خیلی جاها هست که نماینده نمی‌تواند انگلیسی صحبت کند اما چون از پشت ماجرا حل شده، کار را جلو می‌برند. خیلی از این مسائل هست. درست است که حتما باید تیم مذاکره‌کننده توانایی‌های خاصی داشته باشد. آنها مواظب هستند که ما بهانه‌ای بدهیم و سوءاستفاده کنند. ما باید طبق چیزی که در دین و فرهنگ مان توصیه شده است عمل کنیم، نه اینکه واکنش نشان دهیم. ما باید هم در داخل قوی شویم و بهانه ندهیم و هم نمایندگان خوبی را به AFC بفرستیم. وقتی نماینده‌ای می‌آید و حرفی می‌زند اما بعدا مشخص می‌شود نتیجه چیز دیگری بوده، یعنی اصلا نفهمیده که در آن جلسه چه گذشته است. این یک ضعف است. امیدوارم شرایطی به وجود بیاید که بتوانیم به درستی از حق فوتبال ایران دفاع کنیم. تردید نداشته باشید که اگر با سند و از راه‌های حرفه‌ای با کنفدراسیون فوتبال آسیا وارد مذاکره و لابی شویم، پاسخ‌هایی شاید دریافت کنیم که در آینده وضعیت فوتبال مان را بهتر کند و اگر قرار باشد احساساتی تصمیم بگیریم و فقط با شعار دادن مسائل را ساده جلوه دهیم هیچ اتفاق مثبتی رخ نخواهد داد.

آن بازی‌ها ناظر ندارد؟ با این کار که نمی‌توانیم حق مان را بگیریم. کشورهایی مثل قطری‌ها و کویت اختلافات جزئی دارند. البته خود قطری‌ها نیز اهل پول خرج کردن هستند. آنها بد هستند و ما می‌دانیم اما آیا باید جواب بدی آنها را با بدی بدهیم؟ فرض کنید در بحرین پرچم عربستان را بالا برده‌اند و مشخص می‌شود کارگزار سعودی‌ها هستند اما وقتی آنها به ایران می‌آیند کلمات نامناسب به زبان می‌آوریم که این سبب بهانه دادن دست آنها می‌شود. ما تا حدی می‌توانستیم در این رای تاثیرگذار باشیم. ما زمانی آدمی را به نمایندگی از خودمان آنجا می‌گذاریم که تنها لبخند می‌زند و با حرف آنها قانع می‌شود اما زمانی نماینده‌ای انتخاب می‌شود که محکم صحبت می‌کند و با آنها بحث می‌کند و تا حدی روی آنها تاثیر می‌گذارد. این دو با هم فرق دارند، البته گفتنی است تصمیم آنها در جلسات گرفته نمی‌شود، بلکه پشت درهای بسته گرفته می‌شود. آنها پشت درهای بسته و تحت تاثیر مسائل سیاسی تصمیم می‌گیرند. معمولا کشورهای کوچک و ضعیف را با خود همراه می‌کنند تا پشتوانه‌هایی داشته باشند و آن کشورها نیز به ثروتی هر چند اندک می‌رسند. ضعف ما در مدیریت قاره‌ای است و توانایی کسب کرسی‌های برتر را نداریم و نکته سوم این است که

مهندس سیدمصطفی هاشمی طلا

رئیس اسبق سازمان تربیت بدنی



بهبتر است از اینجا شروع کنم که ما اساسا نقودی در AFC نداریم. دوستانی که هستند تنها تعارفاتی میان آنها و سایر مسئولان کنفدراسیون فوتبال آسیا وجود دارد. در حقیقت این عربستانی‌ها هستند که نیروهای اصلی AFC هستند. معاونتی یا چیزی به ما می‌دهند که تعیین‌کننده باشد. در کنفدراسیون فوتبال آسیا، اگر عرب باشی با آنها می‌توانی و اگر عرب نباشی شما را می‌خرند. در درجه اول به خاطر مسائل سیاسی است که نمی‌توانیم در انتخابات حضور داشته باشیم و در درجه دوم هم نمی‌توانیم پول زیادی خرج کنیم. عربستان به راحتی می‌تواند خرج کند اما در مدیریت عقب مانده ایم و عقب خواهیم ماند. ما به دست آنها بهانه هم می‌دهیم. آنها با ما مخالف هستند و ما هم بهانه می‌دهیم مثلا می‌گویند آنها به سفارت ما حمله می‌کنند یا اینکه ما در سایر موضوعات هم رعایت نمی‌کنیم. بارها اتفاق افتاده زمانی که اعراب میهمان ما هستند، تماشاگران ایرانی به آنها توهین می‌کنند. آنها هم متوجه می‌شوند. مگر آنها گوش ندارند یا



وقتی دیپلماسی ما ظریف نیست

## اراده‌های پید و پنهان

می‌بینید؟ بنابراین مساله AFC نیست. مساله این است که حتی اگر کنفدراسیون فوتبال آسیا رای بدهد که آنها باید به ایران بیایند و بازی کنند این ما هستیم که نباید قبول کنیم. عربستان همیشه با فریب سعی داشته با ما برخورد کند. آنها می‌دانند که ما چقدر نسبت به برخی مسائل حساس هستیم. بنابراین معتقدم خواسته و به طور عمدی به برخی اقدامات دست می‌زند تا برای ما در عرصه بین‌المللی مشکلاتی به وجود بیاید. اگر من مسئول این فوتبال بودم اصلا به دنبال راه‌حلی نمی‌گشتم که کاری کنیم عربستانی‌ها به ایران بیایند یا تیم‌های ایرانی به آنجا بروند. چون تنش بین ما و آنها به اوج خودش رسیده است و ما هم نشان داده‌ایم که هیچ وقت از دیپلماسی ظریف استفاده نکرده‌ایم. همه صحنه‌ها و لحظه‌های تلخی که طی همه این سال‌ها بازیکنان مکار سعودی باعث شده‌اند تا بازیکنان با تعصب ایرانی از کوره دربروند را به خاطر بیاورید. در این صورت متوجه می‌شوید که منظور من چیست. آنها همیشه اعصاب بازیکنان ایرانی را به هم ریخته‌اند. وقت تلف کرده‌اند یا جنگ روانی به راه انداخته‌اند. در اکثر مواقع هم با این حربه‌ها برنده شده‌اند. پس چه اصراری داریم که این شرایط را دوباره تکرار کنیم؟ شاید برخی از دوستان بگویند بازی کردن در امارات یا قطر که اسمش زمین بیطرف نیست، در این صورت من به شما می‌گویم که بازی کردن در ترکمنستان و تاجیکستان هم به نفع ما نیست. شک نکنید که به نفع ما نیست. شاید باز هم بگویند به ضررمان هم نیست اگر در تاجیکستان و ترکمنستان بازی کنیم اما من به شما می‌گویم باور کنید در اصل ما چرا هیچ فرقی نمی‌کند. ضمن اینکه فراموش نکنید که ما اصلا به دنبال این موضوع نیستیم که فوتبال مان در آسیا قهرمان شود. شک نکنید که به دنبال این موضوعات نیستیم. مگر استقلال خوزستان قهرمان لیگ فوتبال ایران نشد؟ سال بعد همین تیم نبود که برای بقا می‌جنگید؟ چرا نمی‌خواهیم ببندیم تیمی که ما اصلا به دنبال قهرمان شدن در آسیا نیستیم. همه اهداف ما در این موضوع خلاصه شده که تیم ملی بتواند در جام جهانی از گروهش صعود کند. همه امکانات و همه فکر و ذهن مان را به این هدف معطوف کرده‌ایم که بعدها یک سری از آقایان بتوانند این صعود از مرحله گروهی را بزرگترین افتخار و موفقیت‌شان بشمرند. در چنین وضعیتی چرا فکر می‌کنید مدیران فوتبال ما مساله دیپلماسی ظریف را در دستور کارشان قرار می‌دهند یا چطور انتظار دارید که ما بتوانیم در مناقشه با عربستان برنده باشیم و از حق و حقوق مان دفاع کنیم؟ این اراده‌های پید و پنهان است که سرنوشت این فوتبال را به اینجا کشانده است. ▶

گذشت. وقتی دیوار برلین فرو ریخت آمریکا دیگر به آن موشک‌ها نیازی نداشت. تصمیم گرفته بود موشک‌هایش را به آمریکا برگرداند. آنها دنبال جاده مطمئن می‌گشتند. به جاده‌ها فکر کرده بودند که موشک‌ها را به بندر هامبورگ ببرند و از آنجا به مکزیک ببرند. از اعتراض مادر همسرم به من ۳۰ سال گذشته بود. دیدم ناسزا می‌گوید. داد و بیداد که اینها با پول ما می‌خواهند جاده‌ای امن برای آمریکایی‌ها بسازند تا موشک‌های کروزشان را از اینجا عبور دهند و به آمریکا برگردانند. این جاده‌ها با پول مالیات ما درست شده است و فلان و بهمان. به او گفتم: «یادت می‌آید آن روز که ما زنجیره انسانی تشکیل داده بودیم تو به ما می‌گفتی کمونیست و فحش می‌دادی؟ ما آن روز نمی‌خواستیم کار به اینجا بکشند.» با همه اینها می‌خواهم بگویم حالا زمانه عوض شده است. امروز دیگر بدون ترس حرف خودمان را می‌زنیم. هر زمانه‌ای شرایط و روش خاص خودش را می‌طلبد. بنابراین بحث من این است که باید به دیپلماسی نگاه دیگری داشته باشیم. باید به دیپلماسی ظریف برگردیم. با عربستان به مشکل برخوردیم. آنها با ندانم کاری و خودخواهی شان باعث شدند تا بسیاری از زائران ایرانی آن سال کشته شوند. حتی عذرخواهی هم نکردند. بله. بسیار گستاخانه بود. مقامات بلند پایه کشورمان هم به آنها پاسخ‌هایی دادند و واکنش‌هایی نشان دادند اما یک سری از افراد که متأسفانه درک درستی از شرایط آن روز نداشتند از دیوار سفارت عربستان بالا رفتند و سعی کردند آنجا را آتش بزنند. نباید آن اتفاق رخ می‌داد. آن تصمیم تبعات سنگینی برای ما رقم زد. آن تصمیم محصول عدم شناخت ما از دیپلماسی ظریف بود. حرکت ما زخمی بود. احساسات ما جریحه دار شد و خیلی زود راحت‌ترین راه را انتخاب کردیم. در صورتی که سیاست‌ورزی کار دشواری است. آن روز خون در رگ ناسیونالیستی عده‌ای به جوش آمده بود و باعث شد آن اتفاقات رخ بدهد. البته این را هم بگویم که عربستان طی این سال‌ها همواره در مسیر فتنه و فریب حرکت کرده است. آنجایی که فتنه‌اش راه به جایی نبرد از فریب استفاده می‌کند. بیاییم با هم تفاوت‌های خودمان و عربستانی‌ها را مرور کنیم. من از حق و حقوق بانوان آغاز می‌کنم. زمانی که زنان عربستانی حتی حق نداشتند رای بدهند بانوان ایرانی پست‌های مهم دولتی را در اختیار داشتند. در تمام این سال‌ها بانوان ایرانی همواره در پست‌های دولتی مشغول به فعالیت بوده‌اند. همواره تاثیرگذار بوده‌اند و در مدیریت این کشور نقش‌های اساسی ایفا کرده‌اند. ما اصلا از لحاظ فرهنگی فرسنگ‌ها از سعودی‌ها جلوتر هستیم. آنجا اگر زنی رانندگی می‌کرد به شدت تنبیه می‌شد. اصلا دارش می‌زدند. تفاوت را

بهمین فروتن

مربی فوتبال



قبل از اینکه بخواهم درباره دیپلماسی یا ضعف آن در فوتبال ایران صحبت کنم باید عرض کنم که اساسا دیپلماسی هم درست مثل فوتبال است که به نظرم شامل تحرک ظریف و زمخت است. همان طور که بارها راجع به این موضوع صحبت کرده‌ام فوتبال شامل دو بخش اساسی می‌شود: تحرک زمخت و تحرک ظریف.

دیپلماسی هم همین طور. دیپلماسی زمخت داریم و دیپلماسی ظریف. در فوتبال ایران ما چیزی به اسم دیپلماسی ظریف نمی‌شناسیم. برای ما نا آشنا است. مثل اینکه یک فیل را به مغازه و سایل تزئینی منزل ببریم. این فیل با آن ورزش همه آن سایل ظریف و شیشه‌ای را می‌شکنند و همه چیز به هم می‌ریزد. دیپلماسی ما هم دقیقا همین طور است. به هر حال باید فرهنگ تغییر کند و در این مورد به خصوص باید بگویم متأسفانه تغییر فرهنگ هم امری است زمانبر. به همین زودی‌ها عوض نمی‌شود. برای اینکه وارد بحث اصلی بشوم می‌خواهم با یک سوال شروع کنم. برای من جای سوال دارد که ما چرا اینقدر مساله‌دار شده‌ایم؟ چند وقت پیش دیدم یکی از اقوام بنده یکی از این مداخله‌ها برای موبایلش گیر آورده بود. بعد هم خیلی خوشحال بود. می‌گفت چقدر این وسیله خوب است. کارم برای پیامک زدن راحت شده است. به دست‌هایش که نگاه کردم فهمیدم چرا اینقدر خوشحال است. انگشتانش آن قدر ضخیم بود که حتما برای پیامک زدن خیلی اذیت شده بود. بعد هم لابد یک روزی با خودش قرار گذاشته که از شر این مشکل خلاص شود. حتما پیش خودش گفته تا چه زمانی باید روی حرف بزنم اما حرف ب روی صفحه گوشی ام بیفتد. پس زمانه ما زمانه تغییر است. زمانه، زمانه نوک تیز این مداخله‌ها است که قرار است کارمان را راحت کند. باز هم دلم می‌خواهد مثال بزنم. آن اوایل زندگی مشترکم در آلمان به خانه پدر و مادر همسرم رفته بودم. حتما می‌دانید که همسر من آلمانی است. ما رفتیم و به حلقه انسانی ملحق شدیم. در آن سال آمریکا موشک‌های کروز خودش را به منطقه‌ها آورده بود و در آنجا می‌خواست مستقر شود. بسیاری از مردم آلمان هم در اعتراض به این مساله زنجیره انسانی تشکیل داده بودند و حلقه صلح علیه جنگ را تشکیل داده بودند. وقتی برگشتم مادر همسرم به من اعتراض کرد که شما کمونیست هستید و چرا رفتید... از آن ماجرا



عکس هفته

## اتفاق تلخ برای آبی‌ها

مهدی قائدی که بر اثر سانحه رانندگی به بیمارستان منتقل شده بود، پس از انجام عمل جراحی در حال حاضر در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان خلیج فارس بوشهر بستری است. بازیکن جوان استقلال بعد از درخشش برابر پارس جنوبی و باتوجه به محرومیت از دیدار با نفت آبادان، برای رسیدگی به امور شخصی و آموزشی خود و جمع‌آوری مدارک برای خروج از کشور با اجازه کادرفنی به بوشهر سفر کرد. این سانحه نیمه‌شب دوشنبه در یکی از اتوبان‌های شهر بوشهر برای این بازیکن رخ داد و وسیله نقلیه این بازیکن با خارج شدن از جاده اصلی، واژگون شد. مهدی قائدی و یک سرنشین دیگر با حضور نیروهای امدادی به بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر منتقل شدند. عمل جراحی مهدی قائدی به پایان رسیده و بعد از عمل جراحی برای انجام مراقبت‌های بیشتر در بخش آی‌سی‌یو بستری است.

## چرا قطر توانست و ایران نتوانست؟

### واکاوای انفعال فدراسیون فوتبال

آنها در امارات درآمد ۱۰۰ میلیون دلاری از برگزاری بازی‌ها خواهند داشت و این رقم در ایران بیشتر از ۱۰ میلیون دلار نخواهد بود.

مشخص است وقتی اسپانسرهای داخلی از سرمایه‌گذاری در فوتبال ایران بیزار هستند، اسپانسرهای بین‌المللی میلی به سرمایه‌گذاری نخواهند داشت چرا که با این درجه از ریسک، آنها با هر کارشناسی مشورت کنند، به آنها توصیه می‌شود منابع خودشان را به ایران نبرند. مشکل فوتبال ایران از همین جا آغاز می‌شود. نبودن سرمایه و سرمایه‌گذار راه را برای مدیریت‌های پیشرفته، تکنولوژی نو و امکان دستیابی به بازارهای تازه می‌بندد. فوتبال ایران در این روزها محصولات نو برای بازار ندارد و تولیداتش که می‌تواند بازیکنان باشند، بازاری برای خریداران نیست. حتی هوادارانش که روزی بزرگ‌ترین پشتوانه برای تحت‌تأثیر قراردادن فدراسیون فوتبال آسیا بود، حالا تبدیل به چالش‌ی بزرگ برای فوتبال ایران شده است. هوادارانی که به هر بازی، محرومیت تازه‌ای را به فوتبال ایران تحمیل می‌کنند. از همه این‌ها که بگذریم، تعامل بین‌المللی مدیران فوتبال ایران در پایین‌ترین سطح است. بسیاری از مدیران فوتبال ایران زبان انگلیسی نمی‌دانند یا حداقل توان برقراری ارتباط با هم‌تایان‌شان ندارند. امروزه نیاز جدی است که با دنیا رابطه گسترده و معقول



علی عالی

روزنامه‌نگار ورزشی

فوتبال ایران از لحاظ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری فاصله بسیاری با کشورهای عربی دارد. قطر میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ شده است و امارات میزبان جام‌ملت‌های آسیا ۲۰۱۹ را برعهده دارد، با بهترین امکانات در فوتبال نظیر ورزشگاه‌ها و زمین‌های تمرین و دیگر حوزه‌ها نظیر هتل، حمل و نقل، فرودگاه و بسیاری شاخصه‌های دیگر. آنها با استفاده از مشاوران به‌روز و برنامه‌های مدون، حرکت در مسیر توسعه را به‌بهترین شکل برداشته‌اند. برای متحول کردن سیستم مدیریت فوتبال ایران نیازمند فعالیت‌های پیوسته، برنامه‌ریزی شده و منسجم هستیم که عزمی برای آن در کشور دیده نمی‌شود. به مدد همین مدیریت، ریسک سرمایه‌گذاری در فوتبال ایران بالا رفته است و شرایطی وجود ندارد که سرمایه‌گذاران برای ورود به فوتبال ترغیب شوند. آن‌هم در شرایطی که در روزهای رقابت ایران و امارات برای عهده‌دار شدن جام‌ملت‌های آسیا، مسئولان AFC به مدیران ایرانی گفته‌اند اسپانسر رقابت‌ها به آنها اعلام کرده

برقرار کرد. نمی‌شود با روابط محدود و بسته، تحرک بالا در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان را تجربه کرد. برخی هنوز می‌پرسند «چرا قطر توانست، ما نتوانستیم؟» پاسخ ساده است. اگر امروز قطر می‌تواند خواسته‌اش را مقابل تندرهای عربستان و امارات به AFC تحمیل کند و سنت غلط بازی در کشور ثالث را لغو کند، برای آن است که آنها با برنامه‌ریزی مناسب بخش مهم از درآمدهای AFC را تأمین می‌کنند و تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین اسپانسرهای کنفدراسیون فوتبال آسیا شده‌اند. قطری‌ها حتی یکی از اسپانسرهای اصلی فیفا هم هستند و این همکاری تا پایان جام جهانی ۲۰۲۲ ادامه خواهد داشت. در فوتبال نمی‌توان به دلیل ناتوانی و بی‌اطلاعی دور ایستاد و به کنفدراسیون فوتبال آسیا و فیفا دستور داد. نمی‌توان در درون کشور شعار داد و از حل مناقشاتی گفت که مصرف داخلی دارد اما امید به اقبال و شناس در پرونده‌هایی نظیر بازی در کشور ثالث داشت.

امروز بیشتر از هر روز دیگری ورزش کشور نیاز به دانش مدیریت و تکنولوژی روز دارد. اینکه اتکا می‌شود به تعداد حضور در جام جهانی، میزان قهرمانی باشگاه‌ها، تعداد تماشاگران در هر بازی، مدال‌های دریافت شده و نشان‌های مدیریت توسط فدراسیون، ادعایی است که تنها خودمان را گول می‌زنیم و نه دنیا را. زمانی می‌توان در زمینه توسعه ورزش و فوتبال ادعا کرد که فوتبال و ورزش همپای کشور به لحاظ شاخص‌های اقتصادی در ردیف اول کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌یافته باشد وگرنه ما در پرونده‌های بین‌المللی ورزش بازنده بودیم. ▶

## جاده‌های بدخبر

تلخ‌ترین خاطرات ورزش ایران از تصادف‌ها



عکس‌ها که رسید تازه توانستیم خبر را باور کنیم و چقدر بد است که گاهی باید خبرها را باور کنیم، بله مهدی قائدی ستاره جوان با خنده‌های شیرین جنوبی در یک تصادف رانندگی روی تخت بیمارستان خوابید، حادثه تلخ بود و بزرگ، خلاصه خبر این بود که این بازیکن که در روزهای برقی تهران راهی بوشهر شده بود تا طبق ادعای مسئولان باشگاه استقلال پیگیر کارهای تحصیلاتش شود، نیمه شب یکشنبه دچار سانحه تصادف می‌شود و به بیمارستان «خلیج فارس» در شهر بوشهر منتقل می‌شود. آن‌طور که اطرافیان قائدی خبر داده‌اند، او به همراه چهار نفر دیگر از دوستانش بعد از تماشای بازی تیم ملی فوتبال ساحلی در «پرشین کاپ» حدود ساعت ۱۰:۲۰ دقیقه بامداد تصادف می‌کند. در واقع طبق گزارشی که پلیس بوشهر منتشر کرده، سرعت بالای اتومبیل باعث سرنوشتی خودرو و دست‌آزم‌منجر به مجروح شدن سرنشینان آن و البته مهدی قائدی شده است. در این حادثه متاسفانه یکی از همراهان مهدی قائدی به نام احمد شاکر که خود بازیکن فوتبال بود، جان خود را به جان آفرین تسلیم کرد. اما ستاره جوان استقلال به مرور به هوشیاری و شرایط پایدار جسمانی رسید. قائدی این فصل را از دست داد اما ما امیدواریم دوباره او را سالم و سرحال ببینیم در زمین فوتبال با همان دریل‌های دیدنی و همان خنده‌های شیرین جنوبی... تاریخ ورزش ایران از این صحنه‌های تلخ کم نداشته، نگاهی داریم به همان لحظه که ترمز آخر به تصادفی بد منجر شده است، نگاهی به چند خاطره هولناک ورزش ایران...

### یک کاپیتان

سالگرد فوت قهرمانان از آن دست اتفاق‌هایی است که یادآور افتخارهای فراموش‌نشده‌ی آنهاست مثل ۱۸ فروردین، که هر سال داغ از دست دادن مهره محبوب فوتبال انزلی را تازه می‌کند. سیروس قایقران کاپیتان شماره ۸ تیم ملی و بازیکن بزرگ و ستاره تیم ملوان بندر انزلی که از همان سنین کودکی و نوجوانی استعدادش در

دنای فوتبال را به رخ همه کشید. قایقران در سال ۱۳۶۳ به تیم ملی دعوت شد و با استعداد و مهارت‌های منحصر به فرد و ابعاد اخلاقی مورد توجه خود توانست بازیکن کاپیتانی را از دهداری بگیرد. تیمی که قایقران کاپیتانش بود به خوبی در مستطیل سبز هنرنمایی می‌کرد، در سال ۶۷ تیم ملی در جام ملت‌های آسیا در قطر سوم شد. در سال ۶۹ ایران به قهرمانی در بازی‌های آسیایی یکن رسید و افتخارات زیاد دیگری که همه زاینده روحیه جنگندگی ناشی از وجود ستاره‌هایی همچون قایقران در تیم ملی حاصل شد. افتخارات وی چه به عنوان بازیکن و چه تحت عنوان مربی ادامه داشت تا حادثه تلخ رخ داد. اوایل سال ۷۷ که وی برای تعطیلات نوروز همراه خانواده‌اش به انزلی آمده بود، در بازگشت و در حالی که همراه فرزند، همسر و برادر همسرش در اتومبیل رنوی خود عازم تهران بود، حوالی امامزاده هاشم با کامیون خاور تصادف کرد که منجر به فوت وی و فرزندش شد. حالا چندین سال است که او زیر خاک نمناک بندر خفته است، اما هنوز عکسش روی دیوار تمام مغازه‌های شهر و یادش در قلب تمام آدم‌های نجیب شمال ماندگار شده است.

### پایان یک ستاره

جواد منافسی، مدافع چپ اوایل دهه ۷۰ فوتبال ایران، بازیکن جوانی که در ۲۳ سالگی چنان در تیم‌های باشگاهی، امید و تیم ملی درخشید که نوبت تولد یک ستاره کم‌نظیر برای فوتبال ایران را می‌داد و شهرت او به آن سوی مرزها هم رسیده بود. او مشتريان پر و پا قرصی از اروپا داشت از جمله جنوای ایتالیا، اما بدبختی بدجوری دامن او را گرفت. خودروی شخصی جواد منافسی سال ۷۳ در جاده قائمشهر-ساری واژگون شد و این بازیکن بهشهری را تا یک قدمی مرگ پیش برد، گرچه او زنده ماند، اما مرگ ورزشی او فرارسید. سانحه رانندگی چنان شدید بود که چند مهره گردنش شکست، نخاعش آسیب دید و از ناحیه سینه به پایین فلج شده بود. بعد از درمان اولیه در بیمارستان ساری در تهران تحت عمل جراحی قرار گرفت و سه ماه در

بیمارستان بستری بود و شش، هفت ماهی را هم خانه‌نشین شد. منافی درباره آن تصادف نقلی می‌کند: «نیمروز بود و من دو سه کیلومتری ساری بودم که یک ماشین انحراف داشت و یکباره مقابل من ظاهر شد؛ البته سرعت من هم بالا بود و وقتی ترمز زد دیگر چیزی نفهمیدم. ماشینم وسط جاده سه چهار بار معلق خورد. مهره‌های گردن من شکسته بودند و نخاعم هم آسیب دیده بود. خدا خیلی به من رحم کرد که توانستم پس از چند سال دوباره روی پای خودم بایستم. من کل فوتبال را در ۲۳ سالگی از دست دادم. آن روزها چپ پرسپولیس و تیم ملی بودم و از اتریش، ایتالیا و آلمان هم پیشنهاد داشتیم، اما یک لحظه اتفاق افتاد و همه زندگی حرفه‌ای من بر باد رفت.»

### سید مرگ

آیدین نیکخواه بهرامی، ملی پوشی بود که در پست‌های سه و چهار بازی می‌کرد و با اینکه خیلی دیر به تیم ملی دعوت شد توانست در همان مدت زمان کوتاه شایستگی‌هایش را نشان دهد. او در باشگاه صبا باتری بود و زیر نظر مهران شاهین طبع کار می‌کرد، همان صبا باتری که در ایران و آسیا مهارت نمی‌شد، همان صبا بی که با آیدین یکه‌تازی می‌کرد. همگان بازی‌های او در جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۷ را زین و درخشش او را در این بازی‌ها و بریدن تور سید پس از قهرمانی را به یاد دارند. آخرین بازی ملی آیدین نیکخواه بهرامی در ژاپن انجام شد؛ آیدین به همراه دیگر ملی پوشان در فینال جام ملت‌های آسیا لبنان را شکست داد تا مدال طلای قاره کهن را به گردن بیاویزد و جام قهرمانی و تنها سهمیه المپیک را از آن خود و کشورمان کند. ۷ دی ۱۳۸۶ وی در حالی که به همراه نامزدش عازم منزل پدری خود در نوشهر بود، در یک حادثه رانندگی در اثر جراحات ناشی از برخورد خودروی شخصی‌اش به گاردریل کنار جاده به همراه نامزدش درگذشت و خانواده بزرگ بسکتبال را عزادار کرد. برادر صمد نیکخواه بهرامی درباره آن تصادف می‌گوید: «روز فوت آیدین من هم مسابقه داشتم و پس از آن بلافاصله به شمال آمدم. به آیدین هم گفتم که زود راه





بیتند، اما او مدتی تهران ماند و دیر حرکت کرد. آیدین خیلی خسته بود و زانویش درد می کرد. به همین دلیل در آخرین مسابقه هم بسیار کم بازی کرد، اما هرگز خواش نبرده بود؛ چرا که ۵ دقیقه قبل از این حادثه آنها ایستاده بودند و خرید کرده اند...»

#### بخت شهریار

علی دایی که پس از شکست راه آهن برابر سپاهان اصفهان به همراه برادرش محمد و دستیارش میاچ با وسیله شخصی از اصفهان عازم تهران شده بود در حوالی کاشان دچار سانحه رانندگی شد که در این سانحه علی دایی دچار صدمه دیدگی از ناحیه سر شد و برای مداوا به بیمارستان شهید بهشتی کاشان منتقل شد. علی دایی درباره آن حادثه تلخ که تمام ایران را نگران کرد می گوید: «بعد از بازی با سپاهان باتوجه به اینکه کمی سرماخوردگی داشتم، شربت سرماخوردگی خورده بودم که این موضوع باعث خواب آلودگی من شد. نزدیک دارود بود که این حادثه رخ داد. در این سفر برادرم و مربی راه آهن هم همراه بودند که خوشبختانه هیچ اتفاقی برای آنها نیفتاد. سرعت من آنقدرها هم زیاد نبود و حتی اگر ۸۰۰ کیلومتر در ساعت هم سرعت داشتم می توانستم خودروی خود را کنترل کنم (بالحن شوخی). من حتی کمر بند ایمنی خود را در زمان رانندگی بسته بودم.»

البته علی دایی یک تصادف دیگر هم تجربه کرده که در مصاحبه ای درباره آن گفته است: «زمانی که در بیله فیلد بودم، یکی از دوستانم آمده بود و داشتیم او را می رساندم. در مسیر برگشت از هانوفر بودم با ۲۲۰ کیلومتر در حال حرکت بودم که به جایی رسیدم که دیدم فلاشر ماشین ها همه روشن است و با سرعت ۵ کیلومتر در حال حرکت هستند! برای اینکه به آنها برخورد نکنم به سمت دره منحرف شدم. عین فیلیم ها به گارد ریل برخورد کردم و چند دور چرخیدم و به دره پرتاب شدم! موبایلم خرد شد اما یک موز سرم کم نشد! با لگد زدم در را باز کردم و سالم از ماشین بیرون آمدم.»

#### مدافع طلایی

مرحوم رضا حسن زاده نیز یکی از فوتبالیست های نامدار کشور بود با سابقه بازی در تیم های بزرگی همچون تراکتورسازی و سپاهان. زنده یاد رضا حسن زاده در اردیبهشت سال ۸۵ و در حالی که به عسولویه می رفت تا از آنجا برای انجام یک بازی عازم بوشهر شوند، از آنجایی که اتوبوس برای انتقال تیم تراکتورسازی نبود سرپرست این تیم چند خودروی سواری برای انتقال اعضای تیمش کرایه کرده بود. سواری کرایه ای که حامل رضا حسن زاده بود، در جاده با یک کامیونت برخورد می کند و مرحوم حسن زاده که در صندلی جلو نشسته بود، دچار ضربه مغزی می شود. البته او ابتدا تنها احساس درد می کند و بقیه راه عسولویه تا بوشهر را هم می رود. اما در بوشهر ناگهان بیهوش می شود

و در نهایت جان خود را از دست می دهد. رضا حسن زاده از کشف های ناصر خان حجازی بود. چند دقیقه برای حجازی کافی بود که تشخیص دهد بازیکن قابل جوی او ایستاده است. رضا حسن زاده با تشابه اسمی مدافع پیشین استقلال و تیم ملی راهی سپاهان شد تا در کنار فرزاد کاظمی دوران طلایی سپاهان را سپری کند. سپاهان اصفهان در سال ۱۳۸۲ فاتح دومین دوره لیگ برتر شد در حالی که در خط دفاعی اش رضا حسن زاده توپ می زد. او با سپاهان تجربه بازی در باشگاه های آسیا را هم کسب کرد و حتی به اردوی تیم ملی هم دعوت شد.

#### دختر قهرمان

سارا عبدالملکی آن زمان ۲۲ سال سن داشت و پنج سالی می شد که راگی بازی می کرد و عضو تیم بانوان راگی ستارگان تهران بود. او همچنین سه سال سابقه پوشیدن لباس تیم ملی راگی را هم در کارنامه داشت. البته در این مدت او توانسته بود با حضور در کلاس های مختلف مدرک مربیگری راگی خود را هم دریافت کند و مشغول طرح استعدادیابی راگی بانوان بود که در جریان یک سانحه رانندگی به وضعیتی بغرنج گرفتار شد. طبق خبرهای منتشر شده او برای طرح استعدادیابی راگی به کرمانشاه رفته بود و در مسیر بازگشت از این ماموریت، خودروی او در جاده چپ می کند و دچار عارضه نخاعی می شود. سارا اما خود را تقدیم غم و غصه نکرد. او به جای ماندن در تخت و فکر کردن به گذشته شیرینش، دست را روی زانو گذاشت و برای رسیدن به مرز بهبودی کامل از جای برخاست. این دختر جوان با وجود معلولیت به وجود آمده، ورزش را رها نکرده و در رشته های مختلف فعالیت می کند. مدتی بود که عضو سابق تیم ملی راگی ایران در پرتاب با نیزه فعالیت می کرد و حالا چند ماهی است که در قایقرانی یک چالش جدید را تجربه می کند. او درباره وضعیت این روزهای خود می گوید: «من هنوز هم قبول نکرده ام که دیگر هیچ وقت نمی توانم روی پاهایم راه بروم. هر چه خدا بخواهد، رخ می دهد. من نخواستم تمام تمرکزم را روی درمان بگذارم چون در آن صورت هیچ کار دیگری نمی توانم بکنم. هر فردی هم که باشد، با این شکل زندگی افسردگی می گیرد.»

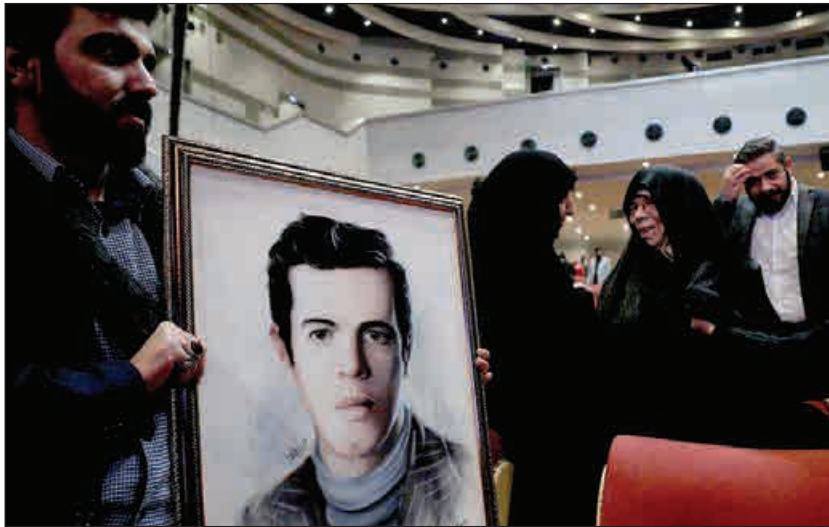
#### قهرمان همیشه

بهمن گلپاز نژاد از جانبازان جنگ تحمیلی بود که در سال ۱۳۶۷ چند ماه پیش از صدور قطعنامه ۵۹۸ که به جنگ ایران و عراق خاتمه داد، یک پای خود را در راه ایران و اسلام در زمین های مرز کشور جا گذاشت. گلپاز نژاد که متولد ۱۳۲۷ در آبادان و ساکن شیراز بود، هر چند نیمی از یک پای خود را از دست داد، اما عزم خود را برای بالا بردن نام ایران و ایرانی از دست نداد. او از سال ۱۳۷۰ وارد ورزش جانبازان و معلولین شد. وی در آغاز رویه به ورزش وزنه برداری آورد و ۱۳ مدال طلا و یک نقره جهانی را در

این رشته در طول این سال ها نصیب خود کرد. از سال ۸۵ به رشته دوچرخه سواری روی آورد. او در المپیک لندن نتوانست صاحب سکو شود، چرا که تنها دو ماه بود که از بیماری همسرش مطلع شده بود و می گفت فکر سلطان او اجازه تمرکز کافی را به من نداده است. همه به مدال طلای او در المپیک ریو امید داشتند که فاجعه رخ داد. گلپاز نژاد در مسیر مسابقات دوچرخه سواری در شیب تندی قرار می گیرد و در پیچ کنترلش را از دست داده و به دیواره برخورد می کند. بعد از دو دقیقه آمبولانس در محل حاضر می شود و سعی می کنند به وی کمک کنند اما گلپاز نژاد در آمبولانس ایست قلبی می کند و وقتی به بیمارستان منتقل می شود ۴۵ دقیقه عملیات احیای وی انجام می شود که متأسفانه موفق نمی شوند و او جانش را از دست می دهد، چقدر تلخ بود از دست دادن این قهرمان...»

## نابغه دفاع

گزارش مراسم تجلیل از شهید حسن باقری



مراسم بزرگداشت شهید حسن باقری با حضور مقامات لشکری و کشوری برگزار شد. در این مراسم از خانواده شهیدان دکتر مجیدقبایی، توکل قلاوند، محمدتقی رضوانی و مجتبی مومنیان تقدیر و لوح یادبودی به آنها اهدا شد. همچنین توسط سرلشکر محسن رضایی، سرلشکر باقری، رحمانی فضلی و مومنی شریف از کتاب‌های «ملاقات در فکه»، «روایت زندگی حسن باقری» و «فیلمنامه رود آتش» و تمبر یادبود «مراسم نابغه دفاع» و تندیس نمادین شهید باقری که قرار است تندیس اصلی در بزرگراه شهید باقری نصب شود، رونمایی شد. این رونمایی توسط مادر سردار شهید حسن باقری، سردار سرلشکر پاسدار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و سردار سرلشکر محسن رضایی فرمانده کل سپاه در دوران دفاع مقدس انجام گرفت.

### نماد ایمان کامل

در این مراسم سرلشکر محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در همایش نابغه دفاع یادواره سردار شهید حسن باقری، با اشاره به آیه‌ای از قرآن کریم که می‌فرماید خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه مردم نفوس خود را تغییر دهند گفت: «در چهل سال پیش با رهبری امام خمینی (ره) و با تحول عظیمی که در نفوس جوانان ما ایجاد شد سرنوشت کشور و جامعه ما تغییر و یک حکومت فاسد شاهنشاهی در منطقه از بین رفت. شهید حسن باقری انسانی است که به واسطه انقلاب تغییر یافت. پس برای شناخت انقلاب و جنگ باید او را شناخت. حسن باقری نمونه مهاجر الی الله بود که ارزش‌های اسلامی و انقلابی در تمام وجودش نمود پیدا می‌کرد.»

سرلشکر رضایی در ادامه به تفاوت‌های ارزشی نظام اسلامی و طاغوتی اشاره کرد: «تلور این تفاوت ارزشی در چهره فرماندهان دفاع مقدس و عزیزانی چون شهید حسن باقری نمود پیدا می‌کرد، چرا که آنان درجه و مقام را در گمنامی، خدمت به مردم و رضایت خدا جست‌وجوی کردند و توجهی به دنیای فانی نداشتند. باقری را رهبر معظم انقلاب که آن زمان نماینده امام در ارتش بود معرفی کردند و قرار شد از او برای ایجاد واحدها اطلاعات سپاه استفاده کنیم. از همان جلسه بود که به او گفتیم از این به بعد اسم تو حسن باقری هست و به کسی نگو غلامحسین افشردی هستی و ایشان نیز پذیرفت. به خاطر دارم در آن جلسه اول از ایشان راجع به مسائل گوناگون سیاسی و امنیتی و اعتقادی سوال کردم و نظرش را در خصوص تمامی جناح‌ها پرسیدم و به خاطر دارم که ایشان در برخی موارد به اندازه‌ای مسلط بودند که احساس می‌کردم معلوماتش در آن حوزه از من بیشتر است. یکی از شخصیت‌هایی که نماد ایمان کامل بود، شهید باقری

در سال‌های ۱۳۶۲، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۳ با خانواده، دوستان، همکاران روزنامه و فرماندهان انجام شده بود در اختیارم گذاشت. در این سال‌ها توفیق داشتم با ۴۵ راوی، که اغلب از فرماندهان عالی مقام سپاه و ارتش بودند، گفت‌وگو کنم. خاطرات حدود هفتمین تعداد مصاحبه هم توسط دستیار طرح، سرکار خانم مریم نوری، به انجام رسید. در کتاب حاضر از خاطرات شفاهی ۶۵ راوی بهره گرفته شده است. در بین راویان، خاطراتی از شهیدان محمد ابراهیم همت، مهدی زین‌الدین، شهید مهدی باقری و شهید حمید معینان در سال ۱۳۶۲، توسط تبلیغات قرارگاه کربلا، گفت‌وگو با شهید صیاد شیرازی در سال ۱۳۷۵ و مصاحبه با شهید داود کریمی در سال ۱۳۸۳، دو ماه پیش از شهادتش، در موسسه شهید باقری توسط سردار فتح‌الله جعفری انجام شده است. این مصاحبه‌ها، همچنین گفت‌وگوهایی با شهید حسن باقری از نوارها پیاده، تنظیم و به‌طور کامل در سه جلد کتاب مجموعه خاطرات حسن باقری آمده که بخش‌هایی از آن را در این کتاب آورده‌ام. «روایت زندگی حسن باقری» عنوان کتاب دیگری از «سعید علامیان» است که به تفصیل زندگی شهید حسن باقری را بر اساس منابع و اسناد مختلف و متعدد مورد بررسی قرار داده است. در پیش‌گفتار کتاب آمده است: «ستاد احیای اندیشه‌های سردار شهید حسن باقری از سال ۱۳۸۱ هم‌زمان با بیستین سالگرد شهادت آن بزرگوار کار خود را آغاز کرد. هدف از تشکیل این ستاد، تدوین و انتشار آثار باقری در طول ۲۸ ماه حضور او در جبهه‌ها بود. در گام نخست، زمان‌بندی دو ساله‌ای برای جمع‌آوری این آثار تعیین شد و در گام بعدی نیز با استفاده از گزارش‌های دقیق و منظم، عکس‌های منحصر به فرد توانسته است به ارزش آثار منتشر شده بیفزاید.»

این اثر در هفت فصل به شرح، فصل اول: مادر، فصل دوم: سعید صادقی، فصل سوم و چهارم: محسن رضایی، فصل پنجم: شهید داوود کریمی، فصل ششم: علی افشاری، فصل هفتم: فتح‌الله جعفری به انضمام فصل ضمیمه، تنظیم و تدوین شده و در هر فصل به‌زوایی از زندگی این شهید پرداخته شده است. در پایان هر فصل بخشی به‌عنوان ضمیمه همان بخش در نظر گرفته شده که به مستندگونی کتاب افزوده شده است.

در مراسم «نابغه دفاع» همچنین از فیلمنامه فیلم سینمایی «رود آتش» که بر اساس زندگی سردار سرلشکر شهید حسن باقری توسط دکتر مسعود نقاش‌زاده نوشته شده است رونمایی شد. به‌زودی مراحل پیش تولید فیلم «رود آتش» به کارگردانی محمدحسین حقیقی محصول مشترک سازمان هنری و امور سینمایی دفاع مقدس و بنیاد سینمایی فارابی آغاز خواهد شد. ▶

بود. این شهید بزرگوار خالص بود و از تیوغ نظامی بالایی نیز برخوردار بود. سردار شهید باقری از فرماندهان مقتدر بود، به گونه‌ای که من در مراسم چهلم این شهید بزرگوار طوری صحبت کردم که انگار او فرمانده من است و واقعیت هم همین بود. این فرماندهان بودند که جنگ را پیش بردند و ما در خدمت این عزیزان بودیم. هر گاه که در کشور ما مشکلی پیش می‌آید باید بدانیم که ارزش‌های دفاع مقدس در جامعه کم‌رنگ شده است.»

سردار «محمد رضا یزدی» فرمانده سپاه تهران بزرگ هم در این مراسم گفت: «مراسم امشب بزرگداشت شهید باقری و بزرگداشت جامعه حقوقدانان برای برقراری عدالت در جامعه است. همچنین بزرگداشت جامعه رسانه‌ای برای بیان اهمیت پیام‌رسانی و بزرگداشت قلم برای اینکه بحق نوشته شود، است. امشب بزرگداشت جوانی است که توانست نابغه دفاع شود و امروز جوانان ما می‌توانند به تاسی از ایشان قلم رفیع افتخار را فتح کنند و درس اینار را بیاموزند.»

سردار یزدی با اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب در خصوص شهید حسن باقری گفت: «برای اینکه به جوانان بفهمانیم چه در دفاع مقدس گذشت و با مظلومیت از کشور و مردم دفاع کردیم، باید الگوهای دفاع مقدس را معرفی کنیم. جوانان ما اگر الگوهای دفاع مقدس را بشناسند، دشمنان از طمع حمله به کشور ناامید خواهند شد. لازم است جوانان ما با باقری‌ها، همت‌ها، باقری‌ها و... آشنا شوند.»

### ملاقات در فکه

در این مراسم از کتاب ملاقات در فکه نوشته سعید علامیان رونمایی شد. کتاب «ملاقات در فکه»، «از خاطرات دوران کودکی شهید باقری آغاز شده و بعد از آن به پیروزی انقلاب و در نهایت به حضور حسن باقری به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین فرماندهان جنگ در جبهه‌های جنگ می‌پردازد. از بخش‌های خواندنی این کتاب، تلاش نویسنده برای نشان دادن یکی از جوه کمتر شناخته‌شده باقری است. او چند سال به‌عنوان خبرنگار فعالیت کرد که حاصل آن، انتشار یادداشت‌ها و گزارش‌های متعددی از حوادث مهم انقلاب مانند حمله آمریکا به طیس بود. نویسنده به‌فراخور زمان، تلاش کرده تا در این کتاب بخشی از این گزارش‌ها و یادداشت‌ها را ارائه دهد.

علامیان درباره چگونگی نگارش و روش کارش در این اثر می‌نویسد: «تابستان ۱۳۸۶ موسسه شهید حسن باقری از نگارنده دعوت کرد تا پژوهش در زندگی و تدوین مجموعه خاطرات حسن باقری را به‌عهده بگیرم. این کار تا اوایل سال ۱۳۹۴ ادامه داشت. سردار فتح‌الله جعفری، رئیس موسسه، در ابتدای کار، نوار مصاحبه‌هایی را که

## سند گمنامی

### روایت شهادت یک طلبه مدافع حرم

کتاب «سند گمنامی» زندگی و خاطرات طلبه شهید مدافع حرم احمد مکیان که توسط گروه تحقیقاتی احیا و گروه فرهنگی فاطمه الزهرا (س) تدوین شده، توسط دفتر نشر معارف منتشر شده است. این کتاب، در شش فصل، خاطرات اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان و هم‌زمان از زندگی و فعالیت‌های این شهید در دوره‌های کودکی و نوجوانی، جوانی، سوره، ازدواج و شهادت می‌آید و کتاب با تصاویر دوره‌های مختلف زندگی شهید به پایان می‌رسد. احمد مکیان در نیمه آبان سال ۱۳۷۳ در خانواده‌ای مذهبی در استان خوزستان متولد شد. پدر او از روحانیان و مبلغان فعال در منطقه بود. احمد در نوجوانی به حفظ قرآن و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی مشغول شد. حضور او در فعالیت‌های فرهنگی و هم‌نشینی با طلاب و روحانیان او را به حضور در حوزه علمیه علاقه‌مند کرد. پس از مشورت با دوستان و آشنایان وارد حوزه علمیه شد. یک سال در شهر سربندر و مدتی در حوزه علمیه قم به تحصیل مشغول شد. با شروع جنایات داعش در منطقه برای حضور در سوره و جهاد در راه خدا احساس وظیفه کرد. با کمک یکی از دوستان و حضور در تیپ فاطمیون با هویتی افغانی وارد صحنه نبرد شد و نامش را در زمره مدافعان حرم اهل بیت (ع) ثبت کرد. پس از چند مرحله حضور در جبهه‌های نبرد، احمد با مشورت خانواده تصمیم گرفت ازدواج کند. آشنایان فکری می‌کردند ازدواج مانعی برای حضور او در منطقه می‌شود، ولی ضمن علاقه‌ای که به خانواده و همسرش داشت، مدت کوتاهی پس از ازدواج مجدداً عازم میدان‌های نبرد شد. احمد سرانجام در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۹۵ و در بیست و یک سالگی به آرزوی دیرینه‌اش رسید و همشیرین رفقای شهیدش شد. بیکر این شهید عزیز پس از تشییع در آبادان و قم، طبق وصیتش در آرامگاه بهشت معصومه قم، قطعه ۳۱ آرام گرفت.

## خاطرات سفیر

### خاطرات یک دانشجوی محجبه ایرانی

کتاب «خاطرات سفیر» خاطرات خانم نیلوفر شادمهری و شامل بیان چالش‌هایی است که یک بانوی مسلمان به عنوان دانشجوی ممتاز ایرانی در فرانسه با آن مواجه شده است. او شد سفیر ایران، با بهتر بگوییم سفیر اسلام در قلب کشور فرانسه. بانویی محجبه و شاید کمی متفاوت از همسالان و هم‌کلاسی‌های خود که برای تکمیل تحصیلاتش در رشته طراحی صنعتی، برای مدتی ایران را به مقصد فرانسه ترک می‌کند و این‌گونه خاطرات سفیر آغاز می‌شود. کتاب «خاطرات سفیر» به روایت خانم نیلوفر شادمهری با نگارشی صمیمی و ساده، خواننده را به خوابگاهی در پاریس می‌برد و او را با رویدادها، تجربه‌ها و خاطراتش شریک می‌کند. خاطرات دختر مسلمانی که در کشور فرانسه، هرچند برای ادامه تحصیل در مقطع دکتر حضور دارد، اما سفیری شده است برای دفاع از حقیقت اسلام. مواجهه او با آدم‌های مختلف و اتفاقات متفاوت این خاطرات را جذاب‌تر می‌کند؛ از قبول نشدنش در بهترین دانشگاه فرانسه تنها به دلیل حجابش و دست‌نزدانن با سرشناس‌ترین اساتید مرد تابلوگری دعای عهد در اتاق خوابگاه و خواندن دعای کمیل برای «یک سلیم النفس». خاطرات منتشر شده در این کتاب، ابتدا در وبلاگی به نام «سفیر ایران» توسط نویسنده نوشته شده و سپس به مرور بر آن خاطرات افزوده شده است. شادمهری در مصاحبه‌ای گفته است: «آن زمانی که من شروع به مکتوب کردن این خاطرات کردم تعدادی از دانشجویان را می‌دیدم که همان اتفاقاتی که برای من پیش آمده برای بعضی از اینها نیز افتاده بود. اینها در برخورد با این اتفاقات واکنش‌های خوبی بروز ندهاده بودند. زیرا در آنجا با پوشش و حجاب خانم‌ها برخورد خوبی ندارند از این رو تصمیم گرفتم خاطراتم را که بخشی از آن مربوط به برخورد با این‌گونه رفتارها بود، مکتوب کنم تا از این طریق آموزشی نیز داده باشم.»

## قصاید مرتضی

### از آخرین کتاب امیری اسفندقه رونمایی شد

تازه‌ترین دفتر شعر مرتضی امیری اسفندقه با عنوان «سیاه‌مست سایه تاک» از سوی انتشارات شهرستان ادب روانه بازار کتاب شد. این کتاب شعر شامل ۱۰۰ قصیده از امیری اسفندقه است که همگی آنها به شخصیت‌های فرهنگی کشور تقدیم شده است.

این مجموعه شعر که مجید زارع طراحی کرده است، جلد آن را انجام داده است، شامل دو دفتر با عناوین «چین کلاغ» و «سواشب» است. دفتر قصاید «چین کلاغ» که بخش نخست مجموعه را در بر می‌گیرد، شامل ۴۴ قصیده است که پیش از این در سال ۱۳۸۳ منتشر و عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را نیز به دست آورده بود. این مجموعه بیش از دوازده سال بود که تجدید چاپ نمی‌شد. دفتر قصاید «سواشب» نیز عنوان تازه‌ترین قصاید منتشر شده از مرتضی امیری اسفندقه است که در قالب ۵۶ قطعه در این کتاب گردآوری شده است. «سواشب» نیز همچون بسیاری از عناوین کتاب‌های دیگر امیری اسفندقه نامی بومی و به گویش اسفندقه‌ای کرمانی، به معنای «فرداشب» است. از جمله شخصیت‌های فرهنگی که در این کتاب قصیده‌ای به آنها تقدیم شده است می‌توان به دکتر محمد رضا



شفیعی کدکنی، زنده‌یاد خسرو شکیبایی، دکتر محمود مهلوی دامغانی، دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی، دکتر بهاء‌الدین خرمشاهی، استاد علی‌انسانی و استاد مفتون امینی اشاره کرد. مراسم رونمایی از کتاب «سیاه‌مست سایه تاک»، تازه‌ترین اثر مرتضی امیری اسفندقه با حضور جمعی از اهالی فرهنگ از جمله سیدعلی موسوی گرمارودی، محمد مهدی سیار، علیرضا قزوه، سعید حدادیان، محمد کاظم کاظمی و... در فرهنگسرای نیلوران برگزار شد.

سیدعلی موسوی گرمارودی در ابتدای این مراسم، امیری اسفندقه را از شاعران دارای طبع روان در دوران حاضر دانست و گفت: «تنها چند شاعر در روزگار ما این ویژگی را دارند که امیری اسفندقه یکی از این شاعران است.» قزوه نیز در این مراسم، امیری اسفندقه را «اخوان جوان» نامید و گفت: «من مرتضی را سال‌هاست که

می‌شناسم. امیدوارم عمرش حالا حالاها به دنیا باشد چون جایگزینی ندارد، چه از منظر شاعری و چه از نظر سلوک شخصی. مرتضی اگر می‌گوید «قصیده‌واره» به دلیل همان سلوک شخصی‌اش است که اهل تقاخر نیست. بعضی از دوستان می‌خواهند قصیده بسایند غزل می‌سرایند یا برعکس. مرتضی اما مسلط است چون سایه بزرگانی بر سرش بوده است که بلد بوده‌اند، و او هم چیزی به آن دانسته‌هاش اضافه کرده است. اخوان پررنگ‌ترین شاعری است که بر شعر و سلوک مرتضی سایه افکنده است، طوری که می‌توانم بگویم او اخوان جوان است.»

او با بیان خاطره‌ای از شفیی کدکنی که گفته بود قصاید امیری اسفندقه کم از قصاید بهار ندارد، گفت: «اشعار امیری اسفندقه دارای جامعیت است. او همچنین سلوک ویژه‌ای دارد که در اشعارش خود را نشان می‌دهد. تمامی این موارد سبب می‌شود تا سروده‌های امیری اسفندقه در مقایسه با دیگر شاعران متمایز باشد.»

در پایان آیین رونمایی، مرتضی امیری اسفندقه، با اشاره به تشبیه شعر او به اخوان گفت: «هیچ‌کس نمی‌تواند جای اخوان را بگیرد، اشعار اخوان مافوق تصور و طاقت بشری است. این شعرها را ما تا قرن‌ها خواهیم خواند و حیرت خواهیم کرد. شعر اخوان چراغ راه ما بوده است، ما هر جا خواستیم فریب بخوریم فریاد زده است و به نسل ایران هشدار داده است: «فریبت می‌دهد این سرخی بعد از سحر که نیست...»

## پیشخوان جهانی



گریه بعد از گزند  
اسلم بیستم  
راجر فدر



جنگ بعدی؛  
پرسش مهم  
اکرومیست



جلد زیبای  
تایم در باره  
تنهایی  
آمریکا



مدیرعامل بانک انصار:

## حاتم کارت انصار، طرحی دائمی در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی است

چه انگیزه‌هایی باعث شد بانک انصار به طراحی این مدل از واگذاری تسهیلات به مصرف کنندگان مبادرت ورزد؟

▲ یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور، فقدان الگوهای تولید مصرف مناسب برای جامعه ایرانی است که از یک سو بتواند مردم را به سمت مصرف بهینه کالاهای مورد نیاز داخلی هدایت و ترغیب کند و از سوی دیگر تولیدکنندگان داخلی را به ارتقای سازوکارهای تولید خود در سطح استانداردهای بین‌المللی از طریق استحکام زیرساخت‌های تولیدی ترغیب سازد. این چالش طی سال‌های گذشته به مهم‌ترین دغدغه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) تبدیل شده است به گونه‌ای که با طرح موضوع اقتصاد مقاومتی و ابلاغ سیاست‌های کلان آن، از همه نهادها و سازمان‌های اقتصادی و بازرگانی و قوای مقننه و اجرایی خواسته‌اند در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی تلاش مستمر کنند. علاوه بر این، سیاست‌های حاکم بر واگذاری تسهیلات کلان به شرکت‌های بزرگ در شبکه بانکی به گونه‌ای بوده است که بیش از ۴۰ درصد منابع بانکی کشور به شکل راكد و مطالبات معوق به یک معضل اساسی بازار پول کشور درآید. بانک انصار براساس مطالعات صورت گرفته نسبت به شرایط اقتصادی کشور تصمیم گرفت به جای ادامه سیاست سنتی به افزایش انجماد منابع مالی، از سمت تقاضای اقتصاد حمایت کرده و مردم را به خرید کالاهای ایرانی تشویق کند و حمایت خود از سمت عرضه را به شکل غیرمستقیم انجام دهد.

آیا طرح حاتم برای بانک انصار جنبه سودآوری هم دارد؟

▲ بانک انصار نرخ ۱۵ درصد را به تسهیلات حاتم کارت انصار با بازه زمانی ۳۶ ماهه تخصیص داده است. که براین اساس، نرخ تسهیلات بانک در این طرح ۳ درصد کمتر از سود تسهیلات اعلامی بانک مرکزی است.

شرکت‌های بزرگ است که به علت سنگینی نرخ سود و رکود تورمی حاکم بر اقتصاد، سرنوشتی جز سنگین شدن بدهی و ورشکستگی شرکت‌ها و افزایش مطالبات معوق برای بانک‌ها ندارد. در شرایط کنونی، تولیدکنندگان داخلی مسئولیت بسیار بزرگی را برعهده دارند و بانک انصار به منظور جبران زحمات آنان، با ایجاد حاتم کارت، به صورت غیرمستقیم، زمینه خرید کالاهایشان را فراهم کرده تا پول و اعتبار مورد نیازشان بدون واسطه، به دست آنان برسد. این درحالی است که این بانک در راستای اجرای طرح حاتم، به دنبال سود و سهم یکسویه نبوده است. با اجرای این طرح، احیای فرآیندهای تولید در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی میسر شده و این خود، رونق بخشی به تولید داخلی قلمداد می‌شود. البته همه ما می‌دانیم که حمایت از تولید داخلی نیازمند عزم ملی بوده و استمرار آن می‌تواند باعث رونق اقتصادی کشور شود تا همه طرف‌های تولید و مصرف اقتصاد، در درازمدت از آن بهره‌مند شوند.

مزایای دیگر طرح حاتم برای اقتصاد کشور چیست؟

▲ اگر همه بانک‌ها به تأسی از بانک انصار درصد حمایت از تولید داخلی و ملی با سرمایه‌های ایرانی برآیند، می‌توانیم از همه ظرفیت‌های صنعتی کشور برای تحقق اقتصاد مقاومتی استفاده کنیم. پیرو فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بسیج همگانی برای تلاش مضاعف نسبت به پویایی اقتصاد ملی و حمایت از تولید ملی، این بانک طرح‌های متعددی را به مرحله اجرا رساند. در گام‌های نخست، واگذاری وام و تسهیلات کلان به شرکت‌های بزرگ در دستور کار قرار گرفت و سپس شرکت‌های کوچک و متوسط هم تحت پوشش تسهیلاتی بانک قرار گرفتند. بانک انصار در گام‌های بعدی و به جهت تکمیل زنجیره ارزش خود فروش تولیدات و ایجاد نقدینگی برای تولیدکنندگان، با افزایش قدرت خرید مصرف کنندگان واقعی، نقش خود را در قبال پویایی اقتصاد ملی به عنوان یک دغدغه مبنایی مقام معظم رهبری (دامت‌افاضاته)، ایفا کرده است. مزیت دیگر این طرح فرهنگ‌سازی برای مصرف کالاهای داخلی است. براساس این طرح مردم به مصرف کالاهای ایرانی، مشروط به رعایت استانداردهای بین‌المللی، عادت می‌کنند. از سوی دیگر، با همه طرف‌های قرارداد خود شرط کرده‌ایم که استانداردهای بین‌المللی را رعایت کنند. این طرح تولیدکنندگان را به رعایت قواعد رقابتی، مشتری‌مداری و رضایتمندی مشتریان تشویق می‌کند. یک مزیت دیگر حاتم کارت انصار، این است که جنبه اشتغال‌زایی هم دارد و بانک انصار همواره در تعامل خود با شرکت‌های تولیدی و در عقد قرارداد با آنها بر این امر تأکید می‌کند.

آیا برای افزایش سقف تسهیلات این طرح، اقدامی صورت گرفته است؟

▲ حاتم کارت انصار یک طرح دائمی است که اجرای آن از سال ۱۳۹۵ آغاز شده است. ما به منظور ساماندهی و همچنین تأمین زیرساخت‌های پرداخت تسهیلات، یک روند منطقی را تعریف کرده‌ایم. در گام نخست اعطای تسهیلات به مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال با اقساط ۳۰ ماهه و نرخ سود ۱۵ درصد در قالب عقد مباحثه برای تهیه چیزی به هریک از مزدوین سال ۱۳۹۵ بود. پس از آن، همان‌طور که وعده داده بودیم، این طرح با تخصیص بودجه لازم، ارتقای زیرساخت‌های فناوری، حمایت مسئولان محترم بانک مرکزی و مشارکت مردم بزرگوار به سایر اقشار جامعه نیز تسری پیدا کرد. مبلغ تسهیلات در ادامه به ۱۵۰ میلیون ریال و اقساط ۳۶ ماهه افزایش یافته است. بدیهی است که براساس شرایط و امکانات و ان شاء الله یاری خداوند منان، ابعاد این طرح قابل گسترش و سقف تسهیلات نیز همچنان قابل افزایش است. ▶

۱ حدود دو سال از اجرای «طرح حاتم» که عنوان آن به شکلی هوشمندانه از ترکیب حروف اول «حمایت از تولید ملی» گرفته شده است، می‌گذرد و حدود ۳ هزار میلیارد تومان از منابع بانک انصار در دو مرحله به اجرای آن اختصاص یافته است. اجرای این طرح، اقدامات موثر بانک انصار در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی را برجسته‌تر کرده است. در نخستین گام این طرح، تمهیداتی فراهم شد تا تازه‌عروس‌سان و تازه‌دامادها تسهیلاتی با نرخ ۱۵ درصد، دریافت کنند و آن را صرف تهیه چیزی به از کالاهای ساخت داخل نمایند. پس از استقبال مزدوین جوان از این طرح، مسئولان بانک تشویق شدند با تأمین اعتبار لازم، آن را به کل جامعه توسعه دهند تا این طرح، جلوه‌ای ملی به خود بگیرد و یکی از طرح‌های کلان کشور در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی به مرحله اجرا درآید. برای آشنایی با دستاوردهای این طرح و آگاهی از چگونگی طراحی و اجرای این طرح، دکتر آیت‌الله ابراهیمی، مدیرعامل بانک انصار به سوالات پاسخ داده‌اند.

اگر این طرح درست اجرا شود، یکی از راه‌ها و طرح‌های موفق است که برای همه طرف‌های قرارداد، سودآوری دارد. از آنجایی که زیرساخت‌های اجرایی و فناوری طرح، سیستم‌ها و زیرسیستم‌ها آماده است و مدیریت بهینه هزینه‌ها در بانک انصار در حال پیاده‌سازی است، اجرای آن مقرون به صرفه است. از برکت‌های این طرح این است که همه اجزای بانک در حوزه فناوری، تسهیلات و بخش‌های دیگر خود را ارتقا داده‌اند.

آیا اجرای این طرح مانع پشتیبانی مستقیم بانک انصار از تولیدکنندگان نیست؟

▲ برخلاف این دیدگاه، این حمایت منطقی‌تر و واقعی‌تر از واگذاری تسهیلات و وام‌های کلان به

## بیانیه بانک انصار به مناسبت دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی

در این پیام تصریح شده است: «انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، نه تنها در عرصه دفاع و روابط بین الملل تاثیرگذار و برای بسیاری از مظلومان و حق پرستان الهام بخش است، بلکه موفقیت های ملت فرهیخته ایران اسلامی در عرصه های علمی و فناوری را به دنبال داشته است، به گونه ای که نظام سلطه و استکبار را بر آن داشته تا با روپای باطل خود انسداد راه پیشرفت ایران اسلامی را دنبال کند، غافل از آنکه جوانان ما به بنیادی ترین مبانی علوم معاصر دست یافته و آن را برای سعادت دنیوی و اخروی همه جهانیان به کار خواهند گرفت.» در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: «بی تردید، جشن گرامیداشت ایام الله خجسته و فرخنده فجر انقلاب اسلامی، در طلیعه چهلمین بهار عزت و آزادی فرصتی برای پاسداری از حوزه های معنوی و دستاورد بزرگ آن یعنی شهادت در راه حاکمیت اندیشه های الهی است و اقتضا می کند در این فرصت، پیام رسان خون شهدای گرانقدر و عزیزمان باشیم که با مجاهدت های وصف ناپذیرشان درخت تناور این انقلاب را آبیاری و میراث باشکوه اینارگری را به حماسه آفرینان مدافع حرم هدیه کردند تا به جهانیان اثبات کنند ایران اسلامی هرگز از اینارگران مدافع ارزش های الهی، خالی نخواهد بود.»

در پایان این بیانیه با تبریک ایام الله فجر انقلاب اسلامی به آحاد ملت شریف، رشید، انقلابی و ولایتمدار ایران و به ویژه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی که با هدایت های هوشمندانه شان بیش از پیش بر عظمت و شکوه انقلاب اسلامی افزوده اند، بر لزوم تکریم و تعظیم حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی)، مقام شامخ شهیدان انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مدافعان حرم تاکید شده است: «بانک انصار به عنوان بنگاهی متعهد به دفاع از ارزش های انقلاب اسلامی و در مقام بانک ارزشی در حوزه بانکداری، بار دیگر بر ایفای نقش موثر و هوشمندانه شبکه بانکی کشور در عرصه اقتصاد مقاومتی تاکید داشته و در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به ملت ایران اطمینان می دهد که همچون گذشته منظومه فکری امام و رهبری را نقشه راه خود در این مسیر مبارک دانسته و در نیل به بانک تراز انقلاب اسلامی و بانک مقاوم در عرصه اقتصاد مقاومتی، از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد بود.»

بانک انصار در بیانیه ای با گرامیداشت سی و نهمین سالگرد پیروزی غرور آفرین انقلاب اسلامی با تاکید بر ضرورت تداوم مقابله تمام عیار با توطئه های استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی و ایادی داخلی آنان، التزام عملی به ولایت فقیه و پیروی از رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی به عنوان سفینه نجات این انقلاب، وحدت نیروهای آن و توجه ویژه به انتظارات و خواسته های بحق مردم را ضامن بقای انقلاب و پیش روندگی ملت ایران دانست. به گزارش اداره کل روابط عمومی و تبلیغات، بانک انصار، در ابتدای بیانیه خود که به مناسبت سی و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی صادر شده، آورده است: «سی و نهمین سالگرد فجر انقلاب اسلامی را که با زعامت اسوه بزرگ پرهیزگاری، تجسم شجاعت و پیشوای عمل به تکالیف الهی در دوران معاصر، حضرت امام خمینی (ره) به پیروزی رسید و پی ریزی تمدنی نوین - مبتنی بر ولایت و امامت - را در عصر بی ایمانی میسر ساخت، در حالی جشن می گیریم که انقلاب اسلامی بار دیگر با بصیرت امام خامنه ای (حفظه الله تعالی) و هوشمندی امت همیشه بیدار بر توطئه ای با ابعاد جهانی غلبه کرد و با حضور حماسی میلیون ها نفر مدافع پرشور، همچنان با صلابت به راه خود ادامه می دهد.» این بیانیه با اشاره به موفقیت های عظیم انقلاب اسلامی در تغییر معادلات متعارف جهانی و گسترش شکفت آور گفتمان امام خمینی (ره)، مقاومت و استکبار ستیزی در جهان تحت سلطه آمریکا و قدرت های استکباری آورده است: «پیروزی انقلاب اسلامی که در کلام هوشمندانه امام راحلمان (ره) «انفجار نور بود»، تجلی شکوه قیام های عدالتخواهانه تاریخ از عاشورای حسینی تا ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود و جامعه بشری را به سمت وسوی سوق داد که یکی پس از دیگری به قیام علیه استکبار و صهیونیسم جهانی بشتابند و حماسه های نابودی صدام، شکست متجاسرین داعشی و متجاوزان به حرم حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)، صلابت مقاومت حزب الله و شیعیان لبنان، ایستادگی مجاهدان انصار الله یمن و قیام مردم شریف بحرین و شکل گیری جبهه مقاومت اسلامی در منطقه را هبردی غرب آسیا را به ارمان آورد.»



### مدیرعامل شستا اعلام کرد

## «واگذاری برخی از شرکت ها» و «شفافیت» در اولویت کاری شستا

به بخش خصوصی عرضه می شود.» مرتضی لطفی گفت: «از ابتدای سال موضوع جمع آوری شرکت های کوچک که در برنامه استراتژی ۵ ساله ما قرار ندارند یا به دلایلی زیان می دهند را می خواهیم ساماندهی و در بازارهای داخلی عرضه کنیم.»

وی تصریح کرد: «استنباط ما این است با بخش خصوصی نباید رقابت داشته باشیم و یکی از اهداف ما رقابت نکردن در عرصه بنگاهداری با بخش خصوصی است.» لطفی با تاکید بر اینکه این برون سپاری به منزله این نیست که از مجموعه سهامداری خارج شویم، تصریح کرد: «با برون سپاری بخشی از شرکت هایی که شستا خریداری کرده و بخشی را که دولت به مجموعه شستا واگذار کرده به دنبال اصلاح ساختار بنگاهداری یا سرمایه ای هستیم.» مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) گفت: «بر این اساس برای واگذاری ۲۰ شرکت با خریداران وارد مذاکره مستقیم شدیم و ۸ شرکت تفاهم با خریداران انجام شده است و با اجرای شرایط مزایده در هفته جاری نحوه واگذاری ۲۷ شرکت از طریق فرایند اعلام می شود.»

لطفی در ادامه اظهار کرد: «پیش بینی می شود، امسال ۱۶ هزار میلیارد ریال در این راستا فروش داشته باشیم و تا الان حدود هشت هزار میلیارد ریال آن محقق شده است و تا پایان سال این رقم را با در ارتباط با فروش بنگاه ها به ۲۶ هزار میلیارد ریال برسانیم.»

مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی

مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) در بازدید از چهاردهمین نمایشگاه نمایشگاه نفت و انرژی کیش با تبیین برنامه گسترده مدیریت جدید شستا در راه بالندگی و ارتقای حقوق ذی نفعان گفت: «چابک سازی و واگذاری شماری از شرکت ها، جوان گرایی و شفافیت، سودآوری و پاسخگویی از جمله اولویت های شستا است.» به گزارش ایلنا، مرتضی لطفی ضمن بازدید از نمایشگاه بین المللی نفت و انرژی کیش با حضور در غرفه شرکت نفت ایرانول، یکی از شرکت های تابعه شستا در نشست خبری به سوالات خبرنگاران پاسخ داد.

لطفی ضمن تشکر از عملکرد شرکت های موفق شستا از جمله ایرانول، افزود: خوشبختانه ایرانول در زمینه فروش روغن موتور و سوودهی در کنار سایر تولیدکنندگان روغن در ۹ ماهه اسفند توانسته رشد خوبی را داشته باشد.»

وی با بیان اینکه شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) با همراهی هلدینگ ها و شرکت های تحت پوشش پروژه های مهمی را در دست افتتاح دارد، تصریح کرد: «آن شاء الله این طرح ها در ایام دهه مبارک فجر با حضور ریاست جمهور و وزیر محترم تعاون و کار و رفاه اجتماعی افتتاح خواهد شد.»

مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) همچنین اعلام کرد: «با مشارکت سازمان تامین اجتماعی در مرحله نخست، ۱۶۷ شرکت و بنگاه اقتصادی کوچک شستا، شناسایی و در قالب بورس کالا و فرابورس

(شستا) درباره عملکرد شستا نیز گفت: «ما اولین مجموعه در کشور هستیم که نظام هوش تجاری را به منظور شفافیت و اطلاعات ذی نفع ها آغاز کردیم و در ارزیابی ۹ ماهه، شستا رشد ۴۵ تا ۵۰ درصدی را نسبت به ۹ ماهه گذشته هم از نظر کمی و هم کیفی در بخش درآمد داشته است.»

وی اظهار کرد: «اگر قرار باشد در عرصه بین المللی با واحدهای بزرگ ارتباط داشته باشیم باید همه صنایع پتروشیمی تحت نظر وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی را ادغام کنیم که هم در راستای تولید و هم در مسیر صادرات هم افزایی ایجاد می کند و از طرفی فرصت رقابت را در عرصه بین المللی فراهم می کند.»

در ادامه این سفر مدیرعامل شستا در دیدار با معاونت اقتصادی و معاون عمرانی سازمان منطقه آزاد کیش در خصوص برنامه های مشترک در حوزه فعالیت های اقتصادی مذاکره کرد.

در این دیدار مقرر شد در نخستین فرصت به دست آمده، پس از فراهم شدن تشریفات قانونی محصولات تولیدی شستا در بورس کالای کیش عرضه شود. ▶

## درخشش روابط عمومی بانک دی در طرح ارزیابی روابط عمومی‌های برتر بنیاد شهید و امور ایثارگران



ایثارگری و بنیاد هستند. شایان ذکر است در این طرح که با هدف ارزیابی علمی-تخصصی عملکرد روابط عمومی‌ها در ابعاد و زمینه‌های مختلف، معرفی و تقدیر از کارکنان و مدیران برتر و موفق جهت الگوسازی برای سایر روابط عمومی‌ها، زمینه‌سازی مساعد جهت تبادل نظر و انتقال تجربیات روابط عمومی‌های برتر و معرفی آثار شاخص در حوزه‌های مختلف روابط عمومی‌ها انجام شد، ۱۲۵۳ اثر توسط هیات داوران مورد ارزیابی قرار گرفت که بر اساس رای هیات داوران، روابط عمومی بانک دی به دلیل اهتمام در انجام نظرسنجی‌های مبتنی بر ضوابط دقیق علمی به عنوان روابط عمومی برتر در این زمینه معرفی شد. ▶

بر اساس این گزارش در آیین افتتاحیه این همایش حجت الاسلام و المسلمین شهیدی با تأکید بر اهمیت فعالیت روابط عمومی‌های مرتبط با حوزه ایثارگران گفت: «روش و نوع فعالیت روابط عمومی‌ها و رسانه‌ها در حوزه ایثار و شهادت در آرامش جامعه ایثارگری نقش والایی دارد و روابط عمومی خلاق با روش‌های نوین و ابتکاری بسیاری از مسائل را برای ایثارگران تبیین و آرامش را به ایثارگران منتقل خواهد کرد.»

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران همچنین با اشاره به لزوم تدوین سند جامع فعالیت روابط عمومی‌های بنیاد در سراسر کشور گفت: «امانتداری، شفافیت و ایفای نقش آگاه‌سازی در اعتمادبخشی به ایثارگران موثر است و روابط عمومی‌های بنیاد در سراسر کشور زبان گویای جامعه

روابط عمومی بانک دی در طرح ارزیابی روابط عمومی‌های برتر بنیاد شهید و امور ایثارگران و سازمان‌های تابعه، موفق به کسب عنوان روابط عمومی برتر در بخش «نظرسنجی» شد.

به گزارش اداره روابط عمومی و تبلیغات بانک دی، در این طرح که به منظور ارزیابی روابط عمومی‌های برتر بنیاد شهید و امور ایثارگران سراسر کشور و سازمان‌های تابعه برگزار شد، بانک دی در بخش «نظرسنجی» به عنوان روابط عمومی برتر انتخاب شد و جمشید قزوینیان، مدیر روابط عمومی بانک دی از سوی حجت الاسلام و المسلمین شهیدی - نماینده ولی فقیه، معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران - مورد تقدیر قرار گرفت.

مدیرعامل بانک دی:

## دارایی‌های مازاد بانک‌ها یکی از چالش‌های مهم نظام بانکی است



موضوع مشکلات زیادی را برای نظام بانکی ایجاد کرده و باعث شده منابع بانک‌ها در این بخش قفل شود. «قرانی همچنین وصول مطالبات و تعیین تکلیف مطالبات غیرجاری بانک دی را از دیگر اقدامات این بانک در جهت تقویت توان مالی بانک عنوان کرده و گفت: «با تشکیل کمیته ویژه وصول مطالبات و پیگیری تعیین تکلیف پرونده‌های غیرجاری و اجرای طرح بخشودگی جرایم تاخیر تسهیلات به صورت جدی در صورت تسویه اصل و سود آن به دنبال بازگشت منابع بانک به چرخه اقتصاد هستیم.» ▶

مدیرعامل بانک دی فروش املاک مازاد با هدف افزایش بازدهی نظام بانکی و افزایش توان اعتباردهی بانک‌ها را در چارچوب سیاست‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی اعلام کرد.

به گزارش روابط عمومی بانک دی محمدرضا قربانی با بیان اینکه دارایی‌های مازاد که اکثراً به صورت غیرمولد هستند و هزینه زیادی بر نظام بانکی تحمیل کرده است، افزود: «این دارایی‌های مازاد بخشی از منابع بانک‌ها را که می‌تواند در راستای حمایت از تولید داخلی به صنایع تولیدی اختصاص یابد منجمد کرده که با فروش این بخش از دارایی‌ها و آزاد شدن منابع بلوکه شده این امر تحقق خواهد یافت.» مدیرعامل بانک دی با بیان اینکه دارایی‌های مازاد بانک‌ها یکی از چالش‌های مهم نظام بانکی است که بانک‌ها را از کارکرد اصلی خود باز می‌دارد، گفت: «در سال‌های گذشته، بانک‌ها با حجم زیادی انباشت سرمایه در بخش املاک و مستغلات روبه‌رو شده‌اند و بخش زیادی از دارایی‌هایشان به اموال غیرمنقول تبدیل شده که این